





مرکز تدوین آثار شهید




بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ



خط رهبر

جلد هشتم

شهید پروفیسور برهان الدین ربانی؛
رهبر جہاد و مُقاومت، رئیس جمہور پیشین و شہید صلح افغانستان
مجموع سخنرانی‌های متفرقة سال‌های ۱۳۸۹، ۸۸، ۸۵، ۸۲ و
۱۳۸۱ هـ ش



شناسنامه کتاب

عنوان کتاب: خط رهبر، جلد ۸؛

عنوان فرعی: مجموع سخنرانی‌های متفرقه رهبر شهید پروفسور برهان‌الدین ربّانی؛

گردآورنده: مرکز تدوین آثار رهبر شهید؛

حروف‌نگاری: مرکز تدوین آثار رهبر شهید؛

ویرایش: مرکز تدوین آثار رهبر شهید؛

تصحیح: مرکز تدوین آثار رهبر شهید؛

تحشیه: مرکز تدوین آثار رهبر شهید؛

ناشر: مرکز تدوین آثار رهبر شهید؛

طراح جلد و برگ‌آرا: عصمت‌الله احراری؛

سال چاپ: ۱۳۹۸ خورشیدی؛

نوبت چاپ: نخست؛

محل چاپ: کابل، افغانستان؛

موضوع: گفتارهای دینی، سیاسی، اجتماعی و...؛

شمارگان: ۵۰۰۰ هزار نسخه؛

شمار برگه‌ها: ۲۳۷؛

قطع: رقعی؛

بها: ۲۲۰ افغانی؛

چاپ‌خانه: بهیر؛

نشانی ما: صفحه رسمی آثار رهبر شهید؛

نشانی برقی: sh.rabbani1390@gmail.com؛

حق چاپ برای مرکز تدوین محفوظ است.

فهرست عناوین

پیشگفتار..... ۱۱

بخش نخست

خطابه‌های ۱۳۸۹ هـ.ش، رهبر شهید پروفسور برهان‌الدین ربّانی

به مناسبت هشتم ثور..... ۱۵

در میان مردم شهرستان بهارک بدخشان..... ۲۱

در میان مردم ولایت بدخشان..... ۴۳

در یادبود از مولانا [عبدالرحمن] سیدخیلی شهید..... ۵۹

در حاشیه‌ای یک کنفرانس خبری..... ۷۵

در حاشیه کنفرانس صلح..... ۸۳

(نشست خبری) در باره جرگه مشورتی صلح..... ۸۹

بخش دوم

خطابه‌های ۱۳۸۸ هـ.ش، رهبر شهید پروفسور برهان‌الدین ربّانی

در مراسم یادبود از شیخ جلیدان..... ۹۷

در همایش بزرگداشت از هفته شهید و سالروز شهادت قهرمان ملی کشور.. ۱۰۳

در تجلیل از بیست و پنجمین سالگرد شهادت استاد ذبیح‌الله شهید..... ۱۱۱

در محفل یادبود از سی‌امین سالگرد قیام سوم حوت..... ۱۲۳

در همایش تجلیل از میلاد باسعادت پیامبر اسلام Y..... ۱۳۳

بخش سوم

خطابه‌های ۱۳۸۵ هـ.ش، رهبر شهید پروفسور برهان‌الدین ربّانی

بریده‌ای از سخنان استاد شهید G در جمعی از اعضای جمعیت ۱۴۵

بریده‌ای از سخنان استاد شهید G در جمعی از اعضای جمعیت ۱۴۹

بخش چهارم

خطابه‌های ۱۳۸۲ هـ.ش، رهبر شهید پروفسور برهان‌الدین ربّانی

بریده‌ای از سخنان استاد شهید G در محفل گرامیداشت از سالروز

پیروزی جهاد ۱۵۷

بریده‌ای از سخنان استاد شهید G در ولایات جنوب و جنوب‌غرب .. ۱۶۳

بریده‌ای از سخنان استاد شهید در ولایت بغلان ۱۷۷

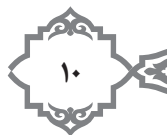
بخش پنجم

خطابه سال ۱۳۸۱ هـ.ش، رهبر شهید پروفسور برهان‌الدین ربّانی

به مناسبت نخستین سالروز انتقال قدرت، در تالار وزارت داخله ۱۸۳

نمایه ۱۹۷

رویکردها ۲۲۹



پیشگفتار

چنان‌که در پیشگفتارِ جلدِ هفتم «خط رهبر» گفتیم؛ بدون شک سرزمینی به نام افغانستان، در بطن خود مردان بزرگی را در گذرِ تاریخ پرورش داده و تقدیم جامعهٔ انسانی کرده‌است و آموزه‌های اعتقادی و دینی این مرزبوم، در کنار دیگر انگیزه‌های منقول و معقول، در ساختار شخصیتی این ابرمردان نقش آفرین بوده‌اند و اما مردانی که توانسته باشند، دین و دنیا را به هم گره زنند و از آزمونگاهِ خدا و بشر کامیاب به در آیند، عظیم‌تر و شکوهمندترند.

جایی بسی مسرت و حیرت است که در این بستری پر از بحران، چنین مردان بزرگی پا به صحنه گذاشتند و ملت‌ی را در خم و پیچ روزگار هدایت دادند. بدون اندک‌ترین گمانی، رهبر شهید پروفیسور برهان‌الدین ربّانی نه تنها یکی از این بزرگان تاریخ ماست؛ بلکه سرخیل خوبان جامعهٔ ماست؛ اما شاید به دلایلی این عظمت و بزرگواری از دیدهٔ شماری از خوبان جامعهٔ ما نمانده باشد؛ لذا «مرکز تدوین آثار رهبر شهید» خواسته‌است که در جهت کاستن این نقیصه و بلندبردن دانش دینی و سیاسی هم‌میهنان مان، گامی بردارد و گامی دلکش‌تر از این نبود که آثار رهبر شهید را به خدمت عزیزان جامعهٔ خویش قرار دهد و آغاز چنین کاری را هم کردیم و مجموعه خطابه‌های آموزنده و سازندهٔ سال‌های ۱۳۹۰، ۱۳۸۹، ۱۳۸۸، ۱۳۸۷ و ۱۳۸۶ و ۱۳۸۵ و ۱۳۸۱ و ۱۳۸۰ را به خدمت گذاشتیم.

اینک جلدِ هشتمِ خطِ رهبر را که حاوی «۱۸» خطابهٔ متفرقهٔ متعلق به سال‌های ۱۳۸۹، ۸۸، ۸۵، ۸۲ و ۱۳۸۱ ه.ش، است. در خدمت قرار

می‌دهیم.

کار ما:

در گام نخست؛ سخنرانی‌های رهبر شهید را از «هفته‌نامه مجاهد»، از نوار و از رسایل دیگر، رو برداشت کرده و حروف‌نگاری می‌کنیم و بعد مطابق دستورالعمل تدوینی خویش، دست به تصحیح می‌زنیم و از آن بعد در کنار مُعَرَّفی نام‌ها، اماکن، گروه‌ها، اصطلاحات، استخراج احادیث، ارجاع آیات، مستندسازی روایات و نقل قول‌ها، ترجمه آیات، احادیث و متون عربی و توضیح نکات قابل توضیح، تدوین رویکردها و ویرایش، نمایه‌ای از آیات، احادیث، اشعار، اشخاص، اماکن، احزاب، گروه‌ها و مفاهیم وارده در کتاب را در پای آن ردیف می‌کنیم.

درکُل؛ چشمداشت ما از این کار این است: نسلی که به دلایلی از معیت با این خطابه‌های روشنگر، به‌دور بودند؛ امروزه در متن این خطابه‌ها قرار گیرند؛ تا رغبت جنبیدن در آنان بیدار شود و تَدَکُری باشد به آنانی که همگام با این خطابه‌ها بودند؛ تا فراموش نکنند که چه عهدی بسته بودند.

به هر رو - چنان‌که پیش از این گفتیم - ما متعهد به خط رهبریم و این خط را خط اصیل و خردمندانه جامعه خویش می‌دانیم. از این رو ما «خط رهبر» را عنوان کردیم، البته قابل تذکر اینکه، این خط سخنرانی‌های متفرقه سال‌های مختلف استاد شهید است که بنا به دلایل تخنیکی در خدمت مرکز تدوین قرار نگرفته بودند و اینکه به یاری و لطف خداوند متعال، این خطابه‌ها را در جلد هشتم تنظیم کردیم و به عنایت حضرت باری، توانستیم که جلد هشتم خط رهبر را روانه چاپخانه کنیم.

به امید روزی که بتوانیم همه فرآورده‌های استاد شهید را در خدمت شما نیکان قرار دهیم؛ تا «خط رهبر» هرچه بیشتر چهره بنماید و مَا ذَلِكَ عَلَيَّ اللَّهُ بِعَزِيزٍ.

فضلی آماج


رئیس مرکز تدوین آثار رهبر شهید

بخش نخست

خطابه‌های ۱۳۸۹ هـ. ش، رهبر شهید پروفیسور برهان‌الدین ربّانی



خطابهٔ یک صد و چهاردهم
به مناسبتِ هشتمِ ثور
زمان: ثور ۱۳۸۹ هـ ش؛
مکان: کابل، افغانستان.



بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ^۱

فرارسیدن روز هشتم ثور را - که در تاریخ افغانستان، یکی از روزهای پرافتخار و روزهای بسیار مهم تاریخی است - به ملت بزرگ و عزیزمان در سراسر افغانستان عزیز، به سنگرداران عهد جهاد و مقاومت، به خانواده شهدا و معلولین مبارکباد می‌گوییم.

شکی نیست که در تاریخ افغانستان، افتخار بزرگی که در روز هشتم ثور در اثر جهاد ملت بزرگ افغانستان، پایداری و مقاومت مردم ما و قربانی‌های بی‌دریغی که ملت عزیز ما در راه دفاع از آزادی و استقلال افغانستان از خود نشان دادند و دستاورد بزرگی که در اثر این جهاد بزرگ به میان آمد، این حادثه را نه تنها در تاریخ افغانستان کم‌نظیر ساخته است؛ بلکه در تاریخ جهان با حادثه‌ای به این بزرگی و نتایج با این عظمت، کم‌تر مواجه می‌شویم و در تاریخ ملت‌ها چنین رویدادی کم‌تر وجود دارد.

البته این قیام بزرگ، بر اساس ایمان عمیق ملت ما به ارزش‌های دینی، علاقه‌مندی و محبت بی‌دریغ به استقلال و آزادی و محبت به سرزمین آبابی‌شان افغانستان و به تاریخ و فرهنگ‌شان استوار بوده و این علاقه‌مندی‌ها و این اعتقاد باعث رستاخیز عظیم جهادی در مابین ملت ما شد. روزهایی که ملت عزیز ما در برابر قشون سرخ به دفاع از دین، استقلال، آزادی و عظمت ملی خود قیام کرده بودند، دنیا و بسیاری از تحلیل‌گران در جهان تصور نمی‌کردند که دیگر افغانستان دوباره از کام اژدهای سرخ نجات یابد

۱. به نام خداوند بخشنده مهربان. «مرکز تدوین»

و هیچ کس تصوّر نمی کرد ملت بی دفاعی ای که با وسایل بسیار ابتدایی به قیام آغاز کرده، بتواند مدّتی در برابر تهاجم قشون سرخ ایستادگی بنمایند، فکر می کردند برای یک چند هفته یا چند ماهی به عنوان عناصر شورشگر یک سلسله تلاش های پراکنده ای را به راه خواهند افتاد و سپس چراغ مقاومت برای همیشه خاموش خواهد شد و افغانستان در کام اژدهای سرخ برای همیشه باقی خواهد ماند که به لطف الهی، ملت افغانستان ثابت ساخت که ملت های معتقد و باایمان، ملت های آزادی دوست، ملّتی که از خود تاریخ و فرهنگ دارد، آنان به سادگی در برابر هیچ قدرتی و لو هر قدر ویرانگر، و لو هر قدر قدرت و وحشتناک هم - مانند قشون سرخ اتّحاد شوروی متوفی - باشد، ملت افغانستان هرگز تسلیم آن نمی شود، و چنان که تسلیم هم نشد؛ اما با درد و تأسّف فراوان باید این را یاد بکنیم که دولتی که امروز محصول این جهاد بزرگ و این قیام عظیم است، امروز مسئولیت شناسی در تجلیل از این روز بزرگ را کم تر می بینیم و دارد کم کم این روز بزرگ در سطح استقبال رسمی کم رنگ می شود؛ اما این مطلب را هم ناگفته نگذاریم، اگر کمبودی ها یا مسئولیت ناشناسی هایی در میان مسئولین دولت و بعضی از منسوبین جهاد هم در مابین شان وجود داشته باشد؛ اما این روز و این خاطره بزرگ، هرگز از تاریخ و در وجدان ملت ما خاموش نخواهد شد. وارث این روز پرافتخار و این قیام عظیم، همه ملت عزیز افغانستان است و ملت ما هرگز اجازه نخواهد داد که این افتخار بزرگ به فراموشی سپرده خواهد شد. افتخار بزرگی که نه تنها به نسل امروز مربوط است که به نسل فردا و فرادهای افغانستان هم تعلق شدید دارد و در تاریخ افغانستان به عنوان یک پدیده بسیار درخشان و یک حادثه عظیم برای همیشه حفظ خواهد شد و برای نسل های امروز و فردای افغانستان درس آزادمَنشی، درس استقلال، درس دفاع از دین و عقیده و ارزش ها را به عنوان یک منبع الهام بخش، خواهد داد.

ما امیدواریم ملت ما در پناه این افتخارات بزرگ، حرکت خود را برای رسیدن به یک افغانستان باعظمت، افغانستان سربلند، افغانستان عاری از جنگ آغاز کنند و همه در ساختار این افغانستان باشکوه و باعظمت


دست به دست هم بدهند.

امیدواریم دیگر در کشور ما صدای کشمکش‌های جنگ خاموش شود و در برقراری صلح و امنیت و برادری و در جهت بازسازی همه دست به دست همدیگر بدهیم.

أَقُولُ قَوْلِي هَذَا، وَأَسْتَغْفِرُ اللَّهَ لِي وَلَكُمْ^۱ وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ.

۱. (می‌گوییم: سخن من همین است، به خود و شما از الله^۱ آمرزش می‌طلبم) با این جمله، پیامبر Y و یاران مبارکش، گاه‌گاهی سخنرانی‌های‌شان را خاتمه می‌دادند. نگاه: ابن جبّان، شماره حدیث: ۳۸۲۸ و السلسلة الصحيحة، از ناصرالدین البانی، شماره حدیث: ۲۸۰۳. «مرکز تدوین»

خطابهٔ یک صد و پانزدهم
در میان مردم شهرستان بهارک
زمان: سال ۱۳۸۹ هـ ش؛
مکان: شهرستان بهارک، بدخشان.



مردم متدین بهارک^۱ و ولسوالی‌های همجوار آن که اینجا تشریف آورده‌اید!

السَّلَامُ عَلَیْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ!

دیروز ما همراه با تعدادی از دوستان در «جرم»^۲ در اجتماعی که به ابتکار دفتر انتخاباتی و کمپاین یک‌تن از جوانانی که مربوط به خانواده شهدای مردم بدخشان^۳ است؛ یعنی برادر ذکریا سودا^۴ اشتراک داشتیم و امروز در اجتماع شما که به ابتکار حامیان کمپاین انتخاباتی برادر بسیار ارجمند فرمانده حماسه‌سازتان، برادر سردار خان و خواهر آگاه و متدین و باتقوای تان، خواهر

۱. بهارک (بهارستان)؛ یکی از شهرستان‌های باستانی استان بدخشان است. این شهرستان یکی از شاهراه‌های مهم راه ابریشم است و از لحاظ فرهنگی مهد پرورش علما، شعرا و شخصیت‌های خوب بوده است. اکثر مردم آن زندگی خود را از طریق زراعت و مالداری، دکان‌داری و... تأمین می‌کنند. این شهرستان از حیث اقلیم، دارای آب و هوای مناسب برای زرع نبات، حبوبات و میوه‌ها بوده و سب رخش آن در سطح افغانستان کم‌نظیر است. نگاه: جغرافیای عمومی ولایات افغانستان، ص: ۴۳۳. «مرکز تدوین»

۲. شهرستان جرم، در جنوب شرق شهر فیض‌آباد واقع است و بخش‌هایی از این ولسوالی در سال‌های اخیر شاهد فعالیت‌های مخالفان مسلح نیز بوده است؛ اما حالا وضعیت آن آرام است. بلندترین قله کوه خواجه محمد با ارتفاع ۶۷۲۹ متر در این ولسوالی موقعیت دارد. این ولسوالی دارای دره‌های بزرگ و به شمول فرغانج، کیب، کتیب، الریب، فرغامرو، خُستک و اسکان است. همان، ص: ۴۳۵. «مرکز تدوین»

۳. بدخشان؛ در انتهای گوشه شمال شرق افغانستان واقع گردیده است. مساحت آن ۴۴۸۳۵،۹ کیلومتر مربع و جمعیت آن در سال ۱۳۹۱ هـ.ش، حدود ۹۰۴،۹ هزار نفر تخمین شده است و مرکز آن شهر فیض‌آباد می‌باشد. نگاه: جغرافیای عمومی ولایات افغانستان، ص: ۳۹۱ - ۴۱۶. «مرکز تدوین»

۴. محمد ذکریا سودا فرزند شاعر معروف دوران جهاد برات محمد سواد است که در دور شانزدهم نماینده مردم بدخشان در مجلس نمایندگان بود و در این زمان (۱۳۹۸ هـ.ش) استان‌دار بدخشان است. «مرکز تدوین»

«منیره» در اینجا شرکت کردیم.

ما در این روزها، در ده روز اواخر ماه مبارک رمضان قرار داریم. در ماه قرآن، کتاب الهی، خلاصه تشریح رمز و راز هستی، سرچشمه هدایت، جبل‌المتین الهی، سفینه نجات بشریت، قرآن عظیم‌الشان و ماه صیام، تربیتگاه مؤمنان، خداپرستان، شب‌زنده‌داران، کسانی که برای نجات خود و جهان انسانی روزه می‌گیرند، بلی ما در این ماه بزرگ قرار داریم. البته شما از علمای بزرگ، عَظَمَت ماه مبارک رمضان، ماه قرآن، مطالب ارزشمندی را ضمن مواعظ و اندرزهای‌شان شنیده‌اید، من به این ارتباط زیاد حرف نمی‌زنم؛ اما به مناسبت ماه بزرگ به یک دو حدیث پیامبر گرامی ﷺ اکتفا می‌کنم که پیامبر گرامی فرمودند:

﴿خَيْرُكُمْ مَنْ تَعَلَّمَ الْقُرْآنَ وَعَلَّمَهُ﴾^۱

یعنی بهترین شما کسانی‌اند که قرآن را می‌آموزند و آموزگاران قرآن‌اند. پس بر همه ماست به خصوص نسل جوان ما، نسل آگاه و برومند ما، فرزندان وارثین حقیقی این سرزمین، فرزندان شهدای گلگون‌قبای کشور، حماسه‌سازان مجاهد و فرزندان ملت متدین و مردم بادیانت بدخشان‌مان است که به قرآن رجوع کند و در ظلال و سایه‌های پربرکت قرآنی، سمت و سوی زندگی خود را انتخاب بکنند، به چپ و راست، به اندیشه‌های گمراه‌کننده قدرت‌های استعمارگر و نیروهای ویرانگر، انسان‌هایی که هنرشان جز سرکوبی انسان و انسانیت چیز دیگر نیست و با اندیشه‌های فاسدشان می‌خواهند ملت‌ها را فاسد، گمراه و سرانجام اجیر و مزدور بسازند، به حرف‌های آنان، به حرف‌های مزدوران و اجیران‌شان که به‌عنوان جاده صاف‌کن استعمار^۲، افکار و اندیشه نسل جوان ما را به فساد سوق

۱. صحیح البخاری، شماره حدیث ۴۶۶۴. «مرکز تدوین»

۲. استعمار یا استعمارگری؛ در لغت به معنای آبادانی خواستن است؛ اما معنای دیگرش که امروزه به‌کار می‌رود، تسلط سیاسی، نظامی، اقتصادی و فرهنگی ملت قدرتمند بر یک قوم یا ملت ضعیف است. مفهوم استعمار امروز با مفهوم امپریالیزم پیوستگی کامل یافته و استعمار اساساً عمل قدرت امپریالیستی شناخته می‌شود و ناگفته نماند که قرآن کریم دو خاصیت را برای آن برمی‌شمارد: ۱- ﴿إِذَا دَخَلُوا قَرْيَةً أَقْسَدُوهَا﴾ (هنگامی که وارد منطقه آبادی می‌شوند، آن را به تباهی و ویرانی می‌کشاندند). ۲- ﴿وَجَعَلُوا أَعْرَءَ أَهْلِهَا أَذْلَةً﴾ (و عزیزان اهل آن‌جا را خوار و پست می‌گردانند). اما

می‌دهند، گوش ندهید. به قرآن رجوع کنید، به سیرت پیغمبرتان رجوع کنید! پیغمبر Y می‌فرماید:

﴿مَا اجْتَمَعَ قَوْمٌ فِي بَيْتٍ مِنْ بُيُوتِ اللَّهِ يَتْلُونَ كِتَابَ اللَّهِ وَيَدَارِسُونَهُ بَيْنَهُمْ إِلَّا نَزَلَتْ عَلَيْهِمُ السَّكِينَةُ وَغَشِيَتْهُمُ الرَّحْمَةُ وَحَفَّتْهُمُ الْمَلَائِكَةُ وَذَكَرَهُمُ اللَّهُ فِيمَنْ عِنْدَهُ﴾^۱

(مسلمانان در جایی، در مراکز و در خانه‌های دعوت، در خانه‌ها و بیوت‌الله جمع نمی‌شوند؛ مگر اینکه این نعمت‌های الهی به سراغ‌شان می‌آید، در پناه رحمت الهی قرار می‌گیرند. رحمت و لطف خداوند^۱ از هر طرف ایشان را در آغوش خود می‌گیرد. فرشتگان ایشان را هر طرف احاطه می‌کند. خداوند سکون قلبی و اطمینان روحی برای‌شان نازل می‌کند. در ملکوت اعلیٰ ذکر خیرشان در پیشگاه خدا صورت می‌گیرد.)

این چنین پیغمبر گرامی Y می‌فرماید:

﴿مَنْ يَقْرَأُ الْقُرْآنَ وَهُوَ مَاهِرٌ بِهِ مَعَ السَّفَرَةِ الْكِرَامِ الْبَرَّةِ﴾

(کسی که قرآن را می‌خواند و با تجوید قرآن را تلاوت می‌کند، در جمله کرام‌الکاتبین و در صف آنان قرار می‌گیرد.)

﴿وَمَنْ يَقْرَأُ الْقُرْآنَ وَيَتَتَعْتَعُ فِيهِ فَلَهُ أَجْرَانِ﴾^۲

و کسی که خوب تجوید را نمی‌فهمد، و قرآن را خوب یاد ندارد؛ یعنی به مشکل قرآن را می‌خواند و به تعبیر ماوشما ایجگی^۳ کرده می‌خواند، خداوند^۱ برای او دو پاداش می‌دهد. بلی یک اجر نه؛ بلکه دو اجر

تاریخ مفهوم جدید آن، از قرن‌های شانزدهم و هفدهم آغاز می‌شود. درکل، تاریخ استعمار را از دوره باستان تا کنون می‌توان به چهار دوره بخش کرد: ۱- دوره باستان؛ ۲- دوره استعمار جهانی؛ ۳- قرن‌های نوزدهم و بیستم؛ ۴- دوره استعمار نو. نگاه: نگرش‌هایی در اسلام، از امام شهید حسن البنا و دانشنامه سیاسی، ص: ۲۶ - ۳۰. «مرکز تدوین»

۱. سنن ابی داود، شماره حدیث: ۱۴۵۵ و صحیح مسلم، شماره حدیث: ۲۷۰۰. «مرکز تدوین»
 ۲. متن و لفظ حدیث مبارک به روایت امام مسلم چنین است: ﴿الْمَاهِرُ بِالْقُرْآنِ مَعَ السَّفَرَةِ الْكِرَامِ الْبَرَّةِ، وَالَّذِي يَقْرَأُ الْقُرْآنَ وَيَتَتَعْتَعُ فِيهِ وَهُوَ عَلَيْهِ شَاقٌّ لَهُ أَجْرَانِ﴾ شماره حدیث ۷۹۸ اما در روایت ترمذی ﴿الَّذِي يَقْرَأُ الْقُرْآنَ وَيَتَتَعْتَعُ فِيهِ وَهُوَ عَلَيْهِ شَاقٌّ لَهُ أَجْرَانِ﴾ آمده است؛ ولی در روایت الطبرانی چنین آمده است: ﴿مَنْ قَرَأَ الْقُرْآنَ هَذَا كَانَ مَعَ السَّفَرَةِ الْكِرَامِ الْبَرَّةِ﴾ «مرکز تدوین»

۳. ایجگی: در گویش بدخشانی، به معنای همجاخواندن و همجاکردن قرآن کریم و مُتون عربی به کار می‌رود. «مرکز تدوین»

می‌دهد. یکی اجر قرآن خواندن و یکی اجر مشکلی که در وقت قرآن خواندن برای او پیش می‌شود.

به هر حال؛ دعا می‌کنیم که خداوند^۱ به لطف بی‌پایان خود در این ماه رحمت، ماه مغفرت، ماه آزادی از آتش دوزخ، همه ما روزه‌داران و همه ملت ما را شامل رحمت بی‌پایان خود قرار دهد و همه ما را در مسیری که قرآن ما را به او هدایت می‌کند، قرار بدهد.

امروز در یک مرحله حساسی از تاریخ قرار داریم، انسان‌های آگاه در مراحل بسیار حساسی از تاریخ، تصمیم‌های تاریخی می‌گیرند. تصمیم‌شان را خیلی سنجیده و خیلی درست باید اتخاذ بکنند. انسان‌های مؤمن همیشه در زندگی شان جدی می‌باشند. به قضایای مهم و حتی قضایایی که بسیار اهمیت هم نداشته باشد، به صورت قضایای پیش‌پاافتاده مدنظر نگرفته و جدی برخورد می‌کنند.

مسئله انتخابات یکی از جمله مطالبی است که سرنوشت سیاسی، حقوقی، اداری، اقتصادی و سرنوشت هویت دینی و ملی ملت‌ها از جمله ملت خودمان به آن و به تصمیم‌هایی که در ایام این انتخابات صورت می‌گیرد، وابسته است.

پیش از اینکه به اصل انتخابات تماس بگیرم، می‌خواهم این نکته را تذکر دهم که من در فیض‌آباد^۱ بودم، شب‌نامه‌ها یا نشریه‌هایی به دست من رسید که در آنجا به زعم خودشان بعضی از آیات را چنان مورد استدلال قرار داده بودند که انتخابات مجوز شرعی ندارد.

من توصیه می‌کنم به آن تعداد از برادران عزیزمان و به آن تعداد از علمایی که این آیت قرآن کریم را که می‌فرماید: ﴿فَاسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ

۱. شهر فیض‌آباد مرکز استان بدخشان قبلاً به نام «جوزگون» یا «جوزون» یاد می‌گردید. پس از سال ۱۱۰۳ که خرقه رسول انسانیت حضرت محمد ﷺ از بخارا به این شهر انتقال یافت، به برکت همین خرقه، به فیض‌آباد مسمی گردید. شهر فیض‌آباد ۳۲۰۳ کیلومتر مربع مساحت دارد که در آن حدود ۳۶۰ قریه وجود دارد و جمعیت آن حدود ۴۰۰۰۰۰ چهار لک نفر می‌باشد. مردم آن به زبان فارسی دری صحبت می‌کنند و پیرو مذهب حنفی می‌باشند. فیض‌آباد از کابل ۵۸۸ کیلومتر فاصله دارد. نگاه: بدخشان در تاریخ، ص: ۲۴، ج: ۱ و ۲، نویسنده: دکتور صاحب‌نظر مرادی، سال چاپ: ۱۳۸۹ هـ ش، ناشر: انتشارات خیام. «مرکز تدوین»

لَا تَعْلَمُونَ.. ﴿۱﴾ نادیده نگیرند. چون یک موضوع را خوب نمی‌فهمیدید، خودتان اعلان حلیت و حرمت نکنید. حلال بودن و حرام بودن یک چیز حق هر انسان نیست که هرکسی اعلان بکند که فلان چیز حلال است و فلان چیز حرام است.

در حدیثی از پیامبر اکرم ﷺ آمده است که اهل کتاب را که خداوند^۱ محکوم قرار می‌داد و به آنان می‌گفت که اینان ﴿مِن دُونِ اللَّهِ﴾ را عبادت می‌کنند. بعضی از منسوبین اهل کتاب و بعضی از مسلمانان از رسول اکرم ﷺ پرسیدند که یا رسول الله! فدایت شویم، این اهل کتابی را که شما می‌گویید، همه این‌ها غیر خدا را نمی‌پرستند؛ بلکه خدا را می‌پرستند، چگونه قرآن کریم این‌ها را مشرک و منحرف می‌خواند؟

پیغمبر ﷺ فرمود: مگر نه این است که این‌ها از پیش خود چیزهایی را حلال می‌سازند و چیزهایی را حرام حکم می‌کنند. این حق را برای این‌ها که داده‌است؟!

همین است عبادت ایشان به غیرالله^۲ پس این خداست که شارع است. اوست که چیزی را حلال حکم می‌کند و چیزی را حرام، ناگفته نماند که بیشتر فرزندان و جوانانمان که متأسفانه به‌علت درگیری و مشکلات زیادی که دام‌گیر نهضت‌های جهادی در کشور شد، مخصوصاً «جمعیت اسلامی افغانستان» که ما کم‌تر فرصت پیدا کردیم که همگام با یک‌تعداد علمای آگاه‌مان به نسل جوانمان خط و سمت‌وسو برای‌شان دهیم، شکار این گروه‌ها شدند.

۱. نحل / ۴۳: ﴿وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ إِلَّا رِجَالًا نُوحِي إِلَيْهِمْ فَاسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ﴾ (و پیش از تو [هم] جز مردانی که بدی‌شان وحی می‌کردیم گسیل نداشتیم، پس اگر نمی‌دانید از پژوهندگان کتاب‌های آسمانی جویا شوید.) «مرکز تدوین»

۲. عدی بن حاتم ~ می‌گوید: هنگامی که محضر رسول الله ﷺ رسیدیم که صلیبی از طلا به گردنم آویزان بود. رسول الله ﷺ با دیدن صلیب فرمود: ای عدی! این بت را از گردن بیرون بینداز! من هم صلیب را بیرون انداختم و تا جایی با او همراهی کردم که به این آیه مبارکه سوره براءه رسید که می‌فرماید: ﴿اتَّخَذُوا أَحْبَابَهُمْ وَرُهْبَانَهُمْ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ اللَّهِ﴾ یعنی از رسول الله ﷺ پرسیدم: ای رسول خدا ﷺ ما که آنان را عبادت نمی‌کردیم، رسول الله ﷺ فرمود: ﴿الَّذِينَ يُحَرِّمُونَ مَا حَلَّلَ اللَّهُ فَحَرِّمُوهُ، وَيُحِلُّونَ مَا حَرَّمَ اللَّهُ فَتَسْتَحِلُّوهُ؟﴾ گفتم: بلی. فرمود: ﴿فَبَلِّغْ عِبَادَتَهُمْ،﴾ یعنی همین عبادت‌شان است به غیرالله. نگاه: الطبرانی ذیل آیه ۳۱ سوره براءه. «مرکز تدوین»

البته دلیل این فرصت پیدانکردن این بود که یک جهان توطیه بر ضد جهاد و بر ضد اسلام، بعد از تحولات در کشور ما به میان آمد. از این سبب ما زیادتر به آن قضایا مصرف شدیم و نسل جوان ما مثل کسانی بودند که در یک حالت فراغ و در یک خلا قرار گرفتند، بناءً دست‌های مختلفی به‌سوی‌شان دراز شد، در پهلوی دست‌های ناپاک، بعضی از گروه‌ها و نهضت‌هایی هم در جهان اسلام هستند که همه افکارشان مورد اتفاق مسلمانان و اجماع امت نیست.

این نکته را این جوانان باید بدانند که هر فقیه نمی‌تواند بر مبنای اجتهاد خود چیزی را حرام بسازد و چیزی را حلال. البته عنوانی را که در این ورق‌ها دیدم، این دیدگاه‌ها منسوب به بعضی از علما و به یکی از احزاب و نهضت‌های اسلامی که به نام «حزب التحریر»^۱ یاد می‌شود.

من باید به همین نسل جوان مان این پیام را برسانم که حزب التحریر را این برادران شاید از دور شنیده باشند؛ اما من شخصاً به دوست‌های بسیار نزدیکی از [کادرهایی شان، داشتم] و این چنین با مرکز رهبری‌شان و با کتاب‌ها و با

۱. حزب التحریر؛ یک حزبی است که ترکیز دعوتش بر واجب‌بودن اعاده خلافت اسلامی می‌باشد و فکر را یگانه مؤثر قوی در تغییر نظام می‌داند، از این حزب اجتهادات و فتوای‌های شرعی نیز صادر شده که آن‌ها باعث انتقاد جمهور علمای مسلمان بالای این حزب گردیده‌است. اولاً حزب مدت وصول بر حکومت را سیزده سال از ابتدا تأسیسش تعیین کرد، شیخ نبهانی مؤسس این حزب، به وضاحت در کتاب «الخلافة» ص: ۱۵۸، می‌گوید: نباید بازگشت خلافت ده‌ها سال را در بر بگیرد؛ بلکه باید به‌دست همین نسلی که تثقیف شدند، به وجود بیاید. بعداً نظر به اوضاع و مشکلات گوناگون، این مدت را به سی سال تمدید کرد؛ ولی آن هم گذشت و این هم گذشت؛ مگر هیچ چیز واقع نشد. حزب از امور روحی تغافل می‌کند و به نظر سطحی به آن می‌بیند. حزب اعتقاد به عذاب قبر و ظهور مسیح دجال را بالای اعضای خود حرام ساخته و معتقد به آن را گنهار می‌شمارد. رهبران حزب امر به معروف و نهی از منکر را از جمله موانع کار در این مرحله می‌دانند و معتقد به عدم تعرض به آن‌اند و این امر و نهی را از وظایف دولت اسلامی که برپا خواهد شد می‌شمارند. پژوهشگران بالای حزب اموری را انتقاد می‌کنند که از آن جمله امور آتی است: اول؛ مسایل دعوت: توجهش بر جوانب فکری و سیاسی و عدم توجهش به جهان تربیوی و روحی، مصروف‌شدن افراد حزب در مناقشه و جدال با همه گروه‌های اسلامی دیگر. دوم؛ در برخی مسایل فقهی مثل: مباح و جایز بودن بوسیدن زن بیگانه و قول به اینکه اگر فرمانروای دولت مسلمان یک‌شخص کافر باشد هم جایز است و همچون چیزها.. نگاه: شناخت ادیان و مذاهب معاصر، از مانع بن حماد جهتی، ص: ۱۱۵-۱۲۲ و کتاب الخلافة، از شیخ نبهانی، ص: ۱۵۸. «مرکز تدوین»

قانون اساسی‌ای که رهبرشان مرحوم تقی‌الدین نهبانی^۱ نوشته‌است، آشنایی دارم و با کسانی که با من هم‌سن و سال بودند، دوستی داشتم و حتی دوستی داشتم، مثل صوفی قربان^۲ که صمیمانه مرا دوست داشت و من او را دوست داشتم و او یکی از اعضای برجسته این حزب با من هم‌صنف بود و به‌نام صلاح‌الدین یاد می‌شد. این صلاح‌الدین من را سخت دوست داشت و به من

۱. مرحوم نهبانی هم حرکت دیگری را به‌نام حزب‌التحریر ایجاد کرد. حرکت او بیشتر شکل یک جریان سیاسی و فقهی را دارد که از جمله در بعضی مسایل فقهی نظرات پخته‌ای دارد؛ اما بعضی نظرات فقهی‌اش را بعضی علما قبول ندارند، مثلاً وقتی که قرآن کریم می‌گوید که شما به خلیفه بیعت نکنید. ﴿إِنَّ الَّذِينَ يُبَايِعُونَكَ إِنَّمَا يُبَايِعُونَ اللَّهَ﴾ از جمله نظرات مرحوم نهبانی در این مورد این است: وقتی که به امام بیعت می‌شود، هم مردها باید دست بدهند و هم زن‌ها. طبعاً دیگر علما این را قبول ندارند، و در مسایل مبارزات اسلامی او به طلب نصرت معتقد است، می‌گوید: ضرورت به این نیست که ما مبارزه انقلابی نکنیم، فقط مبارزه فرهنگی و یک سلسله اصول اسلامی را به مردم بگویم، او می‌گوید: ما باید مطابق به این آیت قرآنی: ﴿وَإِنِ اسْتَنْصَرُوكُمْ فِي الدِّينِ فَعَلَيْكُمُ النَّصْرُ﴾ به پیش زعمای سیاسی برویم و از آن‌ها تقاضا کنیم که تو نظام خلافت را قایم بکن. مثلاً این‌ها [یعنی برادرهای حزب‌التحریر] پیش «عبدالرحمان عارف» در عراق بعد از اینکه کودتا صورت گرفت، آمدند و از او خواستند که تو نظام خلافت را قایم بکن، پیش «عبدالعزیز» پادشاه عربستان سعودی رفتند که تو نظام خلافت را قایم بکن. به همه‌حال من در مرکز‌شان بسیار زیاد رفتم و همچنان کتاب‌های‌شان را زیاد خواندیم و در مرکزی‌شان که در «لبنان» است هم رفتم، همچنان هم‌صنفی‌ها و از جمله دوست‌های بسیار نزدیک من کسانی بودند که اعضای بسیار برجسته در حزب‌التحریر بودند و هستند، در کل مردم‌های خوب هستند. به هر حال فقها هرکدام نظراتی دارند، بعضی نظرات‌شان قابل قبول است و بعضی نظرات‌شان مردود است؛ اما فعلاً اجماع همه فقهای اسلامی چه فقهای که در باب سیاست گپ زدند و یا در غیر آن، این است که انتخابات مشروع است؛ اما در بعضی مراحل واجب هم است، فقهای هند، فقهای پاکستان، علمای عرب، در کل تمام علما و فقهای دنیای اسلام به همین عقیده‌اند که اگر میدان را به «سکولرها» و بی‌دین‌ها بگذاریم، نظام‌های غیر دینی در جهان اسلام حاکم می‌شود؛ لذا باید به انتخابات برویم چون فعلاً راه دیگر برای مان بسته‌است، در حالت «مخمسه» و اضطراریم، چنین حالتی حتی خوردن چیزهای حرام جایز است؛ تا به جایی که حلال بوده باشد و در اصل، در اسلام هم مشروعیت داشته باشد. نگاه: خط رهبر جلد دوم، ص: ۷۵ - ۷۸. «مرکز تدوین»

۲. صوفی قربان محمّد قاصر؛ در شهرستان جرم استان بدخشان دیده به جهان گشود، درس ابتدایی را در آنجا فرا گرفت، برای ادامه تحصیلات عالی به کابل رفت و شامل لیسه این سینا شد، بعداً از دانشکده شریعات سند فراغت به‌دست آورد، به قول استاد شهید «صوفی قربان محمّد، نماد از جوانان مبارز و باشهامت بود که به‌عنوان پرچمدار مُسارزه در برابر ظلم و طغیان قد علم کرد و پیوسته در خط مقدم مُبارزه قرار داشت و هر قسم پوهنتون کابل خاطرات فراموش‌ناشدنی از این جوان باهویت، باتقوا و باشهامت را در خود به یادگار دارد.» وی در زمان زعامت رهبر شهید پروفیسور برهان‌الدین ربّانی G به‌عنوان رئیس محاکم ولایت بدخشان تعیین گردید و خدمات ارزنده‌ای را انجام داد. سرانجام صوفی صاحب در یک سانحه هوای همراه با استاد سایف، آرین‌پور و تعداد دیگر هنگام حرکت به‌طرف کابل چرخبال حامل‌شان سقوط کرد و به شهادت رسیدند. «مرکز تدوین»

مَحَبَّت داشت و من چون در درس کمی واری سَویه‌ام خوبتر بود. ایشان را درس می‌دادم و همیشه پیرامون مسایل و قضایای مختلف بحث می‌کردیم. وقتی به مراکزشان رفتم و با ایشان صحبت‌های داشتیم؛ البته در این اواخر بعد از این کشمکش‌هایی که در کشورمان به میان آمد، روابط مستقیم ما قطع شد؛ اما روابط غیرمستقیم هنوز هم باقی است. لذا برای این برادران جوان می‌گویم، اندیشه‌ها و بعضی از فتوای‌های این حزب که اعضای آن؛ البته اخلاص و عاطفه اسلامی دارند - مورد پذیرش و مورد قبول امت نیست. مثلاً: به صورتِ مثال: فتوای مرحوم تقی‌الدین نهبانی در مورد بیعت این است که وقتی مرد و زن به امام بیعت می‌کنند، باید به امام دست بدهند؛ اما دیگران به این عقیده نیستند.

به هر حال؛ شاید در بخش انتخابات و در بعضی مسایل دیگر هم آنان نظرات خود را داشته باشند، این نظرات، نظرات فقهی مخصوص خود آنان است؛ اما نظری که باید امت از او تبعیت بکند، اجماع است که اصلی از اصول اسلامی است. بلی؛ اشتراک در انتخابات تقریباً به صورتِ اجماع فقهای امت در اوضاع فعلی است. بعد از اینکه خلافت اسلامی سقوط کرد^۱ و مسلمانان نظام خلافت را از دست دادند و نظام‌های جدیدی به نام نظام‌های پارلمانی در جهان به میان آمد، اینجا بود که علمای امت نشستند که ما چه کنیم؟ آیا با نظام‌های پارلمانی مقاطعه کنیم؟ آیا سیاست را برای دشمنان دین بگذاریم؟ قسمی که عیسویان می‌گویند: «دین از سیاست جداست.» آیا ما دین را از سیاست جدا کنیم؟ و سرنوشت خود را بگذاریم به عناصر سکولار^۲

۱. خلافت عثمانی؛ در سَوَم مارچ ۱۹۲۴م، به وسیله کسی به نام مصطفی کمال اتاترک سقوط کرد. نگاه: دولت عثمانی از اقتدار تا انحلال، ص: ۱۲۸ و الدولة العثمانیة، از دکتور علی محمد صلابی.

«مرکز تدوین»

۲. واژه سکولار یا سکولاریزم برگرفته از واژه لاتینی secularist، مشتق از speculum به معنای «نیا» یا «گیتی» در برابر «مینو» است و مفهوم کلاسیک مسیحی آن نقطه مقابل ابدیت و الوهیت است. سکولار یعنی آنچه به این جهان تعلق دارد و به همان اندازه از خداوند و الوهیت دور است. عقیده‌ای است، مبنی بر جداشدن نهادهای حکومت و کسانی که بر مسند دولت می‌نشینند، از نهادهای مذهبی و مقام‌های مذهبی، از آنجا که اصطلاح سکولاریزم در موارد مختلفی استفاده می‌شود، معنای دقیق آن بر اساس نوع کاربرد متفاوت است، در حکومت معنای سکولاریزم، عدم دخالت باورهای مذهبی در امر حکومت است، در جامعه‌شناسی، سکولاریزم به هر موقعیتی

و بی‌دین و یا اینکه خود ما هم عملاً در نظام‌های سیاسی سهم بگیریم؟ اگر نمی‌توانیم مستقیماً نظام خلافت را یک‌دم اعلان نکنیم، کم‌ازکم صدای اسلام و قوت اسلام را در مراکزى که ممکن است در آنجا باید حفظ کنیم، که از جمله پارلمان است.

بر این اساس تمامی فقها و تمامی علمای امت و تمامی احزاب اسلامی در تمام جهان در شرق و در غرب بالاتفاق فتوی دادند که مسلمانان در انتخابات داخل شوند و لو نظام‌هایی که در آنجا انتخابات را به‌دست دارند و نظام‌های صدرصد اسلامی نیست و فقط به‌نام اسلامی است. به‌علت اینکه اگر انسان نمی‌تواند همه چیز را بگیرد، همه چیز را نباید از دست بدهد، اگر ما نمی‌توانیم «نظام خلافة علی منهج النبوة» را فعلاً در این اوضاع داشته باشیم، کم‌ازکم نباید قدرت اسلام و مسلمانان را در همه‌جا از بین ببریم و درست کار ما به نفع دشمنان اسلام تمام شود که می‌گویند: دین از سیاست جداست؛ چون دین جایش مسجد است و سیاست باید به‌دست عناصر بی‌دین و سکولار قرار بگیرد؛ لذا توصیه من به همه و به آن عده کسانی که مخالف انتخابات است، متوجه این نکته باشند و این را هم می‌گویم که هرچند در اینجا جایی نیست که من زیاد به تفصیل برای‌شان استدلال بکنم و کسانی که خواسته باشند بیانند از نزدیک برای‌شان، ده‌ها دلیل از کتاب الله و از سنت ارایه خواهم کرد. اشتراک در انتخابات حرام نیست.

اگر شرکت در انتخابات در مرحله فعلی بنا بر قواعد ﴿مالا یدرک کله لا یترک کله﴾^۱ و ﴿مالا یوصل الواجب الا به فهو واجب﴾^۲ واجب نباشد،

که در آن جامعه مفاهیم مذهبی در تصمیم‌گیری‌ها کمتر دخالت داشته باشد، اطلاق می‌گردد. واژه سکولار در زبان لاتین به معنای «این جهانی»، «دنیوی»، «گیتیانه» و متضاد با «دینی» یا «روحانی» است و در عربی آن را به معنای علمانیت برگردان کرده‌اند؛ چون اگر آن را به معنای اصلی آن برگردان می‌کردند، حساسیت برانگیز بود؛ لذا به علمانیت در عربی و عین اصطلاح را در فارسی به‌کار بردند. نگاه: فرهنگ واژه‌ها، ص: ۳۲۷ و «التطرف العلمانی فی مواجهة الاسلام»، از دکتر یوسف قرضاوی. «مرکز تدوین»

۱. یعنی اگر همه را نمی‌توان به دست آورد، همه را نباید فرو گذاشت. این یکی از قواعد فقهی است که مستندات فراوانی از قرآن و سنت و روح اسلام دارد که به‌گونه نمونه می‌شود به این آیت بینه اشارت کرد: ﴿فَاتَّقُوا اللَّهَ مَا اسْتَطَعْتُمْ...﴾ تعابن / ۱۶. «مرکز تدوین»

۲. استاد شهید در یکی از سخنرانی‌های دیگر خویش این قاعده را این‌گونه توضیح می‌دهد: چیزی

کم‌ازکم «مباح» است، کم‌ازکم یک ضرورت که است، در جمله «سد ضرایع» و در جمله «استحسان» می‌آید؛ لذا دلایلش فراوان است. باز هم اگر بالکل و صددرصد شما شرکت در انتخابات را واجب ندانید؛ اما یک ضرورتی است که بدون آن ناممکن است که ما بتوانیم از ارزش‌های دینی از مصالح دینی خود دفاع بکنیم؛ لذا توقع من این است که اینان از دادن چنین فتوایی منصرف شوند و همه را دعوت بکنند که در انتخابات سهم بگیرند و این امانت الهی را به اهلس بسپارند، در غیر آن، من می‌ترسم که اینان با خوش‌باوری، گناه کبیره‌ای را مرتکب شوند و نکته دیگر اینکه هرکس نباید مفتی شود و هرکس نباید خود فتوی دهد.

حدیث پیغمبر اکرم ﷺ هست که یکی از جمله بدبختی‌های امت این است که در آن زمانی که امت به سقوط و انحطاط روبه‌رو می‌شود، کسانی پیدا می‌شوند که: ﴿فَأَفْتُوا بِغَيْرِ عِلْمٍ فَضَلُّوا وَأَضَلُّوا﴾^۱ یعنی فتوی بدون علم می‌دهند، هم خود را گمراه می‌کنند و هم دیگران را گمراه می‌کنند.

اجازه نباید بدهیم که فتوای‌های را بدهند که در انتخابات سهم نگیریم. خوب در انتخابات وکلایی که می‌روند، چه می‌کنند؟ قطعاً که اگر وکلای متدین به پارلمان بروند، در آنجا اگر امری خلاف شریعت را ببینند، به ضدش ایستاده می‌شوند. «امر بالمعروف» و «نهی عن المنکر» می‌کنند.

آیا اجازه ندهیم که یکدیگر ما «امر بالمعروف» و «نهی عن المنکر» بکنند؟

لذا حرف من به این دوستان و این برادران این است و باید هم این را صریح بگویم؛ چون به‌علت کم‌علمی و یا به‌علت خوش‌باوری نمی‌دانند که همه حرف‌هایی را که هر حزب اسلامی که می‌گوید، صددرصد مقبول

و راه و روشی که بدون او ممکن نیست که انسان به پیاده کردن یک واجب برسد، همان طریقه و همان موضوع هم واجب است. نگاه: خط رهبر، ج: ۱ / ۷۱. «مرکز تدوین»

۱. ﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يَمُضُّ الْعِلْمَ أَنْتَرَاعًا يَنْتَرَعُهُ مِنَ الْعِبَادِ وَلَكِنْ يَمُضُّ الْعِلْمَ بِقَبْضِ الْعُلَمَاءِ فَإِذَا لَمْ يَبْقَ عَالِمًا أَخَذَ النَّاسُ رُءُوسًا جَهَالًا فَأَفْتُوا بِغَيْرِ عِلْمٍ فَضَلُّوا وَأَضَلُّوا﴾ نگاه: صحیح البخاری، شماره حدیث: ۱۰۰. «مرکز تدوین»

نیست. انسان مجتهد وقتی اجتهاد می‌کند، گاهی خطا می‌کند و گاهی مصیب می‌باشد. ما هر خطای مجتهد را نباید بپذیریم؛ بلکه ما باید بینیم که در تقنین فقهی، ما چه اصولی را داریم؟

ناگفته پیداست که ما چهار اصل را داریم:

۱- کتاب خدا؛

۲- سنت پیغمبر Y ؛

۳- اجماع امت؛

۴- قیاس.

البته قیاس بر می‌گردد به کتاب خدا و سنت پیامبر Y ، اجماع امت که مطابق به حدیث پیغمبر Y ﴿لَا تَجْتَمِعُ أُمَّتِي عَلَى ضَلَالَةٍ﴾^۱ یعنی اجماع امت من به گمراهی منعقد نمی‌شوند.

پس این یک اصلی از اصول فقهی و تشریحی ماست و لذا توصیه می‌کنم که ما نباید حرف‌ها را زیاد پراکنده سازیم. چه بسا که دشمنان اسلام به خاطر می‌کنند که مسلمانان را از سیاست و از فعالیت‌های سیاسی و فرهنگی دور بسازند، با این کارها، ماوشما را در چهارچوکات بسیار محدودی، محصور می‌سازند که همه گپ ما این باشد که در پارلمان نمی‌رویم، این کار را نمی‌کنیم، چنین کار را نمی‌کنیم، حاصل این کارها چنین می‌شود، میدان را به عناصر بی‌دین، سکولاری که بیخ و بن مسلمانان را خشک بسازند، وا می‌گذاریم.

به این اساس، این یک اشتباه است! و به حکم:

گر بینی که نابینا و چاه است

اگر خاموش بنشیننی گناه است^۲

نباید ما بی‌تفاوت بنشینیم؛ بلکه باید در پارلمان^۳ شرکت بکنیم و گفتیم:

۱. هر چند در سلسله اسناد این حدت گپ‌هایی هست؛ اما از یکسو محدث بزرگ البانی این بخشی از حدیث را در سلسله الصحیحة حسن خوانده و از سوی دیگر معنای حدیث مورد اتفاق همه است. «مرکز تدوین»

۲. اگرچه صورت فوق بیشتر ورد زبان‌هاست؛ اما صورت اصلی این شعر، حالت متکلم دارد؛ نه حالت مخاطب. صورت اصلی آن این است: «وگر بینم که نابینا و چاه است * اگر خاموش بنشینم گناه است». سعدی، گلستان، باب اول، حکایت ۳۸. «مرکز تدوین»

۳. پارلمان؛ واژه فرانسوی است که به معنای صحبت کردن می‌باشد، نخستین کاربرد این واژه،

مطابق به این اصل فقهی مان که یکی از اصول فقهی است که ﴿مَالًا يُوَصَّلُ إِلَى الْوَالِجِبِ إِلَّا بِهِ فَهُوَ وَاجِبٌ﴾^۱

دفاع از اسلام، دفاع از مسلمانان، دفاع از حریم شریعت، وظیفه ما و شماست و پارلمان مرکز تقنینی است که قانون می‌گذارد و به‌خاطری که ما به آن مرکز که در آنجا تشریح بر اساس اسلام یک وجیهه است، برسیم. این کار از طریق انتخابات ممکن است و تا جایی که در توان ماست، تلاش می‌کنیم که شریعت را در آنجا حاکم بسازیم و طبعاً که ﴿لَا يَكْلَفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا...﴾^۲

و ناگفته نماند؛ همین برادران حزب التحریر که من می‌شناسم، در اصل، اصول‌شان مبتنی این است که آنان به مبارزه مسلحانه معتقد نیستند؛ یعنی با مبارزه‌ای که نظام‌ها را سرکوب بکنند؛ یعنی نظام‌ها را از بین ببرند. اصل آنان به‌خاطر احیای خلافت این است که از زعمایی که در جهان اسلام حاکم‌اند، مطابق به این آیت قرآنی که می‌فرماید: ﴿...وَإِنِ اسْتَنْصَرُواكُمْ فِي الدِّينِ فَعَلَيْكُمْ النَّصْرُ...﴾^۳ «طلب نصرت» می‌کنند؛ یعنی برویم و به یک زعيم سیاسی

به سال ۱۲۳۶م، برمی‌گردد که پادشاه انگلستان جلسه‌ای با حضور جمعی از اشراف و بزرگان کشورش را به‌نام پارلمان تشکیل داد، البته در زبان فارسی گاهی مجلس و پارلمان با دلالت ضمنی به‌معنای مجلس نمایندگان به کار می‌رود. نگاه: فرهنگ سیاسی آرش، ص: ۱۴۸-۱۴۹. «مرکز تدوین»

۱. نگاه: تفسیر المنار، ج: ۸، ص: ۵۲۶. «مرکز تدوین»
 ۲. بقره/ ۲۸۶. ﴿لَا يَكْلَفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا لَهَا مَا كَسَبَتْ وَعَلَيْهَا مَا اكْتَسَبَتْ رَبَّنَا لَا تُؤَاخِذْنَا إِن نَّسِينَا أَوْ أَخْطَأْنَا رَبَّنَا وَلَا تَحْمِلْ عَلَيْنَا إَصْرًا كَمَا حَمَلْتَهُ عَلَى الَّذِينَ مِن قَبْلِنَا رَبَّنَا وَلَا تُحَمِّلْنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ وَاعْفُ عَنَّا وَارْحَمْنَا إِنَّتَ مَوْلَانَا فَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ﴾ (خداوند هیچ‌کس را جز به قدر توانایی‌اش تکلیف نمی‌کند. آنچه [از خوبی] به‌دست آورده به سود او، و آنچه [از بدی] به‌دست آورده به زیان اوست. پروردگارا! اگر فراموش کردیم یا به‌خطا رفتیم، بر ما مگير! پروردگارا! هیچ بار گرانی بر [دوش] ما مگذار! هم‌چنان‌که بر [دوش] کسانی که پیش از ما بودند نهادی. پروردگارا! و آنچه تاب آن نداریم بر ما تحمیل مکن! و از ما درگذر! و ما را ببخشای و بر ما رحمت آور! سرور ما تویی؛ پس ما را بر گروه کافران پیروز کن.) «مرکز تدوین»

۳. انفال/ ۷۲. ﴿إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ آوَأُوا وَنَصَرُوا أُولَئِكَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ مِنَ الَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يَهَاجَرُوا مَا لَكُمْ مَن وَلَايَتِهِمْ مِّنْ شَيْءٍ حَتَّىٰ يُهَاجَرُوا وَإِنِ اسْتَنْصَرُواكُم فِي الدِّينِ فَعَلَيْكُمْ النَّصْرُ إِلَّا عَلَىٰ قَوْمٍ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُم مِّيثَاقٌ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ﴾ (بی‌گمان کسانی که ایمان آورده‌اند و مهاجرت کرده‌اند و با جان و مال خود در راه الله جهاد کرده‌اند و کسانی که پناه داده‌اند و یاری کرده‌اند، برخی از آنان، یاران برخی دیگرند و اما کسانی که ایمان آورده‌اند و لکن مهاجرت نکرده‌اند، ولایتی در برابر آنان ندارید؛ تا آن‌گاه که مهاجرت

مسلمان بگوئیم که تو خلافت اسلامی را پیاده بکن! به همین خاطر راهروان بعضی از نهضت‌های دیگری گاهی شوخی می‌کنند که خلافت اسلامی، به گدایی به دست نمی‌آید.

وقتی به آنان گفته شود که شما کمر را بسته کنید، مُبارزه کنید! نظام‌ها را سقوت بدهید! این‌ها گفتند: نه، ما می‌رویم «مطالبه نصرت» می‌کنیم. البته جهات بسیار خوبی هم دارند، کتاب‌های بسیار باارزشی نوشته کرده‌اند، کتابی که تقی‌الدین نبهانی در نقد سوسیالیسم^۱ نوشته مهم‌ترین کتابی بوده که در رد سوسیالیسم نوشته شده؛ اما این به این معنا نیست که دیگر فتوای‌هایش همگی پخته است. بسیار نقاط خوب دارند و بسیار نقاط ضعف هم دارند.

به هر حال؛ این یک مطلبی بود که یادآور شدم.

حالا آمدیم سر اینکه در شرایط فعلی چه باید بکنیم؟!

برادران و خواهران و کسانی که صحبت پیش از من کرده بودند. برادر

می‌کنند، اگر به سبب دین‌شان از شما کمک و یاری خواستند، کمک و یاری بر شما واجب است؛ مگر زمانی که مخالفان آنان گروهی باشند که میان شما و ایشان پیمان باشد، الله می‌بیند آنچه را که می‌کنید.) «مرکز تدوین»

۱. اصطلاح سوسیالیسم (جامعه‌باوری)؛ از واژه فرانسوی «سوسیال» به معنای اجتماعی اخذ شده است. ریشه لاتینی آن، واژه Socius به معنای شریک و همراه است. در تبیین چیستی سوسیالیسم، شاید نتوان به یک تعریف اجماع یافته و بی‌چون و چرا دست یافت. فرهنگ انگلیسی آکسفورد این واژه را این‌گونه تعریف کرده است: «نظریه یا سیاستی که هدف خود را مالکیت یا نظارت کل اجتماع بر ابزار تولید (سرمایه، زمین، دارایی و غیره) در جهت تأمین منافع همگانی قرار می‌دهد و یا از این مالکیت و نظارت حمایت می‌کند.» پس بدین ترتیب و به طور خلاصه، سوسیالیسم در صدد اجتماعی کردن ابزار تولید است. در اعتراض به این تعریف گفته‌اند که تعریفی است صوری و مبهم و از عهده بیان اختلاف درجات پیچیده و اختلاف روش‌های سوسیالیستی بر نمی‌آید. برای مطالعه بیشتر رجوع کنید: فرهنگ واژه‌ها، ص: ۳۴۶. «مرکز تدوین»

واقف حکیمی،^۱ خواهر منیره،^۲ جناب مولوی صاحب، برادر انجینیر عبدالواسع، همه روی مسایل پارلمان، مسئولیت‌های مردم، قضایایی که فعلاً با او روبه‌روایم، صحبت کردند. من زیاد روی این مطالب نمی‌پیچم؛ اما چند موضوع را می‌خواهم برای تان اشاره کنم.

شکی نیست که ما از ولایت بدخشان مان تعداد زیادی از کاندیداها را داریم؛ در این شکی نیست که اکثریت‌شان مردم خوب‌اند و منسوب به جهاد و مجاهدین و شخصیت‌های ملی و وطن‌دوست‌اند؛ اما روی افراد دیگر نمی‌پیچیم؛ چون فعلاً در بهارک هستیم، تنها روی دو چهره و دو شخصیت صحبت می‌کنم و به آنان اشاره‌ای داشته باشم؛ چون بانک رأی‌شان بهارک است. آن دو برادر مجاهدتان سردار خان و خواهر منیره است که شاید از جاهای دیگر هم رأی بگیرند؛ اما بانک رأی‌شان، ذخیره رأی‌شان بهارک است. توصیه من این است که رأیی را که شما به این دو؛ برادر و خواهر

۱. ایشان در پاسخ پرسش روزنامه‌نگاری خودش را چنین معرفی می‌کند: من عبدالشکور نام دارم و واقف حکیمی تخلص می‌کنم، در فیض‌آباد بدخشان زاده شدم دوره ابتدائیه مکتب را در همان‌جا به پایان رسانیدم و در سال ۱۳۵۸ هـ.ش، در نظام کمونیستی مورد پیگرد قرار گرفتم، با آنکه هنوز صنف نهم مکتب بودم، به ولسوالی شغنان تبعید شدم؛ اما از رفتن به شغنان خودداری کردم؛ لذا به مکتب شیرخان قندز، تبعیدم کردند، مدت یک ماه در قندز درس خواندم؛ اما به دلیل اینکه از طرف نظام کمونیستی باز هم تعقیب می‌شدم و متوجه شدم که به گرفتاری‌ام می‌انجامد، به کابل آمدم، می‌خواستم با جمعی از جوانان دانشگاهی به پاکستان مهاجر شوم؛ اما «میراحمد مستمند» رهنمای ما که محصل دانشکده ادبیات دانشگاه کابل بود، با شماری از جوانان دستگیر شدند و من دوباره به طرف قندز برگشتم، در آنجا تا آخر سال تحصیلی با جمعی از دوستان تبعیدی به کارهای شاقه پرداختیم و در آخر سال تحصیلی دوباره به بدخشان باز گشتم و وارد جبهات جهاد شدم و در سال بعدش به پاکستان مهاجر شدم و در آنجا دوباره به تحصیلاتم ادامه دادم و در سال ۱۳۶۸ هـ.ش، از «دانشگاه دعوت و جهاد» فارغ‌التحصیل شدم و پس در رشته علوم اسلامی از دانشگاه بین‌المللی اسلام‌آباد ماستری گرفتم. ازدواج کرده‌ام، پنج فرزند دارم که دوتا دختر است و سه تا پسر و قابل ذکر است که در سال ۵۷ هـ.ش به صفوف مبارزان جمعیت اسلامی پیوستم و قابل تذکر دیگر اینکه، ایشان اکنون (۱۳۹۸ خورشیدی) عضو شورای رهبری و سخنگوی حزب جمعیت اسلامی افغانستان بوده و در دور هفدهم، به‌حیث نماینده مردم بدخشان در پارلمان فعالیت دارند. «مرکز تدوین»

۲. منیره بهارکی فرزند ضیاء‌الدین، زاده شهرستان بهارک ولایت بدخشان، در سال ۱۳۶۴ هـ.ش، متولد و در سال ۱۳۸۴ هـ.ش، وارد دانشکده شرعیات کابل شد و در سال ۱۳۸۷ هـ.ش، به‌حیث اول‌نمره عمومی از دانشکده مذکور فراغت حاصل کرد و در سال ۱۳۸۸ هـ.ش، وارد ستاج قضایی شد و در سال ۱۳۸۹ هـ.ش، نامزد انتخابات مجلس نمایندگان شد. منبع: خود منیره بهارکی. «مرکز تدوین»

می‌دهید، یقیناً رأیی است که امانت را به اهلش سپرده‌اید. سوالاتی شاید در ذهن‌تان بگردد، در ذهن بعضی‌ها سوالاتی از این قبیل آیا به زنان رأی بدهیم یا ندهیم؟ در قسمت مردها چه شخصی را انتخاب بکنیم؟

اول؛ باید تأکیداً به این موضوع هم اشاره کنم که همین حقی را که مردان در مورد رفتن به پارلمان دارند. در نهضت‌های اسلامی و در میان فقهای اسلامی مثل اینکه یک تعداد محدودی در کویت^۱ تا سال‌های اخیر ملاحظاتی در این مورد داشتند؛ اما در این سال‌های اخیر آن ملاحظات هم برطرف شد. بزرگ‌ترین نهضت‌های اسلامی - که عمرشان را در خدمت اسلام و فرهنگ اسلامی صرف کردند و هنوز هم در دفاع از اسلام با جان و مال خود از اسلام دفاع می‌کنند - می‌گویند: حق انتخاب‌شدن و انتخاب‌کردن متعلق هم به مرد و هم به زن است و هر دو در این مورد برابر حق دارند، هر دو حق دارند انتخاب کنند و هر دو حق دارند انتخاب شوند؛ لذا هیچ حرجی در این باب وجود ندارد و این مسئله تقریباً در تمام جهان اسلام و در مابین فقهای اسلامی، به اجماع رسیده‌است. علی سبیل المثال: فعلاً نمایندگان جمعیت‌العلمای اسلام^۲ خواهری را کاندیدا می‌دهند، در

۱. کویت؛ کشوری است که در خاورمیانه موقعیت دارد. مساحت آن ۸۱۸،۱۷ کیلومتر مربع و جمعیت آن در سال ۲۰۱۰م، ۳'۰۵۱'۰۰۰ نفر تخمین شده‌است. زبان رسمی آن عربی و واحد پول آن دینار کویت بوده و پایتخت آن، شهر «کویت» می‌باشد، دین رسمی آن اسلام و شریعت اسلامی منبع اصلی برای قانون‌گذاری در آن است. نگاه: اطلس جامع گیئاشناسی، ص: ۱۰۷. «مرکز تلویز»

۲. جمعیت‌العلمای اسلام در سال ۱۹۴۵ م، ایجاد شد که برخی از اعضای جمعیت‌العلمای هند، که طرفدار «جامعه مسلمانان سراسر هند» (مسلم لیگ) بودند، به رهبری مولانا شبیر احمد عثمانی، در کلکته گردهم آمدند و حزب «جمعیت‌العلمای اسلام» را تأسیس کردند. مولانا شبیر احمد عثمانی، نخستین رهبر این جمعیت شد. برخی از همکاران او، که در تأسیس جمعیت نقش فعال داشتند، عبارت بودند از: مولانا طاهر قاسمی، مولانا ظفر احمد عثمانی، مولانا مفتی محمدحسن، مفتی محمد شفیع، مولانا محمدابراهیم سیالکوٹی، مولانا ابوالبرکات، مولانا عبدالرئوف و مولانا احتشام‌الحق ثانوی. جمعیت‌العلمای اسلام بین سال‌های ۱۳۲۴ تا ۱۳۲۶ هـ. ش، عمدتاً از مواضع سیاسی-مذهبی جامعه مسلمانان سراسر هند، برای ایجاد کشور مستقل مسلمانان در شبه قاره (پاکستان)، در برابر کنگره ملی هند و روحانیان طرفدار یکپارچگی هند حمایت می‌کرد. جمعیت‌العلمای اسلام در آغاز ساختار بسیار ساده‌ای داشت و فاقد ویژگی‌های یک حزب سیاسی بود؛ اما پس از دهه ۱۳۴۰ هـ. ش، بر نظم و انضباط درونی آن افزوده و تقسیم کار شفاف‌تر شد. نگاه: افضل، ۱۹۹۸، ج ۱، ص ۵۷؛ عزیز احمد، ص ۲۳۷؛ صفدر محمود،

حالی که کل‌شان علمای دیوبندند.^۱ جماعت اسلامی مودودی^۲ خواهران را کاندیدا می‌دهند و به پارلمان می‌روند، اخوان المسلمین^۳ به‌عنوان بزرگ‌ترین نهضت اسلامی در جهان، خواهران و زنانی را کاندیدا دادند و از این طریق به پارلمان رفتند و خود را کاندیدا می‌کنند و به‌عین شکل تمام نهضت‌های

- ص ۱۵۸؛ مهدی حسن، ص ۹۵، پیرزاده، ص ۱۰. «مرکز تدوین»
۱. دانشگاه اسلامی دارالعلوم دیوبند؛ در ۱۵ محرم سال ۱۲۸۳ هـ.ق، همزمان با ۱ می سال ۱۸۶۶م، پس از تخریب دهلی توسط مغول‌ها و سیطره انگلیسی‌ها، به‌وسیله شیخ قاسم نطاوی و به کمک شیخ رشیداحمد گنگوهی به‌عنوان حامی معنوی آن، تأسیس شد. «مرکز تدوین»
 ۲. جماعت اسلامی؛ در سال ۱۹۴۱ م، توسط عده‌ای از علمای اهل سنت به رهبری سید ابوالاعلی مودودی G تأسیس شد. هدف اساسی آن، تحقق حاکمیت الهی و جاری و ساری کردن آن در تمام حوزه زندگی بشریت و استقرار یک دولت اسلامی بود. البته حزب در ابتدا به‌صورت یک سازمان مذهبی فعالیت می‌کرد و کم‌کم قالب یک حزب سیاسی را به خود گرفت. جماعت اسلامی مخالف کمونیزم و سوسیالیزم است و به استقرار حکومت اسلامی و ترویج قوانین و مقررات طبق احکام قرآن فرامی‌خواند. علامه مودودی حرکت خود را براساس جامعیت دین اسلام بنا نهاد. او در اثبات فراگیری و جامعیت دین با استناد به قرآن چهار اصل را بیان می‌کند:
 - ۱- حاکمیت و تسلط قدرت بزرگ به‌معنای قدرت سلطه و چیرگی خداوند؛ ۲- قبول و اطاعت این حاکمیت برتر؛ یعنی قبول اطاعت و بندگی خدا؛ ۳- نظام فکری و عملی که حاکمیت برتر وضع می‌کند و مشتمل بر شرع و قانون الهی است که زیربنای اساسی حاکمیت خداوند قلمداد می‌گردد؛ و ۴- نظام مجازات و تشویق یا قضاوت و پاداش که خداوند برای اطاعت یا تخلف بندگان از این نظام در نظر گرفته‌است. نگاه: گیلانی، سیداسعد، جماعت اسلامی ۱۹۴۱ تا ۱۹۴۷، (لاهور: فیروز سنز، ۱۹۹۲)، ص ۴۷-۲۲، عابد حسین بارکزهی، ۱۳۸۰، جماعت اسلامی پاکستان، تهران، نشر احسان، ص ۱۷ و علی اکبر علیخانی و همکاران، ۱۳۸۴، اندیشه سیاسی در جهان اسلام از فروپاشی خلافت عثمانی - جلد دوم، پژوهشگاه علوم انسانی، فرهنگ و مطالعات اجتماعی جهاد دانشگاهی، چاپ اول، ص: ۷. «مرکز تدوین»
 ۳. اخوان المسلمین؛ یک جنبش فراملی اسلام‌گراست که در بسیاری از کشورهای اسلامی بزرگ‌ترین جریان اپوزیسیون به‌شمار می‌رود. این جریان قدیمی‌ترین و بزرگ‌ترین گروه سیاسی اسلامی معاصر به‌شمار می‌رود که در مارچ ۱۹۲۸م، در شهر «اسماعیلیه» توسط امام حسن البنا^۴ شهید G بنا نهاده شد، مراحل دعوت در اخوان سه‌اند: ۱. تعریف؛ ۲. ساختن؛ ۳. اجراء کردن؛ اما ارکان بیعت اخوان ده است: فهم؛ اخلاص؛ عمل؛ جهاد؛ قربانی؛ ثبات؛ تجرد؛ برادری؛ اطاعت و اعتماد؛ و شعار اخوان این‌هاست: «اللّٰه هدف ماست؛ رسول اللّٰه / رهبر ماست؛ قرآن قانون ماست؛ جهاد راه ماست؛ شهادت در راه اللّٰه^۱ از بزرگ‌ترین آرزوهای ماست». برای معلومات بیشتر، نگاه شود: اخوان المسلمین هفتاد سال دعوت، تربیت و جهاد، از دکتر یوسف قرضاوی و اخوان المسلمین در کشتارگاه‌های ناصر، از استاد جابر. «مرکز تدوین»

اسلامی در «مغرب»،^۱ «اندونیزیا»^۲ همه‌جا کشورهای مسلمان زن و مرد مسلمان می‌روند، کاندیدا می‌کنند و کاندیدا می‌شوند. آیا این بهتر است که یک زن مسلمانی که با دین‌تان آشناست، با قرآن‌تان آشناست، با سنت پیغمبرتان آشناست و از یک چهره باتقوی و باعفت نمایندگی می‌کند که به پارلمان برود و یا یک چهره‌ای که نه به دین‌تان علاقه دارد، نه به مذهب‌تان پروا دارد، نه به آبرو و هویت ملی‌تان ارزش می‌دهد و حتی دشمن جهاد و مجاهدت‌تان است، به پارلمان برود؟ کدام یک بهتر است؟ او و یا یک خواهر دین‌دار برود بهتر است؟

این چنین، چه بهتر است که یک برادری به پارلمان برود که آن برادر تاریخ‌تان را ساخته است، حیات خود را وقف راه دین و جهاد ساخته است؟ منظوم سردار خان است که هر مرحله‌ای از زندگی‌اش وقف راه خدا و راه جهاد بوده است. شاید بعضی‌ها فکر کنند که در آنجا صحبت‌های خیلی داغ صورت می‌گیرد؛ اما شما باید بفهمید که در پارلمان همه‌کس و همه افراد صحبت نمی‌کنند؛ بلکه مجمع‌هایی هستند که وظیفه سخنگویی دارند. کسانی که از طرف جمعیت به آنجا می‌روند، مثلی که ما در پارلمان گذشته پنجاه نفر داشتیم، این پنجاه نفر که پنجاه نفر صحبت نمی‌کرد! یک یا دو نفر صحبت می‌کند، دیگران تأیید می‌کنند و یقیناً با دانش و فهم اسلامی و احساس اسلامی‌ای که برادران سردار خان می‌تواند به خوبی از شما نمایندگی کند یا از همه مهم‌تر اینکه شما در برابر یک آزمون قرار دارید. دشمنان جهاد می‌گویند که مجاهدین خلع مردم شده‌اند، در میان مردم نفوذ ندارند، دیگر اینان را مردم رد کرده‌اند، با همین انتخابات و با رأی دادن بسیار

۱. مغرب؛ در فارسی به‌نام مراکش معروف است، در شمال‌غربی افریقا موقعیت دارد، مساحت آن ۴۴۶۵۵۰ کیلومتر مربع و جمعیت آن در سال ۲۰۱۰م، ۳۲۱۹۰۰۰ نفر تخمین شده است. دین رسمی آن اسلام و زبان رسمی آن عربی است. واحد پول آن درهم مراکش و پایتخت آن شهر رباط می‌باشد. نگاه: اطلس جامع گیتاشناسی، ص: ۱۱۰. «مرکز تدوین»

۲. جمهوری اندونزی؛ کشوری است که در آسیای جنوب‌شرقی و اقیانوسیه موقعیت دارد. مساحت آن ۱۹۰۴۴۳۳ کیلومتر مربع و جمعیت آن در سال ۲۰۱۰م، ۲۳۲۵۱۷۰۰ نفر تخمین شده است، زبان رسمی آن باهاسا اندونزیایی، واحد پول آن «روپه اندونزی» و پایتخت آن شهر «جاکارتا» می‌باشد. نگاه: اطلس جامع گیتاشناسی، ص: ۹۸. «مرکز تدوین»

قوی تان به چهره‌های بسیار عزیز و حماسه‌سازتان، مثل سردار خان، شما خاک به دهن دشمنان می‌زنید. می‌گویید چشم‌تان کور! ما هنوز هستیم، صحنه به دست ماست، صحنه به دست مسلمانان است، رهبری جامعه به دست عناصر مؤمن و متعهد است، هنوز هم عناصر مجاهد در مابین مردم خود نفوذ عمیق دارد، اگر خدای ناخواسته رأی کم‌تر بدهید، کم‌تر حضور پیدا کنید، بی تفاوت شوید باز پشیمان می‌شوید؛ اما پشیمانی سود نمی‌کند. توطیه‌های بسیار خطرناکی در راه است، توطیه‌هایی به نام‌های مختلفی؛ جنگ‌سالار، ناقض حقوق بشر.. روان است. منظورشان از این حرف‌ها سرکوبی اسلام، مسلمانان، مجاهدین، گروه‌های دینی و ملی ماست؛ لذا اجازه ندهید که خدای ناخواسته کسانی از ما نمایندگی می‌کنند، کسانی باشد که آنان به ارزش‌های دینی ما معتقد نباشند؛ روی همین ملحوظ از نظر من، این دو چهره از چهره‌های مناسب است و پیام من به شما این است که رأی دادن به این دو نفر به نفع خود شما، به نفع ارزش‌های ملی و جهادی و هویت‌های دینی تان است؛ البته برادران ارجمند دیگری اینجا هستند در این دور مجلس نمایندگان کاندیدايند، برادر واقف یکی از آن چهره‌هاست و شاید بعضی برادران دیگری هم باشند. ما روی آنان بیشتر نمی‌پیچیم؛ اما برادر واقف هم به اصطلاح از شما ده یک خواهان است که آن را خود شما می‌دانید که وقت جمع کردن خرم رأی تان ده یک می‌دهید یا نمی‌دهید.

به همه حال؛ آن هم مربوط به شماست. چیزی را که باز هم به تکرار برای تان می‌گویم، اینکه ماوشما در یک مرحله بسیار حساس قرار داریم، باید بکشیم که عزت و سربلندی مسلمانان حفظ شود و ما باید پارلمان را که من حیث یک پایگاه بسیار مهمی است را باید فراموش کنیم، باز هم تأکید می‌کنم نقش همه در این پارلمان مهم است. نقش کسانی که از جهاد، از هویت دینی و ملی شما نمایندگی می‌کنند، نقش خواهانی که از ارزش‌های دینی و از خواهران باعفت‌مان نمایندگی می‌کنند، نقش همه بسیار مهم و باارزش است.

من دیروز در جلسه‌ای از خواهران در جرم، در محفلی که توسط اداره

کمپاین برادر ذکریای سودا دایر شده بود، با خواهرانی که آنجا بودند، یک موضوع را یاد کردم، من گفتم که این یک حقیقت است که مقام زن در پیشگاه اسلام یک مقام بسیار شایسته‌ای است و اسلام است که به زن مقام بسیار بارزشی را داده و از نظر اسلام، خداوند زنان را طوری آفریده است که اگر عاطفه دینی زن تحریک شود، زن وقتی متدین شود، تدین زنان بالاتر از مردها نباشد، کم‌تر نیست.


من این را هم برای‌شان قصه کردم که من دیروز پیش از اینکه اینجا بیایم، در تلویزیون الجزیره،^۱ مصاحبه‌ای داشتم با یک خانم جرمنی، که در گذشته نطق «تلویزیون MBC»^۲ بود و ده سال پیش‌تر مسلمان شده بود؛ اما طی ده سال گذشته راجع به گپ‌های اسلامی خود، قضایایی که مربوط به خودش بود، با مطبوعات هیچ صحبت نمی‌کرد، اخیراً بعد از اینکه به مکه مکرمه رفته بود و به حج بیت الله مشرف شده بود، او آماده شده بود که پیام خود را به دنیا و مردم برساند و بعد از اینکه او حج کرده بود و کتابی هم نوشته بود به نام «از ام بی سی تا مکه»، در اینجا جریان مسلمان شدن خود و مشکلاتی را که در این دوران ده سال او متحمل شده بود، بیان می‌کند...^۳

۱. الجزیره نام شبکه تلویزیونی خبری ماهواره‌ای است که مرکز آن در شهر دوحه در قطر قرار دارد، الجزیره کانال‌های متعدد خاص تلویزیونی را علاوه برکانال اخبار به‌کار گرفته است. این کانال‌ها شامل، یک کانال زبان انگلیسی، مستند الجزیره، کانال ورزشی الجزیره، یک کانال عمومی ورزشی به زبان عربی، پخش زنده الجزیره، که همایش‌ها را در زمان واقعی خود، بدون هیچ‌گونه ویرایش یا اعمال نظر، پخش می‌کند و نیز یک کانال تلویزیونی برای کودکان می‌باشد. «مرکز تدوین»

۲. مرکز پخش خاورمیانه یا به اختصار ام‌بی‌سی MBC مخفف Middle East Broadcast- ing Center، یک شرکت رسانه‌ای متعلق به بخش خصوصی و مستقل ماهواره‌ای عربستان سعودی است. ام بی سی نخستین گروه رسانه‌ای است که برنامه‌های سرگرمی و فیلم سریال و اخبار را به صورت رایگان در ده شبکه تلویزیونی برای جهان عرب پخش می‌کند. در حال حاضر مقر اصلی MBC GROUP در جده است؛ اما شبکه‌ها در مدیا سیتی دویبی پخش می‌شوند. «مرکز تدوین»

۳. البته این سخنرانی تمام نشده است که متأسفانه - تا کنون - نتوانستیم که به کامل آن دست یابیم. «مرکز تدوین»

خطابهٔ یک صد و شانزدهم
در میان مردم ولایت بدخشان
زمان: ۱۳۸۹ هـ ش؛
مکان: ولایت بدخشان.



الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي تَتِمُّ بِنِعْمَتِهِ الصَّالِحَاتِ وَصَلَحَ عَلَيْهِ أَمْرُ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ،
وَالصَّلَاةَ وَالسَّلَامَ عَلَى مَنْ بَلَغَ الرِّسَالَةَ وَأَدَّى الْأَمَانَةَ وَنَصَحَ الْأُمَّةَ وَجَاهَدَ فِي
سَبِيلِ اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ وَعَلَى آلِهِ وَصَحَابَتِهِ وَمَنْ دَعَا بِدَعْوَتِهِ وَجَاهَدَ فِي سَبِيلِهِ
إِلَى يَوْمِ الدِّينِ.^۱

برادر محترم جناب دکتور شاه ولی الله ادیب، والی ولایت بدخشان!
رؤسای محترم ادارات امنیتی، نظامی و ملکی! مهمانان عزیز! علمای
بزرگوار! مردم با فرهنگ! دین دار و مجاهد ولایت بدخشان! جوانان
ارجمند امید امروز و فردای ملت ما!

السَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ

در لحظاتی ماوشما با هم می‌بینیم که در عشره اواخر ماه مبارک رمضان
قرار داریم و هم در هفته استرداد استقلال افغانستان که ملت قهرمان و
مجاهدمان همیشه در قیام‌های بزرگ دینی و ملی خود در برابر تهاجم
مسئله‌حانه قدرت‌های طاغوتی و استعماری، سرفراز و پیروزمندانه از میدان
برآمده‌اند. این روز پرافتخار را به همه ملت سرفراز کشورمان و به شما ملت
آزاده و آزادی‌دوست ولایت بدخشان تبریک می‌گویم.

ناگفته نماند که ما در ماهی قرار داریم که ایام الله است؛ یعنی ماه
صیام، ماهی که پیغمبر گرامی مان ﷺ در احادیث مبارکی در استقبال این

۱. معنای خطبه فوق این است: ستایش از آن خدایی است که نیکوی‌ها به یمن نعمت او به پایان
می‌رسد و تنها با انکا به اوست که کار دنیا و عقب‌ا اصلاح می‌گیرد، و درود و دعا به او که رسالت را
رساند، امانت را ادا کرد و امت را سفارش کرد و در راه الله ﷻ آن‌گونه که شایسته است جهاد کرد
و درود بی‌پایان بر خانواده و یاران و دعوتگرانی که به دعوت او تا روز واپسین فرا می‌خوانند و در راه
او جهاد می‌کنند. «مرکز تدوین»

ماه فرموده‌اند:

﴿أَيُّهَا النَّاسُ لَقَدْ أَظْلَكُمُ شَهْرٌ عَظِيمٌ، شَهْرٌ مَبَارَكٌ، شَهْرٌ جَعَلَ اللَّهُ قِيَامَهُ فَرِيضَةً، صِيَامَهُ فَرِيضَةً وَ قِيَامَهُ تَطَوُّعًا﴾^۱
﴿مَنْ صَامَ رَمَضَانَ إِيمَانًا وَ احْتِسَابًا غُفِرَ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ﴾^۲

پيغمبر ﷺ با ظهور هلال نه تنها به مسلمانان؛ بلکه به همه انسان‌ها با خطاب ﴿أَيُّهَا النَّاسُ﴾ این ماه را مبارک می‌خواند. بلی؛ این ماه برای همه مبارک است. برای روزه‌داران و برای مسلمانان و غیر مسلمانان. و ناگفته هم نگذریم:

روزه قسمی که خداوند ﷻ در قرآن کریم می‌فرماید: عبارت از یک پیوند عمیق تاریخی است در میان ملت‌های مختلف، به‌خصوص در مابین ملت‌های اهل کتاب.

در جایی از قرآن کریم خداوند ﷻ می‌فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ﴾^۳

یعنی فريضة روزه؛ یک پیوند مشترکی است که در میان شما مسلمانان و ملت‌هایی که پیش از شما بودند، آن‌ها هم مثل شما مسلمانان، روزه برای‌شان فرض گردانیده شده بود؛ تا آنان مثل شما تقوی را رعایت کنند.

در ماه مبارک رمضان، ماهی که انسان مطابق به آداب، مطابق به اصول و برنامه‌های روزه، سر تا پا در خدمت ارزش‌های دینی خود قرار می‌گیرند. البته انسان با همه وجود روزه می‌گیرد؛ نه تنها از خورد و نوش پرهیز می‌کند؛ بلکه از حرف‌های ناشایسته، از غیبت، دروغ، و برخوردهای نادرست.

خلاصه از همه آنچه که باعث اذیت و آزار دیگران شود و باعث نقص و نارسایی در شخصیت مسلمان گردد، از همه پرهیز می‌کند. البته همه ما

۱. محدثین این حدیث را با این الفاظ، به دلیل وجود علی بن زید بن جدعان ضعیف خوانده‌اند؛ اما آیات و احادیثی که بازگوکننده فضیلت رمضان و فضیلت قیام و صیام باشد، فراوان و بی‌نیاز از استدلال است. «مرکز تدوین»

۲. صحیح البخاری، شماره حدیث: ۳۸ و صحیح مسلم، شماره حدیث: ۷۶۰. «مرکز تدوین»

۳. بقره / ۱۸۳. «مرکز تدوین»



در این ماه بسیار مبارک و پربرکت، مسئولیت‌ها و رسالت‌های بزرگی داریم. چون صحبت‌های امروز ما در محور «صلح و امنیت» است و هرچند دوستان عزیزی که پیش از من صحبت کردند، صحبت‌های بسیار باارزشی در ارتباط به اهمیت صلح، جایگاه صلح در دین، اهمیت صلح در زندگی انسان‌ها، و اهمیت امنیت در حیات ملی ما، مطالب باارزشی را ایراد فرمودند، باز هم ناگزیر نکات ذیل را خدمت عرض کنم:

قرآن کریم در آیات متعددی روی این موضوع تأکید می‌کند، از جمله در این آیت می‌فرماید:

﴿لَا خَيْرَ فِي كَثِيرٍ مِّن نَّجْوَاهُمْ إِلَّا مَنْ أَمَرَ بِصَدَقَةٍ أَوْ مَعْرُوفٍ أَوْ إِصْلَاحٍ بَيْنَ النَّاسِ..﴾^۱

یعنی در تلاش‌ها و کارهای شما مسلمانان، بوی خیری به مشام نمی‌رسد؛ مگر آن کارهایی که در چارچوب پخش خیر و معروف و مبارزه با زشتی و منکرات انجام بدهید و آن کاری که در قسمت صلح انجام می‌دهید. این کارها در سرفهرست کارهای نیک خدایی قرار دارد که خداوند ﷻ از آن راضی می‌شود.

البته صلح و امنیت نعمت بزرگ الهی است، بدامنی عذاب خداوند ﷻ است. خداوند ﷻ می‌فرماید:

﴿وَصَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا قَرْيَةً كَانَتْ آمِنَةً مُّطْمَئِنَّةً يَأْتِيهَا رِزْقُهَا رَغَدًا مِّن كُلِّ مَكَانٍ فَكَفَرَتْ بِأَنْعُمِ اللَّهِ فَأَذَاقَهَا اللَّهُ لِبَاسَ الْجُوعِ وَالْخَوْفِ بِمَا كَانُوا يَصْنَعُونَ﴾^۲

اینجا خداوند از ملّت‌هایی یاد می‌کند که آنان در یک زندگی بسیار خوب و زندگی بسیار پر نعمتی قرار داشتند؛ اما آنان ﴿فَكَفَرَتْ بِأَنْعُمِ اللَّهِ﴾ به نعمت‌های خداوند ﷻ کفران کردند؛ ﴿فَأَذَاقَهَا اللَّهُ لِبَاسَ الْجُوعِ وَالْخَوْفِ﴾ بنابراین خداوند ﷻ به این ملّت‌ها و به این شهرها لباس گرسنگی، خوف

۱. نساء / ۱۱۴. (در بسیاری از راژگویی‌های ایشان خیری نیست؛ مگر کسی که [بدین وسیله] به صدقه یا کار پسندیده یا سازشی میان مردم فرمان دهد..) «مرکز تدوین»

۲. نحل / ۱۱۲. (و خدا شهری را مثل زده‌است که امن و امان بود [و] روزی‌اش از هرسو فراوان می‌رسید. پس [ساکنانش] نعمت‌های خدا را ناسپاسی کردند و خدا هم به سزای آنچه انجام می‌دادند، طعم گرسنگی و هراس را به [مردم] آن چشانید.) «مرکز تدوین»

و بدامنی را پوشانید. یعنی بدامنی در اثر کفران نعمت و امنیّت در اثر شکران و طاعت و عبادت الهی نصیب مسلمانان می‌شود.

به این اساس ما از لحاظ دینی مکلفیت داریم که برای صلح کار کنیم؛ برای اینکه غضب الهی بر ما نازل نشود. ما باید در صلح و امنیّت به‌سر بریم و از جنگ و جدال خود را بر حذر داشته باشیم و همچنان از لحاظ حیات اجتماعی حیات بدون امنیّت و صلح در زندگی، مفهوم خود را از دست می‌دهد. تمام آرزوی‌هایی که انسان در جهت رشد و ارتقای مادی و معنوی دارد، این است که باید جنگ و جدال از بین برود و با صلح و امنیّت است که انسان‌ها به آرزوی‌های بلند خود می‌رسند.

پس صلح برای ما یک وجیبه دینی، ضرورت ملی و نیاز اجتماعی است که باید در صلح و امنیّت زندگی کنیم.

امروز کسانی که می‌جنگند، باید از آنان پرسید؛ روی چه دلیل و حجّتی تحت نام طالب و یا هر نام دیگری مساجد را منفجر می‌کنند. زن و طفل و کارگران بیچاره و مظلومی را - که برای به‌دست آوردن لقمه‌نانی که از صبح تا شام مصروف کارند - در خاک و خون غرق می‌کنند، اینان چه منطقی دارند؟! و چه کسانی اند؟!

دیروز با تعدادی از افراد منسوب به گروه طالبان از ولسوالی شیندند^۱ که به منزل ما آمده بودند و از اینکه در این صف مسلّح قرار داشتند، پشیمان شده بودند و حال می‌خواهند که با صلح همکاری کنند و شخصیت‌های بسیار آگاه و پرنفوذی هم بودند، یک‌تن از آنان که از علمای جوان بود و سنّند به اصطلاح افترا را هم گرفته بود و به نام مفتی یاد می‌شد، راجع به جریان طالبان صحبتی داشت و گفت که ما از سه گروه و مجموعه تشکیل شده‌ایم: یک تعداد کسانی اند که به دلیل اختلافات قومی کشمکش‌ها بالای زمین و

۱. شیندند از شهرستان‌های درجه اول و مشهور استان هرات است. مرکز نظامی شیندند و میدان هوایی نظامی شیندند نیز در این شهرستان موقعیت دارد. باشندگان این شهرستان مصروف زراعت می‌باشند. این شهرستان در شمال با آدرسکن، از جنوب با شهرستان‌های بالابلوک، خاک سفید و اناردره، از شرق با شهرستان پرچمن و از غرب به شهرستان اناردره هم‌سرحد می‌باشد. نگاه: جغرافیای عمومی ولایات افغانستان، ص: ۹۱۵. «مرکز تدوین»

یا به خاطر جرم و جنایتی که در ولایات و ولسوالی‌های خود انجام داده‌اند، فرار کردند و به‌عنوان یگانه پناهگاه خود همین صفی را که به‌نام صفا طالب است، انتخاب کردند. این گروه عناصر مجرمی‌اند که این پناهگاه، فقط پناهگاه جنایت برای اینان شده‌است؛

دسته دوم؛ مجموعه وسیعی از طالبان بی‌خبر و ناآگاه است که در مدارس دینی مصروف درس و تعلیم بودند؛ اما مفتیان جاهل و خودغرضی با تبلیغات مغرضی مغز اینان را پر از تبلیغات ناروا ساخته و اینان را به سنگرهای جنگ کشانده‌اند.

او می‌گفت: زمانی که کمی رشد کردیم و درس خواندیم، دیدیم که در کشور همسایه کسانی هست که به‌نام مفتیان، به طالبان فتوی می‌دادند و اینان برای ما می‌گفتند: شما بروید برای جهاد به افغانستان! تعدادی از ما که آگاهی مان اندکی از لحاظ علمی خوب‌تر بود و آگاه بودیم و قضایا را خوب می‌فهمیدیم که ریشه جنگ در کجاست؟ از آنان پرسیدیم: مولوی صیب‌ها اگر قرار باشد به ضد مظاهر بی‌دینی بجنگیم، چرا به ما نمی‌گویند که ما در پاکستان^۱ اعلان جهاد کنیم و در اینجا بجنگیم؟ در حالی که در افغانستان مظاهر بی‌دینی آن‌قدر زیاد نیست که در اینجا هست، چرا به ما فتوی نمی‌دهید که در اینجا بجنگیم و جهاد بکنیم!؟

چون دلیل نداشتند، می‌گفتند: مصلحت نیست و شما بچه‌ها این گپ را نمی‌فهمید! و حتی تهدید می‌کردند که ممکن است دستگیر و بندی شوید. و گروه سومی این مجموعه؛ یک مجموعه اجیر و مزدوری است که آنان در رهبری قرار دارند و با دستگاه‌های استخبارات مختلفی ارتباط دارند و از آنان پول می‌گیرند و مجموعه بی‌خبر از طالبانی را که از دین و سیاست آگاهی‌های بسیار محدودی دارند، به‌عنوان دفاع‌کننده چوب سوخت استفاده می‌کنند و خون اینان و خون هموطنان‌شان را می‌ریزانند؛ تا آنان از منافع

۱. جمهوری اسلامی پاکستان؛ کشوری است که در جنوب‌غربی قاره آسیا موقعیت دارد. مساحت آن ۷۹۶۰۹۵ کیلومتر مربع و جمعیت آن در سال ۲۰۱۰م، ۱۸۴۴۰۵۰۰۰ نفر تخمین شده‌است. زبان رسمی آن اردو، انگلیسی، پایتخت آن شهر «اسلام‌آباد» و واحد پول آن روپیه پاکستان است. نگاه: اطلس جامع گیئاشناسی، ص: ۱۰۰. «مرکز تدوین»

ناروای مادی‌ای که دارند دفاع کنند و در خدمت دستگاه‌های جهت‌می استخباراتی‌ای که اصلاً آن دستگاه‌ها نه تنها به اسلام هیچ ارتباطی ندارند؛ بلکه دشمنان اسلام و مسلمانان‌اند، بوده باشند و توسط اینان در اصل توسط همین دستگاه‌ها رهبری و هدایت و رهنمایی می‌شوند.

یقیناً این مفتی جوان این موضوع را بسیار دقیق بررسی کرد و کسانی که با او، آنجا پیش ما آمده بودند، همه شخصیت‌های بسیار مؤثری بودند، آنان گفتند: حال ما نه تنها اینکه خودمان در میان گروه‌های طالب کار می‌کنیم؛ بلکه با مال، با جان و با هر چه که داریم، ما دیگر در خدمت صلح قرار خواهیم گرفت و این کار هم این است که ما دریافتیم، راهی که ما می‌رویم مخالف دین، مخالف مصلحت ملی و یک تباهی و گمراهی محض است. یقیناً قسمی که پیش‌تر جوان ارجمندی به نمایندگی از جوانان اشاره کرد؛ مگر شرم‌آور نیست که کودکی را ببری که تازه در سنین ده، یازده و یا دوازده است، پدر و مادرش به آرزوی اینکه برود تحصیل دین و مسایل دینی را فرا بگیرد؛ اما این‌ها او را به مراکزی می‌برند، مراکز استخباراتی و مراکز خطرناکی که اصلاً فهمیده نمی‌شود که چه کسانی دارند که این را اداره می‌کنند؟ می‌برند، به ظاهر عبا و قبا و به شکل ملا و طالب؛ اما در واقع عناصر بسیار دشمن و تهی از همه ارزشی‌های دینی و علمی، این اطفال را طوری مغزشویی می‌کنند که ضد همه چیز می‌شوند و به دروغ به اصطلاح «چک داخل شدن بهشت» را برای‌شان می‌دهند. برای‌شان گفته می‌شود، وقتی رفتی مسجدی را منفجر ساختی و یا در یک مجموعه‌ای از مردم هرکسی که بوده باشد، خلاصه هر مسلمان و هر انسانی را که در افغانستان هدف قرار دادی و بکشی، بهشت می‌روی.

نتیجه این فتوایی جاها لانه را می‌بینم که نه تنها در افغانستان فاجعه‌آور بوده که امروز وضع کشور همسایه پاکستان را می‌بینیم فاجعه‌بار ساخته است؛ تا جایی که در یک هفته گذشته در اثر برخوردهای داخلی در کراچی ۵۰۰ نفر کشته شد. در حادثه انفجاری که در داخل یک مسجد در جمروود، در خیبر پشتونخواه صورت می‌گیرد، می‌بینیم که انتحاری خود را در میان نمازگزارانی

را که به نماز تراویح رفته بودند، منفجر می‌سازد که در پی آن، بیش از پنجاه و چند نفر کشته شد و بیش از یک صد و چند نفر، سخت مجروح شده بودند. آیا مدارس دینی و علمای دینی چنین درسی را به شاگردان خود می‌دهند که بروند و نمازگذاران را در ماه مبارک رمضان؛ یعنی کسانی را که در پیشگاه خداوند مشغول راز و نیازند، منفجر بسازند؟ این در کدام کتاب هست؟!

جز اینکه در کتاب‌های دشمنان دین و دشمنان ملت ما و ملت‌های مسلمان باشد! این حرکت واقعاً یک حرکت خطرناک است، باید همه را از این حرکت برحذر داشته باشیم، اهل مدرسه از همه بیشتر باید متوجه این جریان باشند که این جریان برای بدنای اهل مدرسه و اهل علم است.

بی‌گمان علمای دینی بسیار محترم ما در افغانستان و پاکستان و منطقه کسانی بودند که می‌فهمیدند و مردم به فتوای اینان به سنگرهای جهاد رفتند و می‌روند و در برابر قدرت‌های استعماری مبارزه می‌کنند، این‌ها هستند که مشکلات و پرابلم‌های بسیار سنگین قومی و اختلافات و نزاع‌های قومی را حل می‌کردند، این‌ها هستند که در برابر منکرات تلاش و فعالیت کردند و می‌کنند.

بناءً از محبوبیت خاصی در میان مردم برخوردار بودند؛ لذا این دسیسه دقیقاً به خاطر از بین بردن همین احترامی که در دل ملت‌های مسلمان، نسبتاً وجود داشت، طراحی شده؛ تا این‌ها را طوری در ذهنیت‌ها بکوبند. اگر روزی باز این‌ها بخواهند که به‌عنوانی، در پیشاپیش مردم قرار بگیرند و مردم را به یک موضوعی سوق بدهند، مردم برای‌شان بگویند که مگر شماها نیستید که چک بهشت می‌فروختید؟ یعنی مثل همان روزهایی که کشیش‌های مسیحی پیش از این در میان خود این چک‌های بهشت را به عناصری که سراسر در گناه غرق بود، در مقابل پول و در مقابل یک سلسله منافع می‌دادند که تو برو بهشتی شدی، می‌روی داخل بهشت! این کشیشان با نظام‌های فاسد، دست‌به‌دست هم‌دیگر داده بودند و ملت‌ها را سرکوب کرده بودند، وضع و حالت طوری آمد که انقلاب‌هایی در کشورهای مسیحی به‌میان آمد.

دیروز این کشیشان نقش خود را در نظام سیاسی به‌عنوان یک حق

الهی تبلیغ می کردند که ما حق داریم از طرف خداوند که زعیم کشور را ما تعیین بکنیم و کسی را که ما تعیین می کنیم او مقدّس است و این یک حق الهی است که خدا برای ما داده و ما این حق را داریم که این جامه را به شخص دیگری بپوشانیم؛ یعنی زعامت سیاسی را؛ اما وضع و حالت، اروپا را به کجا کشاند؟ انقلاب های مختلفی به میان آمد، در یکی از انقلاب ها و حملاتی که بالای مراکز کشیش ها و مسیحیان شد، شعارشان این بود که آخرین امپراطور ظالم را - که به نام حقّ الهی و مقدّس می خوانند بدون اراده مردم حکومت بکنند - با روده آخرین کشیش - زنده مانده باشد - به دار بکشید؛ یعنی نه کشیش را زنده بمانید و نه کسانی را که این ها را حمایت می کردند. از همین جا بود که دین از سیاست جدا شد و دیگر نقش رهبری کشیشان که دیروز مقدّس بودند و همه چیز ملت های اروپایی در اختیارشان بود، امروز از جامعه کاملاً به دور داشته شده اند و نه تنها دین از سیاست جدا و سیاست از دین جدا شد که دیگر اصلاً دین مسیحیت مفهوم خود را به علت همین حرکت ها از دست داد.

باید اهل علم و مدارس ما متوجه باشند؛ نشود که چنین یک دسیسه ای پشت سر بوده باشد و یقیناً که ما مقدمات این کار را می بینیم و به اصطلاح وقتی «صُغری» و «کُبری» می کنیم، می بینیم که این چنین یک هدف درست به خاطری که دین و اهل دین، مدرسه و اهل مدرسه و اهل علم را بدنام بسازند، درست سنجیده شده است.

شما خوب ببینید! در طی همین چند ماه اخیر، چه کسانی را انفجار دادند؟ آیا در میان این ها کسی متهم به بی دینی و فساد اخلاقی بود؟

نه خیر؛ بلکه بهترین چهره های جهادی، شخصیت های باتقوی و حتّی قومندانانی را به شهادت رساندند که در این اواخر اکثرشان مصروف این بودند که قرآن را حفظ بکنند و در پهلوی مأموریت های شان، دروس دینی را شروع کرده بودند، شب ها به تهجد برمی خاستند؛ حتّی کوشش می کردند که با همین طالبان هم با جنگ روبه رو نشوند، به همین سبب از راه های مختلف طالبان را به صلح و هم زیستی دعوت می کردند. شخصیت هایی باتقوایی

همانند جنرال داود شهید^۱، ملا شاه‌جهان شهید^۲، عبدالرحمن سیدخیلی شهید^۳، خان محمد شهید^۴ و احمدولی کرزی، برادر کرزی صاحب که یک مجاهد و انسان بسیار صالحی بود و امثال اینان بسیاری از قومندانان معروف جهادی و بهترین شخصیت‌ها را گرفتند و تصفیه می‌کنند و ترور می‌کنند؛ یعنی خوب سنجیده این کار را می‌کنند.

من یقین دارم علمای بزرگوار ما که اینجا هستند، رئیس صاحب شورای صلح ما و رئیس شورای ولایتی ما همگی از خانواده‌های علمی و از خانواده اهل مدرسه‌اند، اینان خود می‌فهمند که آیا طالبان ما این قدر پلان‌گذاری

۱. شهید جنرال محمد داود داود فرزند حاجی محمد حسین، در سال ۱۳۴۴ هـ. ش، در ولسوالی فرخار ولایت تخار دیده به جهان گشود. وی دوبار ازدواج کرده و از وی چهار فرزند باقی مانده است. او تازه جوان شده بود که به صفوف نیروهای مقاومت علیه اشغالگران روسی، شامل جبهات جمعیت اسلامی افغانستان گردید. در دوران مقاومت جبهات ولایت تخار راهبری می‌کرد و در شکست طالبان نقش اساسی بازی کرد. وی در پست‌های قومندان قول اردو در ولایت قندز، چندین سال به‌صفت معین مبارزه برضد مواد مخدر، در وزارت داخله و مدت یک‌و‌نیم سال به‌صفت قومندان زون ۳۰۳ پامیر ایفای وظیفه کرده بود و سرانجام حوالی عصر روز شنبه، ۷ جوزای سال ۱۳۹۰ هـ. ش، در حادثه المناک، در ولایت تخار همراه با جنرال شاه‌جهان نوری و چند تن دیگر به شهادت رسیدند. نگاه: هفته‌نامه مجاهد، ص: ۷، دور ششم، سال دهم، شماره نهم، ۱۴ جوزای ۱۳۹۰ هـ. ش. «مرکز تدوین»

۲. شهید جنرال شاه‌جهان نوری در ۱۳۴۴ هـ. ش، در ولسوالی فرخار ولایت تخار به دنیا آمد و در سال ۱۳۶۱ هـ. ش - که هنوز ۱۷ سال داشت - به کاروان مبارک جهاد پیوست. مرحوم نوری مسئولیت‌های زیادی را چه در دوران جهاد و مقاومت و چه پس از آن، به‌دوش داشتند که عمده‌ترین آن‌ها مسئولیت فرهنگ «غند صلاح‌الدین ایوبی» معاون و مسئول عقیدتی سیاسی کندک پنجم، قوماندان غند ۳۲ قومندان لوی ۹۹۹، قومندان امنیت ولایت‌های بدخشان، غور و تخار ایفای وظیفه کرد و سرانجام در هفتم جوزای ۱۳۹۰ هـ. ش، به شهادت رسیدند. نگاه: روزنامه ماندگار، ص: ۴، سال چهارم، شماره ۸۲۴، یک‌شنبه، ۷ جوزای ۱۳۹۱ هـ. ش. «مرکز تدوین»

۳. شهید دگر جنرال مولانا عبدالرحمن سیدخیلی فرزند مرحوم الحاج مولوی حضرت‌الدین ترکیبی سیدخیلی در سال ۱۳۴۷ هـ. ش، در یک خانواده متدین در روستای «کهنه‌قلعه» ولسوالی سید خیل ولایت پروان به دنیا آمد. و پس از عهد جهاد و مقاومت در پست‌های مختلف در راه تأمین امنیت در ولایات پروان، بغلان و قوماندانی امنیت‌کنند فعالانه و موفقانه وظیفه اجرا کرد و با یک عمر مبارزه و جهاد، در ۱۹ حوت ۱۳۸۹ هـ. ش، از اثر یک حمله انتحاری در ولایت کندز، به شهادت رسید. نگاه: سپیدار آزادی ۲، ص: ۹ - ۱۲. «مرکز تدوین»

۴. شهید خان محمد مجاهد فرزند حاجی دادمحمد در سال ۱۳۴۰ هـ. ش، در ولسوالی ارغنداب ولایت قندهار دیده به جهان گشود. در جوش جوانی‌اش به‌صفت مقدس جهاد پیوست و بعد از پیروزی هم، همه عمرش را صرف دفاع از حریم دین، عقیده، بازسازی، تأمین امنیت و صلح در کشور کرد. سرانجام این مرد مجاهد در ۱۳۹۰/۱/۲۶ هـ. ش، به شهادت رسید. «مرکز تدوین»

دقیق را بلدند و تا هنوز دستگاه‌های امنیتی مان به صورتِ درست از یک حادثه خبر نمی‌بودند که این‌ها به صورتِ دقیق خبر می‌شدند.

مثلاً: در مورد اجتماعی که در تخار صورت می‌گیرد، می‌دانند که در کدام ساعت و چه وقت این واقعه صورت می‌گیرد.

در حالی نیروهای امنیتی ما از این مسایل خبری ندارند؛ اما این‌ها همه مسایل را خبر می‌شوند و بر وقت می‌آیند و دست به این عملیات می‌زنند؟ یا به گونهٔ مثال به عملیاتی که در اترکانتینتال می‌شود، نگاه کنید و یا امثال آن. این‌ها تماماً یک سلسله دسایس بسیار خطرناکی است که همهٔ ما باید متوجه آن باشیم. همهٔ مردم افغانستان و از همه کرده اهل مدرسه ما و اهل علم و علمای دینی و طلبهٔ دینی ما سخت متوجه باشند که این جریان یک جریانی نیست که به نفع اسلام، به نفع مدرسه و به نفع طالبان باشد؛ بلکه به خاطر سرکوبی و نابودی و بدنامی این‌هاست که این جریان به وجود آمده‌است و آغازش را هم می‌دانیم که چه رقم به میان آمد؟!

ما می‌بینیم که تعدادی از طلبه، تعداد زیادی از اهل مدرسه که از جریان خبر نبودند، به شمول حافظان قرآن کریم کشته شدند و در این میان علمای جوان بسیاری کشته شدند، بیچاره‌ها خبر نبودند که ما چه می‌خواهیم؟

تنها برای‌شان گفته شد که بروید شما به خاطر شریعت جهاد کنید، حتی در داخل افغانستان در دوران مقاومت طوری به دروغ تبلیغ می‌کردند که در سنگرهایی که مجاهدین هستند، در آنجا روس‌ها هستند، اذان نیست، نماز نیست و حتی بسیار وقت‌ها چنین شده‌است که طالبان که به جنگ آمده بودند، وقتی آواز اذان را شنیدند، از کسانی که آن‌ها را به دروغ به این سنگر جنگ آورده بود، پرسیدند: مگر شما نمی‌گفتید که اینجا اذان وجود ندارد؛ اما این آواز اذان از سنگرهای آن‌ها شنیده می‌شود!

به همه‌حال؛ این یک دسیسهٔ خطرناکی است که پیش از اینکه دولت و یا دوستان و برادران ما در شورای عالی صلح به خاطر آن تلاش می‌کنند، باید خود کسانی که خود را منسوب به گروه طالب می‌دانند، متوجه باشند که راهی را که رفتند، راه غیراسلامی و مخالف ارزش‌های دینی است.

به هر حال؛ می‌خواهم روی چند موضوع تأکید کنم:

اول؛ سخن من متوجه علمای دین ماست. علمای دینی ما می‌فهمند که پیغمبر اکرم ﷺ فرموده‌اند:

﴿مَنْ كَتَمَ عِلْمًا مِمَّا عَلَّمَهُ اللَّهُ، الْجَمَهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ بِلِجَامٍ مِنَ النَّارِ﴾^۱ او
 کما قال؛

(کسی که علم را خدا برایش داده کتمان بکند و بر مردم نگوید، تبلیغ نکند، خداوند در روز قیامت لجام آتشین را در دهان چنین علمایی که کتمان کردند، با این شکل آن‌ها را تعذیب می‌کند.)

از همه بیشتر علمای دینی ما به حکم ادای مسئولیت دینی شان و از اینکه خود را از این إنذار الهی برحذر و به‌دور داشته باشند، متوجه این مسئله بوده باشند؛ مگر نه این است که خداوند ﷻ می‌فرماید:

﴿لِعَنَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنِّي إِسْرَائِيلَ عَلَى لِسَانِ دَاوُودَ وَعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ ذَلِكَ بِمَا عَصَوْا وَكَانُوا يَعْتَدُونَ * كَانُوا لَا يَتَنَاهَوْنَ عَن مُنْكَرٍ فَعَلُوهُ لَبِئْسَ مَا كَانُوا يَفْعَلُونَ﴾^۲

یعنی مردمی که یکدیگر خود را از منکرات منع نمی‌کنند و بنی اسرائیل که این کار را کردند، مورد لعن خداوند قرار گرفتند، هم به زبان حضرت داود و هم به زبان حضرت عیسی - علیهم‌السلام - این کارهایی که روان است، یکی از منکرات است. باید با این جدلاً مبارزه صورت بگیرد، تا هم خود، هم مردم خود و هم طالبان را نجات دهیم.

وظیفه علمای ما نسبت به همه، سنگین‌تر و مهم‌تر است. بعد از علمای ما، عامه مردم باید سخت متوجه باشیم. شما بدخشانیان خوب

۱. این حدیث با عبارات متفاوت روایت شده‌است که نزدیک‌ترین آن‌ها به روایت بالایی این‌هاست:
 ۱ - ﴿مَنْ كَتَمَ عِلْمًا، الْجَمَهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، بِلِجَامٍ مِنَ النَّارِ﴾ صحیح ابن حبان ۹۶، المستدرک از حاکم ۳۴۶: ۲ - ﴿مَنْ سَتَلَ عَن عِلْمٍ فَكْتَمَهُ الْجَمَهُ اللَّهُ بِلِجَامٍ مِنَ النَّارِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ﴾ صحیح ابی داود، المحدث البانی، الرقم: ۳۶۵۸؛ ۳ - ﴿مَنْ كَتَمَ عِلْمًا عَلَّمَهُ اللَّهُ إِيَّاهُ الْجَمَهُ بِلِجَامٍ مِنَ النَّارِ﴾ طبقات الشافعیین، أفق ۷۳ العزوة: ۳۱۵، مؤلف ابن کثیر. «مرکز تدوین»

۲. مایده / ۷۸ - ۷۹. (از میان فرزندان اسرائیل آنان که کفر ورزیدند به زبان داود و عیسی بن مریم مورد لعنت قرار گرفتند، این [کیفر] به‌خاطر آن بود که عصیان ورزیده و [از فرمان الله] تجاوز می‌کردند، [و] از کار زشتی که آن را مرتکب می‌شدند، یکدیگر را باز نمی‌داشتند، راستی چه بد بود آنچه می‌کردند.) «مرکز تدوین»

به خاطر دارید؛ تا زمانی که طالبان حتی تا تخار^۱ آمده بودند، شما ولسوالی به ولسوالی می‌رفتید هیچ کس، احساس بدامنی نمی‌کرد. حتی من به خاطر دارم پیره زنی از ناروی^۲ که خود را وقف خدمت به تعلیم و تربیه ساخته بود، در آن روزها از یک ولسوالی به ولسوالی دیگر می‌رفت و همان کمک‌هایی را که داشت با خود گرفته می‌برد؛ اما کاملاً احساس امنیت می‌کرد، هیچ کس از او نمی‌پرسید که این خارجی است و او هم نمی‌ترسید که کسی به من اذیت و آزار بدهد. این در حالی بود که طالبان در تخار وجود داشتند. امروز که اصلاً طالبان وجود مرکزیت‌شان در داخل افغانستان نیست؛ بلکه مراکزشان در کوئته و در وزیرستان و در جاهای دیگر است و افرادی هم که می‌آیند به اینجا، خیلی دزدانه هم می‌آیند.

پس نباید بدخشانیان ما اجازه بدهند که خدای ناخواسته افرادی پیدا شوند که به نام طالب باز خانه‌شان را بدامن بسازند. اگرچه در همه جا باید تلاش کنیم که جنگ‌ها خاتمه پیدا بکند و امنیت حاکم شود و به خصوص در ولایت بدخشان؛ زیرا مردم بدخشان اگرچه مردم با فرهنگ، آزادی دوست و فرهنگ دوست‌اند؛ ولی مردم فقیر و ناتوانند و راستی در یک محاصره قرار دارند، خدای ناخواسته اگر ولسوالی‌ها بدامن شود و به خاطر سرکوبی عناصر آشوبگر جنگ صورت بگیرد - که طبعاً جنگ صورت می‌گیرد - از زمین و هوا مورد بمبارد قرار می‌گیرد، خانه‌های مردم ویران می‌شود و مردم مجبور می‌شوند که خانه خود را ترک بگویند. در این حالت این‌ها کجا بروند؟ کسانی که در مناطق سرحدی قرار دادند و مناطق شرقی و جنوبی افغانستان و حتی غربی افغانستان شاید به کشورهای همسایه بروند و مهاجر شوند؛ اما مردم بدخشان کجا می‌روند؟ در دریای آمو خود را غرق کنند؟ جای دیگری

۱. تخار؛ یکی از ولایت‌های شمال شرقی افغانستان است. مساحت آن ۱۲۴۵۷٫۸ کیلومتر مربع و جمعیت آن در سال ۱۳۹۱ هـ.ش، ۹۳۳٫۷ نفر محاسبه شده است و مرکز آن شهر تالقان است. نگاه: جغرافیای عمومی ولایات افغانستان، ص: ۴۶۲ - ۴۶۷. «مرکز تدوین»

۲. ناروی یا نروژ؛ یکی از کشورهای شمال اروپاست، مساحت آن ۳۲۳۷۵۸ کیلومتر مربع و جمعیت آن در سال ۲۰۱۰م، ۴۸۸۸۰۰۰ نفر تخمین شده است، زبان رسمی آن نروژی، واحد پول آن «فرانک سی افآ» و پایتخت آن شهر اسلو می‌باشد. نگاه: اطلس جامع گیئاشناسی، ص: ۱۱۱. «مرکز تدوین»

اینجا وجود ندارد، هیچ کشوری این‌ها را نمی‌پذیرد.

بر این اساس ما هم به‌خاطر دفاع از دین و ارزش‌های دینی‌مان، هم به‌خاطر تأمین امنیت مردم خودمان باید اجازه ندهیم که خانهٔ پرامن ما - که دیروز کانون امن و سلامتی بود - خدای ناخواسته به یک ولایت بدامن تبدیل شود.

گروه‌های مختلف دیگری، به‌ویژه جوانان ما نقش عمده‌ای را در این عرصه دارند. اینان می‌توانند کارهای بسیار زیادی را در این راستا انجام بدهند و جوانان باید در میان‌شان روشنگری داشته باشند. جامعهٔ مدنی ما، معارف ما از همه عمده‌تر باز هم تأکید می‌کنم، منابر ما به‌هیچ پایگاه رهبری باید نقش خود را بازی کنند. من در یکی از صحبت‌هایی که در شورای علما در کابل^۱ داشتم، این موضوع را به ایشان رساندم که علمای محترم! شما مطابق به هدایت پیغمبر اکرم ﷺ و ارثین انبیاید:

﴿وَإِنَّ الْأَنْبِيَاءَ لَمْ يُوْرَثُوا دِرْهَمًا وَلَا دِينَارًا وَلَكِنْ وَرَثُوا الْعِلْمَ...﴾^۲

[پس شما هم باید روشنگری کنید و چیزی را پنهان نکنید.]^۳

۱. کابل؛ یکی از ولایات مهم حوزهٔ مرکزی و پایتخت افغانستان است که مرکز آن شهر کابل می‌باشد که دارای ۱۵ واحد اداری است. مساحت آن ۴۵۲۳،۹ کیلومتر مربع و جمعیت آن به اساس راپور رسمی ادارهٔ مرکزی احصائیه در سال ۱۳۹۲ هـ.ش، حدود ۴۵۳۲،۹ نفر تخمین شده است. نگاه: جغرافیای عمومی ولایات افغانستان، ص: ۱۵۷. «مرکز تدوین»
۲. بخشی از حدیث مبارکهٔ آتی است: ﴿إِنَّ الْعُلَمَاءَ وَرَثَةُ الْأَنْبِيَاءِ، إِنَّ الْأَنْبِيَاءَ لَمْ يُوْرَثُوا دِينَارًا وَلَا دِرْهَمًا إِنَّمَا وَرَثُوا الْعِلْمَ فَمَنْ أَخَذَهُ أَخَذَ بِحِطِّ وَافِرٍ﴾ (علما وارثین انبیایند، انبیا دینار و درهمی به ارث نگذاشتند و تنها علم را به ارث گذاشتند، کسی که از آن بهره برد به حد کافی بهره برده است.) نگاه: سنن ترمذی، شمارهٔ حدیث: ۲۸۹۸. رواه الترمذی وغیره وصححه الألبانی. «مرکز تدوین»
۳. بخش‌های پایانی این سخنرانی در نوار قطع شده است، لذا متأسفانه نتوانستیم، به آن دست بیایم. «مرکز تدوین»

خطابهٔ یک صد و هفدهم
در یادبود از مولانا [عبدالرحمن] سید خیلی شهید
مکان: کواهدامن، کابل.



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ * الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَى
 أَشْرَفِ الْأَنْبِيَاءِ وَالْمُرْسَلِينَ وَعَلَى آلِهِ وَصَحْبِهِ وَمَنْ دَعَى بِدَعْوَتِهِ وَجَاهَدَ فِي
 سَبِيلِهِ إِلَى يَوْمِ الدِّينِ * قَالَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى فِي مُحْكَمِ كِتَابِهِ وَهُوَ صِدْقُ الْقَانِلِينَ.^۱
 أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ * بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ﴿لَقَدْ كَانَ لَكُمْ
 فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُو اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا
 * وَلَمْ يَأْرَأِ الْمُؤْمِنُونَ الْأَحْزَابَ قَالُوا هَذَا مَا وَعَدَنَا اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَصَدَقَ اللَّهُ
 وَرَسُولُهُ وَمَا زَادَهُمْ إِلَّا إِيمَانًا وَتَسْلِيمًا * مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا
 اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَن قَضَىٰ نَحْبَهُ وَمِنْهُمْ مَن يَنْتَظِرُ وَمَا بَدَّلُوا تَبْدِيلًا﴾^۲

در آغاز از مجاهد مرد قهرمان برادر عزیز میرامان الله گذر و از مردم
 کوه‌دامن که سرزمین‌شان و سرزمین شمالی، سرزمین مردخیز در طول
 تاریخ بوده، قلباً اظهار سپاس می‌کنم که شما و در رأس‌تان برادر میرامان الله
 نماینده شما در پارلمان به‌عنوان یار، همسنگر و دوست بسیار نزدیک قهرمان
 شهیدمان مولانا عبدالرحمن سیدخیلی به‌خاطر اظهار وفاداری به این شهید
 ارجمند، این مجلس را دایر کرده و با سپاس و تشکر از همه شما و با درود

۱. معنای خطبه فوق این است: ستایش الله راست که پروردگار جهانیان است و درود و سلامتی بر
 نیکوترین پیامبران و رسولان، بر یاران و بر آنانی که در راه او تا دم رستاخیز جهاد می‌کنند، الله بزرگ
 و بلندمرتبه در استوارترین کتابش - در حالی که او راستگوترین گویندگان است - فرموده‌است.
 «مرکز تدوین»

۲. احزاب / ترجمه آیات ۲۱، ۲۲ و ۲۳. (قطعاً برای شما در [اقتدا به] رسول خدا سرمشق نیکوست
 برای آن کس که به خدا و روز بازپسین امید دارد و خدا را فراوان یاد می‌کند و چون مؤمنان دسته‌های
 دشمن را دیدند، گفتند: این همان است که خدا و فرستاده‌اش به ما وعده دادند و خدا و فرستاده‌اش
 راست گفتند و جز بر ایمان و فرمان برداری آنان نیفزود. از میان مؤمنان مردانی اند که به آنچه با
 خدا عهد بستند، صادقانه وفا کردند، برخی از آنان به شهادت رسیدند و برخی از آنان در [همین]
 انتظارند و [هرگز عقیده خود را] تبدیل نکردند. «مرکز تدوین»

فراوان به روان همه قهرمانان جهاد و به روان این فرزند بزرگ پرافتخار جهاد مولانا عبدالرحمن شهید و سایر یاران شهیدش دعا می‌کنم که خداوند در بهشت‌برین، این شهید عزیز ما را در جوار شهدای بدر، شهدا و صدیقین قرار بدهد.

برادران عزیز!

یقیناً شهادت آرمان هر مسلمان متعهد و صادق است. البته خداوند ﷻ این مقام بزرگ را به هر آرزومندی نصیب نمی‌کند؛ بلکه از میان صفوف مردان مؤمن خداوند ﷻ کسانی را بر می‌گزیند: ﴿...وَيَتَّخِذُ مِنْكُمْ شُهَدَاءَ﴾^۱ خداوند خودش شهدا را انتخاب می‌کند، وقت شهادت‌شان را، جای شهادت‌شان را و سبب شهادت‌شان را، همه انتخاب را خدا می‌کند. خود انسان نمی‌تواند، نه روز شهادت و مرگ خود را، نه جای شهادت و مرگ خود را، نه سبب شهادت و وفات خود را انتخاب کند؛ بلکه این خداست که این همه را انتخاب می‌کند. یقیناً شهادت برادر مولانا عبدالرحمن سیدخیلی یک ضایعه بزرگ ملی بود. ضایعه‌ای که به راستی جبران‌ناپذیر است. جایگاه او برای همیشه در میان هم‌سنگران و در مابین صفوف مجاهدین و در میان ملت بزرگوار افغانستان، برای همیشه خالی است؛ اما راه او، آرمان و اهداف بزرگی که این شهید و شهدای گلگون‌قبای امثال او و هم‌سنگران او، باقی است.

آیت قرآنی چه زیبا از این اهداف و از این راه تعبیر می‌کند:

﴿مَنْ الْمُؤْمِنِينَ رَجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَنْ قَضَىٰ نَحْبَهُ وَمِنْهُمْ مَنْ يَنْتَظِرُ وَمَا بَدَّلُوا تَبْدِيلًا...﴾^۲

و شکی نیست که اگر شهید عبدالرحمن سیدخیلی در میان ما نیست؛

۱. آل عمران / ۱۴۰. ﴿إِنْ يَمْسَسْكُمْ قَرْحٌ فَقَدْ مَسَّ الْقَوْمَ قَرْحٌ مِّثْلُهُ وَتِلْكَ الْأَيَّامُ نُدَاوِلُهَا بَيْنَ النَّاسِ وَيَلْعَلُمُ اللَّهُ الَّذِينَ أَنْتَمُوا وَيَتَّخِذُ مِنْكُمْ شُهَدَاءَ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ﴾ (اگر به شما آسیبی رسیده آن قوم را نیز آسیبی نظیر آن رسید و ما این روزها [ی شکست و پیروزی] را میان مردم به نوبت می‌گردانیم؛ تا آنان پند گیرند) و خداوند کسانی را که [واقعا] ایمان آورده‌اند معلوم بدارد و از میان شما گواهانی بگیرد و خداوند ستمکاران را دوست نمی‌دارد.) «مرکز تدوین»

۲. احزاب / ۲۳. (در میان مؤمنان مردانی هستند که در پیمانی که با الله بسته‌اند، راست بوده‌اند، برخی پیمان خود را به‌سر برده‌اند و شربت شهادت سرکشیده‌اند و برخی - نیز - در انتظارند، آنان هیچ‌گونه تغییر و تبدیلی را به عهد و پیمان خود ندادند.) «مرکز تدوین»

اما هم‌سنگران و یاران او و کسانی که در صف جهاد با او یکجای جهاد کرده بودند، این سنگر را خالی نمی‌ماند و حتماً این سنگر را حفظ می‌کنند.

در اینجا می‌خواهم به چند موضوع اشاراتی بکنم:

یکی هم موضوعی است که در طول تاریخ به‌عنوان یک نقطه سیاه و شومی در طول تاریخ دشمنان حقیقت، دشمنان دین وجود داشته و اکنون هم وجود دارد و آن عبارت از «قلب حقایق» است. ما می‌بینیم که حتی قلب حقایق در دوران حیات انبیاء - علیهم السلام - هم وجود داشته است. مثلاً که دشمنان راه خدا انبیاء - علیهم السلام - را که مصلح و هادی بشریت بودند، این‌ها را به‌عنوان شریر و مفسد معرفی می‌کنند. می‌بینیم فرعون به‌عنوان یک جبار و به‌عنوان یک خون‌خوار به مردم چنین می‌گوید:

﴿..أَتَذَرُ مُوسَى وَقَوْمَهُ لِيُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ...﴾^۱

مگر می‌گذارید که موسی و مجموعه موسی در زمین فساد بیارد؟ عجب! فرعون دعوی اصلاح‌گری می‌کند و خود را مصلح می‌خواند؛ اما به حضرت موسی می‌گوید که در زمین فساد ایجاد می‌کند.

این چنین دشمنان پیغمبر ﷺ ، پیغمبر بزرگ اسلام را ساحر، کاهن و به‌نام‌های مختلفی یاد می‌کنند. پیش از دوره‌های اسلامی یکی از مشکلات بزرگی که در سیر تفکر انسانی وجود داشت، مسئله قلب حقیقت بوده، کسانی که اهل مطالعه‌اند و با تفکر فلسفی آشنایی دارند می‌دانند که یکی از کانون‌های عمده تفکر فلسفی، یونان زمین^۲ بود. پیش از سقراط،^۳ یک

۱. اعراف / ۱۲۷. ﴿وَقَالَ الْمَلَأُ مِنْ قَوْمِ فِرْعَوْنَ أَتَذَرُ مُوسَى وَقَوْمَهُ لِيُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ وَيَذُرِكَ آلَهُاتِكَ قَالَ سَتَقْبَلُونَ أَبْنَاءَهُمْ وَنَسْتَحْيِي نِسَاءَهُمْ وَإِنَّا فَوْقَهُمْ قَاهِرُونَ﴾ (و سران قوم فرعون گفتند: آیا موسی و قومش را رها می‌کنی تا در این سرزمین فساد کنند و [موسی] تو و خدایانت را رها کند [فرعون] گفت: به‌زودی پسران‌شان را می‌کشیم و زنان‌شان را زنده نگاه می‌داریم و ما بر آنان مسلطیم.)

«مرکز تدوین»

۲. یونان قدیم یا باستان؛ به تمدنی گفته می‌شود که متعلق به دوره‌ای از تاریخ یونان است که از دوره باستانی هشتم تا ششم قبل از میلاد شروع شده و تا عصر کلاسیک به طول انجامید. بلافاصله بعد از این دوران آغاز اوایل قرون وسطی و امپراتوری روم شرقی بود. نگاه: لغت‌نامه دهخدا. «مرکز تدوین»

۳. سقراط از فلاسفه بزرگ یونان است، که در ۴۷۰ قبل از میلاد در شهر آتن به دنیا آمد. وی در سال ۴۰۰ یا ۳۹۹ قبل از میلاد از طرف حکومت محکوم به اعدام گردید و با نوشیدن شوکران مسموم شد و درگذشت. وی استاد افلاتون و مؤجد روش سقراطی است و برخلاف پیشینیان، بشر

حرکتی به نام «قلب حقایق» ایجاد شد که هرکس به زعم خود اباطل خود را به عنوان حقیقت معرفی می کرد، مفاهیم و حقایق به کلی گم شده بود، مردم نمی فهمیدند؛ اما بآمدن سقراط، اولین کاری که او کرد از این بود که گفت: ما مفاهیم را تعریف کنیم.

حق چیست؟ باطل چیست؟ عدل چیست؟ خیر چیست؟ شر چیست؟ از آن به بعد است که ما بینیم در جهان یک وضع جدیدی ایجاد می شود؛ تا پیش از او آشفتنگی فکری و فرهنگی حاکم به سیر تفکر انسانی بود. در دوران ماوشما، در دوره های مختلفی این «قلب حقایق» وجود داشته و دارد.

برادر مجاهد^۱ از حبیب الله خادم دین رسول الله نام بُرد، ما می بینیم در این راستا چه «قلب حقایق» و چه تهمت های ناروایی نیست که بر ضد فرزند یکی از چهره ها و نمونه های آخرین عیار خراسان نگفتند.^۲ اگرچه عیاران بسیاری داریم و همه عیاران خراسان اسلامی، در چهره های پرنور فرماندهان ما جلوه می کند. بلی؛ در مورد آن عیار خراسان چه القاب و چه حرف های ناروایی که نگفتند، او را رهن گفتند، و هر چه که توانستند تبلیغ کردند، اما این را به خاطر داشته باشید که این عیار خراسان در صحبت هایی که داشت می گفت:

«نه من به قدرت روسی تسلیم هستم و نه به قدرت انگریزی»؛ یعنی او یک انسان آزاد، مستقل و به تعبیر امروز انسان ملی بود. انسان شجاع، دلیر، باناموس و بااخلاق بود.

او می گفت: «او مردم، او مردم کابل! تا وقتی که خادمتان زنده بوده باشد، دروازه های تان را نبندید، نه دزدی می تواند مال شما را دزدی کند و نه هیچ مفسدی می تواند به خانه شما تجاوز بکند. او [چنان باناموس بود] که وقتی

را موضوع تدقیق و مورد توجه قرار داد. از جمله فیلسوفان و نویسندگان بزرگ یونان، چون: گزنفون، افلاتون و آنتیس تنس، شاکردان وی بودند. از سقراط هیچ گونه کتاب در دست نیست؛ لکن فلسفه او را از کتاب «محوارات» افلاتون می توان استنباط کرد. لغت نامه دهخدا. «مرکز تدوین»

۱. منظور رهبر شهید ملا تاج محمد مجاهد، والی پیشین کابل است. «مرکز تدوین»

۲. برای مطالعه بیشتر در مورد امیر حبیب الله خادم دین رسول الله، به کتاب: «عیاری از خراسان» از استاد خلیل الله خلیلی، مراجعه کنید. «مرکز تدوین»

ارگ را می‌گرفت، به هیچ یکی از ناموس سلاطین گذشته، جزیی‌ترین تجاوز صورت نگرفت؛ بلکه آنان را به صورت بسیار خوب و با احترام به جاهایی که می‌خواستند، انتقال داد.

در حالی که ما می‌بینیم، با هر تغییر و تحوّل و با هر کشمکش که به وجود می‌آید، چه مشکلاتی که به میان می‌آید؟ حتی در پیشرفته‌ترین کشورهای جهان، چنین می‌شد. یک شب در یکی از شهرهای امریکا وقتی برق رفت، همان شب تمام دکان‌ها و تمام خانه‌ها چور شد. بلی؛ با رفتن یک برق؛ اما ما می‌بینیم، یک نظام سقوط می‌کند و یک نظام جدید به میان می‌آید، هیچ مشکلی به میان نمی‌آید. آن هم توسط کسی که می‌گفتند: این امّی و جاهل است؛ اما در حقیقت می‌بینیم که او چه مرد بزرگی بود. متأسفانه امروز شخصیت‌کشی‌ها، تحریف تاریخ، تحریف حقایق، یکی از هنرهای یک‌عده از انسان‌های بی‌هنر شده که از خود هیچ هنری ندارند، نه مردی دارند، نه اخلاق و نه شهامت.

به همین ترتیب می‌بینیم به ارتباط مجاهدین هم چه حرف‌های ناروایی که نگفتند و نمی‌گویند، به زبان‌های کثیف‌شان علیه مجاهدین حرف‌های ناروا و نادرستی را بستند و گفتند: این‌ها ناقض حقوق بشرند و باید به محاکمه کشانیده شوند! گناه‌شان چه بود؟ گناه‌شان فقط این بود که افغانستان را آزاد کردند، اتحاد شوروی را سرکوب کردند، از عزّت و کرامت ملی و دینی خود دفاع کردند! البته ناگفته نگذاریم، انسان‌های نفوذی در میان هر گروه و در میان هر مجموعه‌ای وجود دارد. بلی؛ به خاطر بدنام‌ساختن چهره‌های پاک و سیمای نورانی مجاهدین، بودند کسانی که دست به فساد، توطیه و ناروای‌ها زدند؛ اما نباید «قلب حقایق» صورت بگیرد، نباید به نام اینکه یک انسان بدبخت در میان یک صف وجود دارد، همه را با عینک سیاه دید و همه را در یک ردیف رقم بزینیم و یک نوع حکم بکنیم.

به همه حال؛ یک مسئله دیگری که امروز در مطبوعات بین‌المللی و مطبوعات کشور زمزمه است و آن هم موضوع قلب حقیقت بر می‌گردد، موضوع صلح است. شما همه می‌دانید که صلح در اسلام یک فریضه است،

هرجایی که جنگ و کشمکش در یک جامعهٔ مسلمان به میان بیاید، امر خداست که صلح صورت بگیرد.

خداوند ﷻ می گوید:

﴿وَإِنْ طَائِفَتَانِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ اقْتَتَلُوا فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُمَا..﴾^۱

یعنی چون دو گروه از مسلمان، یکی به حق یکی به ناحق؛ چون دو صف باهم در برابر هم قرار دارند، هر دو حق نیستند، یکی حق است و یکی هم باطل. یکی جنایت می کند و یکی دفاع و با وجودی که یک طرف جنایتگر و قاتل است، باز هم خداوند ﷻ می گوید:

﴿فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُمَا﴾

یعنی شما مسلمانان مکلف اید که میان شان صلح بکنید؛ چون صلح یک فریضه است.

در کنار اینکه صلح یک فریضه الهی و یک ضرورت ملی و نیاز مردم مان است، امنیت نعمت الهی است و بدامنی اثری از آثار غضب خداوند ﷻ در جامعه است. خداوند ﷻ مثال یک شهری را در قرآن چنین بیان می کند:

﴿..كَانَتْ آمِنَةً مُطْمَئِنَّةً يَأْتِيهَا رِزْقُهَا رَغَدًا مِّنْ كُلِّ مَكَانٍ فَكَفَرَتْ بِأَنْعُمِ اللَّهِ..﴾^۲

یعنی یک سرزمینی که در آنجا کاملاً امنیت حاکم بود و در آنجا همه مشکلات زندگی مردم حل بود؛ اما به نعمت های الهی کفر کردند، آنجاست که خداوند ﷻ بدامنی را در میان شان به میان آورد.

تلاش ما در جهت تأمین امنیت در کشور، یک فریضه دینی و یک وجیبه

۱. حجرات / ۹. ﴿وَإِنْ طَائِفَتَانِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ اقْتَتَلُوا فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُمَا فَإِن بَغَتْ إِحْدَاهُمَا عَلَى الْأُخْرَى فَقَاتِلُوا الَّتِي تَبْغِي حَتَّى تَقِيءَ إِلَى أَمْرِ اللَّهِ فَإِن فَاءَتْ فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُمَا بِالْعَدْلِ وَأَقْسِطُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ﴾ (و اگر دو طایفه ای از مؤمنان باهم بجنگند، آن دو را اصلاح دهید و اگر [باز] یکی از آن دو بر دیگری تعدی کرد با آن [طایفه ای] که تعدی می کند بجنگید؛ تا به فرمان خدا بازگردد، پس اگر باز گشت، در میان شان دادگرانه سازش دهید و عدالت کنید که خداوند دادگران را دوست می دارد.) «مرکز تدوین»

۲. نحل / ۱۱۱. ﴿وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا قَرْيَةً كَانَتْ آمِنَةً مُطْمَئِنَّةً يَأْتِيهَا رِزْقُهَا رَغَدًا مِّنْ كُلِّ مَكَانٍ فَكَفَرَتْ بِأَنْعُمِ اللَّهِ فَأَذَاقَهَا اللَّهُ لِبَاسَ الْجُوعِ وَالْخَوْفِ بِمَا كَانُوا يَصْنَعُونَ﴾ (و خدا شهری را مثل زده است که امن و امان بود [و] روزیش از هرسو فراوان می رسید، پس [ساکنانش] نعمت های خدا را ناسپاسی کردند و خدا هم به سزای آنچه انجام می دادند، طعم گرسنگی و هراس را به [مردم] آن چشانید.) «مرکز تدوین»

اسلامی است. شورایی به نام شورای عالی صلح تشکیل شد، تمام بزرگان جهاد و قومندانان به شمول جناب مجاهد صاحب، استاد سیاف، استاد خلیلی، محقق و تمام دوستان دیگر و علما خلاصه همه در این شوری سهم دارند. اینان چه هدفی دارند و چه می‌خواهند؟

خلاصه غوغاهای مختلفی به راه افتاده این شوری برای چه است و هدف از این صلح چه است، چه می‌خواهید؟

من در اینجا چند موضوع را می‌خواهم به خاطر جلوگیری از «قلب حقایق» بیان کنم که بعضی‌ها از این موضوعات به‌عنوان یک ماده تبلیغاتی، استفاده می‌کنند و این‌ها عناصری‌اند که نه به این کشور معتقدند و نه به این مردم علاقه دارند؛ بلکه عناصری در این توطیه دست دارند، عناصر مفسد و منافقی‌اند که اصلاً به هیچ چیزی علاقه‌مندی ندارند؛ اما دست به «قلب حقیقت» می‌زنند، فکر می‌کنند، این تلاش برای صلح یک معامله است و این تلاش برای صلح به خاطر این است که باردیگر داستان امارت دوران طالبان در این کشور حاکم می‌شود و قتل و قتال میدانش گرم می‌شود، باز موضوع سنگ‌سار کردن انسان‌ها و سربریدن‌ها شروع می‌شود، من فکر می‌کنم این تهمت‌های بی‌هوده است.

اصلاً کسانی که ضد این حرکت‌ها و ضد این تفکر و ضد آن نظام، سال‌ها مبارزه کردند، هرگز به این دور تسلسل باطل اجازه نمی‌دهند.

من در یکی از اجتماعات که در آنجا بعضی از مسئولین دولت و رئیس دولت هم بود، به همین ارتباط صحبتی داشتم و در آنجا گفتم: ما در مرحله فعلی، وقتی می‌خواهیم انتقال صلاحیت‌ها به خود دولت شروع شود، باید این نکته را هم بدانیم که موضوع صلح یکی از مسایل اساسی است. لذا چند مسئله را ما نباید از نگاه خود دور دانسته و فراموش نکنیم.

یکی اینکه باید منسویین دولت دیدگاه‌شان توحید شود، در میان دولت شما و در میان کسانی که در صف و سنگر شما وجود دارند، راجع به صلح نظرهای مختلفی هست، حرف‌های پست و بلندی می‌گویند. باید موضع‌تان در این مورد روشن شود.

بنابراین؛ دیدگاه‌های تان را متحد بسازید. نکته دیگر اینکه صلح تنها مسئولیت رئیس دولت و یا شورایی به نام شورای عالی صلح نیست، اگر این مسئولیت ملی است و یا مسئولیت یک نظام است، باید منسوبین این نظام همه نظرشان را واحد سازند. این یک؛

دوم؛ اینکه باید صلح را تعریف بکنیم، تعریف صلح آیا به معنای برگشت به آن دوره‌هایی است که دروازه‌های مکتب بسته می‌شد؟ به معنای برگشت به کارهای وحشت‌باری است که صورت می‌گیرد؟ اگر تعریف صلح این باشد، این صلح نیست؛ بلکه این به معنای آوردن یک جنگ دیگر، کشمکش دیگر و یک فساد دیگر در این کشور است.

به این اساس، ما باید بفهمیم هدف صلح، جلوگیری از فجایع خونینی است که در این کشور به میان می‌آید. از قتل و کشتارها جلوگیری به عمل می‌آید.

شاید در پشت سر شهادت قومندان صاحب عبدالرحمن سیدخیلی توطیه‌های مختلف دیگری بوده باشد؛ بلکه یقیناً توطیه‌های مختلفی بوده و هست؛ اما همه کاسه و کوزه را سر صلح و مصالحه‌ای که فعلاً جریان دارد، شکستاندند، این دیگر یک مسئله بسیار بی معنی و بیهوده است. باید پشت سر این مسایل خوب دقیق بررسی شود که واقعاً علت این چه بود و در پشت این کارها چه دست‌هایی بود؟

ما باید ببینیم افرادی که دستگیر شده‌اند از کدام قماش مردم‌اند و چه کسانی‌اند و در کجا بودند؟

بلی؛ این مسایل باید روشن شود؛ زیرا اگر مسایل به همین شکل باقی بمانند، در چنین یک حالت گوماگمی^۱ حق و باطل گم می‌شود، دشمن و غیردشمن به کلی از بین می‌رود. شکی نیست، هیچ یکی از ماوشما عاشق چهره‌های همان چهره‌های قبلی نیستیم که دوباره به این کشور بیاید؛ بلکه ما عاشق اینیم که در این کشور امن بیاید، صلح بیاید، خون‌ریزی‌ها پایان پذیرد و دیگر ما عناصر ارجمند و فرزندهای عزیزی را چون؛ عبدالرحمن

۱. گماگمی، از گویش‌های محلی بدخشان زمین است که یک حالت سردرگمی و سراسیمگی را بیان می‌کند. «مرکز تدوین»

سیدخیلی را که جای‌شان خالی است، در این توطیه‌ها از دست ندهیم.

یقین دارم وقتی تاریخ خود مجاهدین را بررسی می‌کنیم، می‌بینیم تاریخ مجاهدین ما عبارت از یک سلسله تلاش‌های مسلسل برای صلح بوده که در هیچ مرحله‌ای ما مجاهدین دست از تلاش صلح نبرداشتیم؛ بلکه با هر دشمنی در هر جایی صحبت کردیم. قهرمان شهیدمان انجینیر احمدشاه مسعود، به‌خاطر اینکه جلو خون‌ریزی را بگیرد، حتی با روس‌ها می‌نشیند؛ اما بر ضدش چه تبلیغات ناروایی که صورت نگرفت، در آن زمان که معامله است و چنین و چنان است و ما می‌بینیم که همان نشست و همان تلاش او برای صلح، چه پیروزی را برای مجاهدین افغانستان می‌آرد! بعد از آن وقتی که همین طالبانی که فعلاً به‌عنوان یک خطر بزرگ بر امنیت کشور شدند و فساد بزرگی را ایجاد کردند. بعد از به‌میان آمدن همین‌ها از همان روزهای آغازین، تلاش در میان صفوف مجاهدین و از جمله انجینیر شهید بر این بود که یک مرمی علیه این‌ها فیر نشود؛ تا زمانی که به سنگ نوشته و «چهار آسیاب»^۱ و حتی می‌خواستند داخل کابل شوند، اینجا بود که بعضی از قومندانان جهادی به انجینیر شهید تلفن کردند که این‌ها دارند داخل سنگرهای ما شدند، انجینیر شهید برای‌شان می‌گفت: سنگرهای تان را بگذارید و جنگ نکنید! بهتر همین است که ما جنگ نکنیم.

حتی شما در جریان آید که شخصاً بدون کدام بادیگاردی شخصاً می‌رود در داخل میدان‌شهر تا یک صفحه جدید از صفحه صلح را به‌میان بیارد و حتی بعد از این هم، در دورانی که طالبان فجایع خونینی را به‌میان آوردند، باز هم تلاش صلح‌خواهی مجاهدین و دولت اسلامی قطع نشد، هیئت‌هایی

۱. چهار آسیاب؛ یکی از شهرستان‌های استان کابل است که مرکز آن در قاعه نعیم می‌باشد. پروژه بند شاه‌توت در این شهرستان دیزاین گردیده است. چهار آسیاب، شامل قریه جات مهم ذیل می‌باشند: چهل دختران، الیاس خیل، تنگی سیدان، رحمت آباد، الوخیل، ده کلان، قریه لغمان، سیاه جوی، ستار خان، سوریوند، کته‌سنگ، میاخیل، پابنده خیل، حاجی خیل، قریه چارسوق، آهنگران، قلعه عبدالرؤف، معین خیل و سیدخیل، قشلان، عباس قلی، قلعه کهنه، دشتک علیا، گرگاب، قریه تاجیکیه، قریه گلزار و غیره .. نگاه: جغرافیای عمومی ولایات افغانستان، ص: ۲۰۳

از دولت اسلامی به ازبکستان^۱ و ترکمنستان^۲، به هدف اینکه با ایشان صلح صورت بگیرد، سفر کردند و حتی هیئتی که به ریاست آقای قانونی به ازبکستان، رفته بودند، تقریباً به موافقه رسیده بودند و بعضی از طالبانی که فعلاً در داخل کابل هستند، می گویند: یک اشتباه بزرگ شد که ما از این موافقه برگشتیم و البته عوامل مختلفی بود که آن را پنهان می کنند.

جالب این است که حتی اولین کتابی که در مورد سوانح انجینیر شهید، نشر می شود، به نام قهرمان «صلح و آزادی» است. لذا به یک تعداد کسانی که خود را منسوب به انجینیر شهید می دانند، حیرانم که تمام هنرشان عکس العمل نشان دادن در مقابل صلح و مصالحه است.

به همه حال؛ ما از طالب دفاع نمی کنیم؛ اما می خواهیم از صلح دفاع کنیم و یک تعدادی هستند که با مخالفت با صلح اصلاً هدفشان چیزهای دیگری است. این ها با علمای دینی با مدارس دینی و با کسانی که به اصطلاح با شریعت، ارتباط دارند، دشمن اند. این ها می خواهند ریشه دین و دیانت و مدرسه و عالم دین را بکنند که متأسفانه طالبان، این عناصر عاقبت نیندیش و بعضی از دست های تروریست و مفسدی که در این صف وجود دارد، عین همین کار را می کنند. در میان مساجد انفجاری صورت می گیرد، قومندانان ارجمندی مثل عبدالرحمن سیّدخیلی را شهید می سازند. این کار ایشان به این معناست که این ها می خواهند که یک فرهنگ کشمکش را در میان مجاهد و در میان به اصطلاح طالب و اهل مدرسه ایجاد بکنند. ما اصلاً،

۱. ازبکستان؛ کشوری است که در آسیای میانه موقعیت دارد، پایتخت آن شهر «تاشکند» و مساحت آن ۴۴۷۴۰۰ کیلومتر مربع، جمعیت آن در سال ۲۰۱۰م، ۲۷۷۹۴۰۰۰ نفر تخمین شده است، زبان رسمی آن ازبکی و واحد پول آن «سوم» می باشد، ۸۵ درصد مردم ازبکستان مسلمان اند، بیش از ۱۵۰۰ مسجد در سراسر این کشور ساخته شده که قبل از استقلال، تعداد آن ها ۸۰ واحد بوده است. نگاه: اطلس جامع گیتاشناسی، ص: ۹۷. «مرکز تدوین»

۲. ترکمنستان؛ کشوری است که در آسیای میانه موقعیت دارد، پایتخت آن شهر «عشق آباد» و مساحت آن ۴۸۸۱۰۰ کیلومتر مربع و جمعیت آن در سال ۲۰۱۰م، ۵۱۷۷۰۰۰ نفر تخمین شده است، زبان رسمی آن ترکمنی و واحد پول آن «منات» ترکمنستان است، ۸۹٪ مردم ترکمنستان مسلمان و اکثراً پیرو مذهب حنفی و ۹٪ پیرو کلیسای ارتدوکس روسیه اند. نگاه: اطلس جامع گیتاشناسی، ص: ۱۰۱. «مرکز تدوین»

دشمن طالب نیستیم؛ بلکه دشمن انسان شریر و تروریستی هستیم که به نام طالب است.

هدف از تبلیغات یک تعداد مردم در برابر یک فرهنگ و تربیه و تعلیمی که قرن‌ها در این کشور حاکم بوده که همانا مدارس دینی است، این است که به‌کلی گلیم این مدارس جمع شود. نه تنها یک تعداد مردم در داخل کشور چنین می‌کنند که در بیرون از کشور هم حلقه‌های غیرمسلمان، این تلاش را می‌کنند که هر جا که کانون‌های تعلیم دینی است، باید بسته شوند.

به همه حال؛ ما وقتی راجع به هر موضوعی که قضاوت می‌کنیم و یا در مورد آن صحبت می‌کنیم، باید حقیقت را اول تعریف بکنیم.

من یقین دارم هیچ یکی از کسانی که در شورای صلح هستند، به هیچ شکلی آماده نبودند و نیستند که داستان غم‌انگیز جریان طالب، دوباره در این کشور حاکم شود و باز دروازه مدارس دینی بسته شود و ما مردمی که در این شوری هستیم، عملاً امتحان خویش را داده‌ایم.

من یک قصه را چندبار کردیم، باز هم به خاطر تذکر اینجا تکرارش می‌کنم:

روزهایی که تازه حرکت طالب شروع شده بود و یقیناً اکثراً نمی‌فهمیدیم که حرف از چه قرار است، تعدادی از افراد از بعضی ولایات جنوب کشور آمدند به کابل، در حدود بیشتر از ۱۰۰ نفر بود و در میان‌شان بعضی از علمای دینی و بعضی از شخصیت‌های قومی هم بود، مولوی ذاکری سخنگوی‌شان بود، او در جمله سخنانی که با من داشت - البته در آن وقت ما در ارگ ریاست جمهوری بودیم - به من گفت:

استاذ ربانی! زه یوه خبره درته کومه اجازه راکوی؟ ما وویل: مهربانی وکره.

هغه وویل: تاسو پوهیږی چی مونږ پښتانه یو. او تاسو تاجیک یی. زموږ د مذهب امام، امام اعظم W تاجیک وو. مونږ د دی مذهب تابع یو. مونږ امام اعظم خپل د مذهب امام منلی او تاسو تا د سیاست امام په توگه منو. او تاسو سره ژمنه کوو ته چی مونږ تا سره تر هغه وخت پوری یو ترڅو ژوندی

یی. او له تاسو دفاع کوو. مونږ له تاسو څخه څه نه غواړو، خو یو غوښتنه لرو هغه دا چې دنجونو ښوونځی وتری او له دفترونو ښځینه کار کونکی وباسی. ما ورته وویل: چه مولوی صاحب راڅه چه شرعی خبر وکړو، آیا په شریعت کی دا اجازه شته چه ښځی درس و نه وایی، آیا په شریعت که اجازه شته چه ښځی کار ونکړی، گوری چه اکثرا دغه ښځی د شهیدانو وارثین دی، دوی نور څه عاید نلری، یوازی همدا معاش یی د دوی عاید دی او که چیری دا عایدی بند کړو بیا به دوی څه کوی؟

باز او گفـت: بخښنه غواړو.

زه خو دا کار نشمه کولی. راځی چی شریعت سره سم په دی برخه کی کامونه پورته کړو. بیا چی وویل: تاسو حکومت سره جگړه پیلو او حکومت مونیسو. ما ورته وویل که تاسو د یادو موضوعات لپاره زما حکومت سره جگړه کوی، خپله خوښه مو.


ما د آن وقت با وجودی که در خطر هم بودیم و از هر طرف هم فشار سر ما بود، به دفاع از یک سلسله ارزش های دینی و ارزش های علمی، باقوت موضع گیری کرده بودیم؛ حالا تصور من این است که ما این راه خود را ترک گفتنی نیستیم.

ما نمی خواهیم یک دوره سیاه تسلسل جهل و باطل در اینجا، باردیگر حاکم شود، ما به هیچ شکلی به هیچ طرفی اجازه این کار را هم نمی دهیم. این امر شرعی ماست که از علم، از دین، از امنیت و از صلح دفاع کنیم. به هر حال؛ زیادتراً از این وقت تان را نمی گیرم و بار دیگر از برادر بسیار ارجمندمان میرامان الله خان^۱ و از شما مردم متدین، مجاهد، همیشه درسنگر، شمایی که افتخارات بزرگ عیاران خراسان اسلامی را در سیماهای پرنور مجاهدین تان و فرماندهان تان، می بینیم، اظهار سپاس می کنم و بر روان همه شهدای عزیز، به روح قهرمان بزرگ انجینیر احمدشاه مسعود و یاران همسنگرشان به روان پاک مولانا عبدالرحمن سیدخیلی و به همه شهدای

۱. اکتون (۱۳۹۸ هـ ش) میرامان الله گذر؛ نماینده دور هفدهم مجلس نمایندگان کابل، عضو شورای رهبری جمعیت اسلامی افغانستان و یکی از فرماندهان نامدار دوره های پرافتخار جهاد و مقاومت مردم افغانستان است. «مرکز تدوین»

عزیزی که در این راه جان به جان آفرین سپردند و همه شهدای صلح و شهدای عزّت و کرامت افغانستان بودند، به روح همه‌شان دعا می‌کنم.
أَقُولُ قَوْلِي هَذَا، وَأَسْتَغْفِرُوا اللَّهَ لِي وَلَكُمْ وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ.

خطابهٔ یک صد و هجدهم
در حاشیه‌ای یک کنفرانس خبری
زمان: سال ۱۳۸۹ هـ ش؛
مکان: کابل، افغانستان.



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ * الْحَمْدُ لِلَّهِ وَكَفَى وَسَلَّمَ عَلَى عِبَادِهِ الَّذِينَ
اصْطَفَى؛ اوبعد:

من هم به نوبه خود از همه دوستان و اهل مطبوعات اظهار سپاس می‌کنم که در کنفرانس مطبوعاتی امروز، تشریف آوردند. قسمی که برادر محترم جناب آقای هادی^۲ اشاره کرد، قرار است که به تاریخ ۱۶ ماه میزان سیمیناری تحت عنوان «نقش و رسالت علمای دین در وحدت امت اسلامی» دایر شود؛ البته شما می‌دانید که علمای دینی در کشورهای اسلامی به‌طور عموم و به‌خصوص در کشور اسلامی ما، در طول تاریخ، جایگاه بسیار مهم خود را داشته‌اند.

در جنبش‌های ملی، در مبارزه علیه قدرت‌های استعماری، در حرکت‌های اصلاحات سیاسی و در هدایت مردم، علمای دینی همیشه نقش بارز و عمده خود را داشتند و دارند. ماوشما در تاریخ‌مان شاهد این حقیقتیم که هر زمانی کشورمان مورد تهدید و تهاجم بیرونی قرار گرفته‌است، از هجوم انگلیس‌ها گرفته تا تهاجم اتحاد جماهیر شوروی،^۳ در همه دوره‌ها،

۱. ستایش از آن خداست و درود بر بندگان برگزیده او. «مرکز تدوین»

۲. منظور استاد شهید، حجة الإسلام والمسلمین سید هادی هادی، یکی از شخصیت‌ها و علمای اهل تشیع و رئیس بنیاد پیامبر اعظم است. «مرکز تدوین»

۳. اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی؛ کشوری بود متشکل از روسیه و چندین جمهوری متحد که از زمان تأسیس در ۱۹۲۲م؛ تا زمان انحلال در ۱۹۹۱م، بخش بزرگی از شرق اروپا و شمال آسیا را در بر می‌گرفت و پهناورترین کشور جهان شناخته می‌شد، در دهه ۱۹۸۰م، آثار فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی ظاهر شد و بالاخره در ۱۹۹۱م، این کشور رسماً منحل شد و به چند کشور دیگر تجزیه شد، یکی از اساسی‌ترین عوامل فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی را حمله به افغانستان می‌دانند که به اثر شکست در مقابل ملت قهرمان و مجاهد افغانستان، این اتحاد بزرگ از هم پاشید. نگاه: جنگ افغانستان و شوروی عامل فروپاشی جهانی کمونیزم، از امیر اعتماد دانشیار.

در پیشاپیش قیام‌های ملی، علمای دینی قرار گرفته‌اند و شاهد حضور پررنگ این‌ها در رهبری این قیام‌ها هستیم و حتی جنبش‌ها و حرکت‌هایی که برای اصلاحات سیاسی در کشور، گاه‌گاهی ظهور کرده‌اند. باز هم ما حضور پررنگ علمای دینی را در آن‌ها می‌بینیم. جنبش مشروطه‌خواهی در کشور، به رهبری یک تعداد از شخصیت‌های دل‌سوزی به راه انداخته می‌شود که باز هم یک عالم دینی به نام مولوی عبدالرَب قندهاری در رهبری این حرکت وجود داشت که به‌عنوان رهبر این جنبش محاکمه شد و بالاخره محکوم به اعدام شده و شهید شد. این چنین در توحید مردم و حل‌پرابل‌ها، مشکلات روزمره که در میان مردم و در مناطق مختلف کشور همیشه ظهور می‌کند، باز هم حضور پررنگ علمای دینی را می‌بینیم که برای اصلاح مردم و برای از بین بردن پرابل‌ها و مشکلات مردم، تلاش پیگیر می‌کنند.

در اوضاع امروزی که بار دیگر کشورمان در یک مرحله حساسی از تاریخ خود به‌سر می‌برد و ما داریم در بستر یک بحران حرکت می‌کنیم و بدامنی بر کشور حاکم است و هنوز هم صدای شلیک خمپاره‌ها و انفجار بمب‌ها خاموش نشده و هنوز هم توطیه‌ها در کمین است و به‌خاطر ایجاد تشنج به‌نام اختلافات مذهبی و قومی، توطیه‌هایی است گاه‌گاهی ظهور می‌کند که پیامبر Y، ما مسلمانان را از آن برحذر داشته بود و فرموده است که شما متوجه باشید که فتنه‌های طایفی و قومی یک امر بسیار نادرست است و شما کوشش کنید که این را در نطفه خنثی سازید.

خلاصه؛ با وجود این همه مشکلات فراوان و فتنه‌هایی که دامنگیر ماست. رسالت همه انسان‌های دلسوز از جمله علمای دینی مسئولیت بیشتر دارند که به اندازه همان صلاحیتی که دین برای‌شان داده است - که معمولاً مسئولیت متوازن باصلاحیت می‌باشد - نقش خویش را ایفا کنند.

بلی؛ ما ببینیم در دین مبین اسلام، برای علمای دینی موقعیت خاصی، قرآن و سنت قایل شده است.

خداوند^۱ در قرآن کریم می‌فرماید:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ * ﴿شَهَدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَالْمَلَائِكَةُ وَأُولُو الْعِلْمِ قَانِمًا بِالْقُسْطِ...﴾^۱

خداوند^۱ می‌فرماید: خدا گواهی می‌دهد و فرشته‌ها هم گواهی می‌دهند بر اینکه جز خدای واحد، خدای دیگر نیست و بعد به تعقیب فرشته‌ها چنین می‌گوید: وَأُولُو الْعِلْمِ؛ یعنی اهل دانش و علما هم به این حقیقت گواهی می‌دهند. یعنی خدا^۱ بعد از شهادت و گواهی خود و بعد از آنکه از فرشته‌ها نام می‌برد، به دنبال آن از اهل دانش و علما نام می‌برد و ایشان را در ردیف ملایک قرار می‌دهد.

این چنین در قرآن کریم که خداوند^۱ می‌فرماید:
﴿...إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ...﴾^۲

یعنی کسانی که از خدا می‌ترسند، علما و دانشمندان‌اند.

اهل علم را خداوند^۱ مقام خاص و برتری خاصی داده و می‌فرماید:
﴿...هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ...﴾^۳
آیا کسانی که اهل علم و دانش‌اند، با کسانی که علم و دانشی ندارند برابرند؟ نه خیر، چنین نیست.

به همه حال؛ این از جمله حقایقی است که پیامبر گرامی مان Y علما را به نام وارث انبیاء خوانده است. این به این معناست که ادامه حرکت و جنبش رسالت آسمانی بعد از ختم رسالت - که پیغمبر Y به عنوان خاتم النبیین‌اند - به دوش علمای دینی سپرده شده است.

بر این اساس؛ شایسته است، همه علما به خصوص علمای افغانستان که این رسالت بسیار عمده خود را فراموش نکنند و این یک قدمی است که

۱. آل عمران / ۱۸. (خدا که همواره به عدل قیام دارد، گواهی می‌دهد که جز او هیچ معبودی نیست و فرشتگان [او] و دانشوران [نیز گواهی می‌دهند که] جز او که توانا و حکیم است، هیچ معبودی نیست.) «مرکز تدوین»
۲. فاطر / ۲۸.

۳. زمر / ۹. ﴿أَمْنَ هُوَ قَانِتٌ آتَاءَ اللَّيْلِ سَاجِدًا وَقَانِمًا يُحَذِّرُ الْآخِرَةَ وَيَرْجُو رَحْمَةَ رَبِّهِ قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُو الْأَلْبَابِ﴾ (آیا چنین کسی بهتر است [یا آن کسی که او در طول شب در سجده و قیام اطاعت [خدا] می‌کند [و] از آخرت می‌ترسد و رحمت پروردگارش را امید دارد بگو آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند تنها خردمنداند که پندپذیرند.) «مرکز تدوین»

برداشته شده؛ ولی این اولین گام نیست. شاید شما در جریان بوده باشید که علما یک سلسله تلاش‌ها را در اوضاع فعلی با محدودیت‌هایی هم که دارند، علمای سنی و شیعه با هم شورای مشترکی را به نام «شورای اخوت» ساختند. هر چند علمای شیعه ما به نام «شورای علمای تشیع» - که آن هم به خاطر پیوند و نزدیکی ساخته شده است - و علمای سنی «شورای سرتاسری» را ساختند که در آن هم تمام علمای شیعه و سنی و از تمام ولایات و از همه اقوام حضور دارند. این یک قسمت کارها و حرکت‌هایی است که در کشور ما شروع شده و امیدواریم که گسترش هر چه بیشتر داشته باشد و البته ناگفته نگذاریم، برادر ما عبدالباری راشد که رئیس اکادمی علوم است، نهادی را که ایشان رهبری می‌کند، به حیث یک نهاد دولتی، نقش بسیار بارز خود را در قسمت مسایل وحدت علما و در قسمت نقش دین و دانش، در کشور خود داشته و امروز هم «اکادمی علوم» در جمله‌ای یکی از جهت‌های بسیار مؤثری است که در تدویر این سیمینار نقش عمده خود را این چنین داشتند. اعضای اکادمی علوم هم در اینجا نقش بسیار اساسی خود را داشتند و وقت زیاد شما را نمی‌گیرم، بار دیگر از همه شما اظهار سپاس و شکران می‌کنم.

در پایان چند نکته را قابل تذکر می‌دانم:

۱- موضوعاتی که در این سیمینار بحث می‌شوند «وحدت امت»، صلح و امنیت و جلوگیری از اختلافات مذهبی و قومی و کشمکش‌های مختلف، نقش و رسالت علما در کشورهای مسلمان، مسئله تهاجم فرهنگی و امثال این عناوین است؛

۲- تا حدودی که ممکن بوده، از کشورهای مختلف اسلامی اعم از کشورهای همسایه و از کشورهای عربی، از جمله جمهوری اسلامی ایران و پاکستان در این سیمینار شرکت می‌ورزند؛


۳- به همین ترتیب از کل افغانستان از جنوب، از شمال، شرق و غرب و از تمام علما، نمایندگان‌شان در اینجا حضور می‌داشته باشند. بلی؛ علمای برجسته از تمام نقاط کشور دعوت شده‌اند؛

۴- اهمیت هر تجمعی، طبعاً به ذات خود، مهم است که تعدادی از مردم جمع می‌شوند و راجع به مسایل و موضوعاتی که جزء آجندای بحث‌شان است، تماس می‌گیرند؛ اما اینکه نتایج بعدی این تجمعات تا چه حدی است؛ طبعاً به ذات خود، مهم است که تعدادی از مردم جمع می‌شوند و راجع به مسایل و موضوعاتی که جزء آجندای بحث‌شان است، تماس می‌گیرند؛ اما اینکه نتایج بعدی این تجمعات تا چه حدی است؛ طبعاً آدم انتظار نمی‌داشته باشد که در یک سیمینار همه خواسته‌ها به دست بیاید؛ اما پیام خود را علمای دینی از این منبر و از این تریبون به همه می‌رسانند که باید وحدت و هم‌بستگی خود را حفظ کنند و امنیت بر افغانستان حاکم شود و مسلمانان در برابر تمام فتنه‌هایی که باعث برهم‌زدن وحدت و هم‌بستگی مسلمانان می‌شود، بی‌تفاوت نمانند.

طبعاً که این کار به همکاری دولت صورت می‌گیرد، رئیس‌جمهور وعده سپرده و وزارت خارجه هم در قسمت مهمانان یک سلسله کارها و همکاری‌هایی که است، وعده داده است که آنان همکاری جدی می‌کنند و وزارت داخله هم در تأمین امنیت نقش خود را می‌داشته باشد. طبعاً که اجتماع علما تافته جدابافته از حرکت‌های ملی و دولت نمی‌باشد، منافع ملت با دولت، در این طور قضایا با هم گره خورده است.

أَقُولُ قَوْلِي هَذَا، وَأَسْتَغْفِرُ وَاللَّهَ لِي وَلَكُمْ، وَلِسَائِرِ الْمُسْلِمِينَ^۱

خطابهٔ یک صد و نوزدهم
در حاشیة کنفرانس صلح
زمان: سال ۱۳۸۹ هـ ش؛
مکان: کابل، افغانستان.



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ * الْحَمْدُ لِلَّهِ وَكَفَى وَسَلَامٌ عَلَى عِبَادِهِ الَّذِينَ
 اصْطَفَى؛^۱ اما بعد:

اول‌تر از همه از تمام اهل مطبوعات جداً سپاسگزاری می‌کنیم که در پوشش کنفرانس دوروزه که به ارتباط حمایت از صلح از طرف شورای عالی به کمک دوستان بین‌المللی، به خصوص نماینده خاص کشور دوست جاپان^۲ و به همکاری نمایندگی خاص ملل متحد و سایر دوستان در افغانستان دایر شده بود، کوتاهی نورزیدند.

قسمی که شما در جریان اید، مسئله صلح برای ملت ما یک ضرورت ملی و یک رسالت ملی مردم ماست که باید کشور ما بیش از این شاهد جنگ، کشتار و خون‌ریزی و بسته‌بودن دروازه‌های مکاتب در بسیاری از مناطق افغانستان نبوده باشیم و باید مردم ما به زندگی عادی خود آغاز کنند. البته در آغاز بار دیگر از کمک‌های دوستان بین‌المللی اظهار سپاس می‌کنیم که حمایت‌های سیاسی و دیپلوماسی و لوژیستیکی کشورهای دوست و تیم‌های همکارشان - که از طریق اداره جناب وزیر صاحب مالیه، جناب زاخیلوال صاحب و سایر همکاران‌شان، برای پیشرفت پروسه همکاری کردند- باعث می‌شود که ما در انتظار امیدواری‌ها و روشنی‌ها بوده باشیم.

۱. گذشت.

۲. جاپان (سرزمین خورشید تابان)؛ کشوری است که در اقیانوس آرام و در آسای شرقی موقعیت دارد که یکی از قدرت‌های اصلی اقتصادی جهان و سومین اقتصاد بزرگ جهان از نظر تولید ناخالص داخلی است. مساحت آن حدود ۳۷۷،۸۱۹ کیلومتر مربع و جمعیت آن در سال ۲۰۱۰م، حدود ۱۲۷،۳۲۰،۰۰۰ نفر تخمین شده است. پایتخت آن شهر «توکیو»، زبان رسمی اش جاپانی و واحد پولی آن «ین» می‌باشد. نگاه: اطلس جامع گیئاشناسی، ص: ۱۰۳. «مرکز تدوین»

اگرچه این موضوع را بار بار هم گفتیم و یک بار دیگر هم تکرار می‌کنیم که مسئله صلح با مخالفان مسلح، کار یک‌شبه و یک سفر بسیار کوتاه نیست و نباید هم با این روحیه کار کنیم که عمر نوح و صبر ایوب در کار است؛ زیرا مردم ما خیلی رنج می‌برند و تا آنجایی که ممکن است این عمل را سرعت ببخشیم؛ اما این کار دوطرفه است؛ یک طرف ما و ملت افغانستان و شورای صلح است و در جهت دیگر کسانی است که مسلح با دولت می‌جنگند. من تصوّر می‌کنم که مشکلی که ماوشما با آن روبه‌رویم، این است که طالبان تنها یک مجموعه عناصر ساده و بدون پیرایه که ما در مدارس دینی خود با آن چهره‌ها آشنا مییم، نیستند. بلی؛ آنان همان طالبانی که ما در تاریخ و فرهنگ خود به‌خاطر داریم که آنان عناصر صلح‌خواه و عناصر صلح‌دوست و دور از خشونت و همیشه عامل حل‌پرابل‌ها بوده‌اند، نه اینکه خود آنان علت‌پرابل‌ها و مشکل‌ساز بوده باشند، نیستند؛ بلکه این بازی‌ای که به این نام و نشان آغاز شد و تا هنوز هم ادامه دارد، یک بازی بسیار پیچیده است و دست‌های مختلف و کسانی که اصلاً نمی‌خواهند، ملت ما به مسیر طبیعی خود مخصوصاً در این اوضاعی که جهان و جامعه بین‌المللی حضور دارند، گام‌هایی را در جهت رشد و ارتقای ظرفیت‌های سیاسی، ملی و اقتصادی خود بردارد، در پشت سر این‌ها قرار دارد؛ بلکه در پشت این‌ها، اطراف و جهت‌های بسیاری هستند که به اصطلاح غم مردم ما، شادی آنان است. کار و برنامه آنان این است که ما باید سرگرم باشیم و با مشکل روبه‌رو باشیم.

به همه حال؛ با این پیچیدگی‌های فراوانی که قضیه دارد و قسمی که در جریان کنفرانس به آن اشاره کردم، دید عناصر انتحاری یک پدیده ساده نیست؛ بلکه پدیده بسیار مشکل و پیچیده‌ای است که اطفال و نوجوانانی که از دانش دینی و از مسایل زندگی آگاهی ندارند، در این پروژه، به‌صورت بسیار وسیع استخدام می‌شوند.

به این خاطر ما باید هرچه عاجل دست‌به‌کار شویم و جلوی این پدیده گرفته شود؛ زیرا خطرهای زیادی را به دنبال خواهد داشت.

به همه حال؛ با اظهار سپاس از حضور شما و با تشکر از جامعه

بین‌المللی و دوستان بین‌المللی و از همه کشورها و نماینده خاص جاپان و کشور دوست جاپان و از نماینده خاص سرمنشی ملل متحد که بسیار صمیمانه و دلسوزانه همکاری کردند.

شما را به خداوند^۱ می‌سپارم.

أَقُولُ قَوْلِي هَذَا، وَأَسْتَغْفِرُ وَاللَّهَ لِي وَلَكُمْ، وَلِسَائِرِ الْمُسْلِمِينَ.^۱

خطابهٔ یک صدویستم
(نشست خبری) در بارهٔ جرگهٔ مشورتی صلح
زمان: ۱۳۸۹ هـ ش؛
مکان: کابل، افغانستان.



بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

پیش از اینکه سوالات شما را بگیریم، می‌خواهم از پوشش مطبوعاتی‌ای که تمام خبررسانی‌های داخلی و خارجی از جرگه امن مشورتی داشتند، به نمایندگی از تمام اعضای جرگه، صمیمانه ابراز تشکر کنم و من این موضوع را می‌خواهم تأکید بکنم که نقش مطبوعات در ایجاد صلح، در ساختن یک ذهنیت صلح‌خواه در میان مردم افغانستان بسیار مهم است.

شما بسیار بیشتر از دستگاه‌های مختلف و از ارگان‌های بسیار قدرتمند امنیتی می‌توانید، نقش سازنده‌ای را در تأمین صلح ایجاد بکنید. در فرهنگ اسلامی ماست که می‌گوید:

﴿إِنَّ مِنَ الْبَيَانَ لَسِحْرًا﴾^۱

یعنی مطبوعات و صحبت‌ها و حرف‌ها این قدرت سحرانگیز را دارد. مثل اینکه سحر تحولات بسیار شگفت‌آوری را ایجاد می‌کند. مطبوعات و سخنوران و کسانی که در دستگاه‌های نشراتی کار می‌کنند. این‌ها هم نقش‌های بسیار عمده‌ای دارند و زیاد در تاریخ تحولات سیاسی جهان نمی‌پیچم؛ تا جای که من می‌بینم، از دوره‌های بسیار طولانی، حتی تحولات بزرگ سیاسی و انقلابی در جهان محصول تبلیغات و محصول مطبوعات بوده است. یک‌بار دیگر از شما سپاسگزاری می‌کنم.

چیز دیگری که ناگفته نماند اینکه بیشتر از پیش‌بینی ما جرگه، ان‌شاءالله کارهای خوبی خواهد داشت، در آغاز فکر می‌شد که جرگه یک جرگه نمایشی

۱. نگاه: صحیح البخاری، شماره حدیث ۵۴۳۴. «مرکز تدوین»

و شکلی باشد؛ اما وقتی ما تصمیم مردمی را که از ولایات مختلف و از اقشار مختلف در این جرگه شرکت کرده بودند، دیدیم و اراده قاطع آنان را به خاطر ایجاد صلح لمس می‌کردیم، می‌دیدیم که راستی همه مصمم‌اند که تنها با یک نشست مقطعی اکتفا نشود، باید صلح در کشور نهادینه شود، صلح جزء استراتژی اساسی، استراتژی ملی کشور قرار بگیرد. صلح برای کشورمان یک فرهنگ شود. مثلی که در کشورهای مختلفی مراکز و انستیتوت‌هایی برای صلح هست و حتی در کشورهایی که اصلاً در آنجا جنگ هم نیست، چنین مراکزی وجود دارد؛ زیرا مسئله صلح یکی از نیازمندی‌های هر جامعه انسانی است. چرا پدیده‌های بسیار پیچیده در جامعه انسانی وجود دارد که همیشه تشنج‌ها را ایجاد می‌کند. تشنج‌های قومی به میان می‌آید، تشنج‌های سیاسی به میان می‌آید. تشنج‌های سلیقه‌ای به وجود می‌آید، مشکلات زیادی در داخل کشورها و ملت‌ها ایجاد می‌شود.

به این اساس؛ هر ملتی به صلح ضرورت دارد و به خصوص ملت ما که سال‌ها در کشمکش و در جنگ بوده و از لحاظ روانی بسیار آسیب دیده و با چیزهای ناچیزی شاید برافروخته شده و متشنج شود و از همه مهم‌تر اینکه کشور ما در یک نقطه ژئوپلیتیک^۱ قرار دارد که دست‌های مختلفی به آن دراز است. هستند کسانی که افغانستان را می‌خواهند میدان جنگ خود با طرف‌های مختلف بسازند، مراکز کشمکش خود را از کشورهای خود منتقل بسازند و به کشور ما.

به این اساس؛ صلح نه تنها با جهتی که فعلاً مسلح‌اند یک ضرورت حیاتی است؛ بلکه صلح برای امروز و فردای افغانستان یک ضرورت

۱. ژئوپلیتیک یا سیاست جغرافیایی یا جغرافیای سیاست. از واژه یونانی «ژئو» به معنای زمین و «پلیتیک» به معنای سیاست تشکیل شده است. ژئوپلیتیک شاخه‌ای است از جغرافیای سیاسی و به آن بخش از معرفت بشر اطلاق گردیده که به معلومات ناشی از ارتباط بین جغرافیا و سیاست مربوط می‌شود. این شاخه علمی از زمان وضع آن، طی یک قرن گذشته، از نظر مفهومی و فلسفی دچار شنواری و گاهی رکود بوده و همانند برخی رشته‌های علمی دیگر هنوز بر سر موضوع و ماهیت آن اتفاق نظر وجود ندارد. نگاه: فیلیپ مورو دفارژ، فرهنگ ژئوپلیتیک، سید حامد رضینی، انتشارات فرهنگ معاصر، ۱۳۹۲، ص: ۷ و محمدرضا حافظ نیا، اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک، انتشارات پاپلی، ۱۳۸۴، ص ۹. «مرکز تدوین»

صد درصد حیاتی بوده و ضرورتی برای توسعهٔ سیاسی، توسعهٔ فرهنگی، توسعهٔ اقتصادی... می‌باشد و شما می‌دانید که حتی ضرب‌المثلی است که به عربی که می‌گوید:

«رأس المال جبون»، سرمایه بسیار بزدل است.


در جایی که امنیت نباشد، کسی در آنجا سرمایه‌گذاری نمی‌کند، ما که به سرمایه‌گذاری کشورهای خارجی ضرورت داریم، وقتی آن‌ها احساس بکنند که در کشور ما صلح و امنیت نیست، هرگز سرمایه‌گذاری نمی‌کنند. ما دیدیم نه تنها خارجی‌ها که بعضی از تاجرهای ملی خودمان هم که با شوق و علاقه‌مندی وقتی آمدند و مشکلات امنیتی را دیدند، همین بود که کم‌کم فرار سرمایه‌ها شروع شد.

به این اساس ما به صلح سخت ضرورت داریم و از همهٔ شما اظهار سپاس و تشکر می‌کنم.

بخش دوم
خطابه‌های ۱۳۸۸ هـ.ش، رهبر شهید
پروفسور برهان‌الدین ربّانی



خطابهٔ یک صد و بیستم
در مراسم یادبود از شیخ جلیدان
زمان: حمل ۱۳۸۸ هـ ش؛
مکان: کابل، افغانستان.



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ * ﴿كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ وَإِنَّمَا تُوَفَّقُونَ أُجُورَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَمَنْ رُحِّحَ عَنِ النَّارِ وَأُدْخِلَ الْجَنَّةَ فَقَدْ فَازَ وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا مَتَاعٌ الْغُرُورِ﴾^۱

در آغاز برای مرحوم شیخ ابراهیم جلیدان طلب مغفرت می‌کنم.
﴿إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ﴾^۲

یکی از ویژگی‌های جهاد در افغانستان این بود که مسلمانان از دیگر کشورها از آن حمایت کردند. شماری از مسلمانان دلسوز از کشورهای اسلامی به خصوص از عربستان سعودی، با عشق و محبت فراوان، به اسلام و به مردم افغانستان خدمت کردند. یک‌تن از این چهره‌های برجسته، مرحوم ابراهیم جلیدان بود.

ابراهیم جلیدان یک‌تن از سرمایه‌داران متوسط بود؛ اما همت بسیار عالی داشت. او با اخلاص مندی زیاد در خدمت ملت مسلمان افغانستان قرار گرفت. او نه تنها به جهاد کمک مالی کرد؛ بلکه با روابط بسیار وسیعی ای که با سیاست‌مداران و زمامداران کشورش و دیگر کشورهای اسلامی داشت، حمایت سیاسی آنان را از مقاومت افغانستان جلب کرد.

او کار بزرگی برای مهاجرین و مجاهدین می‌کرد. او در پشاور پاکستان «کودکستان» بزرگی ساخت و کودکان یتیم و بی‌سرپرست را تحت آموزش

۱. آل‌عمران / ۱۸۵. (هر جاندارى چشمنده [طعم] مرگ است و همانا روز رستاخیز پادشاهى‌تان به‌طور کامل به شما داده مى‌شود، پس هرکه را از آتش به‌دور دارند و در بهشت درآورند، قطعاً که کامیاب شده‌است و زندگى دنیا جز مایه فریب نیست.) «مرکز تدوین»
۲ بقره / ۱۵۶. ﴿الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمُ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ﴾ (کسانی که چون مصیبتی به آنان برسد، می‌گویند: ما از آن الله‌ایم و به‌سوی او باز می‌گردیم.) «مرکز تدوین»

قرار داد. او با کودکان یتیم کشور یکجا زندگی می‌کرد و برای آنان درس، لباس و وسایل صحی فراهم می‌کرد. همیشه در آرزوی این بود که چگونه بتواند به اردوگاه‌های مهاجرین برود و به آنان مساعدت کند.

در سال‌های اول، مردم علاقه‌مند دریافت کمک نبودند، غرور اسلامی و ملی‌شان اجازه نمی‌داد، با آنکه محتاج بودند کمک بگیرند، چندسال بعدتر روزی با شیخ جلیدان در یکی از اردوگاه‌های مهاجرین رفتیم تا شیخ مواد غذایی به آنان توزیع کند، کودکان و زنان برای گرفتن مواد غذایی پیرامون ما جمع شدند. شیخ از این وضعیت متأثر شد و گفت: روزهای اول را به یاد دارم که این‌ها چقدر باغور بودند، با وجود محرومیت، خود را محتاج و نیازمند نشان نمی‌دادند؛ اما احتیاج و محرومیت‌های شدید، خصوصیات اخلاقی و فرهنگی مردم را دچار تغییر کرده‌است. این حالت او را سخت متأثر ساخت.

مرحوم جلیدان با آنکه همیشه در فکر کمک به مهاجران و کودکان یتیم بود؛ اما به آینده افغانستان نیز می‌اندیشید.

بنابراین، کوشش می‌کرد، فرزندان مجاهدین و شهدا آموزش ببینند؛ تا در آینده به وطن‌شان مصدر خدمت شوند و بتوانند به‌عنوان عناصر آگاه در ساختن آینده افغانستان سهم بگیرند.

اخبار پیروزی مجاهدین و مردم افغانستان او را شاد می‌کرد. او با علوم و معارف معاصر هم آشنایی داشت. هرچند که صاحب ثروتی هم بود؛ اما بیشتر انسان عارف مشرف و در فکر خدمت و کمک به دیگران بود. او همیشه به فکر جهان اسلام و مسلمانان بود و به اساس حدیث پیغمبر ﷺ:

«کسی که به فکر مسلمانان نباشد، مسلمان کامل شده نمی‌تواند.»^۱

همیشه در فکر مسلمانان فلسطین و دیگر ملت‌های مسلمان بود.

۱ شاید اشاره استاد شهید G به این حدیث رسول اکرم ﷺ باشد: ﴿من لم یهتم بأمر المسلمین فلیس منهم﴾ در سند این حدیث ضعف‌هایی هست که محدثین به آن پرداختند؛ اما معنا و مفهوم آن مؤید با آیاتی از قرآن کریم همانند این آیت: ﴿والمؤمنین والمؤمنات بعضهم أولیاء بعض﴾ و ده‌ها حدیث صحیح‌الاسناد دیگری همانند این حدیث: ﴿المؤمنون تتکافؤ دماؤهم و هم ید علی من سواهم﴾ و روح اسلام است. «مرکز تدوین»

مرحوم ابراهیم جلیدان تصمیم داشت که در افغانستان کودکستان بزرگی بسازد، پس از پیروزی مجاهدین، او را دعوت کردم تا آن برنامه‌اش را عملی سازد؛ اما متأسفانه آن روزها روزهای بدی برای ما و ملت افغانستان بود. کابل از سوی عناصرِ ناعاقبت‌اندیش تحت حملات راکت‌پراگنی قرار داشت، شیخ جلیدان از این وضعیت سخت ناراحت شده و می‌گفت: پس از پیروزیِ جهاد، باید کشور از بدبختی‌رهایی می‌یافت. چیزی که متأسفانه به اثر مداخلات خارجی‌ها و برخی عناصر به میان نیامد.


پس از پیروزی مجاهدین از برخی تاجران کشورهای خلیج تقاضا کردم که در افغانستان سرمایه‌گذاری بکنند، شیخ جلیدان هم یک گروهی از سرمایه‌داران کشورهای خلیج را به کابل آورد؛ تا در بخش‌های استخراج نفت و گاز و زراعت و سایر زیرساخت‌ها، سرمایه‌گذاری بکنند. آن‌ها بررسی‌های اولیه‌ی خود را داشتند؛ اما در نتیجه‌ی جنگ‌ها، این تلاش‌ها ناکام شد.

او همیشه در فکر خوشبختی مردم افغانستان بود، سه‌سال پیش در ماه مبارک رمضان غرض‌ادای عمره به عربستان رفتم، به دیدن من آمد، با هم نشستیم، از وضعیت افغانستان با شوق و رغبت می‌پرسید، بسیار علاقه داشت که باز به افغانستان بیاید و برای تربیه‌ی اولاد افغانستان کار کند؛ اما اجل برایش وقت نداد. اگرچه سن بالایی داشت؛ اما بسیار پرتحرک و بانشاط بود و اخیراً به‌خاطر یک سلسله تکلیف‌هایی که عاید حالش شده بود، به لقاءالله پیوست.

امروز شیخ جلیدان در میان ما نیست؛ اما خاطرات و کارهای خیر او و محبت و علاقه‌مندی او به مردم افغانستان و جهان اسلام فراموش نمی‌شود.

إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ * أَقُولُ قَوْلِي هَذَا، وَأَسْتَغْفِرُوا اللَّهَ لِي وَلَكُمْ،
وَلِسَائِرِ الْمُسْلِمِينَ.

خطابهٔ یک صد و بیست و یکم
در همایش بزرگداشت از هفتهٔ شهید و سالروز شهادت
قهرمان ملی کشور
زمان: سنبله ۱۳۸۸ هـ ش؛
مکان: کابل، افغانستان.



الْحَمْدُ لِلَّهِ وَكَفَى وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَى عِبَادِهِ الَّذِينَ اصْطَفَى؛ اَمَّا بَعْدُ:

در آغاز به مناسبتِ هفته شهید، درود فراوان بر روان فرزانه فرزند کشور احمدشاه مسعود تقدیم کرده و از بارگاه اقدس الهی برای آنان مقام عالی و جایگاه شایسته‌ای را آرزومندم و به ملت ایثارگر و مجاهد و دلاور مردان حماسه آفرین، خانواده‌های عزیز و ارجمند شهدا و شهدای زنده کشور؛ یعنی معلولین عزیز - که از آغاز جهاد و دوره مقاومت؛ تا به امروز، برای پاسداری از ارزش‌های جهاد دلسوزانه گام برمی‌دارند- آرزوی موفقیت دارین می‌کنم و بعد:

به اجازه بزرگان جهاد و سایر بزرگان محترمی که در هفته شهید جمع آمده‌اند، می‌خواهم این نکته را برجسته سازم که تجلیل از هفته شهید، تجلیل از فرهنگ آزادی و سربلندی است. تجلیل از هفته شهید، تجلیل از صلح و برادری و همبستگی است. شهادت در فرهنگ اسلامی به معنای حرکت در راه مرگ و نابودی نیست؛ بلکه شهادت به معنای حرکت در راه حیات و زندگی است.

خداوند ﷻ در سوره انفال این حقیقت را چنین بیان می‌کند:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ..﴾^۱

(ای مؤمنان! شما از پیام خدا و پیامبرش استقبال کنید؛ چون او شما را به چیزی دعوت می‌کند که برای شما زندگی می‌بخشد.)

۱. انفال / ۲۴. ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَحُولُ بَيْنَ الْمَرْءِ وَقَلْبِهِ وَأَنَّهُ إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ﴾ (ای کسانی که ایمان آورده‌اید؛ چون الله و پیامبر شما را به چیزی فرا خواندند که به شما حیات می‌بخشد، آنان را اجابت کنید و بدانید که الله میان آدمی و دلش حایل می‌گردد و هم در نزد او محشور خواهید شد.) «مرکز تدوین»

ملت‌هایی که آمادهٔ شهادت نباشند، ملت‌های محکوم و مرده‌اند.

ابوبکر صدیق ~ روایت می‌کند که رسول الله ﷺ می‌فرماید:

﴿مَا تَرَكَ قَوْمَ الْجِهَادِ إِلَّا ذُلًّا﴾^۱

(هیچ ملتی نیست که جهاد و مبارزه را ترک بگوید؛ مگر اینکه با ذلت محکومیت روبه‌رو نشود.)

زمانی که ما از شهدای بزرگوار کشور در این هفتهٔ شهید، در روزهای ماه مبارک رمضان، ماه تقوی و طهارت استقبال می‌کنیم. این استقبال مفهوم آن را دارد که ما به‌خاطر سربلندی و عزت مردم‌مان از قهرمان عزیز و از شهدای بزرگ‌مان تجلیل به عمل می‌آوریم و این فرهنگ را به‌عنوان یک امانت و ارزش بزرگ به نسل‌های بعدی انتقال می‌دهیم؛ تا همیشه ملت ما سربلند و حماسه‌ساز باشند.

شهدای ما مظهر وحدت و همبستگی بودند، از مطالعهٔ تاریخ کشور، ما یک حقیقت را درک کرده‌ایم که عالی‌ترین شکل وحدت ملت افغانستان وقتی تحقق یافته‌است که مردم در قیام‌های آزادی‌بخش تاریخی شرکت کرده‌اند. در این وقت است که ملت ما مرزها را درهم می‌شکنند و به‌نام یک ملت متحد و یکپارچه به صحنه حضور می‌یابند.

این حقیقت را ما در جنگ‌های استقلال در برابر انگلیس‌ها و در این اواخر در برابر اتحاد شوروی که همه اقوام افغانستان در پهلوی هم قرار گرفتند و تفاوت قومی و قبیله‌ای را از بین بردند، دیدیم.

و زمانی که ما از شهدای خود تجلیل می‌کنیم، به این معنا نیست که ما از جنگ و کشتارهای بی‌معنا حمایت می‌کنیم؛ بلکه شهادت با انتحار فرق می‌کند، شهید به‌دنبال ریختن خون خود نیست؛ اما انتحارکننده، هم خون خود را می‌ریزند و هم خون دیگران را.

۱. هرچند صورت مروی این حدیث به روایت طبرانی در الأوسط و.. چنین است: ﴿مَا تَرَكَ قَوْمَ الْجِهَادِ إِلَّا عَمَّهُمُ اللَّهُ بِالْعَذَابِ﴾ اما این حدیث مبارک را دانشمندانی همچون صاحب الدرر السنیه فی الأجوبة النجدیه با «لفظ» «ذلت» ذکر کرده‌اند و در کنار این، ابن ابی الدنيا در «الأمر بالمعروف والنهی عن المنکر» به روایت از عبدالله این‌گونه روایت می‌کند: ﴿مَا تَرَكَ قَوْمَ الْقِتَالِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ إِلَّا ضَرَبَهُمُ اللَّهُ بَذَلٍّ..﴾ «مرکز تدوین»

شهید برای صلح قربانی می‌دهد نه برای جنگ، همه قهرمانان شهید ما در رأس انجینیر احمدشاه مسعود، مظهر صلح‌خواهی بود. زیادی از دوستان که در جلسه حضور دارند و از جمله استاد سیاف حاضرند و در کشمکشی که با طالبان به میان آمد؛ تا آخرین لحظه شهید احمدشاه مسعود به‌عنوان فرمانده نظامی دولت اسلامی اصلاً آماده نبود که در برابر طالبان بجنگد.

من به‌خاطر دارم و شاید شما هم به‌خاطر داشته باشید: زمانی که طالبان از غزنی^۱ به ولایت لوگر^۲ رسیدند، از لوگر به چهار آسیاب رسیدند. برخی از فرماندهان مجاهدین پیغام مخبره فرستادند که چه کنیم؟

طالبان می‌خواهند به زور سنگرهای ما را بگیرند. گل حیدر یکی از فرماندهان مجاهد بود، پیام فرستاد که آمر صاحب شما به ما اجازه جنگ نمی‌دهید؛ اما طالبان یکی بعد دیگری سنگرهای ما را گرفتند، در «سنگ نوشته» رسیدند، ما چه کنیم؟ باز هم پیام فرستاد که جنگ نکنید! من خود شاهد، ما پیام فرستادیم به قومندانان طالبان که بیایید با هم صحبت بکنیم، شما برای چه می‌جنگید؟

آماده شدند، ملا بورجان همراه رئیس عبدالواحد که قبلاً در صف مجاهدین بود و بعداً به طالبان پیوسته بود، در ماه مبارک رمضان بود که آمدند به کابل و یکجا روزه را در «قصر نمبریک» افطار کردیم. من و انجینیر شهید پرسیدیم که آخر شما چه می‌خواهید، جنگ برای چه؟ پیشنهادهای شما و خواست‌تان باید از طریق مذاکره حل شود. صحبت کردیم و موافقه شد، پنجاه تن از علمای دو جانب بنشینند و هر فیصله‌ای که بکنند ما آن را باید بپذیریم؛ اما طالبان بعداً آن فیصله‌ها را نپذیرفتند.

یکی از تهمت‌هایی که با مسعود شهید دارند؛ این است که چرا با روس‌ها پیمان صلح را امضا کرد؟ بلی؛ این پیمان بیانگر این حقیقت است

۱. غزنی؛ در مرکز افغانستان موقعیت دارد. مساحت آن ۲۴۶۰،۵۲ کیلومتر مربع و جمعیت آن در سال ۱۳۹۱ هـ. ش، ۱۱۶۸،۸ هزار نفر تخمین شده است و مرکز آن شهر غزنی است. نگاه: جغرافیای عمومی ولایات افغانستان، ص: ۱۰۳۸ - ۱۰۴۳. «مرکز تدوین»

۲. لوگر؛ در ۶۵ کیلومتری جنوب کابل موقعیت دارد. مساحت آن حدود ۴۵۶۸ کیلومتر مربع است. جمعیت آن در سال ۱۳۹۱، ۳۷۳،۱ نفر بوده و مرکز آن شهر «پل علم» می‌باشد. نگاه: جغرافیای عمومی ولایات افغانستان، ص: ۳۴۰ - ۳۴۳. «مرکز تدوین»

که او طرفدار جنگ نبود و با روس‌ها هم این پیام را داد که چرا جنگ؟ بیاید از طریق گفت‌وگوها قضیه افغانستان را حل کنیم.

همه به خاطر دارند و به‌ویژه بزرگان جهاد به یاد دارند، زمانی که حکومت داکتر نجیب در آستانه سقوط قرار گرفت و مجاهدین باید به کابل می‌آمدند، در پشاور همه رهبران جهادی با هم نشستند، حضرت صبغت‌الله مجددی به‌عنوان اولین رئیس دولت مورد قبول همه قرار گرفت و باید ایشان با کابینه تعیین‌شده به کابل می‌آمدند و انتقال قدرت صورت می‌گرفت، در آن زمان حکمتیار در جلسات نبود، ایشان به‌سوی لوگر آمده بود و برنامه مخصوص خود را داشت.

انجینیر شهید با من صحبت کرد و خبر داد که حکمتیار صاحب می‌خواهد مسلحانه داخل کابل شود و پیشنهاد او این بود که ما می‌توانیم مانع او شویم؛ زیرا مردم کابل تحمل جنگ را ندارند و باید یک مسلح داخل کابل نشود، همه باید منتظر باشیم، رئیس دولت اسلامی با کابینه خود بیاید و به‌صورت مسالمت‌آمیز قدرت را تسلیم شود و بعداً به اساس هر فیصله‌ای که می‌شود از طریق دولت مجاهدین صورت بگیرد.

این پیام را من از طریق اعضای حزب به حکمتیار به لوگر فرستادم و از وی تقاضا کردم که مسلحانه داخل کابل نشود، همه باید منتظر باشیم که رئیس دولت افغانستان بیاید و قدرت را تسلیم شود و چون آقای حکمتیار به قاضی حسین احمد روابط نزدیک داشت، از وی خواستم که او هم در این جهت تلاش کند. بعداً زمینه مساعد شد که انجینیر شهید تقریباً حدود یک ساعت با وی صحبت کرد. مسعود شهید در این صحبت از حکمتیار تقاضا کرد که با افراد مسلح داخل کابل نشود؛ اما حکمتیار اصرار داشت که حتماً از طریق جنگ داخل کابل می‌شود، متأسفانه حکمتیار حکومت مجاهدین را به رهبری حضرت صاحب نپذیرفت و بر اثر آن مشکلات زیادی دامن‌گیر ملت ما گردید.

مرحله اسفناک و دردناک از همان روز آغاز شد. مجاهدین البته اشتباهاتی نیز داشتند؛ اما با تأسف که جامعه بین‌المللی که امروز آمده‌اند،

با ملت افغانستان همکاری نکنند، اشتباهات بزرگی را در آن زمان، مرتکب شدند، نه تنها افغانستان را تنها گذاشتند؛ بلکه جنگ را مشتعل ساختند.

مشکل طالب که امروز دنیا در برابر حل آن عاجز مانده از کجا آغاز شد؟ طالب به‌عنوان یک پروژه در برابر مجاهدین تنظیم شد. در مطبوعات بین‌المللی بعضی از نظریه‌پردازان به حکومت ایالات متحده آمریکا پیشنهاد می‌کردند و مقاله نوشتند و در آن مقاله‌ها برای کنارزدن مجاهدین و تقویت طالبان دعوت کردند. یکی از نظریه‌پردازان مقالاتی در مورد جنگ افغانستان نوشت. در یکی از مقاله‌هایش نوشت که حکومت آمریکا تلاش کند و از کشورهای دوست عربی بخواهد؛ تا به جریان طالب کمک فراوانی صورت بگیرد؛ زیرا این‌ها یک جریان سنتی‌اند و باید تقویت شوند و برخلاف مجاهدین که یک جریان سیاسی - اسلامی‌اند. باید در برابر این‌ها، طالبان که یک جریان‌های سنتی‌اند تقویت شوند.

ما امروز در برابر فرهنگ انتحار قرار داریم و آخرین آن شهادت داکتر عبدالله لغمانی معاون امنیت ملی بود که البته این آخرین نیست. شما ببینید که این‌ها چه اشخاصی را انتخاب می‌کنند! تنها گناه داکتر همین بود که در دولت کار می‌کرد، حال که او یک انسان متدین و از خانواده مجاهد بود. همه خانواده داکتر عبدالله مجاهد بود، مادر شهید یک مجاهد بود، در سخت‌ترین اوضاع پیام‌هایی را انتقال می‌داد و خطر را به جان خود قبول می‌کرد. این‌ها چنین شخصیت‌ها را ترور می‌کنند، ما فعلاً در یک مرحله حساس کشورمان قرار داریم.

انتخابات به‌عنوان خواست ملی و نیاز جامعه در کشورهایی که می‌خواهند به اراده ملت خود احترام بگذارند می‌باشد. طی هشت سال یک سلسله مشکلات و بی‌اعتمادی‌ها در بین زعامت سیاسی و ملت‌مان قصداً ایجاد شد. در مرحله فعلی و در این امتحان بزرگ، اگر ما جداً طرفدار شفافیت انتخابات نباشیم و جداً جلو تقلب‌ها را نگیریم، یقیناً مشکلات زیادی دامنگیر ملت می‌شود. در این مرحله پیام همه ما باید این باشد که انتخابات عامل تفرقه و کشمکش در میان ما نشود، خدای ناخواسته عامل

برخوردهای جدیدی در کشور ما نشود. همه باید در حرف و موضع گیری های خود دقیق باشیم.

شکی نیست که اگر خدای ناخواسته آشوب جدیدی در کشور به میان بیاید، از این آشوب تنها دشمنان داخلی و خارجی افغانستان استفاده می کنند. ما باید به اختلاف و کشمکش اجازه ندهیم؛ اما لزوماً به اراده مردم و رأی مردم و خواست مردم احترام بگذاریم. بلی؛ به رأی حقیقی مردم که بر مبنای شفافیت به میان می آید، باید احترام بگذاریم.

من حرف های زیادی داشتم، وقت دوستان را زیاد نمی گیرم، ما باید در هفته شهید پیامی داشته باشیم، شهدا پیام دارند، پیام آنان اولاً به همراهان شان که در سنگرهای پرافتخار حضور داشتند، این است که راه آنان باید ادامه پیدا کند، راه شهدا راه دفاع از مقدّسات دینی، وحدت ملی و همبستگی ملی است. نباید به اختلافات قومی اجازه بدهیم که به وحدت، همدلی ما لطمه وارد کند. در اخبار خواندم که «کامبخش»^۱ آزاد شده است، او یک جوان بود و آزادی او هر عاملی که داشته من نمی دانم؛ اما من یک چیز را می خواهم بگویم که آزادی بیان حق همه است؛ اما باید حریم مقدّسات شکستنده نشود، تشویش ما این است که بعضی مردم به مقدّسات ما تعرض می کند و این را یک سکوی پرش برای رفتن به خارج برای خود ساختند.


عبدالرحمن مرتد شد و دیدیم که دروازه خارج بر روی وی باز شد و کشورهای دوست افغانستان، از وی استقبال کردند. می ترسم که این یک راه برای مرزشکنی و راه مهاجرت های پلان شده برای یک عده مردم تبدیل شود که این یک سنت بسیار نادرستی خواهد بود.

به همه حال؛ ما امیدواریم که راه شهدای ما که راه صلح و عزّت و سربلندی است، حفظ شود.

أَقُولُ قَوْلِي هَذَا، وَأَسْتَغْفِرُوا اللَّهَ لِيْ وَلَكُمْ، وَلِسَائِرِ الْمُسْلِمِينَ.

۱. منظور پرویز کامبخش است که در آن روزگار چرندی را تحت نام «آیات زن ستیز در قرآن» نوشته بود که از سوی دادگاه ابتدایی در بلخ به اعدام محکوم شد و بعد به ۲۰ سال زندان تقلیل یافت. «مرکز تدوین»

خطابهٔ یک صد و بیست و دوّم
در تجلیل از بیست و پنجمین سالگرد شهادت استاد
ذبیح الله شهید
فرماندهٔ عمومی جمعیت اسلامی در ولایت بلخ.
زمان: جدی ۱۳۸۸ هـ.ش؛
مکان: ولایت بلخ.



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ * الْحَمْدُ لِلَّهِ وَكَفَى وَسَلَامٌ عَلَى عِبَادِهِ الَّذِينَ
أَصْطَفَى؛

برادر نهایت عزیز، برادر همیشه‌درسنگرِ دفاع از آزادی، استقلال و آبادی
کشور، استاد عطا محمد نور والی ولایت بلخ!
برادران و خواهران!

السَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ

در آغاز بر روان همه شهدای بزرگ کشور عزیزمان، شهدای عزت و آزادی و
شهدای دفاع از تاریخ و فرهنگ، به خصوص شهید بزرگ ذبیح‌الله شهید^۱ و
سایر شهدای کشور، در رأس سپه‌سالار جهاد احمدشاه مسعود، اتحاف دعا
می‌کنم، روح شهیدان شاد باد و راه‌شان پر راهرو.

أم البلاد (بلخ)؛^۲ زادگاه بزرگ مردان تاریخ در سطح کشورمان و در

۱. استاد عبدالقادر ذبیح‌الله امیر جبهات جهادی استان بلخ، در سال ۱۳۳۰ هـ.ش، به دنیا آمد و تحصیلاتش را در مدرسه اسدیة بلخ به اتمام رساند. باری هم در سال ۱۳۵۲ هـ.ش، در نظام داودخان یک سال زندانی شد، بعد از رهایی از زندان در لیسه باختر شهر مزارشریف به‌حیث استاد در خدمت اهل تعلیم و تربیت قرار گرفت و بعد از کودتای ۷ ثور ۱۳۵۷ راه هجرت را در پیش گرفت. بعد از کسب هدایت مقام رهبری «جمعیت اسلامی افغانستان»، شهید پروفیسور برهان‌الدین ربانی و هماهنگی با فرمانده نستوه شهید احمدشاه مسعود، دوباره از طریق بغلان و سمنگان و برنامه‌ریزی با فرماندهان جهادی این ولایات، به شهرستان مارمل استان بلخ رفت و به ایجاد پایگاه و تشکیل جبهه برضد رژیم خلق و پرچم پرداخت. از جمله فرماندهان تحت قیادت وی، مولوی محمدعلم، استاد عطا محمد نور، علم‌خان آزادی و ده‌ها فرمانده متعهد دیگر قرار داشتند. تاریخ شاهد آن است که در هر انقلاب و تحوّل و مبارزات آزادی‌خواهانه، دشمنان رهبران فرماندهان برجسته کاریزما را هدف قرار می‌دهند. سرانجام این استاد مجاهد و مهاجر با دستان پلید، ناپاک و آشوبگر در ۲۳ قوس ۱۳۶۳ هـ.ش، به کاروان شهدا پیوست. نگاه: هفته‌نامه مجاهد، ص: ۳، دور ششم، سال یازدهم، شماره ۳۴، ۱۸ قوس ۱۳۹۱ هـ.ش. «مرکز تدوین»
۲. استان بلخ در شمال کشور، متصل با دریای آمو موقعیت دارد و از جمله بلاد معروف، سرسبز،

سطح جهان است. بلخ کانون رویش تمدن‌هایی در تاریخ بوده است. زادگاه مولانا^۱، ابوعلی سینا^۲ و ناصر خسرو^۳ و زادگاه بزرگ مردان معاصر که در خط مقدم دفاع از آزادی و استقلال کشور قرار دارند. بزرگ مردانی که در چند کیلومتری مرزهای اتحاد شوروی که جهان را از حضور قدرتمند نظامی و سیاسی خویش در وحشت نگهداشته بود، علم جهاد و مقاومت برافراشتند. ذبیح‌الله شهید در چنان اوضاعی در برابر تهاجم وحشتناک اتحاد

حاصلخیز و معمور افغانستان می‌باشد. بلخ دارای ۱۴ شهرستان و در حدود ۹۹۰ قریه به شمول اصلی و فرعی می‌باشد. بلخ در طول تاریخ؛ یکی از مراکز مهم مدنیت خیز جهان به‌شمار رفته، در منابع تاریخی قبل از اسلام، به نام‌هایی چون: آریانا و یجه، بکتیریا، بکتیریس (باختریس) بخدی و بلیکا (بلهیکا)، بلخ‌گزین، بابل دوم، سرزمین طلایی، هزارشهر، مروارید شرق و... از آن نام برده شده است. مؤرخین اسلامی، این شهر را با اوصافی از قبیل بلخ بامی، قبه الاسلام، خیرالتراب، ام البلاد، حبه الارض و غیره... یاد کرده‌اند. نگاه: جغرافیای عمومی ولایات افغانستان، ص: ۵۵۴. «مرکز تدوین»

۱. مولانا جلال‌الدین محمد بلخی مشهور به مولوی؛ شاعر بزرگ قرن هفتم هجری قمری است. وی در سال ۶۰۴ هـ.ق، در بلخ زاده شد. پدر وی بهاء‌الدین که از علما و صوفیان بزرگ زمان خود بود، به سبب رنجشی که بین او و سلطان محمد خوارزمشاه پدید آمده بود، از بلخ بیرون آمد و بعد از مدتی سیر و سیاحت به قونیه رفت. مولانا بعد از فوت پدر تحت تعلیمات برهان‌الدین محقق ترمذی قرار گرفت. ملاقات وی با شمس تبریزی در سال ۶۴۲ هـ.ش، انقلابی در وی پدید آورد که موجب ترک مسند تدریس و فتوای وی شد و به مراقبت نفس و تهذیب باطن پرداخت. وی در سال ۶۷۲ هـ.ق، در قونیه وفات یافت. از آثار او می‌توان: به مثنوی، دیوان غزلیات یا کلیات شمس، رباعیات، مکتوبات، فیه مافیة و مجالس سبعة اشاره کرد. نگاه: کتاب «مولانا جلال‌الدین محمد بلخی»، از رادفیش. «مرکز تدوین»

۲. ابوعلی حسین بن عبدالله بن سینا؛ مشهور به ابوعلی سینا و ابن سینا و پورسینا، در سال ۳۵۹ خورشیدی در بخارا زاده شده و در سال ۴۱۶ خورشیدی چشم از جهان فرو بست. این اندیشمند بزرگ مسلمان در عرصه‌های گوناگون نگاشته است؛ اما نبشته‌های او در عرصه پزشکی و فلسفه مشهور است. در حدود ۴۵۰ عنوان کتاب نگاشته که القانون فی الطب و شفا، از مشهورترین آثار اوست. نگاه: فتح‌الله مجتبیایی، دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، ج: ۴، مقاله ۱۳۵۶. «مرکز تدوین»

۳. حکیم ابومعین ناصر بن خسرو قبادیانی بلخی؛ در سال ۳۹۴ هـ.ق، در بلخ تولد یافت. از آوان جوانی به تحصیل علوم و تحقیق ادیان و مطالعه اشعار شعرای ایران و عرب پرداخت. در دوره جوانی به دربار غزنویان و سپس به دربار سلاجقه راه یافت. در سال ۴۳۷ هـ.ق، خوابی دید و به قول خود از خواب چهل ساله بیدار شد، کارهای دیوانی را رها کرد و به سیر آفاق و انفس پرداخت. پس از پیوستن به فرقه اسماعیلیه و تبلیغ عقاید آنان، امرای سلجوقی در صدد کشتن وی برآمدند. پس به ناچار به بدخشان رفت و سرانجام در سال ۴۸۱ هـ.ق، در یمگان بدخشان وفات یافت. از آثار او می‌توان به سفرنامه، زادالمسافرین، وجه دین، خوان اخوان، دلیل المتحیرین، روشنایی نامه و دیوان اشعار اشاره کرد. نگاه: وبسایت گنجور، ناصر خسرو، تاریخ دریافت: ۲۰۱۹/۰۷/۳۰، ساعت: ۰۲:۰۵ بعد از ظهر. «مرکز تدوین»

شوروی قیام کرد و از هیبت آن ابرقدرت نترسید و از وطن و استقلال و دین و فرهنگ مردم خویش به دفاع پرداخت.

امروز ما از آن سردار مقاوم و مجاهد تجلیل به عمل می‌آوریم که او در میان ما نیست. تجلیل از ذبیح‌الله شهید، تجلیل از همه آن مجاهدان و مُقاومت‌گرانی است که در راه دفاع از ارزش‌های ملی و ملت مظلوم خویش به پا خاستند، به شهادت رسیدند.

در میان ملت‌های جهان با هر دین و فرهنگی که باور داشته باشند، می‌توان دو ارزش را مشاهده کرد:

یکی از این ارزش‌ها؛ مُبارزه در برابر استبداد داخلی است که همواره در میان ملت‌ها کسانی بودند که به خاطر نجات مردم از ظلم و استبداد مستبدان داخلی قیام می‌کنند و با ایثار و قربانی، ملت خود را نجات می‌دهند؛

ارزش دوم؛ مُقاومت و دفاع در برابر استکبار و تجاوز خارجی است. اگر ما در کشورهای مختلفی در خیابان‌های شان مجسمه‌هایی را می‌بینیم، این مجسمه‌ها مربوط به آن ایثارگرانی است که به خاطر دفاع از ملت، در برابر استکبار خارجی و یا استبداد داخلی قیام کردند و جان خویش را از دست داده‌اند. ما نیز بزرگ‌مردان، جوانان و نوجوانان مُقاومت‌گر و مبارز فراوانی را داریم که همیشه در برابر متجاوزین و یا مستبدین داخلی قیام کردند و برای مردم خویش افتخار آفریدند.

در تاریخ معاصر کشور، فرزندان و جوانان نهضت اسلامی افغانستان با قیام در برابر اتحاد شوروی، این افتخارات را برای ملت ما رقم زدند. قهرمانان جهاد افغانستان که در عمق فرهنگ و ارزش‌های ملی ریشه دارند، از جمله فعالین و اعضای نهضت اسلامی افغانستان بودند.

من برای نسل جوان و مردم‌مان توصیه می‌کنم، در اوضاع کنونی اجازه ندهند که فرهنگ و ارزش‌های وارداتی به‌عنوان یک حقیقت بر تفکر، زندگی و ارزش‌های ما سایه افکند. ما اگر افتخاری در تاریخ داریم - که به آن می‌بالیم - این افتخار را کسانی برای ما آفریدند که در برابر متجاوزین و مستبدین به مقابله برخاستند.

ما متأسفانه در عرصه‌های تکنالوژی و صنعت افتخارات زیادی نداریم، آنچه که ما می‌توانیم به‌عنوان افتخار از آن یاد کنیم. جوانانی است که جان‌های خود را به‌خاطر دفاع از فرهنگ و مردم خویش در برابر متجاوزین از دست داده‌اند. ما باید این افتخارات را پاسداری کنیم و از قهرمانان این افتخارات تجلیل به عمل آوریم و این درسی است که قرآن کریم به ما آموخته‌اند است.

قرآن کریم با یادآوری از حضرت ابراهیم می‌فرماید:

﴿وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ لِأَبِيهِ وَقَوْمِهِ إِنَّنِي بَرَاءٌ مِّمَّا تَعْبُدُونَ﴾^۱

خداوند^۱ بر پیامبرش حضرت محمد Y می‌گوید: به یاد آور زمانی را که ابراهیم برای قومش گفت: من از شما و آنچه که می‌پرستید، بیزارم. در جای دیگر قرآن کریم می‌گوید: حضرت ابراهیم برای شما الگوی نیک است؛ یعنی شما از ابراهیم پیروی کنید و زندگی او را سرمشق خویش قرار دهید.

قرآن کریم از اصحاب کهف، جوانانی که در برابر یک قدرت استبدادی تسلیم نشدند، یاد می‌کند و می‌گوید: اصحاب کهف برای شما الگوست.

این آیات به ما می‌آموزند که ما باید از شخصیت‌های ایثارگر و شهدای بزرگ خویش، تجلیل کنیم و روش آنان را به‌عنوان یک الگو پیش روی خود قرار دهیم. امروز در مطبوعات بین‌المللی می‌خوانیم که دنیا این حقیقت را درک کرده‌است که افغانستان سرزمینی است که همیشه شاخ امپراتوران و تجاوزگران را شکسته و قبرستان متجاوزین است، هر متجاوزی که به‌سوی کشور ما دست دراز کرده، جوانان غیور ما دست او را شکسته‌اند.

ایثارگران بلخ همیشه در پیشاپیش قیام‌ها و مقاومت‌ها، در برابر متجاوزین بوده و همیشه، از تجاوز چنگیز گرفته تا تجاوز اتحاد شوروی، در صحنه حضور داشتند.

شکی نیست که وضعیت کنونی کشور و آرزوهایی که مردم ما برای یک افغانستان شگرفا و مرفه دارند، محصول قربانی‌های ایثارگرانی چون ذبیح‌الله شهید است و این قهرمانان بودند که راه را برای آزادی کشور هموار ساختند و

۱. زخرف / ۲۶. (و چون ابراهیم به پدر خود و قومش گفت: من واقعا از آنچه می‌پرستید بیزارم.) «مرکز تدوین»

اوضاع را برای وحدت ملی مهیا کردند و بناءاً ما نباید فرهنگ جهاد و مقاومت را از یاد ببریم؛ بلکه باید از کسانی که در راه جهاد و مقاومت شهید شدند تجلیل کنیم.

ما می‌بینیم که بعضی از حلقات خارجی و خودفروخته‌های داخلی هستند که به‌صورت بسیار ظالمانه برای زدودن فرهنگ و افتخارات جهادی ما کار می‌کنند. آنان در این زمینه برنامه‌های تبلیغاتی به راه می‌اندازند و در جهت تصفیه حساب با مجاهدین عمل می‌کنند. من چندسالی بود که به بلخ نیامده بودم، وقتی که امروز وارد بلخ شدم، دیدم چهره بلخ تغییر کرده است. بازسازی و آبادی چشم‌گیری در این شهر دیده می‌شود. ما باید متوجه باشیم که این آبادی در نتیجه زحمات یک سنگردار دلسوز جهاد به‌دست آمده است. استاد عظامحمد نور؛ تا دیروز در سنگر جهاد و مقاومت قرار داشت و امروز قهرمان بازسازی و آبادی است.

این موضوع بیانگر این حقیقت است: کسانی که دیروز آماده بودند که در راه دفاع از وطن و مردم خویش جان‌های شیرین خویش را قربان کنند، آنان اند که می‌توانند دوباره این وطن را آباد کنند. این کشور توسط کسانی آباد نمی‌شود که وقتی مردم ما مورد تجاوز اتحاد شوروی قرار گرفتند، آنان افغانستان و مردم را تنها گذاشتند و به کشورهای دیگر رفتند؛ اما همین که وقتی که نیروهای خارجی وارد کشور ما شدند، آنان نیز برگشتند. ما نمی‌گوییم که آنان حق نداشتند که برگردند؛ بلکه این وطن خانه‌شان است و حق دارند که بیایند و باید برگردند و در آبادی آن سهم بگیرند؛ اما آنچه که ما به آن مخالفیم این است که آنان نباید برنامه‌های تصفیه حساب را با مجاهدین و آنانی که برای آزادی وطن قربانی دادند، پیش ببرند و در جهت ضربه‌زدن به فرهنگ ارزش‌ها و افتخارات گام بردارند.

در زمان جهاد، وحدت و یکپارچگی ملی به‌میان آمد، شیعه و سنی، پشتون، تاجیک... و همه اقوام دست‌به‌دست هم داده و برای آزادی وطن در برابر اتحاد شوروی مقاومت کردند.

در زمان مقاومت نیز چنین اتحادی در میان ملت وجود داشت؛ اما

کسانی پس از کنفرانس بُن^۱ به کشور آمدند، برنامه‌های اشتباه‌آمیزی را با خود آوردند.

یکی از اشتباهات بزرگ جامعه بین‌المللی در افغانستان این بود که دست به خلع سلاح مجاهدین زد و مردمی را که سال‌ها برای دفاع از وطن‌شان رزمیده بودند و در جنگ آبدیده شده بودند را از دست دادند و با برنامه‌های «دی.دی.آر»^۲ و «دایاگ»^۳ دست آنان را از کار گرفتند و حتی سلاح‌هایی را که در دست مجاهدین بود، تخریب کردند و انبارهای بزرگ سلاح‌ها را از بین بردند. این اشتباه بزرگ و یک‌نوع خیانت در حق ملت ما بود.

اکنون استراتژی‌هایی که می‌سازند و میلیاردها دالر را به مصرف می‌رسانند، نمی‌توانند دستاورد قابل‌ذکری داشته باشند؛ زیرا کسانی که به‌خاطر پول می‌جنگند، هر قدر آموزش ببینند؛ چون انگیزه ندارند، نمی‌توانند کاری را انجام بدهند. امروز می‌بینم که حتی آنان سلاح‌های ثقیل را در اختیار اردوی ما نگذاشتند.

اشتباه دیگری که صورت گرفت، تصفیۀ مجاهدین به نام «ریفورم» بود. تعداد زیادی مجاهدین را که در امور نظامی تجربه داشتند به نام «ریفورم» از صفوف نیروهای مسلح بیرون کردند و اگر کسانی که می‌توانستند در امتحان‌های «ریفورم» هم نمرات عالی به‌دست آورند، برای آنان می‌گفتند

۱. اجلاس بُن در ماه قوس ۱۳۸۰ هـ.ش، بعد از سقوط رژیم طالبان در شهر بُن کشور آلمان برگزار شده بود. بعد از آن تشکیل حکومت موقت صورت گرفت و با انتقال مسالمت‌آمیز قدرت از استاد شهید G به کرزی، او را به‌حیث رئیس حکومت موقت برگزیدند. بعد از آن حکومت انتقالی و سپس انتخابات، برای آگاهی بیشتر در مورد این اجلاس، نگاه شود: «تحلیل سیاست خارجی افغانستان از احمدشاه بابا درانی تا حامد کرزی»، ص: ۴۳۹ و ۴۹۳ الی ۵۰۲، و هفته‌نامه مجاهد، ص: ۲، چهارشنبه، ۱۱ قوس ۱۳۸۲، دور ششم، سال سوم، شماره ۲۳. و جهت آگاهی دیدگاه استاد شهید W در مورد اجلاس بُن، نگاه شود: هفته‌نامه مجاهد، ص: ۲، شماره ۱، شنبه ۱۱ عقرب ۱۳۸۱ هـ.ش، «گفت‌وگوی استاد با تلویزیون نور» و هفته‌نامه مجاهد، ص: ۶، دور ششم، سال هفتم، شماره: ۲۹، شنبه، ۷ جدی ۱۳۸۷ هـ.ش. «مرکز تدوین»

۲. پروژه DDR؛ مخفف «غیر مسلح‌سازی» خلع سلاح و ملکی‌سازی و یا بازگرداندن افراد مسلح، به زندگی عادی است، یک پروژه امنیتی، عمیقاً ضد نظامی با اقدامات عمدتاً غیرنظامی است، گفته می‌شود. «مرکز تدوین»

۳. اصطلاح دایاگ؛ در افغانستان به پروسه جمع‌آوری سلاح مربوط به وزارت دفاع ملی گفته می‌شود. «مرکز تدوین»

که «یونما» و یا «حقوق بشر» در تقرر شما مخالف است و حتی از پذیرش متخصصان و تحصیل‌کردگان امور نظامی که در صفوف جهاد و مقاومت قرار داشتند نیز امتناع کردند.

اکنون هزاران افسر بیکاری را می‌بینیم که در میان آنان افراد تحصیل‌یافته و با تجربه نظامی هم وجود دارد. جرم آنان این بود که آنان مدتی را در پهلوی مجاهدین در راه دفاع از وطن رزمیده بودند. آنانی که امروز با سازوبرگ بزرگ نظامی در کشور ما حضور دارند و به گفته خودشان برای سرکوب القاعده و طالبان آمدند؛ اما هیچ کاری را نتوانستند پیش ببرند، در حالی که مجاهدین، با دست خالی در برابر اتحاد شوروی موفقانه از وطن‌شان دفاع کردند و در زمان مقاومت، مجاهدین در حالی که از هیچ‌نوع حمایت خارجی برخوردار نبودند، توانسته‌اند در برابر القاعده و طالبانی که از پشتیبانی و حمایت خارجی‌ها بهره‌مند بودند، مقابله کنند.

امروز قوای بزرگ ناتو نمی‌توانند چند نفر فراری را سرکوب بکنند و به گفته خودشان یازده ولایت در اختیار مخالفان مسلح قرار دارد. علت این وضعیت این است که خارجیان نیروهایی را که در میان ملت جای داشتند از صحنه خارج کردند و این اشتباه بزرگ جامعه بین‌المللی بود. کنارزدن مجاهدین هنوز هم ادامه دارد.

در رابطه با تشکیل کابینه جدید، با تعدادی از سفیرای کشورهای خارجی ملاقات کردم، رئیس‌جمهور کرزی هم این موضوع را گفته است که تحت فشار کشورهای خارجی قرار دارد؛ تا اشخاص معینی را در پست‌های مهم کابینه جای دهد. من از شما می‌پرسم که تا دیروز شما تبلیغات می‌کردید که این حکومت فاسد است و وزرا بی‌کفایت‌اند. این وزیرانی که شما پافشاری دارید؛ تا آنان در پست‌های مهم کابینه تعیین شوند، دیروز هم گردانندگان اصلی قدرت در افغانستان بودند. چرا دیروز برضد آنان غوغا به راه انداختند و آنان را فاسد خواندید؛ اما امروز بالای کرزی فشار می‌آورید که باید حتماً آنان را در کابینه تعیین کند؟ مگر این افراد ظرف چند روز تغییر کردند؟ من اطلاع دارم که متخصصینی که چندین شهادت‌نامه ماستری در اختیار داشتند، برای

عضویت در کابینه معرفی می شدند؛ اما رد شدند. بناءً ما می توانیم بگوئیم که خارجیان اشتباهات زیادی را در کشور ما مرتکب می شوند و در مسایل امنیت، مسایل فرهنگی و ارزش های ملی، جامعه ما با جوامع غربی تفاوت دارد. در غرب مردم در برابر پول برای وطن شان کار می کنند؛ اما در جامعه ما مردم به خاطر انگیزه دینی و ملی شان برای امنیت وطن خویش کار می کنند. مسعود شهید و ذبیح الله شهید که برای دفاع از وطن قیام کردند، هیچ طمع دنیایی در نظر نداشتند، آنان حتی با استعمال سلاح آشنایی نداشتند و زمانی که مرحله جنگ گذشت مجاهدین سلاح را بر زمین گذاشتند.

ما باید این حقیقت را بپذیریم که این مردم اند که می توانند امنیت خویش را تأمین کنند. البته از خدمات خارجیان در زمینه امنیت تشکری می کنیم و همکاری آن ها را می پذیریم؛ اما باید این خارجیان بدانند که ما ارزش ها و مقدسات داریم. اگر آنان خطوط قرمز دارند، ما هم خطوط قرمز داریم. می بینیم که آنان از هزاران کیلومتر دورتر آمدند و می گویند که مصالح ملی ما در خطر است، افغانستان و پاکستان خطوط اول امنیت ملی ماست، آنان باید بدانند که ما هم مصالح ملی داریم و خطوط قرمز داریم. خارجیان دایه های مهربانی نسبت به ما نیستند، باید به مصالح ملی و ارزش های ملی ما احترام بکنند.

من در رابطه به اوضاع سیاسی کنونی کشور می گویم که رهبری سیاسی کشور باید متوجه باشد که در اوضاع حساس قرار داریم. باید گام های هوشیارانه بردارند و نباید بحران جدید در کشور ایجاد کنند. کشور ما زخم های شدیدی دارد و ما جداً تمایل داریم که جلو هرگونه بحران گرفته شود؛ اما اگر گروه حاکم بحران سازی بکنند و بار دیگر سیاست انحصارگری را در پیش گیرند، مردم چشم و گوش دارند و می بینند که زمامداران چه کاری می کنند، مردم می پرسند که جایگاه آنان در کابینه جدید در کجاست؟ که ها پست های این کابینه را پر کرده اند؟

من بارها گفته ام که حکومت جدید به اساس انتخابات به میان نیامده است. این ۳۲ فیصد کسانی که از نامزد مخالف کرسی حمایت کردند،

باید آنان جایگاه خود را در کابینه احساس کنند، بیرونی‌ها هم باید این را بدانند.

من می‌بینم علیه کسانی که متعلق به جهاد و مقاومت‌اند نیز دسایسی جریان دارد. با وجودی شمارشان هم بسیار کم است، باز هم می‌خواهند که در صحنه نباشند. برخی از والیانی که همیشه در خدمت مردم بودند و کارهای بزرگی انجام دادند، می‌خواهند آنان نباشند.

زامداران کنونی باید بدانند که افغانستان امروز، افغانستان پیش از زمان تجاوز شوروی نیست. مردم ما مقابله با استبداد را جزء باور و عقیده خویش می‌دانند. کسانی که بخواهند، استبداد جدیدی را در کشور حاکم کنند، باید این خواب‌های پریشان را از کله خود دور بسازند. ما باید جلوبدامنی را در کشور خود بگیریم. باید از حضور خارجیان در برقراری امنیت استفاده خوب بکنیم، با آنکه آنان به خاطر ما نیامدند؛ بلکه به خاطر منافع خودشان آمده‌اند؛ اما امنیت چیزی است که تنها با دست فرزندان وطن به میان می‌آید، خارجیان هر کاری که بکنند نمی‌توانند امنیت ما را تأمین کنند؛ تا زمانی که یک رهبر دلسوز و غیر انحصارگر به میان نیاید و تا زمانی که انحصارگری و کنارزدن دیگران از میان نرود، اگر خارجیان ده‌ها و صدها میلیارد دالر دیگر هم مصرف کنند، در این کشور ثبات و امنیت به میان نمی‌آید. مجاهدین پیش از هر کس دیگر علاقه‌مند امنیت و ثبات در کشورند و نمی‌خواهند که دیگر یک قطره خونی در کشور بریزد؛ اما این به معنای نیست که دست‌های‌شان همیشه بالا باشد و هر کس هر طوری که می‌خواهد، حکومت کند، تسلیم شوند و همیشه مهر سکوت بر لب داشته باشند و هر نوع ظلم و بی‌عدالتی و حق‌تلفی را قبول کنند.

بنابراین؛ باید رهبری کشور متوجه باشد که با هوشیاری گام بردارند و افغانستان در حالت بحرانی قرار دارد و یک اشتباه می‌تواند وضعیت را وخیم‌تر کند. ما علاقه چندانی برای حضور در کابینه نداریم؛ اما این به این معنا نیست که یک تعداد و یک گروه همیشه محروم باشند و حق آنان نادیده گرفته شود.


در پایان؛ قابل ذکر می‌دانم که ما در روزهای دهه نخست محرم قرار داریم، عاشورای حسینی پیش روست، دوست داشتن خانواده پیامبر Y و امام حسین ~ در نزد همه مسلمانان چه سنی و چه شیعه یک اصل است. قیام امام حسین ~ در برابر یک ظالمی است که به نام اسلام می‌خواست یک استبداد ناروا را در جامعه اسلامی برقرار بکند. اما امام حسین ~ نمی‌توانست بپذیرد که یک کسی که اعمال ناروایی را انجام می‌دهد. یک استبداد را هم حاکم بسازد و فردی که خودش آغشته به فساد است، در رأس جامعه اسلامی قرار گیرد.

عاشورا روز وحدت همه مسلمانان است، واقعه‌ای است که ما باید به‌عنوان یک درس تاریخی آن را در نظر بگیریم. مخصوصاً نسل جوان ما باید از قیام امام حسین ~ و قیام‌های اسلامی افغانستان بیاموزند.

در اخیر از استاد عظامحمد نور و از قومندان صاحب محمدعلم خان آزادی یار و همسنگر ذبیح‌الله شهید و سایر برادرانی که در اینجا زیادتند و فرصت ذکر نام آنان نیست، اظهار سپاسگزاری می‌کنم.

أَسْتَغْفِرُ وَاللَّهِ لِي وَلَكُمْ، وَلِسَائِرِ الْمُسْلِمِينَ.

خطابهٔ یک صد و بیست و سوم
در محفل یادبود از سی امین سالگرد قیام سوم حوت
زمان: حوت ۱۳۸۸ هـ ش؛
مکان: کابل، افغانستان.



الحمد لله رب العالمين والعاقبة للمتقين والصلاة والسلام على سيدنا ونبينا
ومولانا محمد صلوات الله عليه وسلامه وعلى آله وصحابه أجمعين!

برادران و خواهران!

السَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ

در آغاز به روان پاک شهدای گلگون‌قبای کشورمان به خصوص شهدای قیام
خونین و پرافتخار و حماسه‌ساز سوّم حوت، اتّحاف دعا می‌کنم و برای‌شان
فردوس برین از بارگاه اقدس الهی تمنا دارم.

امروز روز سوّم حوت؛^۱ روز قیام مردم کابل، یقیناً در تاریخ خیزش‌ها
و قیام‌های دینی، ملی و جهادی ملّت ما یکی از روزهای بسیار بزرگی است.
از این روز بزرگ در حالی تجلیل به عمل می‌آوریم که در هفته گذشته
بیست‌وششم دلو روز خروج قشون اتّحاد شوروی را از کشورمان تجلیل
کردیم.

شکی نیست اگر قیام سوّم حوت نبود، اگر مبارزات ملّت قهرمان ما و
قیام‌های عظیم‌شان در طول دوره‌های پرافتخار جهاد در میان نمی‌بود، دیگر
ما روز ۲۶ دلو نمی‌داشتیم. افغانستان برای همیشه در اشغال اتّحاد شوروی
باقی می‌ماند. اگر قیام سوّم حوت نبود، امروز اتّحاد شوروی به‌عنوان یک
ابرقدرت خونخوار و بی‌رحم در جهان، ملّت‌های مظلوم را سرکوب می‌کرد.

۱. قیام سوّم حوت کابل که در سال ۱۳۵۸ هـ.ش، مردم قهرمان و آزاده کابل، شب سوّم حوت با
نعره‌های «الله اکبر» از فراز بام‌ها، خشم و نفرین خویش را در برابر روس‌ها و اجیران‌شان انعکاس
دادند که فضای کابل از آن همه فریادها که از حنجره ده‌ها هزار زن و مرد، کودک و کهن‌سال بر هوا
می‌خاست، می‌لرزید. نگاه: تحولات سیاسی جهاد افغانستان، ج: ۱، ص: ۶۲ - ۶۳ و قیام توفنده
در قلب کشور، از رهبر شهید G. «مرکز تدوین»

قیام سوّم حوت و سایر قیام‌های بزرگ در دوران جهاد باعث شد که اتحاد شوروی از هم بپاشد، ملت ما از اشغال اتحاد شوروی نجات بیابد و وارد مرحله جدیدی از حیات سیاسی و ملی خود گردد. در قیام سوّم حوت، چنان‌که برادر ارجمندمان تورن نورمحمد خان حکایت کرد، ما می‌بینیم زنان، مردان، کودکان، دانشگاهیان، علمای دینی، مساجد و مدارس، تمام ملت ما در این قیام شرکت ورزیدند و وحدت و همبستگی دینی و ملی را تمثیل کردند. دیگر فرقی در میان این قوم و آن قوم، این قشر و آن قشر نبود. ما می‌بینیم کارگران، خبازان، بناها، کسانی که به مشاغل مختلفی مشغول بودند در این قیام، در پهلوی طبقات روشنفکر و دانشگاهیان و جوانان و تعدادی از شخصیت‌هایی که در آن دوران جوان بودند و امروز هم در پیش روی ما قرار دارند، در این قیام بزرگ شرکت کردند. ﴿فَمِنْهُمْ مَّنْ قَصَىٰ نَحْبَهُ وَمِنْهُمْ مَّنْ يَنْتَظِرُ وَمَا بَدَّلُوا تَبْدِيلًا﴾^۱

زنان و مردان شجاع و باایمان کابل و ولایات مختلف، با ایستادن در پهلوی همدیگر، در این قیام سهم گرفتند.

این قیام چه پیام داشت؟ پیام این قیام، بسیار فراگیر است. عمده‌ترین پیام این قیام، این بود که ملت افغانستان در برابر هیچ اشغالگری، در برابر هیچ استعمارگری و لو هر قدر قدرتمند، بی‌رحم و زورمند باشد، تسلیم نمی‌شود. ما می‌بینیم که دو ماه از اشغال افغانستان توسط قشون سرخ نگذشته بود و همه‌جا را ترس و وحشت قشون سرخ فرا گرفته بود؛ اما تعدادی از مردم افغانستان، از قلب کشورمان، با دست خالی به خیابان‌ها می‌ریزند به شمول زنان، دختران کم‌سن، جوانان، پیره‌مردان و در این قیام شرکت می‌کنند و این طلسم و هیولای قشون سرخ را با قیام خود درهم می‌شکنند و پیام استقلال، آزادی، دفاع از دین، تاریخ و فرهنگ را به‌عنوان یک پیام ابدی، به‌عنوان یک درس ابدی در تاریخ این ملت یک‌بار دیگر به مردم خود می‌رسانند.

۱. احزاب/ ۲۳. ﴿مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رَجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَّنْ قَصَىٰ نَحْبَهُ وَمِنْهُمْ مَّنْ يَنْتَظِرُ وَمَا بَدَّلُوا تَبْدِيلًا﴾ (در میان مؤمنان مردانی‌اند که در پیمانی که با الله بسته‌اند، راست بوده‌اند، برخی پیمان خود را به‌سر برده‌اند و شربت شهادت سرکشیده‌اند و برخی - نیز - در انتظارند، آنان هیچ‌گونه تغییر و تبدیلی در عهد و پیمان خود نداده‌اند.) «مرکز تدوین»

در نتیجه این قیام و قیام‌های بعدی بود که ملت افغانستان توانست اتحاد شوروی را از کشور خارج بکند؛ اما آرمان قیام‌گران، هدف‌های والایی که اینان داشتند، در زندگی ما تا چه حد و تا کنون حضور دارد.

به ارتباط استقلال کشورمان باید گفت: آیا امروز ما در مسایل ملی و بین‌المللی، در صلح و جنگ، در پالیسی‌های مختلف سیاسی و اقتصادی خود تصمیم‌گیرنده‌ایم یا دیگران‌اند که برای ما تصمیم می‌گیرند و ما آن را پیاده می‌کنیم؟ قیام‌گران ما به خاطر دفاع از دین و فرهنگ، جان‌های شیرین‌شان را فدا کردند؛ اما آیا امروز دین و فرهنگ ما در امان است؟ و یا در برابر تهاجم وحشت‌بار فرهنگی و دین‌ستیزی و اخلاق‌ستیزی قرار داریم؟

این روز تاریخی، یکی از افتخارات کشور بود و حکومت و نظام‌های سیاسی مکلف‌اند که از روزهای ملی و تاریخی حراست کنند؛ اما امروز ما می‌بینیم نه ۲۶ دلو توسط حکومت تجلیل شد و نه هم این روز بزرگ، حکومت نه تنها این روزهای بزرگ را تجلیل نکرد؛ بلکه در بی‌رنگ‌ساختن این «ایام الله» و این روزهای بزرگ چه کارهایی نیست که صورت نمی‌گیرد.

هر سال مجموعه‌هایی اعم از سیاسی و فرهنگی، در کشورمان از افتخارات بزرگ و قیام‌های عظیمی که در رستاخیز جهادی کشورمان به میان آمده، تجلیل به عمل می‌آوریم؛ اما فقط یک‌روز است که ما از این روزهای بزرگ یاد می‌کنیم؛ اما در تمام سال برضد این ارزش‌ها و برای کم‌بهادادن این ارزش‌ها فعالیت‌های بسیار مؤذیان‌ه‌ای جریان دارد، حتی نظام حاکم‌مان هم چیزی در توان داشته دریغ نکرده است.

به همه حال؛ امروز در یک وضعیت بخصوصی قرار داریم، امروز یک سلسله تلاش‌هایی جریان دارد، در مارجه جنگ روان است. ما می‌بینیم بیش از پانزده هزار نفر از نیروهای خارجی و شاید در پهلوی در حدود چند هزار نیروی داخلی افغانستان با ۶۰ هلیکوپتر، با تمام دستاوردهای تکنولوژی پیشرفته معاصر در برابر یک تعداد افرادی به نام طالب می‌جنگند؛ اما دستاوردها را می‌بینیم که چه است؟ بیش از یک هفته است؛ تا هنوز نیروهای بین‌المللی قادر نشده‌اند که بیرق افغانستان را در اینجا بلند کنند،

هنوز خود را از تیررس طالبان نتوانسته‌اند، نجات بدهند. وقتی بیرق بالا می‌شد، فیرهایی از طرف طالبان به میان آمد. این لشکرکشی را مقایسه می‌کنیم با دستاوردهایی که در دوران جهاد و تصمیم‌هایی که توسط فرماندهان جهاد بعد از شورای بزرگ‌شان در شاه سلیم صورت گرفت. انجینیر مسعود شهید و ده‌ها تن از فرماندهانی که شمار زیادی از آنان شهید شده‌اند و بعضی‌شان حیات دارند، از جمله مولوی صاحب حقانی که امروز در صف مقابل قرار دارد و ده‌ها فرمانده دیگر با هم نشستند، وحدت و یکپارچگی ملت افغانستان را اعلان کردند که مسئله شمال و جنوب، تاجیک و پشتون، شیعه و سنی در میان ما نیست، موضوع هزاره و ترکمن و بلوچ و پشه‌ای و دیگران مطرح نیست؛ بلکه ما یک ملت واحدیم، پس بیایید به صورت متحد و یکپارچه مبارزات مسلح خود را، جهاد خود را تنظیم بکنیم.

در نتیجه ما می‌بینیم، نه تانک داشتند و نه هم هلیکوپتر، نه هم بودجه‌های بسیار کافی، با گروه‌های سه و چهارصد نفری و یا در حد بسیار زیاد آن، یک هزار نفری، با کلاشینکوف و راکت آرپی جی هفت و تعداد معدودی از سلاح‌ها برای درهم‌شکستن گارنیزون‌ها کار خود را آغاز کردند. ما دیدیم چه دستاوردهایی داشتند. ولایت خوست که به حیث پایگاه بسیار عظیمی در دوران تجاوز شوروی که ده‌ها طیاره و صدها تانک و نیروهای مجهزی را در اختیار داشت، با یک برنامه متحد این پایگاه و این ولایت فتح شد.

گارنیزون‌های فرخار، ولسوالی گران و منجان و گارنیزون‌هایی در کندز و جاهای دیگری یکی بعد دیگر توسط گروه‌های معدودی از مجاهدین فتح می‌شدند. ده‌ها تانک و هزاران قبضه سلاح و هزاران نفر از طرف دشمن تسلیم می‌شدند، این‌ها دستاوردهایی بود که توسط فرماندهان جهادی صورت می‌گرفت که سرانجام منجر به آزادی کل کشور شد؛ اما چرا امروز با وجود هزاران نیروی ناتو و تعداد زیادی از نیروهای افغانستان و با همه وسایل، یک ولسوالی را نمی‌توانند تصرف کنند. امروز کسانی که کشته می‌شوند بیشتر مردم مظلوم ما از ولایت هلمندند، مرد و زن، طفل و پیرمردهای مظلومی به قتل می‌رسند، شاید تعدادی از اینان که به نام طالب کشته می‌شوند،

انگشت‌شمار بوده باشند. تعجب می‌کنم این کسانی که دانش نظامی دارند، آیا متوجه این موضوع نیستند، طرف مقابل‌شان لشکر منظم نیست، آن‌ها چریک‌ها هستند، چریک‌ها همیشه در سنگر نمی‌نشینند، حمله و فرار اساس فلسفه جنگ چریکی را تشکیل می‌دهد؛ اما هدف از این لشکرکشی عظیم، نمی‌دانیم که چیست؟ اگر این لشکرکشی دستاوردهای زیادی نداشته باشد، آیا آبروی ناتو از بین نمی‌رود؟

به هر حال؛ این موضوع را به حال خود می‌گذاریم؛ اما قابل تذکر می‌دانم، علتی که دیروز پیروزی‌های زیادی با وسایل کم به دست می‌آمد و امروز کامیابی‌های بسیار اندکی با لشکرکشی‌های بزرگ به دست نمی‌آید، در این است که دیروز در تصمیم و اراده فرماندهان انگیزه وجود داشت، به خاطر دین‌شان، به خاطر وطن‌شان و به خاطر عزت و استقلال کشورشان می‌رزمیدند. این را باید ناگفته نگذاریم، آن جوانانی که از کشورهای مختلف آمده‌اند، سرشان را مار نگزیده‌است که آنان به خاطر سرکوب کردن کسانی خود را به کشتن بدهند. به همین اساس نباید انتظار داشته باشیم که انگیزه‌ای در اینجا وجود داشته باشد.

به ارتباط تلاش‌های نظامی، ما به این عقیده‌ایم که جنگ راه‌حل قضیه افغانستان نیست. هر قدر جنگ بیشتر شود تلفات بیشتر متوجه مردم مدنی و ملت مظلوم ماست. حرفی را که جنرال مک کرسنال اظهار کرده بود، فکر می‌کنم که گپ بسیار درستی گفته بود. وقتی از یکی از وزارت‌خانه‌ها دیدن کرده بود، می‌دید که دیوارهای سمنتی روز به روز زیاد شده می‌رود، گفته بود: «بهتر است به جای اینکه دیوارهای سمنتی را زیاد کنید، با مردم خود را نزدیک بسازید.» و یقیناً تا وقتی که دیوار اعتماد ملی بلند ساخته نشود؛ تا وقتی که دولت در مابین مردم اعتماد و جایگاه خود را پیدا نکند، هر قدر این دیوارهای سمنتی را به اطراف کابل بلند بسازد، فایده‌ای ندارد.

امروز می‌بینیم که به اصطلاح، دیوارهای سمنتی راه خود را به ولسوالی‌ها و مارجه هم باز کرده‌است، در آنجا هم دیده شد که دیوارهای سمنتی کم‌کم گذاشته می‌شود؛ اما فکر می‌کنم ملت‌ها را نمی‌توان با دیوارهای سمنتی

سرکوب کرد و یا حملات و یورش‌های نظامی را از بین برد، بهتر است که راه‌های دیگری را جست‌وجو کنیم.

امروز مسئلهٔ مصالحه با طالبان مطرح بحث است، این مسئله حرف بسیار بجایی است، جنگ راه حل مشکلات و قضایای موجودهٔ کشورمان نیست؛ اما این را باید بفهمیم که اصلاً مشکل طالبان و موضوع امنیت، مسئلهٔ جنوب و شمال نیست، مسئلهٔ یک قوم و دیگر قوم نیست، مسئلهٔ خاص یک حزب و دیگر حزب نیست. موضوع امنیت و مسئلهٔ مصالحهٔ ملی تنها یک مطلبی نیست که تنها به حکومت مربوط باشد. بلی، حکومت باید این ابتکار را به دست بگیرد؛ اما با همکاری ملت باید شروع شود؛ زیرا موضوع امنیت تنها مسئله‌ای نیست که به یک ولایت، به دو ولایت، به یک قشر مردم و به قشر دیگری ارتباط داشته باشد؛ بلکه همهٔ مردم سرنوشت‌شان با مسئلهٔ امنیت مربوط است. اگر طفل است، اگر زن است، مرد است، اگر شمال است، جنوب است، احزاب سیاسی است، همهٔ این‌ها به امنیت نیاز دارند. به این اساس، به خاطر تأمین امنیت این را باید به حیث یک رازی که در مابین افراد بخصوصی از نظام و بعضی افرادی در بیرون از کشور باشند، مطرح نشود؛ زیرا ما دیدیم مذاکره‌ای که در لندن راجع به مصالحهٔ ملی، شروع شد، اصلاً پارلمان در جریان نبود، احزاب سیاسی در جریان نبود که موضوع از چه قرار است؟

به هر حال، باز هم این موضوع را تأکید می‌کنیم، در راه مصالحهٔ ملی ما باید متوجه این موضوع بوده باشیم که اعتماد ملی و مشارکت ملی ضروری است. متأسفانه چیزی که کم‌تر در اوضاع فعلی در حکومت ما می‌بینیم، مسئلهٔ مشارکت ملی است، اگر به نام مشارکت ملی هم گزینش‌هایی صورت می‌گیرد، این گزینش‌ها، گزینش‌های سلیقه‌ای است و بدون اینکه به خواست مردم و به خواست ملیت‌ها زیاد توجهی صورت گیرد.

به هر صورت؛ در اوضاع کنونی؛ تا جایی که به گروه‌های ما و به جبههٔ ملی و به ائتلاف سیاسی - که امید است به‌عنوان یک اپوزیسیون یک قسمت بار و کارهایی که به‌دوش جبههٔ ملی بود، آن را کمی سبک‌تر بسازد - ارتباط

دارد. ما به خاطر حل مشکلات ملی کشورمان آماده‌ایم با حکومت هر نوع همکاری‌ای که ضروری است، انجام دهیم و اما باید همه قضایا روشن بوده باشد، با مشارکت همگانی صورت بگیرد. ما امیدواریم که چنین شود.


در پهلوی این مسئله، چیز دیگری که به عقیده من بسیار اهمیت دارد، نقش کشورهای منطقه در باره حل مشکلات است. در قسمت گفت‌وگوهایی که با طالب‌ها صورت می‌گیرد، حضور همکاری کشورهای منطقه، با وجود کشورهای دور ضروری است، کشورهای دور اگر نقش نظامی و نقش اقتصادی خود را دارند؛ اما کشورهای منطقه از لحاظ حل مشکلات افغانستان نقش‌شان اگر تعیین‌کننده نبوده باشد، به عقیده من خیلی مهم و مؤثر است.

به ارتباط مذاکره با طالبان باید اعتماد ملی جلب شود، همکاری منطقه‌ای صورت بگیرد. این از جمله نیازهایی است که به خاطر حل این مشکل بسیار زیاد احساس می‌شود.

در اخیر به یک موضوع دیگری می‌خواهم اشاره بکنم و آن اینکه قیام‌هایی که در تاریخ افغانستان در دوره‌های جهاد صورت گرفته است، این‌ها سرمایه‌های ملی ماست، افتخارات تاریخی ماست، نباید این را فراموش بکنیم، این را باید به‌عنوان یک درس به نسل‌های بعدی انتقال بدهیم. جوانان دیروز ما که این قیام‌ها را به راه انداختند و امروز به بزرگ‌سالان تبدیل شده‌اند؛ اما نسل جوان ما این افتخارات را باید حفظ بکنند و من یقین دارم که با حفظ این ارزش‌ها وحدت ملی و افتخارات تاریخی ما هم حفظ می‌شود و همه تحکیم می‌یابد و هم مشکلاتی که فعلاً با آن‌ها روبه‌رویم حل خواهد شد.

أَقُولُ قَوْلِي هَذَا، وَأَسْتَغْفِرُوا اللَّهَ لِيْ وَلكُمْ؛ وَلِسَائِرِ الْمُسْلِمِينَ،^۱ وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ.

خطابهٔ یک صد و بیست و چهارم
در همایش تجلیل از میلاد باسعادت پیامبر اسلام ﷺ
زمان: حوت ۱۳۸۸ هـ ش؛
مکان: شورای ملی، کابل، افغانستان.



الحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام على رسوله محمد وعلى آله
وأصحابه أجمعين.

برادران و خواهران!

السَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ

امروز ولسی جرگه به مناسبت میلاد نور و رحمت، میلاد منجی بشریت، میلاد
سرچشمه هدایت انسانی حضرت پیغمبر اکرم - صلوات الله علیه و سلامه -
اجتماعی را برگزار کرده است.

شکی نیست که میلاد رسول اکرم ﷺ قسمی که قرآن کریم می فرماید:
﴿وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ﴾ رحمت برای همه بشریت است؛ زیرا
همه انسان‌ها چه مسلمان و چه غیر مسلمان، شامل رحمت الهی شدند.
من از سیرت رسول اکرم ﷺ چند مطلبی را به ارتباط ساختار دولت و
نظام که از جمله قضایای مورد نیاز بشر در طول تاریخ است و ما هم که در
مرحله انتقالی و دولت‌سازی قرار داریم، ذکر می‌کنم:

بعد از اینکه پیامبر گرامی به مدینه منوره مهاجرت کردند، برای ساختن
دولت جدید، اولین قدمی که برداشتند، موضوع مواخات در میان مسلمانان
بود. شما می‌دانید که عرب‌ها در طول تاریخ کم‌تر دولت مرکزی داشتند،
همیش قبایل مختلف تحت عناوین مختلف و حتی بر اثر پیش‌آمدهای بسیار
کوچک و پیش‌پا افتاده، ده‌ها سال در کشمکش‌های خونین علیه یکدیگر
قرار داشتند، وحدت قبایل و یکجاساختن آن‌ها در یک نظام واحد کار ساده
نبود، بر این اساس، پیامبر ﷺ نظام مواخات (برادرسازی) را نه به‌عنوان یک

۱. انبیا / ۱۰۷. (و تو را جز رحمتی برای جهانیان نفرستادیم.) «مرکز تدوین»

شعار؛ بلکه به‌عنوان یک نظام مطرح کرد که همه احساس مسئولیت بکنند، نه تنها شعار بدهند که ما برادریم؛ بلکه طوری در زندگی با یکدیگر شریک شوند که همبستگی عملی در مابین‌شان به‌میان بیاید.

در مدینه منوره مهاجر^۱ و انصار^۲ به‌حیث گروه‌های عمده بودند. پیامبر گرامی ﷺ میان یک مهاجر و یک انصاری، عقد مواخات و برادری بستند. به‌عنوان یک قرارداد قانونی و یک قرارداد دینی که این دو نفر با هم برادر می‌باشند، وقتی که برادر شدند، یک‌سلسله مکلفیت‌هایی در میان‌شان دارند که دفاع از یکدیگر مهم‌ترین مکلفیت بود. حمایت در نظام قبیله‌ی یک اصل بود، انسان‌های ضعیف و قبایل کوچک به یک قبیله بزرگ‌تر پناه می‌بردند. پیامبر ﷺ به‌جای این نظام «پیمان برادری» را مطرح کرد. در این پیمان انصار از مهاجرین حمایت می‌کردند و انصاری‌ها چون که سرزمین‌شان، خانه‌شان در اختیارشان بود، نیرومندتر بودند، اما مهاجرین خانه و مال و متاع و همه چیز خود را برای خدا از دست داده بودند، بر اساس پیمان اخوت، برادر انصاری باید از برادر مهاجر خود دفاع کند و در مال خود او را شریک سازد. پیش از اینکه حکم آیه میراث نازل شود. یکی از مواردی که یک مسلمان از مسلمان دیگر ارث می‌برد، مواخات و برادری بود تا غزوه بدر که آیت میراث نازل شد، مواخات به‌عنوان یکی از عوامل میراث پابرجا بود. ناگفته نماند که مهاجرین با وجودی که به کمک احتیاج داشتند؛ اما آمادگی گرفتن کمک مادی از انصار نبودند. عبدالرحمن بن عوف وقتی که برادر انصاری‌اش برایش پیشنهاد داد تا دارایی‌اش را با او تقسیم کند، او در جواب با اظهار سپاسگزاری می‌گوید: من از تو می‌خواهم شغلی برایم پیدا کن؛ تا

۱. مهاجر یا مهاجرین؛ به گروهی از مسلمانان گفته می‌شود که به اثر شکنجه و اذیت مشرکین مکه به مدینه منوره هجرت کردند و در آنجا با برادران انصاری خویش، پیمان برادری بستند و دولت اسلامی را تشکیل داده و علیه مشرکین به اساس فرمان پروردگار و رسول او اعلان جهاد و مبارزه کردند. «مرکز تدوین»

۲. انصار؛ در تاریخ به آن دسته از مسلمانان اهل مدینه گفته می‌شود که پس از هجرت رسول اکرم از مکه به مدینه، بدو گرویدند و او را یاری و حمایت کردند و اینان بیشتر از قبیله اوس و خزرج بودند. نگاه: لغت‌نامه دهخدا. «مرکز تدوین»

کار بکنم و از دست‌مزد خود چیزی به دست بیاورم.^۱

نظام برادری به‌عنوان یک اصل در جهت امت‌سازی و ملت‌سازی مدنظر پیامبر Y بود. پیامبر Y تعلقات قبیلوی را به تعلقات شهروندی در میان مسلمانان تبدیل کرد. این اولین گام برای ساختن یک جامعه اسلامی بود؛ البته ناگفته نماند که در عین زمان پیامبر اکرم Y اقدام به ساختن مسجد می‌کند. مسجد در فرهنگ اسلامی، مرکز ابلاغ پیام‌ها، مرکز تربیه و انسان‌سازی، مرکز کادرسازی، مرکز همبستگی ملی، مرکز همکاری‌های انسانی می‌باشد. مسجد؛ یعنی یک حرکت تکاملی اسلام از خالق به سوی خلق است، نقش مسجد همیشه در تاریخ اسلام برجسته است. در ترکیه عثمانی با وجودی که خلفای بزرگی با شأن و شوکت حکمروایی می‌کردند؛ اما مرکز ایشان مسجد بود. اگر آثار تاریخی ترکیه را بررسی کنیم، می‌بینیم که در آنجا سلجوقی‌ها در پهلوی مسجد یک شفاخانه بزرگ و مجهز هم می‌ساختند، شاید در تاریخ برای اولین بار عملیات قلب در یکی از این شفاخانه‌ها صورت گرفته است و فرمان‌های خلیفه از داخل مسجد صادر می‌شد و همچنان بزرگ‌ترین مراکز ایجاد مذاهب و حرکت تألیف و ترجمه، از مساجد برخاسته است، جامعه ازهر^۲ حلقه درسی یکی از مساجد بود، ازهر اکنون یکی از مراکز عمده آموزش و اندیشه در جهان است.

سیستم‌ها، اول از یک فکر، از یک اندیشه و از یک سیستم اعتقادی

۱. جهت آگاهی از شخصیت عبدالرحمن بن عوف به صفحه ۳۹۹-۴۰۶ کتاب «مردان گرداگرد پیامبر» اثر استاد خالد محمد خالد، برگردید. «مرکز تدوین»
۲. جامع الأزهر؛ یکی از معتبرترین نهادهای علمی و دانشگاهی دنیاست که در کشور مصر قرار گرفته که قدمتی بیش از هزار سال دارد و به‌عنوان نخستین مؤسسه دینی، علمی و اسلامی در قاهره - پایتخت مصر در دوران فاطمیان - ساخته شد و بعدها این نهاد علمی توسط «صلاح الدین ایوبی» وسعت و برنامه داده شد و تا اکنون به منظور اشاعه اعتدال و میان‌روزی، فعالیت‌های بسیاری انجام می‌دهد. البته جامعه الأزهر (دانشگاه ازهر) بخشی از جامع الأزهر است که مساحت آن در حدود ۱۲ هزار متر مربع است و دارای ۵ مناره می‌باشد. البته این مؤسسه علمی در کنار مدارس و دیگر نهادهای علمی، دانشگاه آن دارای ۶۰ دانشکده بوده که ۴۳ دانشکده برای پسران و ۱۷ دانشکده برای دختران است. الأزهر مصر دارای مراکزی چون مرکز بیماری‌های خاص، مرکز میکروبیولوژی، مرکز بین‌المللی اسلامی، تحقیقات و مطالعات محیط زیست و مرکز اقتصاد اسلامی است. نگاه: الأزهر فی ألف عام، از محمد عبدالمنعم خلفا، ناشر: عالم الکتب، مکان چاپ: بیروت، سال چاپ: ۱۴۰۸ هـ.ق، نوبت چاپ: دوم. «مرکز تدوین»

شروع می‌شود. اینجاست که مسجد به‌عنوان پایه اعتقادی برای مسلمانان، برای امت اسلامی و برای ساختار یک جامعه‌ای که معتقد به ارزش‌ها و تفکرات اسلامی‌اند، اهمیت فراوان دارد.

مسجد اصل مهم در جهت ساختن جامعه اسلامی می‌باشد، قرآن [کریم] می‌فرماید:

﴿الَّذِينَ إِن مَّكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَلِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ﴾^۱

دولت‌داری و نظام‌سازی یک نعمت الهی است و اگر دولت و سیستم سیاسی منظم وجود نداشته باشند، بحران و هرج و مرج حاکم می‌شود.

در حدیثی آمده‌است که پیغمبر اسلام ﷺ فرموده‌اند: «وقتی که شما وارد شهری شدید و در آنجا امامی نباشد، از آنجا رحلت کنید.»^۲

یعنی در محیطی که انارشیزم^۳ باشد، دولت نباشد، شما در آنجا به‌سر نبرید، دولت ساختن نه تنها یک نعمت است؛ بلکه یک فریضه است، اولین چیزی که برای ساختن یک جامعه بر مسلمانان لازم است، تشکیل دولت و انتخاب رئیس دولت است.

به این اساس مسئله مسجد، به‌عنوان یک مسئله بسیار عمده در زندگی

۱. حج / ۴۱. (همان کسانی که چون در زمین به آنان توانایی دهیم، نماز برپا می‌دارند و زکات می‌دهند و به کارهای پسندیده‌ای می‌دارند و از کارهای ناپسند باز می‌دارند و فرجام همه کارها از آن الله است.) «مرکز تدوین»

۲. متن حدیث مبارک این است: ﴿إِذَا مَرَرْتَ بَبَلَدَةٍ لَيْسَ فِيهَا سُلْطَانٌ فَلَا تَدْخُلْهَا، إِنَّمَا السُّلْطَانُ ظِلُّ اللَّهِ، وَرُمُحُهُ فِي الْأَرْضِ﴾ نگاه: حدیث عباس الترقفی، شماره حدیث: ۹. «مرکز تدوین»

۳. واژه انارشیزم یا سروری‌ستیزی؛ ریشه در زبان یونانی دارد و ترکیبی از (archos) به معنای «بدون رئیس» و (Anarchia) به معنای «عدم حکومت» است. پس می‌توان سروری‌ستیزی یا حکومت‌ستیزی را معادل‌های مناسبی برای این واژه دانست، بنیاد انارشیزم بر دشمنی با دولت است؛ ولی در عین حال وجود هرگونه قدرت سازمان‌یافته اجتماعی و دینی را نیز ناروا می‌شمرد، انارشیزم قوانین دولت‌ها را سرچشمه تجاوز و خاستگاه همه بدی‌های اجتماعی می‌داند و به این دلیل خواستار از میان رفتن همه دولت‌هاست، در اصطلاح سیاسی، مسلکی که سعادت بشر را در نابودی حکومت‌ها و قوانین آن‌ها و هرج و مرج و اغتشاش را وسیله پیشرفت به‌سوی مقصود می‌داند و شعار یکی از انارشیزم‌ها به‌گونه نمونه این است: «هدف ما زیستن بدون دولت و بدون قانون است.» نگاه: فرهنگ فارسی معین، دانشنامه سیاسی، ص: ۴۰-۴۱. «مرکز تدوین»

مسلمانان، در تحولات فکری، فرهنگی، فلسفی، فقهی و سیاسی جایگاه مهم را در تاریخ اسلام دارد و مسجد تنها به‌عنوان یک محراب برای عبادت نبوده و تنها روابط انسان را با خدا تنظیم نمی‌کرد؛ بلکه رابطه انسان را با انسان، رابطه انسان را با بشریت و با فرهنگ تنظیم می‌کند.

مطلب دیگری که البته در دولت‌سازی مهم است، طرح قوانین است. با وجودی که قرآن قانون اساسی مسلمانان است؛ اما پیامبر Y به‌خاطر ایجاد دولت، دستوری به‌نام «میثاق مدینه»^۱ را می‌سازد؛ چرا که در مدینه و در کشورهای اسلامی تنها مسلمانان زندگی نمی‌کنند. به این معنی که دولت‌داری و ایجاد نظام تنها متوجه مسلمانان نیست؛ بلکه غیرمسلمانان هم از شهروندان دولت اسلامی‌اند که حقوق‌شان باید مشخص شود.

بناء وقتی میثاق مدینه ساخته می‌شود، میثاق مدینه شامل بندهای مهمی است، شامل سیزده بند که اولاً حقوق شهروندی را تعیین می‌کند، کسانی که در مدینه زندگی می‌کنند، چه نوع حقوقی دارند؟ میثاق مدینه می‌گوید این‌ها همه حقوق مساوی دارند، با هم برادرند، این‌ها از یکدیگر دفاع می‌کنند، یکدیگر خود را در فقر و محرومیت نمی‌گذارند.

در گذشته مشکلی که برای یک کسی پیدا می‌شد، قبیله و یا خانواده او به مشکلس رسیدگی می‌کرد؛ اما میثاق مدینه می‌گوید: نه‌خیر برای حل مشکل مسلمانان تنها خانواده و قبیله‌شان مسئول نیستند؛ بلکه همه امت مسئولیت دارد. کسانی که در این محیط و در این دولت اسلامی زندگی می‌کنند و در عین حال یهودی‌هایی که در اینجا هستند، مانند مسلمانان شهروند این سرزمین‌اند و کسی بر مال و جان‌شان تعرض نمی‌کند، هرکسی تعرض می‌کند مورد بازپرس قرار می‌گیرد.

عنصر دیگر در ساختن نظام، ایجاد یک نیروی مسلح است. اینجاست که پیامبر اکرم Y از یک تعداد اصحاب فداکار خویش به‌نام «اصحاب صفة» که در خدمت اسلام قرار داشتند، به‌عنوان هسته تشکیل یک اردو کار می‌گیرد و ضمناً یک تعداد افراد دیگری از قبایل مختلف دیگر انصار و

۱. میثاق مدینه را در این‌جا بخوانید: سیرت نبوی، درس‌ها و اندرزا، مؤلف: د. مصطفی سباعی، مترجم: فضل‌الرحمن فاضل، ص: ۱۷۱ - ۱۷۶. «مرکز تدوین»

مهاجرین به عنوان عناصر مدافع اسلام آماده می‌شوند. پس چهار عنصر در دولت‌داری پیامبر Y وجود داشته‌است.

قرآن، پیغمبر و سنت پیامبر Y را به عنوان بهترین الگو معرفی می‌کند که ما باید دولت‌داری و در نظام‌سازی خود، این مسایل را مدنظر بگیریم. چنان‌که قرآن کریم می‌فرماید:

﴿لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُو اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا﴾^۱

اگرچه ما در کشور دولت داشتیم و داریم؛ اما این دولت‌ها همیشه با کشمکش‌ها و پرابلم‌ها روبه‌رو بودند. ما می‌بینیم که هنوز هم روحیه قبیله‌گرایی، روحیه دشمنی، روحیه رقابت‌های منطقه‌ای و کشمکش‌های داخلی، بر این دولت‌ها حاکم است و اصول شهروندی اهمیتی نداشته و مفهوم عدالت در میان شهروندان من حیث یک مسئله اساسی مطرح نبوده‌است. قسمی که امام مالک G^۲ می‌فرماید:

﴿لَنْ يُصْلِحَ آخِرَ هَذِهِ الْأُمَّةِ إِلَّا مَا أَصْلَحَ أَوْلَاهَا﴾^۳

یعنی آخر این امت نمی‌تواند راه اصلاح را ببیماید؛ مگر به همان اسلوب و شکلی که در عصر اول به میان آمده بود.

شاید بعضی‌ها فکر کنند، آیا می‌شود، ما در این عصر اتم باز هم نظام‌سازی‌های یک هزار و چندصدسال پیش را بپذیریم، ما باید این را بدانیم

۱. احزاب/ ۲۱. (قطعاً برای شما در [اقتدا به] رسول‌الله سرمشق نیکوست، برای آن کس که به‌الله و روز بازپسین امید دارد و الله را فراوان یاد می‌کند.) «مرکز تدوین»

۲. نام این محدث بزرگوار؛ مالک بن انس بن مالک بن انس، مشهور به مالک بن انس، دومین امام پرآوازه چهارگانه اهل سنت بود. مادرش العالیة بنت شریک اسدی‌است. امام در سال ۹۳ هـ ق، در واحه‌ای به‌نام «ذوالمرّوة» به دنیا آمد. پیروان مالک بن انس به مالکی مشهورند، الموطأ، تفسیر غریب القرآن، رساله‌الی ابن وهب فی الرد علی القدریة، رساله فی الاقضیة، رساله فی الفتوی الی ابي غسان، کتاب السرور، رساله الممتهة الی اللیث بن سعد از آثار اوست. این امام و محدث بزرگوار، در ۱۹۳ هـ ق، به عمر ۸۶ سالگی در مدینه منوره چشم از جهان فرو بست و در «جبة البقیع» مدفون گردید. نگاه: دکتر مصطفی الشکعة، الأئمة الأربعة، دارالکتاب اللبنانی، چاپ بیروت، سال انتشار ۱۹۸۵م. «مرکز تدوین»

۳. ابن عبدالبر در التمهید ۲۳/ ۱۰ می‌گوید: اصل این سخن از وهب پسر کیسان استاد امام مالک است؛ اما این سخن به دلیل شهرت و امامت حضرت امام مالک، به‌نام امام مالک مشهور شده‌است. «مرکز تدوین»

که این‌ها اصول خدایی است که هیچگاه دچار تغییر و کهنه‌شدن نمی‌شود. به همین اساس است که ما می‌بینیم انسان‌های عاقل و دانشمند با گذشت هر روز به عظمت اسلام و به حقانیت اسلام اعتقاد پیدا می‌کنند. دو حادثه را که در انترنت چند روز بیشتر خواندم یادآور می‌شوم:

یکی هم اینکه یکی از اعضای کانگرس امریکا مربوط به حزب جمهوری خواه می‌گوید: من از جمله مخالفین سرسخت اسلام بودم، روزی تصادفاً کتابی را خواندم که در آن نوشته شده بود که حضرت مسیح هم مسلمان بوده، او می‌گوید: از خود پرسیدم که چگونه حضرت مسیح مسلمان شده می‌تواند؟ از یک دانشمند مسلمان تقاضا کردم؛ تا این نوشته را برایم تفسیر کند، وی برایم توضیح داد که اسلام؛ یعنی تسلیم شدن به پروردگار، مسلمانان تنها به پروردگار تسلیم‌اند و به هیچ کس دیگری تسلیم نمی‌شوند، این فرمانبری و تسلیم مطلق از خداوند مفهوم اسلام را دارد.

او می‌گوید: این سخن مرا به فکر و داشت و شروع به مطالعه کردم و آهسته آهسته در وجود من ایمان به حقانیت اسلام به میان آمد.

موضوع دوم: داستان یک تن از افسران بلندرتبه نظامی و دانشمند زمین‌شناس هندی است، گفته‌است: من علاوه بر تخصص در عرصه نظامی، در عرصه زمین‌شناسی و جیولوجی نیز تخصص داشتم. یک روزی ترجمه آیتی را در یکجا خواندم که در قرآن آمده‌است:

﴿وَالْجِبَالُ أَوْتَادًا﴾^۱

خداوند 'کوه‌ها را میخ گردانیده‌است.

من تعجب کردم؛ زیرا تا کنون تحقیقاتی که کرده‌ام، دریافته‌ام که کوه‌ها در داخل زمین دارای ریشه می‌باشد، ریشه‌های بسیاری از کوه‌ها بیشتر از قسمتی است که در روی زمین قرار دارد. بناءً با خود اندیشیدم که دانش انسانی در این نزدیکی‌ها، این موضوع را درک کرد؛ اما قرآنی که هزار و چند صدسال قبل [نازل شده‌است] در آن وقت که عرب‌ها سواد نداشتند؟ او می‌گوید که حالا به‌عنوان یک دعوتگر مسلمان همه چیز خود را گذاشتم و

۱. النبأ، ۷. (و کوه‌ها را [چون] میخ‌هایی در زمین قرار دادیم) «مرکز تدوین»

به‌عنوان دانشمند مسلمان کار می‌کنم.

به هر حال قراری که جناب قانونی صاحب اشاره کردند، همه ما به‌عنوان دولت و نظام به‌عنوان ملت این نعمت بزرگ الهی را که قرآن در آخرین آیات سوره حجرات می‌فرماید:

﴿يُمْنُونَ عَلَيْكَ أَنْ أَسْلَمُوا قُلْ لَا تَمُنُّوا عَلَيَّ إِسْلَامَكُمْ بَلِ اللَّهُ يَمُنُّ عَلَيْكُمْ أَنْ هَدَاكُمْ لِلْإِيمَانِ..﴾^۱

پاس بداریم و قدرش را بدانیم.

بلی؛ اسلام یک سرمایه بزرگ است، افسوس که ما مسلمانان قدر دین خود را نمی‌دانیم، به گفته تعدادی از غربیانی که در مورد سیرت پیامبر ﷺ تحقیقات دارند، ما باید در عصر دانش، پیغمبر را بشناسیم، چه بسا که مسلمانان به ارزش‌های دینی خود توجه نمی‌کنیم و یقیناً که علت بسیاری از مشکلات اجتماعی و سیاسی و بدبختی ما عدم دانش و فهم اسلامی است.

أَقُولُ قَوْلِي هَذَا، وَأَسْتَغْفِرُوا اللَّهَ لِي وَلَكُمْ؛ وَلِسَائِرِ الْمُسْلِمِينَ،^۲ وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ




۱. حجرات / ۱۷. ﴿يُمْنُونَ عَلَيْكَ أَنْ أَسْلَمُوا قُلْ لَا تَمُنُّوا عَلَيَّ إِسْلَامَكُمْ بَلِ اللَّهُ يَمُنُّ عَلَيْكُمْ أَنْ هَدَاكُمْ لِلْإِيمَانِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ﴾ (از اینکه اسلام آورده‌اند بر تو منت می‌نهند، بگو: بر من از اسلام آوردنتان منت مگذارید؛ بلکه [این] خداست که با هدایت کردن شما به ایمان بر شما منت می‌گذارد، اگر راستگو باشید.) «مرکز تدوین»

۲. گذشت.

بخش سوم
خطابه‌های ۱۳۸۵ هـ ش، رهبر شهید
پروفسور برهان‌الدین ربّانی



خطابهٔ یک صد و بیست و پنجم
بریده‌ای از سخنان استاد شهید G در جمعی از اعضای
جمعیت
زمان: ۱۳۸۵ هـ.ش،
مکان: دفتر مرکزی جمعیت اسلامی، کابل، افغانستان.



الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَى رَسُولِهِ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَأَصْحَابِهِ أَجْمَعِينَ.^۱

- اکنون زمان آن فرا رسیده است که جمعیت بیشتر از گذشته باید به کارهای سازمانی‌اش سامان بدهد. ما در طی پنج سال گذشته به دلایلی کم‌تر به امور سازمانی جمعیت پرداختیم و هر روزی که بدین گونه می‌گذشت، ضرورت بیشتر به مسایل نظامی برای رهایی کشور و راندن اجانب توجه داشتیم؛ اما در مرحله کنونی باید با دیدهای تازه، وارد شویم. البته جمعیت در تحولات کشورمان نقش کلیدی را داشته است؛ ولی چالش‌های روز و نیازهای زمان از ما می‌خواهد که منظم‌تر و سازمان‌یافته‌تر از پیش عمل کنیم؛

- جمعیت اسلامی افغانستان بر دو سرمایه بزرگ و مهم تاریخی تکیه دارد که آن‌ها عبارت از جهاد و مقاومت است. افراد جمعیت با تکیه بر این افتخارات باید بیشتر از پیش بر یاری و اراده الهی و پس از آن بر اراده و توانایی‌های ذاتی خود متکی باشند.

هر حکومتی کوشش می‌کنند که وابستگان حکومت پیشین را از عرصه سیاسی حذف کند و یا آنان را به میز محاکمه بکشاند. هرچند که این اشخاص و افراد بافهم و کاردان هم باشند. همین است که این کار برای هر جامعه مشکل‌آفرین است.

برای جلوگیری از درگیری و کشمکش و جنگ‌های مذهبی و منطقه‌ای باید دست‌به‌دست هم بدهیم و زمینه آن را فراهم سازیم؛ تا همه مردم


۱. ستایش خدایی راست که پروردگار جهانیان است و درود و سلامتی بر نیکوترین پیامبران و رسولان و بر خانواده و یارانش. «مرکز تدوین»

تشنجات و مشکلات گذشته را فراموش کنند و برای آبادی و بازسازی کشور صفحه جدیدی را بکشایند.

برای حل نابسامانی‌های جامعه ما، راه حل دیگری جز مفاهمه و یا گفت‌وگو وجود ندارد. ما باید از تاریخ کشورهای دیگر بیاموزیم. جنگ‌های داخلی خاص کشور ما نیست؛ بلکه در اکثر کشورها مانند: امریکا، فرانسه و کشورهای افریقایی، جنگ‌های داخلی وجود داشته‌است؛ ولی پس از جنگ‌ها، عفو و گذشت معمول بوده‌است. توطیه‌هایی که امروز برضد مجاهدان صورت می‌گیرد و حرف‌هایی گفته می‌شود، بی‌اساس است و جز ایجاد کینه و دشمنی دستاورد دیگر نخواهد داشت. ما نمی‌خواهیم کشور ما مانند عراق درگیر جنگ‌های داخلی و فرقه‌ای شود و بار دیگر دامنه این آتش خانمان‌سوز، همه کشور را فرا بگیرد. آرزو داریم؛ تا گلیم جنگ و خشونت و بدامنی از کشورمان برچیده شود و همه با هم در کنار یکدیگر زندگی کنیم و خواهش‌مان از همه کشورهای جهان این است که دست از تشنج‌آفرینی در کشور ما بردارند؛

- ما امیدواریم که به‌عنوان یک ملت سرافراز اظهار موجودیت کنیم و هم‌چنان‌که به‌سوی ترقی و پیشرفت حرکت می‌کنیم، باید به ارزش‌های دینی و ملی خود پایبند باشیم. در این راه ما باید به روش‌ها و دستاوردهای ارزشمند کشورهای؛ چون جاپان توجه کنیم که چگونه این ملت توانست با نگاه‌داشتن ویژگی‌های ملی، دینی و فرهنگی خویش در زمره کشورهای پیشرفته و مترقی دنیا قرار گیرد. البته ما برای جهانیان ثابت ساخته‌ایم که اگر این ارزش‌های مورد تاخت و تاز قرار گیرد. مرد و زن، پیر و جوان همه باهم مقاومت می‌کنیم. مقاومت مردم افغانستان برضد تجاوز انگلیس و جهاد این ملت غیور و باشهامت در برابر تجاوز اتحاد شوروی سابق و تروریستان از نمونه بارز این مدعاست.

خطابهٔ یک صدویست و ششم
بریده‌ای از سخنان استاد شهید G در جمعی از اعضای
جمعیت در سالون میوند
زمان: ۱۳۸۵ خورشیدی؛
مکان: کابل، افغانستان.



الْحَمْدُ لِلَّهِ وَكَفَى وَسَلَامٌ عَلَىٰ عِبَادِهِ الَّذِينَ اصْطَفَى؛^۱ و بعد:

- ملت‌هایی که در زندگی‌شان رسالت و هدفی را پیش روی خود قرار می‌دهند. یقیناً زندگی سرافرازی را نصیب می‌گردند. ملت ما همیشه به رسالت بزرگی ایمان داشته‌است، رسالت آزادی و سربلندی؛ اما باید بدانیم که آزادی و سربلندی ابعاد گونه‌گونی دارد. ما باید، هم در عرصه اقتصادی و هم در بعد سیاسی، آزاد و مستقل باشیم. جهاد در کشور ما برای تحقق این اهداف صورت گرفت.

اوضاع کنونی کشور ما اوضاع بسیار حساس است. برخوردها و کشمکش‌هایی در کشور ما جریان دارد؛ اما عواملی که در پشت این کشمکش‌ها مؤثر است؛ تا هنوز شناخته نشده‌است. عده‌ای سلاح برداشتند و امنیت را اخلال می‌کنند و از جانب دیگر توطیه‌ها و دسایسی در جریان است که افتخارات فرهنگی و ارزش‌های دینی و ملی ما را تهدید می‌کند. خطر این توطیه‌ها برای منافع ملی ما، بیشتر از شورش‌های مسلحانه است. کسانی از داخل و یا بیرون کشور یاوه‌سرایی می‌کنند و تبلیغات و هیاهویی را علیه مجاهدین به راه انداختند. غالباً چنین تبلیغات از سوی دستگاه‌ها و منابع استخباراتی و اطلاعاتی سازمان‌دهی می‌شود و یک مشت عناصر خودفروخته آن را به اجرا در می‌آورند. من چنین اقداماتی را آزمایشی برای ملت افغانستان می‌دانم که از سوی آن منابع صورت می‌گیرد؛ تا مردمی که سخت‌ترین اوضاع روحیه آزادی‌خواهی را حفظ کردند، بیازمایند که آیا هنوز هم از آرمان‌های خویش پاسداری خواهند کرد و یا از صحنه کنار خواهند

۱ ستایش از آن خداست و درود بر بندگان برگزیده او. «مرکز تدوین»

رفت!

بدون شک این اقدامات توطیه‌ای است علیه مردم و هویت ما که اگر مردم ما در برابر این توطیه‌ها بی تفاوت بمانند، تأثیرات و پیامدهای ناگواری را به دنبال خواهد داشت. اگر مردم ما دیروز در برابر اتحاد شوروی و توطیه وابستگان آن، بی تفاوت می‌ماندند، امروز همه ارزش‌های دینی و فرهنگی‌مان را از دست داده بودیم. بناءً من می‌خواهم بگویم که امروز شما با توطیه‌هایی در شکل جدید روبه‌روید. توطیه‌ای که امنیت و ثبات را در کشور ما تهدید می‌کند. ما در این اوضاعی که بیش از هر چیز به اعتمادسازی نیازمندیم؛ اما توطیه‌هایی که به راه افتیده‌اند که اعتماد ملت افغانستان را از میان می‌برد. ما باید بدانیم که چه کاری در جهت جلوگیری این توطیه‌ها می‌توانیم انجام دهیم. البته دیروز مجبور بودیم دست به سلاح بزنیم و به صورت مسلحانه با توطیه‌ها مقابله کنیم. چون در آن زمان زمینه برای کارگیری شیوه‌های سیاسی مسالمت‌آمیز وجود نداشت؛ اما اکنون که اوضاع تغییر کرده است، ملت ما باید همان‌گونه که دیروز به گونه یکپارچه در میدان جهاد و مقاومت حضور داشتند، باید در عرصه مبارزات سیاسی نیز حضور داشته باشند و در جهت کسب حقوق خویش هیچ‌نوع غفلتی را به خود راه ندهند.

جهانیان باید بدانند که مجاهدین بیشتر از دیگران علاقه‌مند ثبات و امنیت در کشورند. آنان کسانی‌اند که دوران شیرین جوانی خویش را فدای وطن خویش کردند، درس و تعلیم را رها کردند و زندگی‌شان را وقف جهاد و مبارزه کردند. برای آنان منافع ملت و مردم‌شان مهم‌تر از منافع شخصی و خانوادگی‌شان بود و اکنون هم مجاهدین بیشتر از دیگران منافع ملت و میهن خویش را با اهمیت می‌دانند و به آن ارجح می‌گذارند.

مجاهدین نمونه‌های شکوهمندی از گذشت و مدارا در تاریخ افغانستان‌اند، مجاهدین زمانی که قدرت را به دست آوردند، نه تنها اینکه دشمنان و رقبای خویش را بخشیدند؛ بلکه نخواستند آنان را از روند سیاسی کشور کنار بگذارند و حتی اجازه دادند آنان در پست‌های مهم به کارشان ادامه دهند. البته پس از پیروزی مجاهدین، جنگ‌هایی که واقع شد و خساراتی که

مخصوصاً بر مردم شریف کابل وارد گردید، همه می‌دانند که چه کشورها و منابع خارجی‌ای، عامل آن جنگ‌ها بودند؛ تا مجاهدین را ضربه بزنند؛ اما اکنون هم می‌بینیم در این حکومتی که مجاهدین به‌خاطر پیروزی آن قربانی دادند، توطیه‌هایی به‌عنوان اصلاحات اداری، جهت تصفیة مجاهدین عملی می‌شود.

شما وارث افتخارات پرشکوه جهاد و مُقاومت‌اید. جهاد و مُقاومتی که در نتیجه فداکاری بستگان شما به پیروزی رسید و شما هم در آفریدن این افتخارات سهم داشتید.


بنابراین؛ مسئولیت شما با آزادی افغانستان از اشغال نیروهای ارتش سرخ و تروریسم پایان نمی‌یابد؛ بلکه مسئولیت شما تا تحقق آرمان‌های جهاد، ادامه پیدا می‌کند. شما باید متوجه باشید، توطیه‌هایی برضد مردم و اسلام صورت می‌گیرد. از همین‌رو اجتماعی که به روز جمعه برگزار می‌گردد، یکی از صحنه‌هایی است که حضور شما و رسالت‌مندی شما را به نمایش می‌گذارد و من از همه شما دعوت می‌کنم که در این اجتماع اشتراک کنید و به‌خاطر هرچه باشکوه‌تر شدن این گردهمایی تلاش کنید.

أَقُولُ قَوْلِي هَذَا، وَأَسْتَغْفِرُ وَاللَّهَ لِي وَلَكُمْ، وَلِسَائِرِ الْمُسْلِمِينَ.

بخش چهارم
خطابه‌های ۱۳۸۲ هـ.ش، رهبر شهید
پروفسور برهان‌الدین ربّانی



خطابهٔ یک صدویست و هفتم
بریده‌ای از سخنان استاد شهید G در محفل گرامیداشت
از سالروز پیروزی جهاد
تدویرکننده: نهضت صلح و آزادی جوانان افغانستان؛
زمان: ۱۳۸۲/۲/۲ هـ ش؛
مکان: کابل، افغانستان.



الْحَمْدُ لِلَّهِ وَكَفَى وَسَلَامٌ عَلَىٰ عِبَادِهِ الَّذِينَ اصْطَفَىٰ^۱؛ اما بعد:
 خاطرهٔ جهاد و مقاومت مردم ما، در تاریخ پرافتخار ما برای همیشه ثبت خواهد بود و آن را نسل به نسل انتقال خواهند داد. در تاریخ برخوردهای مسلحانه و کشمکش‌هایی میان قدرت‌های بزرگ و ملت‌های مختلفی به میان آمده‌است؛ اما حادثه‌ای که در کشور ما صورت پذیرفت، یقیناً از جهات گونه‌گون معجزه‌آسا بود.

این حادثه جهاد و مقاومت یک ملت مستضعف از لحاظ عدم تعادل نیرو و اثرات گسترده و عظیمی که در جغرافیای سیاسی جهان به میان آورد، می‌تواند رویداد استثنایی تاریخ به حساب آید.

ما می‌بنیم در اثر جهاد ملت ما جغرافیای جهان عوض می‌شود، یک ابرقدرت بزرگ نظامی و ایدیولوژیک ناپدید می‌گردد، مقوله‌های جدیدی تحت نام نظم نوین جهانی و مسایل دیگری که در دوران جنگ سرد و قبل از پیروزی ملت قهرمان افغانستان اصلاً در ذهن کسی خطور نمی‌کرد، به میان آمد. یقیناً این حادثه بس بزرگی است.

لذا بر ملت ما و به‌خصوص جوانان و روشنفکران و دانشمندان هدفمند کشور است که این حماسهٔ تاریخی را به نظر کم نینند. ابعاد مختلف این حماسه باید به‌عنوان یکی از پدیده‌های عمده در تاریخ معاصرمان مورد بحث و بررسی قرار گیرد.

در افغانستان جنگ برای جنگ نبود. جهاد ملت یک جریان خشونت‌بار نبود؛ بلکه جنگ برای صلح و آزادی، استقلال و امنیت و به‌خاطر از بین بردن

۱. ترجمهٔ معانی آن گذشت. «مرکز تدوین»

جهل و خشونت بود. جهان از حالت محاذآرایی و چندقطبی به وضع جدیدی و به صلح و آشتی جهانی تبدیل شد. پس جهاد ملت ما پیام آور صلح و امنیت و مبارزه و مقابله با دهشت و وحشت و خشونت بود. و بعدها هم دیدیم که حماسه‌سازان جهاد بزرگ در مرحله بعد از پیروزی بار مسئولیت تاریخی دیگر را به دوش می‌گیرند، مسئولیت مبارزه با تروریسم و دهشت‌افگنی را!

وضع کنونی، محصول باارزشی از جهاد و مقاومت ملت ماست. مجاهدین به امنیت و ثبات سیاسی و وحدت ملی در کشور به‌عنوان یک امانت بزرگ و به‌عنوان امانت خون‌یاران شهید خود می‌نگرند و با تمام امکانات از امنیت و صلح دفاع می‌کنند.

بار دیگر در دوران مقاومت که تروریسم، صلح و امنیت دنیا را به‌خطر مواجه می‌ساخت باز مردم افغانستان با جهان دست‌همکاری و دوستی دادند که همه این‌ها اثرات پرثمر جهاد ملت ماست که جبهه صلح و وسیع جهانی را و جبهه دفاع از حق و عدالت را در دو مرحله ایجاد کردند؛

- قانون اساسی باید مورد تأیید ملت قرار گیرد. در ساختار قانون اساسی خواسته‌های تاریخی و دینی و ملی ملت افغانستان مدنظر باشد. در اوضاع کنونی در مرحله‌ای قرار داریم که باید بحران بی‌اعتمادی‌ها از بین برود، اختلافاتی که دشمنان صلح و آزادی و امنیت در افغانستان، از طریق مداخلات ناروای‌شان می‌خواستند، ایجاد نکنند، باید از بین برود. مسئله شمال و جنوب، پشتون و تاجیک، هزاره و بلوچ، ازبیک و عرب و پشه‌ای در میان نباشد؛ بلکه همه به‌عنوان یک ملت برادر و یک ملت متحد دست‌به‌دست همدیگر بدهیم. مجاهدین هیچ وقت، با دید تنگ‌نظرانه هیچ مسئله‌ای را بررسی نمی‌کردند، آنان به این عقیده نبودند، دنیایی بسازند که تنها خودشان در آن حضور داشته باشند و کسانی که در سنگر جهاد نبوده‌اند، آنان حضور نداشته باشند. مجاهدین این پیام را دیروز اعلام کرده بودند و همیشه بر آن تأکید هم می‌کنند که همه باید در ساختار سیاسی و در بازسازی و در توسعه و رشد سیاسی افغانستان و در مبارزه با فقر و محرومیت و در ایجاد یک وضع بهتر زندگی برای مردم افغانستان مشترکاً کار بکنیم.

همه صلاحیت‌ها و همه استعدادها، همه توانمندی‌ها در جهت ساختار یک افغانستان متحد و قدرتمند به کار بیفتد، هیچ‌کسی نباید محروم شود. گروه‌های مختلفی در جریان تاریخ گذشته تحت عناوین چپ و راست وارد صحنه شدند، زمانی آن‌ها فرارسیده‌است که این عناوین را کنار بگذاریم، همه دست‌به‌دست همدیگر بدهیم، همه در افغانستانی که ملتش مسلمان است، ملّتی که اصالت فرهنگی و تاریخی دارد، متحدانه و همه یکجا حرکت کنیم؛

- مطبوعات آزاد در جهت دادن و سمت‌وسو دادن کشور به سوی وحدت


ملّی و رفع منازعات باید نقش سالمی را ایفا کند. انتقادهای سالم از یکدیگر را باید بشنویم. در برابر بسیاری از مسایل با تشجیح و عقده برخورد نکنیم. چه زیباست حرف یکی از دانشمندان است که گفته‌است: خدایا! عقیده‌ام را از عقده‌ام نجات بده! نباید اجازه بدهیم که کسی علیه دین و اعتقادات مردم، علیه تاریخ و فرهنگ این ملّت قدمی بردارد که باعث تخریب نهادهای دینی و فکری این ملّت شود. مصالح ملی خود را فدای هیچ‌کسی نمی‌سازیم. با هرکس دوستی می‌کنیم؛ اما آزادی و استقلال خود را فدای هیچ چیزی نمی‌کنیم. منافع ملی خود را بهتر از منافع ملی دیگران می‌دانیم و به منافع ملی دیگران هم احترام می‌گذاریم؛

- فعلاً زمان مُبارزه در سنگر گرم نیست؛ بلکه زمان مُبارزه در سنگر سیاست، در سنگر بازسازی، تأمین امنیت، وحدت ملی افغانستان و در سنگر یک جریان درست و متوازن که ملّت افغانستان را به‌عنوان یک ملّت زنده، در قطار سایر ملّت‌ها در هزاره سوّم مجسّم سازد، می‌باشد؛

- وظیفه نسل جوان است تا در حفظ ارزش‌های ملی و حفظ هویت ملی خود سخت بکوشند.

خطابه یک صدویست و هشتم
بریده‌ای از سخنان استاد شهید ^G
زمان: ۱۳۸۲ هـ ش؛
مکان: ولایات جنوب و جنوب غرب.

۱. آنچه را در ذیل این خطابه می‌خوانید، بریده‌هایی از سخنان رهبر شهید ^G است که در میان جمعی از مردم ولایات جنوب و جنوب غرب کشور، به تاریخ ۱۳ ثور ۱۳۸۲ خورشیدی، ایراد گردیده است. «مرکز تدوین»



الْحَمْدُ لِلَّهِ وَكَفَى وَسَلَامٌ عَلَىٰ عِبَادِهِ الَّذِينَ اصْطَفَىٰ، وبعده:

در قدم نخست می‌خواهم ضمن قدردانی از پذیرایی گرم و صمیمانه‌ی والی، مسئولین و اهالی شریف و مسلمان قندهار^۱ این نکته را اضافه کنم که - این سفر من، سفر غیررسمی و سیاسی است و هدف اصلی آن را تحکیم وحدت ملی در سراسر کشور تشکیل می‌دهد. چون همه می‌دانیم که در اثر فتنه‌ها و توطیه‌های خارجی و ظهور گروه طالبان، وحدت ملی ما خدشه‌دار شده بود و دشمنان افغانستان چنان ذهنیتی را ایجاد کرده بودند که گویا جنگ بین شمال و جنوب کشور بود و پس از این درگیری‌ها، نزدیکی و اتحاد مردم افغانستان مجدداً امکان ندارد. بناءً برای خنثی کردن این توطیه‌ها و تبلیغات و استحکام دولت مرکزی در افغانستان، در مشوره با سایر برادران، تصمیم به این سفر گرفتیم.

- ناگفته پیداست که عوامل مختلفی دست‌به‌دست هم دادند؛ تا بعد از پیروزی مجاهدین شاهد بحران در کشور باشیم و این را هم نباید فراموش کرد که فتنه‌های زیادی از خارج کشور سازماندهی می‌گردید؛ تا جلو استقرار نظام اسلامی و تأمین ثبات در کشور را بگیرند. جبهه متحد ملی و اسلامی افغانستان که مجموعه‌ای از تمام مجاهدین کشور از شمال؛ تا جنوب و از شرق؛ تا غرب کشور را احتوا می‌کرد، قبل از ورود مجدد به شهر کابل مصمم بود؛ تا برای رفع بحران و تحکیم صلح و ثبات در کشور، باید انتقال قدرت کند؛ اما به چه کسی؟ من با خودم فیصله کردم که در چنین مقطعی

۱. قندهار؛ در جنوب افغانستان موقعیت دارد. مساحت آن ۵۴۸۴۴،۵ کیلومتر مربع و جمعیت آن در سال ۱۳۹۱ هـ.ش، حدود ۱۱۵۱،۱ نفر محاسبه شده‌است، مرکز آن شهر کندهار است. نگاه: جغرافیای عمومی ولایات افغانستان، ص: ۹۹۱. «مرکز تدوین»

باید به مردم افغانستان و جهانیان ثابت کنیم که جهاد و مقاومت ما صرف برای آزادی، سربلندی و حفظ تمامیت ارضی کشور بود؛ نه برای حفظ اقتدار و چوکی و هم تا ثابت کرده باشیم که بین اقوام برادر کشور مشکلی نیست. بناءً لازم دیدم؛ تا باید قدرت به یک برادر قندهاری که پایگاه اصلی قدرت طالبان معرفی شده بود، انتقال شود.

- قندهاری‌ها که مردم با رسوخ و صاحب افتخارات بزرگ تاریخی اند، مسئولیت بزرگی در جهت تحکیم وحدت ملی کشور نیز دارند. در ضمن دعا به روح احمدشاه بابا و سایر شهدا و در کنار قدردانی از تلاش‌های شهدای افغانستان برای تحکیم وحدت ملی، نکات ذیل را قابل تذکر می‌دانم:

- قرارگاه اولی «خرقه مبارک»^۱ بدخشان بود و جایگاه دومی آن قندهار است. در انتقال خرقه مبارکه به قندهار این حکمت نهفته است که همه مردم از شمال؛ تا جنوب، زیر این خرقه مبارکه با هم متحد شدند؛

- کار اولی ماوشما ملت سازی است و ملت سازی بدون «وحدت ملی» میسر نیست. دولت سازی و بازسازی قدم‌های بعدی می‌باشد. آغاز بازسازی در قندهار نشانگر آن است که مجاهدان در دو سنگر جهاد و مقاومت و سازندگی قهرمان اند؛

- برادران چنان که قبلاً گفتم این سفر من، سیاسی نیست؛ بلکه یک سفر ملی در جهت تقویت وحدت ملی است. من از شما دعوت می‌کنم؛ تا هیئت‌های خویش را به شمال کشور بفرستید. بزرگان با هم بنشینند و تبلیغات غلطی را که دشمنان این کشور به نام شمال و جنوب به راه انداخته‌اند، خنثی

۱. خرقه مبارک حضرت پیغمبر Y را که اهل بیت آن حضرت به دست خود دوخته بودند و حضرت علی ~ بعد از رحلت به فرموده آن حضرت Y به اویس قرنی فرستاده بود. پس از وفات وی خرقه را در کوه جرا نهادند. سپس شیخ دوست محمد آن را به بغداد آورد، بعد از وی احفادش آن را به بخارا انتقال دادند و ۸۰ سال آنجا بود که بعداً شیخ آقا محمد آن را مسترد کرد. نظر محمد خرقه مبارک را از بخارا به بلخ آورد که ۳۵ سال آنجا بود و در محرم ۱۱۰۹ هـ. ق، در وقت میر یاریبگ بدخشی به وسیله شیخ محمد ضیاء و شیخ محمد نیاز خرقه شریف به جوزگون دره انتقال داده شد که به احترام آن جوزگون دره به فیض آباد مسمی گردید، بعد از آن در سال ۱۱۸۲ هـ. ق، وزیر شاه ولی خان، وزیر احمدشاه بابا تبرکاً خرقه مبارک را به قندهار منتقل ساخت. نگاه: جغرافیای عمومی ولایات افغانستان، ص: ۴۱۸. «مرکز تدوین»

کنید.

البته در این ارتباط تأمین امنیت و نقش شخصیت‌های کلیدی و مؤثر چون شاه سابق بسیار ارزنده و مهم است. تمام امور را به دولت نگذاریم، باید در هر ولایت مراکز ملی برای از بین بردن مشکلات و سوء تفاهمات ایجاد گردد؛

- قندهار در تاریخ کشور جای بس مهم دارد. اینجا محل خرقة مبارکه و آرامگاه احمدشاه بابا و میرویس نیکه است. این شهری است که در جریان تجاوز روس‌ها در هر کوچه و ده آن، سنگر غازیان و مقبره شهیدان قرار دارد. مرد وزن پیر و جوان آن، برای سربلندی اسلام و حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور از جان و مال و اولاد خود گذشتند. قندهار همیشه مرکز وحدت ملی کشور بوده است و اکنون مسئولیت بزرگی نیز در قبال حفظ آن دارد؛

- اسلام و قواعد پشتونوالی با هم نزدیک است. قواعد پشتونوالی نیز مردم را به آزادی و وحدت دعوت می‌کند. چنان‌که خوشحال خان ختک گفته است:

د افغان په ننگ می وترله توره

ننگیالی د زمانی خوشحال ختک یم

هویت ملی ما هویت دینی است و پایه وحدت ملی ما را اسلام تشکیل می‌دهد. همه باید در جهت استحکام دولت مرکزی خویش تلاش ورزیم. آقای کرزی یک مجاهد است. من به وی اطمینان داده‌ام که هرآنچه در جهت استحکام دولت مرکزی ممد واقع گردد، دریغ نخواهم کرد. چون من معتقدم که این التزام تنها به رئیس دولت نه؛ بلکه برای خودم و برای همه مردم نیز مفید و حیاتی است.

توصیه من به مجاهدین به حیث قهرمانان جهاد و مقاومت این است؛ تا بعد از این در جهت بازسازی کشور ویران‌شان با هم رقابت کنند و منتظر کمک‌های بیرونی نشینند. جا دارد به همین مناسبت - موفقیت‌های والی صاحب قندهار را در جهت بازسازی، به همه شما تبریک بگویم؛ چون با وجود کمبودی‌ها، وضع بازسازی در اینجا بهتر از کابل است؛

- آنچه شما امروز در جهت بازسازی کشور و ایران‌تان انجام می‌دهید، نمایانگر عشق و علاقه شما به این سرزمین بوده است و ثابت می‌کنید همچنان که در زمان جهاد و مقاومت قهرمان بودید، در زمان صلح و بازسازی نیز پیشگام و قهرمان‌اید. هستند کسانی که علیه مجاهدین توطیه می‌کنند و آنان را «توپکی» و «جنگ‌سالار» می‌گویند، در حالی که این مردم و مجاهدین تفنگ‌ها را برای دفاع از نوامیس ملی و تمامیت ارضی و آزادی و وحدت ملی کشور بر دوش گرفته‌اند. البته در بین مجاهدین افراد خلاف‌کار و منافقی هم وجود داشت؛ اما در مجموع کارنامه‌های مجاهدین روشن است. خواست ما از همه برادران از رهبران قومی گرفته؛ تا روشنفکران و نظامیان این است که همه برای ساختن افغانستان باعظمت و آزاد با هم یکی و متحد شوند؛

- نکته دیگری که قابل تذکر است اینکه هر کشور دارای تذکره ملی می‌باشد، تذکره یا شناسنامه ملی مردم افغانستان را نکات ذیل تشکیل می‌دهد:

۱- هویت ملی ما هویت اسلامی است. افغان‌ها ملت متدین و استقلال‌طلب‌اند که هیچ‌گاه در مقابل متجاوزان تسلیم نشده‌اند. این مردم با سر دادن نعره‌های الله اکبر، همیشه تصمیم خود را برای دفاع از دین و کشور تبارز داده‌اند. وقتی در زمان تجاوز ارتش سرخ، افغان‌ها اعلان جهاد و قصد مبارزه کردند، جهانیان به آنان می‌خندیدند؛ اما همه شاهدیم که گذشت زمان پیروزی عزم و ایمان را بر تکنولوژی ثابت کرد. خداوند بندگان مخلص خود را در نعمت و مصیبت امتحان می‌کند؛

۲- همه افغان‌ها، از شمال تا جنوب، باید تحت لوای وحدت ملی جمع شوند و کمر همت را برای بازسازی کشور ببندند. حکومت مرکزی با ولایات روابط نیک و نزدیک داشته باشد؛ تا بار دیگر خدای ناخواسته مردم ما دامن گیر مصیبت‌ها و فتنه‌ها نگردند...*^۱

۱. خطابه فوق، برش‌هایی از ارشادات حضرت استاد شهید است که در شماره ۳۱ دلو ۱۳۸۵ ش، هفته‌نامه مجاهد، به نشر رسیده بود که اینک با ویرایش و تصحیح مجدد از سوی مرکز تدوین آثار رهبر شهید، در خدمت شما قرار می‌گیرد. «مرکز تدوین»

هلمند^۱ سنگر قوی و بزرگ جهاد است. مردم همه خواهان وحدت ملی و برادری‌اند، اگر مداخلات خارجی نباشد، افغان‌ها هیچ‌گاهی باهم نمی‌جنگند. من وقتی به هلمند آمدم، چنان می‌انگارم که به خانه خود آمده‌ام، به محافظت هم ضرورت ندارم. بعضی از فتنه‌گران تبلیغ می‌کردند که مجاهدین با علم و فرهنگ و تمدن مخالف‌اند. در حالی که امروز مسئولان مجاهد شما اهتمام زیادی به رشد علم و فرهنگ دارند و دختران و پسران - در نتیجه تلاش آنان - از نعمت سواد بهره می‌گیرند.

- برخلاف تبلیغات زهرآگین دشمنان افغانستان، جنگ‌های اخیر در کشور، جنگ قومی نبوده‌است؛ بلکه فتنه‌هایی بود که از خارج کشور زمینه‌سازی می‌گردید. در یک طرف خط، محافظان ارزش‌های دینی و ملی ما از نقاط مختلف کشور قرار داشتند و در طرف دیگر خط، اجیران خارجی که هدفی جز تطبیق برنامه‌های خارجی نداشتند.

در این ولایت وسیع با وجود مشکلات و کمبودی‌هایی در سطح دولت، امنیت کامل برقرار است. ولایت هلمند زمانی محل اصلی کشت تریاک بود؛ اما امروز کشت آن به حد رسیده‌است که می‌توان آن را به اصطلاح کرامت خواند. دنیا باید فرق بین خادمان و خاینان را داشته باشد.

در فرهنگ افغانستان و اسلام مشکل حقوق بشر و تعلیم و تربیه زنان وجود ندارد. ما بعضی از قواعد و رسوم داریم که براساس ارزش‌های اخلاقی، ملی و اسلامی ما بنا یافته‌است. ما جامعه از هم گسیخته و بدون اهداف متعالی نیستیم. ما در افغانستان کنونی تنها ملالی در جنگ انگلیس را نداریم، هزاران زن مسلمان افغان در زمان تجاوز ارتش سرخ شهکاری‌هایی کرده و حماسه‌هایی آفریده‌اند که هرگز فراموش نخواهد شد. ما با آن بخشی از دموکراسی که با تعلیمات اسلامی و رسوم پسندیده ملی ما مخالفت دارد، مخالفیم؛

- دولت مرکزی را باید تقویت کنیم، فکر تسلط یک قوم خاص را بر

۱. هلمند؛ در جنوب غرب افغانستان موقعیت دارد. مساحت آن ۵۸۳۰۵،۱ کیلومتر مربع و جمعیت آن در سال ۱۳۹۱ هـ.ش، ۸۷۹،۹ هزار نفر تخمین شده‌است. مرکز آن شهر لشکرگاه است. نگاه: جغرافیای عمومی ولایات افغانستان، ص: ۹۶۶ - ۹۶۸. «مرکز تدوین»

تمام کشور نداشته؛ بلکه باید بر اساس اکثریت رأی و اکثریت مردم - که از اساسات دموکراسی نیز می‌باشد - به هر کسی که مستحق آن باشد، احترام بگذاریم و از وی حمایت کنیم. جهان باید مصالح خود را در وطن ما با مصالح ملی ما نزدیک کند. ما امروز یک حزب و یک سازمان داریم که نام آن افغانستان و اسلام است؛

- من این مسئله را بارها گفته‌ام که اگر به مردم افغانستان توجّه نگردد و مداخلات خارجی قطع نشود، این بار نه تنها افغانستان؛ بلکه منطقه نامن خواهد شد. ما به همکاری جهانی ضرورت داریم؛ مگر مداخله را نمی‌پذیریم. ما دوستان خوب و مزدوران بدی هستیم.

شهروندان مجاهد و متدین هرات! چنان که پیش از این در قندهار و هلمند گفتم، این سفر من، نه یک سفر دولتی است و نه سیاسی؛ بلکه سفری است در جهت تحکیم وحدت و همبستگی ملی، خرسندم امروز در سرزمینی هستم که نه تنها قدرت مندترین پایگاه مهم علم و فرهنگ و مدیّت اسلامی است؛ بلکه سنگر مستحکم جهاد و مقاومت نیز بوده است؛

- فرهنگ اسلامی مشخصات ویژه‌ای دارد که از ویژگی‌ها عمده آن جایگاه بلند علم و دانش در آن است. اسلام با این گفته که «از مهد تا لحد دانش بیاموزید» هیچ مرز [عمده‌ای] را برای علم‌اندوزی تعیین نمی‌کند؛

- جهاد مردم ما، به خاطر جنگ برای جنگ نبود؛ بلکه برای دفاع از ارزش‌های ملی و اسلامی ما بود. اگر دیروز مجاهدین چانه‌سلاح و مهمات را به دوش داشتند، امروز بکس‌های مکتب را با خود انتقال می‌دهند. طالبان یک گروه متحجر و فرهنگ‌ستیزی بودند که هدفی جز بدنامی اسلام و سست کردن پایه‌های علمی و فرهنگی کشور نداشتند. اگر دیروز در برابر توطیه و تهاجم نظامی در سنگر داغ مقاومت قرار داشتیم، امروز با کشمکش‌های دیگری چون هویت‌ستیزی و تهاجم فرهنگی روبه‌روایم. در مسایل علمی و فرهنگی می‌شود، با دیگران مشترک کار کنیم؛ اما سخت متوجه باشیم که هویت اصیل فرهنگ خود را نگاه داریم. اگر ملت‌ها به اصالت‌های فرهنگی

خود تکیه نکنند، به تهاجم فرهنگی مواجه می‌شوند و اندیشه‌ها و افکار با ارزش‌های زنده‌است که فرهنگش به آن زنده‌است. پس باید مرزهای فرهنگی خود را نگاه داشت.

در مورد موقعیت و جایگاه زن در جامعه اسلامی هیچ مشکلی وجود ندارد. در آفرینش انسان، خداوند ﷻ مرد را در خاک و زن را در بهشت خلق کرده‌است. تفاوت فقط، تفاوت جسمی است و بس؛

- ما حقوق همه افراد کشور را محترم می‌شمیریم. ما هیچ‌گاه دروازه‌های کشور را به روی دنیا نبسته‌ایم و همیشه دست دوستی و همکاری مردم افغانستان به طرف دنیا دراز بوده‌است و در طول تاریخ مردم افغانستان متجاوز نبوده‌اند؛ بلکه دست همکاری و دوستی را که به طرف‌شان دراز شده‌است، با گرمی فشرده‌اند.

در هرات باستان، الحمدلله وضع امنیتی و پروسه بازسازی به‌خوبی پیش می‌رود و هرات را می‌توان سرمشق کار و تلاش در سایر کشور قلمداد کرد. در هرات محابس و کوته‌قلی‌ها از بین رفته و به‌جای آن تعلیمگاه‌های افراد مجرم ایجاد گردیده‌است. سروصداهایی که در مورد هرات^۱ و شخص امیراسماعیل خان به‌پا شده‌است، عقده‌مندانه و نادرست است. مردم و مسئولان هرات با قوت از دولت انتقالی اسلامی به رهبری آقای کرزی پشتیبانی می‌کنند.

در ضمن اینکه می‌خواهم میلاد رسول اکرم ﷺ را به همه مسلمانان جهان و به‌ویژه به شما نمازگزاران مسجد «کبرزان» تبریک عرض کنم، این نکته را هم می‌افزایم که دین از اجتماع و سیاست و مبارزات آزادی‌بخش دور نیست. قیام‌های ملی صبغه دینی داشته و مسئله جدایی دین از سیاست اگر در نزد کشورهای، منطبق داشته باشد؛ اما در این کشور هیچ‌گاهی قابل تطبیق نیست.

۱. هرات؛ در شمال‌غرب افغانستان موقعیت دارد و مرکز آن شهر هرات است. مساحت آن ۵۳،۵۸۶،۵۳ کیلومتر مربع و جمعیت آن قرار احصائیة سال ۱۳۹۱ هـ. ش، حدود ۱۶۷۶۰۰۰ هزار نفر محاسبه شده‌است. نگاه: جغرافیای عمومی ولایات افغانستان، ص: ۸۹۲ - ۹۰۷. «مرکز تدوین»

میلاد پیامبر اکرم Υ خط فاصل نور و تاریکی و حق و باطل بوده است. پیغمبر اکرم Υ در باره اشتراک زنان در امور کشورداری، گسترش علم و حمایت زنان در اوضاعی که در فرهنگ‌های دیگر زن به حیث انسان شناخته نمی‌شد و دانشمندانی چون ارسطو^۱ و افلاطون^۲ زنان را از جمله مخلوقات درجه دوم حساب می‌کردند، تلاش‌ها و ارشادات ماندگار و پراجی دارند که برای هر مسلمان اسوه حسنه است. اگر امروز از حقوق زن در جامعه سخن رانده می‌شود، نو و پدیده بکری نیست. اسلام چنین حق و امتیازاتی را برای زنان قرن‌ها پیش تضمین کرده بود.

شما خواهان! به مثابه عنصر اساسی قانون خانوادگی و معلم فرزندان، باید به این نکته سخت متوجه باشید که کودک پیش از همه به عطف و محبت ضرورت دارد. نقش شما در این عرصه بیشتر از دیگران است. دستی که گهواره را می‌جنباند، جهان را نیز تکان می‌دهد؛

- درک و بصیرت شما از قضایای کشور برای من و همه برادران شما این اطمینان را می‌دهد که مردم ما در هر کجایی که هستند، رسالت بزرگ خود

۱. ارسطو؛ در استاگیرا از شهرهای مقدونیه به دنیا آمد. در هفده سالگی به آتن رفت و در اکادمی افلاطون به شاگردی پذیرفته شد و بیست سال تمام؛ یعنی تا زمان درگذشت افلاطون در اکادمی ماند. پس از مرگ افلاطون، مدتی به سفر رفت و چند سالی معلم «اسکندر مقدونی» شد و از همین‌روست که به او «معلم اول» لقب داده‌اند. او در سال ۳۳۵ به آتن بازگشت و آموزشگاه دایر کرد. پس از آنکه آتنی‌ها برضد بیگانگان شورش کردند. ارسطو به شهر کالکیس گریخت و در آنجا در ۶۲ سالگی درگذشت. او در شکل‌گیری دانش بشری سهم عمده‌ای داشت و در طبقه‌بندی دانش‌های زمان خود؛ حتی بر استاد خود افلاطون پیشی گرفت؛ تا آنجا که قرن‌های متمادی مرحله نهایی مسایل علمی و فکری محسوب می‌شد. روش فلسفی ارسطو به روش «مشاء» معروف است؛ زیرا شاگردان او به هنگام درس خواندن قدم می‌زدند و راه می‌رفتند. نگاه: تاریخ اروپا از آغاز تا پایان قرن بیستم، ص: ۶۰. «مرکز تدوین»

۲. افلاطون؛ یکی از فیلسوفان بزرگ آتنی در عصر کلاسیک یونان است و به تعبیر دیوگنوس لائرتیوسی نام واقعی او «آریستوکلس» بود و به خاطر هیکل تنومندش به او لقب افلاطون را دادند. او نظر به روایات تاریخی در ۴۲۷ و یا ۴۲۸ قبل از میلاد در یونان باستان به دنیا آمد و در ۳۴۷ قبل از میلاد در همانجا درگذشت. بسیاری او را بزرگترین فیلسوف تاریخ می‌دانند. او در کنار استادش سقراط و شاگردش، ارسطو، یکی از سه فیلسوف بزرگ یونان باستان است. فیلسوف‌شاه و نظریه مثل (یا نظریه جهان فرم‌ها) دو ایده اصلی در آثار اویند. نگاه: کاپلستون، تاریخ فلسفه غرب، ص: ۱۵۶ و حسن عبدی، «بررسی روش‌شناسی و الگوشناسی افلاطون با تأکید بر رساله تیمائوس»، معرفت فلسفی، ۱۳۸۶. «مرکز تدوین»

را در برابر خدا^۱ و پیامبر Y اسلام و ملت و تاریخ خود درک کرده‌اند. اظهارات شما بیانگر آن است که شما در سنگر دفاع از ارزش‌های ملی و اسلامی خویش آگاهانه نشسته و قدم به قدم، قضایای کشورتان را بررسی می‌کنید. این ملت به حیث صخره پولا دینی است که طوفان‌ها و امواج هرگز توان برکندن آن را نخواهد داشت؛

- ما در اوضاع فعلی به رعایت نکات ذیل نیازمندیم:
حفظ هویت ملی؛ تأمین امنیت سراسری که زمینه‌ساز تشکیل دولت مرکزی است و بازسازی.

در اینجا علایم بازسازی و شور و شوق مردم برای اعمار مجدد کشور ویران‌شان بیشتر است. امیدوارم روزی این مسئله در افغانستان سراسری و همگانی شود.

می‌لاد پیامبر اکرم Y، پیام آزادی و درهم‌شکستن زنجیرهای است که فکر و ضمیر و حیات انسان را زیر شکنجه نظام‌های مستبد خرد و خمیر کرده بود.

- فعلاً در مرحله جدیدی از حیات کشور قرار داریم، باید تماماً خود را به اساس تعلیمات دین پیامبر اسلام عیار کنیم.

ما از کشورهایی که فرزندان‌شان را در ترکیب نیروهایی حافظ صلح به کشور ما فرستاده‌اند، ممنونیم؛ اما توضیح نکات ذیل را لازم می‌دانیم:

مسئولان ولایات برای تحکیم امنیت و اطاعت از مرکز آماده‌اند، مطبوعات و رسانه‌های جمعی نباید آن را وارونه جلوه دهند. مطبوعات بیرونی چرا می‌خواهند از طریق ایجاد تفرقه بین شمال و جنوب کشور، افغانستان را تخته مشق بحران‌ها سازند. ما از آنان می‌خواهیم که با ملت ما صادقانه عمل کنند؛

ملت افغانستان حق دارند که حکومت و قانون اساسی خود را بسازند، قانون اساسی نباید در پشت پرده‌های تاریک مخالف ارزش‌های ملی و تاریخی ما باشد و شخصیت‌های مُدُون آن، باید افراد صالح و خبیر بوده

باشند. کشورهایی که علیه نظام‌های تبعیض نژادی مبارزه می‌کنند، در کشور ما آپارتاید^۱ را تقویه نکنند.

لویه جرگه اضطراری شتاب‌زده بود. اگر حوصله مردم ما نمی‌بود. این جرگه خود عامل بحران‌های دیگر در کشور گردیده بود، ما ملت خود را می‌شناسیم، هر فیصله‌ای که در مورد سرنوشت آنان صورت می‌گیرد، نباید در خارج از کشور صورت گیرد، جلوگیری از بحران‌ها حق مسلم مردم ماست. - همه باید دست‌به‌دست هم دهیم؛ تا این وطن عقب‌مانده و مخروبه خود را آباد و شگوفان کنیم. نباید همیشه منتظر کمک‌های بیرونی باشیم. چون این کمک‌ها، اگر امروز فراهم است فردا نیست، تنها به همت جوانان، این وطن می‌شود و می‌توان به این مشکلات فایق آمد.

- بادغیس در مجموع و ولسوالی^۲ قادس^۳ به‌طور خاص سنگر مطمین جهاد و مقاومت بود عزیزان شما شهید شدند و خود شما آوارگی‌ها را متقبل شده‌اید که ثمره آن آزادی افغانستان و امنیت سراسری کشور است؛

- ضرورت اولی و اساسی ما وحدت و هماهنگی تمام اقوام و ساکنان این کشور می‌باشد که بدون آن تأمین امنیت سراسری و شروع بازسازی کشور ناممکن است. همه باید در این راستا با دولت مرکزی خویش همکار

۱. آپارتاید؛ واژه افریقایی است، به معنای جدایی که در اصطلاح به سیاست تبعیض نژادی - که توسط حزب ملی افریقای جنوبی از سال ۱۹۴۸ تا ۱۹۹۴ م، اعمال می‌گردید - گفته می‌شود، سیاست آپارتاید، مبتنی بر برتری کامل قوم سفید و تبعیض مطلق نسبت به غیرسفیدهاست و از لحاظ نظری، معتقد به جدایی کامل کلیه نژادها و امکانات آن‌هاست. نگاه: فرهنگ سیاسی آرش، ص: ۲۳. «مرکز تدوین»

۲. شهرستان. «مرکز تدوین»

۳. شهرستان قادس؛ بخش جنوبی استان بادغیس را از شهرستان قادس تشکیل داده است که از طرف شرق به شهرستان جوند، از غرب به شهر قلعه نو، از شمال به شهرستان‌های مُقر و بالا مرغاب و از طرف جنوب شرق به بند سبزک وصل بوده که این شهرستان را به استان هرات وصل می‌کند. مرکز این شهرستان را نیز قادس می‌نامند. آب و هوای این شهرستان بسیار گوارا و محل مناسبی برای زندگی گفته می‌شود. آب و هوای آن چنان از حالت طبیعی فوق‌العاده برخوردار است که تقریباً همه مردم بادغیس قادس را خوش آب و هواترین منطقه بادغیس می‌نامند. زیارت بی بی مراد، آثار باستانی شهرستان قادس و شهر ملک انتر، از جمله آثار تاریخی قادس به‌شمار می‌روند. نگاه: جغرافیای عمومی ولایات افغانستان، ص: ۸۸۷. «مرکز تدوین»

و نزدیک باشیم. الحمدلله امروز به کمک جامعه جهانی و همکاری جدی جهادگران، اساسات یک حکومت باثبات گذاشته می‌شود. اردوی ملی در حال توسعه است که ضرورت است و باید همه با قوت از آن پشتیبانی کرده و در خلع سلاح افراد شرور کمک و همکاری کنیم؛

- دست‌های زیادی کار کرد؛ تا مسلمانان را تروریست و دهشت‌افکن معرفی نمایند و این پروژه را از طریق طالبان عملی کردند که خوشبختانه در اثر پایمردی شما مردم مسلمان این توطیه خنثی گردید. ملامت‌گران امروری طالبان و تروریستان، دیروز در عقب طالبان و در حمایت از آنان قرار داشتند. جبهه مقاومت بارها از طرق مختلف خطرات ناشی از تمویل این گروه را تشریح و بیان می‌کرد؛ اما آن زمان، گوش شنوایی وجود نداشت. در صحنه ملی، دشمنان افغانستان می‌خواستند بین شمال و جنوب مشکل ایجاد نمایند و مردم ما را در رویارویی دائمی نظامی قرار دهند که الحمدلله این توطیه نیز خنثی و امروز همه ماوشما به دور محور اسلام، در جهت تقویت حکومت مرکزی خود تلاش می‌ورزیم. مردم ما اگرچه ظاهر ساده دارند، مگر نسبت به اوضاع و احوال کشورشان آگاه‌اند. پیر و جوان، زن و مرد باید کمر همت و کار را برای آبادی وطن ببندند. در ولایت هرات، نظامیان در پهلوی وظایف محوله، در فعالیت‌های اجتماعی نیز سهیم‌اند که همه نشانه عشق و علاقه مجاهدان و قهرمانان جهاد به کار و آبادی کشور می‌باشد.

- خوشبختانه سرزمین ما در گذشته‌ها یکی از مهدهای بزرگ علم و دانش بود که افراد زیادی از کشورهای مختلف جهت فراگیری تحصیل به این خطه روی می‌آوردند. از اینجا اسلام به نیم‌قاره هندوستان و ماوراءالنهر انتشار یافت و این سرزمین آشیانه شاهین‌هایی است که قفس‌ها شکستاده و پیام آزادی را به جهان رسانیده‌اند. البته دینداری با دانش و معرفت پیوند مستحکم دارد، دین همیشه با جهل و بی‌دانشی در کشمکش و مبارزه بوده است. توجه به معارف، در واقع توجه به دین می‌باشد. اگر فکر می‌کنند که کشور ما به خطری که بمب اتم و یا قمر مصنوعی نساخته است، ملت شکست‌خورده و بی‌نام و نشان است، فکر نادرست است. این شکست نظام‌های حاکم بوده،

نه مردم و فرهنگ تاریخی ما. چون این مردم در عرصهٔ مُبارزه با قدرت‌های مهاجم و ضد آزادی و انسانیّت حماسه‌هایی آفریده‌اند که دیگران هرگز قادر به آفریدن آن نبوده‌اند. اگر قضاوت درست نیست، کوردماغی آنان است نه کوتاهی مردم ما.

در بادغیس فراموش شده، با وجودی که خشک‌سالی چندین ساله را تحمّل کرده و در بساطشان چیزی نیست؛ اما شور و علاقه‌ای به معارف دیده می‌شود و هماهنگی‌ای که در بازسازی و تحکیم وحدت ملی وجود دارد، نمایانگر از سرگیری زندگی و امید به فردای درخشان است. از این به بعد مجاهدان یک گروه خاص نیستند؛ بلکه ملت ما مجاهد است.


خرسندم که در ولایت بادغیس با وجود مشکلات زیاد اتحاد و هماهنگی بین مسئولان و مردم وجود دارد و نباید به بدامنی و آشوبگران فرصت و اجازه بدهیم؛ تا فضای صلح‌آمیز را برهم زنند؛ چون از بدامنی تنها والی و مسئولان دولتی متضرر نمی‌شوند؛ بلکه همه از آن ضرر می‌بینیم. مردم ما دیندارند؛ اما دین فهم نیستند. بناءً برای این منظور به تعداد مدارس و مکاتب باید افزوده شود.

گروه‌هایی که دیروز مخالف بودند، باید امروز در یک سنگر و یک صف قرار گیرند. اگر ملاست یا طالب و دانشجوست و یا استاد. کشمکش‌های قومی هم بعد از این قابل بخشش نیست.

سرزمین شما، سرزمین حماسه‌های علمی و جهادی و روحانی است. در هر قدم این خاک مقدّس مقبره و آرامگاه شهیدی و یا بزرگ‌مرد روحانی‌ای قرار دارد. اگر امروز جنگ سوّم جهانی سوژهٔ تفکّر ابرقدرتان و صاحبان اقتصاد نیست، همه محصول جهاد و مقاومت ملت شهیدپرور ماست.

خطابه یک صدویست و نهم
بریده‌ای از سخنان استاد شهید
G
زمان: ۱۳۸۲ هـ ش؛
مکان: ولایت بغلان.

۱ خطابه فوق بریده‌هایی از سخنان رهبر شهید G است که به تاریخ ۱۳۸۲/۳/۲۲ خورشیدی، در جمعی از مردم شریف استان بغلان، ایراد گردیده بود که در شماره ۱۳۸۲/۳/۲۸ خورشیدی هفته‌نامه مجاهد به نشر رسیده بود. «مرکز تدوین»



الْحَمْدُ لِلَّهِ وَكَفَى وَالسَّلَامُ عَلَى عِبَادِهِ الَّذِينَ اصْطَفَى وبعده:

در قدم نخست از استقبال گرم و پذیرایی صمیمانه شما مردم شریف اظهار امتنان می‌کنم، می‌خواهم این مطلب را خاطر نشان کنم که همه ما در جهت بازسازی کشور خود باید دست به دست هم دهیم و آن را آباد سازیم. اگر فداکاری شما مردم شریف در جهاد و مقاومت نمی‌بود. امروز شاهد امنیت در کشور نمی‌بودیم. دشمنان با تلاش‌های خونین همه چیز را می‌خواستند از افغانستان محو سازند، ما نباید خانواده شهدا را فراموش کنیم. این چنین امانت شهدا نباید به فراموشی سپرده شود. مسئولین باید در این مورد احساس مسئولیت بکنند. دشمنان وطن و مردم ما با ایجاد تفرقه میان پشتون و تاجیک، از بیک و هزاره بحران بزرگ بی‌اعتمادی را ایجاد کردند و از آن برضد ملت ما استفاده کردند؛ اما مردم افغانستان، ملت مجاهد و مسلمان ما، این حقیقت را درک کرده و در برابر دشمنان افغانستان، از استقلال و آزادی وطن‌شان؛ تا آخرین رمق حیات دفاع کردند.

امروز دیگر اجازه داده نشود که تحت هیچ عنوانی برخلاف ارزش‌های ملی و اسلامی ما عمل گردد. نظم و استحکام اداری نه تنها نیاز اداره دولتی می‌باشد؛ بلکه نیاز دینی و ملی ماست. تا زمانی که سلسله مراتب نباشد نظم به میان نمی‌آید. مصلحت ملی کشور ما بالاتر از همه چیز است. با گشایش دفتر جمعیت، یک گام مهم در این ولایت برداشته می‌شود. این دفتر تحت نام جمعیت است. جمعیت عضو خانواده جهاد و مقاومت است. آن روز دور نیست که کانون‌های سیاسی کشور به صورت کامل و متعهد یک دفتر و یک منشور داشته باشند. نسل جوان امروزی لوای پرشکوه

رسیدن به افغانستان سربلند و باعزت را حمل می‌کنند. آنان کوله‌بار عظیمی از دیروز و رسالت بزرگ امروز را به‌دوش دارند. حماسه‌های فرهنگی، علمی و خدمات اجتماعی در هر زمان ارزش خاصی دارد. دیروز حماسه بزرگ را به‌میان آوردیم. امروز باید متحد و یکپارچه کشور خود را آباد کنیم. ما برای وصل کردن آمدیم؛ نه برای فصل کردن.

الحمد لله امروز شاهد شکست همه توطیه‌های دشمنانیم. بازگشت امنیت و بازسازی کشور به همت والای شما ملت عظیم انجام می‌یابد. انسان از هر چه بیشتر خود را دوست دارد، عقیده و آرمان خود را دوست دارد. دورانی که با سلاح می‌جنگیدیم، گذشت. سلاح خود را باید در تشکیلات دولتی جمع کنیم؛ ولی هرگاه دست پلید در حریم کشور ما دراز شود، به آن اجازه مداخله نخواهیم داد. مزاج یک افغان، مزاج یک شاهین است. دنباله‌روی و غلامی را قبول ندارد.


ما نیاز به وحدت ملی داریم و چنان‌که بارها گفته‌ام: اساس وحدت ملی ما را اسلام تشکیل می‌دهد.

بخش پنجم

خطابه سال ۱۳۸۱ هـ ش، رهبر شهید پروفیسور برهان الدین ربانی



خطابهٔ یک صد و سی ام
به مناسبتِ نخستین سالروز انتقال قدرت
زمان: ۳ جدی ۱۳۸۱ هـ ش؛
مکان: تالار وزارت داخله، کابل، افغانستان.



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ * الْحَمْدُ لِلَّهِ وَكَفَى وَسَلَامٌ عَلَىٰ عِبَادِهِ الَّذِينَ
 اصْطَفَىٰ؛^۱ اما بعد:

با درود به روان همه قهرمانان عزیز، شهدای دوران جهاد و مقاومت و در
 رأس‌شان سپهسالار شهید مهندس احمدشاه مسعود و با تقدیر و ستایش
 از قهرمانی و فداکاری دلیر مردان و شیرزنان جهاد و مقاومت و با تشکر از
 برگزارکنندگان اجتماع امروزی‌مان.

برادر عزیز حامد کرزی رئیس دولت انتقالی اسلامی، معاونین و اعضای
 کابینه و مهمانان و فرماندهان عزیز جهاد و مقاومت و خواهران و برادران!
 السَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَعْدُ:

امروز در تاریخ حیات ملی و سیاسی مردم افغانستان، یکی از روزهای
 مهم و یکی از ارزش‌های تاریخ ملی و سیاسی جامعه ماست. آسمان نیلگون
 و پرستاره و قله‌های پرغرور و شامخ افغانستان در درازای تاریخ خود، شاهد
 حوادث تلخ و شیرینی بوده‌است. ملت ما در طول تاریخ پرحادثه خود با
 کشمکش‌های خونین، با تجاوزات و توطیه‌ها و مشکلات سختی پنجه نرم
 کرده‌است؛ اما در گذرگاه تاریخ همواره یک نقطه به‌عنوان شاخص مهم در
 حیات ملی مردم ما بوده‌است و آن اینکه این ملت در سخت‌ترین اوضاع
 توانسته‌اند از بحران‌ها عبور بکنند، مشکلات خود را در سخت‌ترین اوضاع،
 چه در سنگرهای گرم و خونین و چه در اوضاع سیاسی به‌صورت بسیار
 درست پشت سر گذارند و وارد مرحله جدیدی از زندگی پرافتخار سیاسی
 و ملی خود شوند. البته همه ما بیش از دو دهه شاهد کشمکش‌های خونین

۱. ستایش تنها از آن خداست و درود بر بندگان برگزیده او. «مرکز تدوین»

و مشکل آفرینی بودیم، تجاوز اتحاد شوروی سابق و بالاخره پیروزی ملت افغانستان در برابر تجاوز خشمگین و توطیه ننگین مداخلات خارجی، بعد از تشکیل دولت جهادی و مقاومت سرسختانه و بی دریغ ملت ما، در برابر تجاوز، همه این‌ها یک سلسله از کارنامه‌های ملت قهرمان و باشهامت ماست.

انتقال قدرت - که یک سال قبل از امروز صورت گرفت- ابتکار یک فرد و قربانی یک شخص نبود؛ بلکه ابتکار یک جریان عظیم و یک جریان پرافتخار جهاد و مقاومت بود که سربلند و فاتحانه در دور آزمون تاریخ به پیروزی رسید و برای اینکه به دنیا نشان بدهد که با همه غوغای بیهوده‌ای که علیه جهاد و مجاهدین و گروه‌های مؤمن و صادق این کشور به راه افتاده بود که این‌ها جنگ را به خاطر قدرت به راه انداخته‌اند و برای باطل ساختن این همه تبلیغات و هیاهوی دروغینی که به راه انداخته‌اند، زمانی که شرایط مساعد شد و زمانی که موانع از میان رفت و دیگر مشکلاتی که در دوران دولت جهادی وجود داشت، برداشته شد، باکمال میل و با خواست قلبی همه فرماندهان عزیز جهادی، رهبران دولت مجاهدین، همه حتی قبل از اینکه وارد کابل شوند، فیصله کرده بودند که ما آماده‌ایم، چنان‌که حماسه‌های دوران جهاد و مقاومت را ساختیم، حماسه سیاسی انتقال قدرت را نیز به صورت مسالمت‌آمیز به راه بیندازیم.

سرانجام همگام با تلاش‌های دلسوزانه‌ای جناب اخضر ابراهیمی^۱ - که با ما یکجا در اوضاع مختلفی حضور داشتند - در جلسه روم، در رأس هیئت

۱. اخضر ابراهیمی؛ متولد اول جنوری ۱۹۳۴م، در الجزایر است. او در دوران جنبش استقلال الجزایر (۱۹۵۶-۱۹۶۱م) عضو جبهه آزادی‌بخش ملی الجزایر بود و در سال‌های ۱۹۸۴-۱۹۹۱م، در اتحادیه عرب خدمت کرد. وی در سال‌های ۱۹۹۱ تا ۱۹۹۳ وزیر امور خارجه الجزایر بود. ابراهیمی پیش از آنکه در سال ۲۰۰۱م، از سوی کوفی عنان به‌عنوان نماینده ویژه سازمان ملل در امور افغانستان و عراق برگزیده شد و همین‌گونه به‌عنوان نماینده سازمان ملل در هائیتی و آفریقای جنوبی خدمت کرده‌است. او در الجزایر و فرانسه، حقوق و علوم سیاسی خوانده؛ ازدواج کرده‌است و صاحب سه فرزند است. اخضر ابراهیمی که در سال ۱۳۹۳ نماینده مشترک اتحادیه عرب و سازمان ملل در امور سوریه بود. نگاه: وبسایت همشهری آنلاین، زندگی‌نامه اخضر ابراهیمی؛ تاریخ نشر: جمعه ۲۰ اسد، ۱۳۹۱-۰۳: ۴۵: ۱۳، کود مطلب: ۱۸۰۵۴۱، ham- /ir/details//،

جبهه جهاد و مقاومت برادر عزیز محمدیونس قانونی قرار داشت، گام‌هایی در جهت به‌میان‌آمدن اوضاع مساعدی برای مشارکت ملی، برای ایجاد نظام و حکومتی به دور از تهدید توپ و تفنگ گام برداشته شد که در نتیجه امروز ما شاهد وضع نوین و حالت جدیدی در کشوریم.

در اینجا قسمی که برادر عزیز مارشال فهیم، به یک نقطه اشاره کرد، من هم آن را قابل یادآوری می‌دانم و آن اینکه انتقال قدرت به این معنا نیست که کسانی که دیروز مسئولیت‌های ملی داشتند، دیگر امروز به‌عنوان تماشاچی به همه جریان زندگی جامعه خود ببینند و همه مسئولیت‌ها را به‌دوش دولت و برادر دیگری بگذارند و شانه خود را خالی از مسئولیت‌ها بدانند، همه باید در برابر اوضاع کشور احساس مسئولیت بکنیم، همه باید در نظم و ثبات و امنیت کشور دست‌به‌دست هم‌دیگر بدهیم.

امنیت و ثبات سیاسی تنها مسئولیت رئیس دولت انتقالی و همکاران‌شان نیست؛ بلکه مسئولیت دینی و رسالت تاریخی فرد فرد ماست. انتقال قدرت به معنای برگشتن همه از جنگ به‌سوی یک تاریخ کاملاً جدا نیست، انتقال قدرت به این معنا نیست که دیروز و آرمان‌ها و اهداف آن را فراموش کنیم؛ بلکه تاریخ مجموعه‌ای از حوادث مسلسل‌ای است که یک مرحله آن بر مرحله دیگری پایه‌گذاری می‌شود. ما نمی‌توانیم آرمان شهدا را فراموش کنیم، ما نمی‌توانیم آرمان ملت خود را فراموش کنیم، ما نمی‌توانیم قربانی‌های مردم خود را نادیده بگیریم. جریان تاریخ حرکت متداومی است که با آن از مرحله‌ای وارد مرحله بعدی می‌شویم.

امروز ما محصول کار دیروز است. البته پایه‌های قدرت به‌عنوان پایه‌های مستحکم، تصمیم‌های ملی و سرنوشت‌ساز برای جامعه ما می‌باشد؛ اما اشتباهات دیروز نباید بار دیگر تکرار شود. البته در گذشته‌ها مجاهدین و جبهه جهاد و مقاومت کارنامه‌های بسیار مهمی داشتند؛ اما اشتباهاتی هم داشتند. به اشتباهات خود باید صادقانه و دلیرانه اعتراف بکنند، اگر به اشتباه اعتراف نکنیم، هیچ وقت کار درستی را نمی‌توانیم سازماندهی بکنیم؛ اما ناگفته نباید گذاشت که به یقین موج توطیه‌ها و مداخلات بی‌رحمانه‌ای که

از دور و نزدیک متوجه این ملتّ مظلوم بود مجال نداد، تا فرزندان این کشور نفس آرام بکشند و قامت خود را راست بسازند.

باز هم به حرف‌های برادر مارشال فهیم اشاره می‌کنم که در اوضاع امروزی استحکام دولت مرکزی، نکتهٔ اساسی و مهمی است. در گذشته‌ها به اصطلاح ولایت‌سالارها بود، هر ولایت برای خود سرداری به صورت مستقل ساخته بودند که ضربت سنگین بر پیکر جهاد و مجاهدین وارد کرد. امروز نباید هرکسی تنها و به دور از دولت مرکزی، مستقلانه کاری انجام بدهد؛ چون چنین کاری به نفع هیچ‌کس نیست و من از روزهای اول با برادر کرزی هم مشوره‌هایی در این باره داشتم که به هر قیمتی که می‌شود باید دولت مرکزی را با استخدام عناصر قدرتمند ایالتی و محلی قوی و قدرتمند ساخت. دولت مرکزی از یک شخص نیست، از یک مجموعه نیست؛ آرزوی ملی ما و آبروی تاریخی ما از طریق دولت منعکس می‌شود.

هرچه در توان ماست، به‌عنوان یک مسئولیت دینی و رسالت تاریخی و ملی خود در استحکام آن باید بکوشیم و در غیر آن خدای ناخواسته، شاهد یک دور و تسلسل باطلی خواهیم بود. یک‌بار ناامنی و دیگر بار ناامنی و تمام عذاب این بدامنی‌ها را ملتّ مظلوم و قهرمان ما به جان و روان خود خواهند کشید. این ملتّ عظیم چه جفایی را ندیده‌اند، نباید بیش از این اجازه داد که باردیگر دستخوش جنگ و ناامنی گردند.

من به ارتباط شخص خود برای برادر کرزی رئیس دولت انتقالی اطمینان می‌دهم که در باره استحکام امنیّت و ثبات سیاسی و وحدت ملی و حفظ استقلال و تمامیت ارضی و حاکمیت ملی افغانستان، هرچه در توان دارم، با دولت همکاری خواهم کرد.

مطلب دیگری را که می‌خواهم به آن اشاره بکنم و آن اینکه جامعهٔ بین‌المللی در دو مرحله‌ای از حیات ملی ما متوجه کشور ما شده‌است. اکنون مرحلهٔ دوم آن است. در مرحلهٔ اول بعد از حادثهٔ تجاوز اتحاد شوروی در ۲۷ دسامبر سال ۱۹۷۹م، بود که توجه همه دنیا به افغانستان معطوف شد. جامعهٔ بین‌المللی برای ملت افغانستان که تصمیم داشتند کشور خود را از اشغال

اجنبی آزاد بسازند، توانمندی بخشید و آنان را در به دست آوردن پیروزی یاری بخشید و تلاش‌شان به موفقیت منتج شد؛ اما از بی میلی و از اینکه ملل جهان، افغانستان را پس از پیروزی فراموش کردند، باید شکایت کرد. دیدیم زمانی که خطر کمونیزم^۱ و تجاوز شوروی از میان رفت، توجه بین‌المللی هم از میان رفت و زبان مطبوعات تغییر یافت. در روزهایی که در دوران جهاد، در جنگ با اتحاد شوروی فاتح بودیم به نام هیرو^۲ یاد می‌شدیم؛ اما بعدها به نام ریسل^۳ و به نام یاغی‌ها در مطبوعات بین‌المللی از ما نام بردند. در آن دوران، مجاهدین به نام مسلمانان درست و معتدل یاد می‌شدیم که اصلاً اسلام جز راه اعتدال راه دیگری ندارد و من این موضوع را به همه برادران و خواهران تأکید می‌کنم، اسلام واقعی؛ یعنی راه معتدل. خداوند^۱ می‌فرماید:

﴿وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَيَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا...﴾^۲

۱. کمونیزم؛ این اصطلاح از ریشه لاتینی «کمونیس» به معنای اشتراکی گرفته شده است. اصطلاح کومون یا جامعه اشتراکی نخستین بار در فرانسه، در سال ۱۸۳۹م، به کار رفت. به قول طرفداران این اصطلاح، گویی این نظام بدون طبقه است. کمونیزم شخصیت انسان را تابع اقتصاد و در چوکات محدودیت‌ها و قیودات خفقان‌آور اجتماعی محبوس می‌کند. همچنان کمونیزم به انسان، حقوق و آزادی‌هایش، از دریچه چشم اقتصاد نگریسته، «مالکیت اشتراکی» را نخستین پایه مستحکم نظام خود قرار داده، آزادی‌هایی را که حق طبیعی انسان‌هاست محدود و فشرده می‌سازد. خوش‌بینانه‌ترین قضاوت در مورد منطق کمونیزم این باشد که گرایش به این مکتب، به معنای تباهی گوهر انسانیت، اغفال و اغراء انسان از توجه به کنه حالت خودش، خودفراموشی و پایمال کردن شخصیت انسان در حد کالای کم از بازار است و - نیز - به معنای تنزل ارزش خون و آبروی آدمیت است. نگاه: دانشنامه سیاسی، ص: ۲۶۱ - ۲۶۳ و مقاله «ارزش خون در کمونیزم و اسلام»، شهید محمدکاظم شارق، میثاق خون، ص: ۴۴، شماره سیزدهم، سال ۱۳۶۰ هـ ش. «مرکز تدوین»

۲. Hero به معنای مبارز و قهرمان است. «مرکز تدوین»

۳. Rebel به معنای شورشگر و سرکش آمده است. «مرکز تدوین»

۴. بقره / ۱۴۳. ﴿وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَيَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا وَمَا جَعَلْنَا الْقِبْلَةَ الَّتِي كُنْتَ عَلَيْهَا إِلَّا لِنَعْلَمَ مَنْ يَتَّبِعَ الرَّسُولَ مِمَّنْ يَنْقَلِبُ عَلَى عَقْبَيْهِ وَإِنْ كَانَتْ لَكَبِيرَةً إِلَّا عَلَى الَّذِينَ هَدَى اللَّهُ وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُضِيعَ إِيمَانَكُمْ إِنَّ اللَّهَ بِالنَّاسِ لَرُؤُوفٌ رَحِيمٌ﴾^۱ (و بی گمان شما را ملت میانه‌روی کرده‌ایم؛ تا گواهی‌ها بر مردم باشی و پیغمبر [نیز] بر شما گواه باشد و ما قبله‌ای را که بر آن بوده‌ای، قبله نکرده بودیم؛ مگر اینکه بدانیم چه کسی از پیغمبر پیروی می‌کند و چه کسی بر پاشنه‌های خود می‌چرخد و اگر چه [تغییر قبله برای کسی که الفت گرفته است، بدان رو کند] بس بزرگ و دشوار است؛ مگر بر کسانی که الله ایشان را رهنمون کرده باشد و الله ایمان (نماز) شما را ضایع نمی‌گرداند، بی گمان الله نسبت به مردم بس رؤوف و مهربان است.) «مرکز تدوین»

خداوند^۱ می‌گوید که شما امت وسط‌اید، در میان افراط و تفریط قرار دارید؛ اما متأسفانه، وقتی که توجّه جامعه بین‌المللی از ما برگشت، چنان‌که گفتم. قهرمانان و هیروها به ریل‌ها تبدیل شدند، مسلمانان بسیار منطقی و معقول ناگهان - حتی به‌شمول جنرال دوستم که با ما بود - فندمنتلیست و بنیادگرا شدند. امروز که یک‌بار دیگر وضع جدیدی به میان آمده‌است باید از توجّه فعلی جامعه بین‌المللی استفاده بکنیم. امروز مشاهده می‌کنیم در مبارزه بر ضد تروریسم جامعه جهانی با ما همکاری کرد. اگرچه این حقیقت را باید تأکید بکنیم و این امتیاز را باید جامعه جهانی برای ما بدهد که اساس شکست طالبان به همت آن فرزندان همیشه‌درسنگر مقاومت بود؛ اما همکاری جامعه بین‌المللی به رهبری ایالات متحده آمریکا یقیناً به تغییر اوضاع و شکست طالبان تأثیر داشت. قسمی که گفتیم، دیروز جامعه بین‌المللی به ما توجّه داشتند، همه چیز ما پیش‌شان خوش‌آیند بود، پکول مجاهدین به‌عنوان یک افتخار در بسیاری از کشورهای غربی از سوی احزاب سیاسی، یاد می‌شد، چنان‌که در کشورهای اسلامی به‌عنوان رمز تقوی شناخته می‌شد و بسیاری از مردم به ریش و پکول احترام می‌گذاشتند؛ اما زمانی که توجّه بین‌المللی برگشت، جنگ علیه ریش و پکول شروع شد، نه‌تنها این جنگ در ساحه بیرون از مجاهدین که برخی از مجاهدین هم در این جنگ شرکت یافتند. جامعه جهانی به قیافه‌های ظاهری ما نباید ببیند. می‌بینید ما چقدر به نفع کشور خود و به نفع مردم خود در تأمین امنیت و در بازسازی و در کارهای سازنده و صلح جهانی تلاش می‌کنیم و چه طرح‌های اساسی و درست در این راستا داریم. چه عبا و قبایی داشته باشیم و از هر فیشن و لباس بسیار مدرنی که استفاده کنیم، هیچ تفاوتی نمی‌کند؛ زیرا از غارت‌گری و از بدامنی و از ایجاد فساد و بدبختی، هم جامعه جهانی و هم ملت ما بیزار است.

امروز که بار دیگر توجّه جامعه جهانی به افغانستان معطوف شده‌است. باید از این حضور استفاده درست صورت بگیرد.

به همه حال؛ آیا این دست‌های ناپاکی که دست به انفجار می‌زنند واقعاً

عناصر مسلمان‌اند؟ آیا دین درس وحشت‌افگنی می‌دهد؟ این عناصر قبل از اینکه علیه چیز دیگری جنگ کنند، علیه خود دین می‌جنگند، نتایج جهل‌شان متوجه اسلام است. این عناصر باید بفهمند که از این کارهای ناروای‌شان خداوند ' و پیغمبر Y و اسلام و مسلمانان و جامعه انسانی بیزار است. نباید بعد از این، تحت هیچ نام و عنوانی اجازه داد که در کشورمان دهشت‌افگنی صورت بگیرد. امروز که بار دیگر دنیا متوجه افغانستان شده‌است، حتی لباس‌های ما، چین آقای کرزی - چین کشالی که ماوشما را به آن مسخره می‌کردند - به‌عنوان لباس مُد سال و به‌عنوان بهترین لباس در جهان شناخته می‌شود، چرا از این اوضاع بین‌المللی استفاده نکنیم؟ باز ذهنیت دنیا متوجه ملت افغانستان است، بار دیگر دنیا را علیه کشور ما تحریک کردند و باز پاسپورت افغانستان را همانند دوران طالبان به‌عنوان نشانه‌ای از تروریسم معرفی کردند، که کار خردمندانه‌ای نیست. بلی؛ بار دیگر اجازه ندهیم، مردم افغانستان و اسلام که دشمنان تروریسم‌اند، به تروریست بودن متهم شوند. به یاد داشته باشیم که در دوران مبارزه با اتحاد شوروی، یک حادثه تروریستی هم از سوی مجاهدین، علیه اتحاد شوروی صورت نگرفت. بعد از آن، باز در پیشاپیش مبارزه با تروریسم که قرار گرفت؟ باز هم همین جبهه جهاد و مقاومت و مردم افغانستان بودند که در بدترین اوضاع و احوال از مبارزه برضد تروریسم و طالبان دست نکشیدند، حتی تا کوه‌های پامیر هم ما را تعقیب کردند و ما دست از مبارزه بر نداشتیم.

لذا این موضوع را باید بدانیم و دنیا هم می‌داند که دهشت‌افگنی و تروریسم با دین هیچ ارتباطی ندارد؛ بلکه تروریسم و دهشت‌افگنی با اسلام «ضدان لایجتماعان» اند؛ یعنی دو نقیضی‌اند که هیچ‌وقت با هم جمع نمی‌شوند. باید بفهمیم که دین گهواره تمدن است. بزرگ‌ترین شهکارها در تاریخ تمدن جهانی در حوزه‌های تدین سراغ می‌شود. کسانی که به نام دین با تمدن مخالفت می‌کنند، آنان اصلاً یا جاهل‌اند و یا عناصر منحرف. همه دین، عدالت و مبارزه برضد جهل و دهشت‌افگنی و بی‌منطقی است. بزرگ‌ترین پیام دین، پیام علم و پیام تعقل و پیام تمدن و پیام یک زندگی انسانی

و احترام به کرامت و ارزش‌های انسانی است. من در اینجا از تمام کشورهای که فرزندان جوان خود را در برنامه نیروهای حافظ صلح بین‌المللی آیساف به کشور ما فرستاده‌اند و آنان در تأمین امنیت شهر کابل و جاهای دیگری مشغول‌اند به نیکویی و قدردانی یاد می‌کنم.

بلی؛ از همه آنها ما باید به قدردانی یاد بکنیم؛ نه اینکه علیه آنان سلاح برداشته شود و حیات‌شان مورد تهدید قرار گیرد.

من یقین دارم که نیروهای آیساف در تأمین امنیت نقش مؤثری داشتند و اگر آنان نمی‌بودند شما می‌دیدید که چه محشری برپا می‌شد. به این اساس، من یقین دارم که وجود آنها در امنیت و ثبات تأثیر بسیار عمده‌ای داشته‌است.

اگرچه دوستان افغانستان این مسئولیت را به دوش گرفتند؛ اما من به این عقیده‌ام که فرد فرد افغانستان، همه ما متوجه باشیم و در استحکام امنیت به‌عنوان یک مسئولیت بس مقدس بکوشیم؛ تا دیگر هیچ بدامنی‌ای در کشور بروز نکند. من هم آواز خود را با پیام برادر مارشال فهیم ضم می‌کنم و از همه کسانی که امروز در جبهه مخالف دولت انتقالی اسلامی‌اند و از همه آنانی که معتقد به دین خوددند و احساس مسئولیت انسانی و ملی و تاریخی می‌کنند، می‌خواهیم به‌جای جنگ، دست دوستی و دست برادری را دراز کنند. بیایید در جهت ساختن افغانستان سربلند و قدرتمند، آزاد و مستقل دست‌به‌دست همدیگر بدهیم و بعد از این اجازه ندهیم خانواده‌های مظلومان، در سوگ و رنج و عذاب نبود فرزندان و احباب و اقارب‌شان - در پهلوی رنج‌های دیگرشان- به‌سر برند.

روز یک‌شنبه کنفرانسی در شهر کابل به اشتراک کشورهای همسایه دایر شد و قرارداد حسن همجواری به امضا رسید که به‌نام «اعلامیه کابل» مستمی گردید. این یک گام مثبتی بود. همکاری‌های متقابل کشورها نه تنها به نفع مردم افغانستان که به نفع همه است.

به این ارتباط چند مطلب را می‌خواهم بازگو بکنم:
همه کشورهای دور و نزدیکی که به فکر تأمین منافع خود در

افغانستان‌اند، منافع ملی ما را نباید فراموش بکنند؛ یعنی منافع خود را در از بین بردن منافع ملت افغانستان جست‌وجو نکنند. همه کشورها به آزادی و استقلال و حاکمیت ملی و فرهنگ و تاریخ و ارزش‌های دینی ملت ما احترام بگذارند و بهترین وسیله و بهترین راه برای استحکام منافع آنان در افغانستان، احترام به منافع افغانستان و به ارزش‌های افغانستان است.

هیچ کشوری در افغانستان به فکر سرمایه‌گذاری‌های فردی یا به اصطلاح سربازگیری و اجیرسازی نشود؛ زیرا افغان‌ها دوست خوب‌اند و اما مزدور بودن را قبول ندارند. ماوشما در دوران سی‌سال و بیش از آن داستان مزدورگیری‌ها را شاهد بودیم، کشورهایی که مزدور گرفتند چه کاری کردند؟ یک‌بار دیگر از تمام کشورهای دوست چه دور و چه نزدیک عمیقاً تقاضا می‌کنیم که دست دوستی به ملت افغانستان دراز کنند؛ زیرا مردم افغانستان هیچ وقت پاس دوستی را فراموش نمی‌کنند و در بدترین اوضاع از دوستان‌شان نمی‌گذرند. به گونه‌ی مثال: بعد از جنگ دوم جهانی پشامد مردم افغانستان در برابر آلمان‌هایی که در اینجا بودند، بیانگر این حقیقت است. مردم افغانستان همه مشکلات را قبول کردند، آلمان‌هایی که به‌عنوان دوست در اینجا بودند، با وجود سخت‌ترین فشارها حاضر نشدند که در مورد حیات و زندگی آن‌ها معامله‌ای را انجام بدهند؛ لهذا امیدوارم تمام کشورها از این به بعد، با افغانستان به‌عنوان یک کشور آزاد و مستقل و مسلمان دست دوستی بدهند که می‌خواهیم دوست باشیم، همکار باشیم و برای صلح و ثبات بین‌المللی و منطقه‌ای همه با هم همکاری بکنیم.

امیدواریم اجلاس کابل یک گامی در این جهت باشد و چنین نشست‌های پرتثیری را بیشتر شاهد باشیم.

یک مطلب دیگر را اگرچه قبلاً هم به آن اشاره کردم، باز تکرار می‌کنم و آن اینکه چرا مطبوعات بین‌المللی وقتی حرفی از تروریزم می‌زند، برخی‌ها خواسته و ناخواسته آن را به اسلام پیوند می‌دهند؟ من چند مطلب را برای‌تان در این مورد می‌گویم: شما کسانی را که به نام رهبران القاعده مشهورند. آنان را بشناسید، نه فارغ‌التحصیل از هنرند و نه قُم و نجف و نه از دیوبند. اسامه

یک مهندس است و معاون او دکتر ایمن الظواهری یک طیب است. هیچ کدامشان در هیچ دانشگاه و مدرسه اسلامی محصل نبودند و قسمی که در مطبوعات منتشر شده بود، طوری انگلیسی حرف می‌زدند که گویا از نژاد انگلوساکسن بوده باشند. آنان در مراکز تحصیلی و آموزشی غرب آموزش دیده بودند؛ لذا تروریزم منابع و منشأهای دیگر دارد. تروریستان به عرب‌های مسلمان ارتباطی ندارند. متأسفانه ملت مسلمان عرب و مسلمانان را در مجموع تروریست قلمداد می‌کنند، ملت عرب چه مسلمان و چه مسیحی و به هر دینی که هستند از تروریزم بیزارند.

یک مطلب دیگری را که می‌خواهم بگویم، آن اینکه از چندی به این سو شاهد یک سلسله حوادث ایم که به آن اصطلاح جنگ پکول و نکتایی را به کار می‌برند. در میان دوستانی که از خارج آمدند و برادران مجاهدشان که در داخل بودند، بگومگوهای بسیار در جریان است، سعدی^۱ چه حرف شایسته‌ای می‌گوید:

جنگ خوارزم و ختا همه از بین رفت و آنان با هم صلح کردند؛ اما کشمکش و خصومت عمرو و زید (ضرب زید عمرواً) هنوز هم باقی است.^۲

۱. ابو عبد الله مشرف ابن مصلح، مشهور به شیخ سعدی یا شیخ شیراز؛ شاعر و نویسنده که به «أَفْصَحُ الْمُتَكَلِّمِينَ» معروف شده است. در باب نام و نام پدر و همچنین در باب تاریخ ولادت سعدی، اختلاف بسیار است؛ چنان‌که نام او و پدرش را گونه‌گون نوشته‌اند و ولادتش را از ۵۷۱ تا ۶۰۶ هـ.ق، احتمال داده‌اند، همچنین در تاریخ وفاتش، سال ۶۹۰ و ۶۹۵ هـ.ق، نیز ذکر شده است. در کودکی از پدر یتیم ماند، خانواده و قبیله او غالباً عالمان دین بودند، آثار سعدی متنوع و بسیار است و تمام آن‌ها تحت عنوان «کلیات سعدی» جمع و تدوین شده است. نگاه: بوستان سعدی، ص: ۵-۸. «مرکز تدوین»

۲. حکایت چنین است: «سالی محمد خوارزمشاه -رحمة الله علیه- با ختا برای مصلحتی صلح اختیار کرد. به جامع کاشغر در آمد، پسر دیدم نحوی، بغایت اعتدال و نهایت جمال، چنان‌که در امثال او گویند:

معلّم همه شوخی و دلبری آموخت * * جفا و ناز و عتاب و ستمگری آموخت

من آدمی به چنین شکل و خوی و قد و روش * * ندیده‌ام مگر این شیوه از پری آموخت
مقدمه نحو زمخسری در دست داشت و همی خواند: ضرب زید عمرواً و کان المتعدی عمرواً.
گفتم: ای پسر خوارزم و ختا صلح کردند و زید و عمر را همچنان خصومت باقی است؟ بخندید و مولدم پرسید. گفتم: خاک شیراز. گفت: از سخنان سعدی چه داری؟ گفتم:

بَلَيْتَ بِنَحْوِي يَصُولُ مَغَاضِبًا * * عَلَيَّ كَرِيْدٌ فِي مُقَابَلَةِ الْعَمْرُو

عَلَى جَزْ دَيْلٍ لَيْسَ يَرْفَعُ رَأْسَهُ * * وَهَلْ يَسْتَقِيمُ الرَّفْعُ مِنْ عَامِلِ الْجَرِّ

همه کشمکش‌ها حل می‌شود؛ اما کشمکش دریشی پوش افغانی با پکول پوش افغانی تازه آغاز شده است.

من از همه برادران چه برادران مجاهدان و چه دوستانی که در کشورهای مختلف بودند و تازه به کشور آمده‌اند، تقاضا دارم که بیایند و بعد از این، روی هیچ سلیقه‌ای هیچ جنگ و کشمکشی را آغاز نکنند، نه به نام مجاهد و غیر مجاهد و نه به نام شمال و جنوب و نه به نام گروه‌های مدرن و غیر مدرن. چه بسا آنانی که با لباس‌های عتیقه فکر بلند دارند و چه شیک‌پوشانی که فکر کهنه دارند.

من به این عقیده‌ام که از این به بعد به تمام کشمکش‌ها خاتمه بدهیم، برادروار دست‌به‌دست همدیگر بدهیم در جهت وحدت ملی با هم یکجا کار بکنیم. تمام احزاب سیاسی، شمال و جنوب افغانستان، همه باید دست‌به‌دست همدیگر بدهیم و کشور خود را بسازیم.

یک مطلب دیگری را هم که قابل اشاره می‌دانم، آن اینکه برخی از برادران مجاهدان وقتی دیدند تغییراتی با آمدن تعدادی از دوستان بیرونی مان به میان آمده است، به خاطری که نظر آن‌ها را جلب کنند، دفعتاً با بسیار افراطی‌گری مشغول فیشن شدند و شروع کردند برضد پکول و ریش.

لختی به اندیشه فرو رفت و گفت: غالب اشعار او در این زمین به زبان پارسی است، اگر بگویی به فهم نزدیکتر باشد. کَلِمَ النَّاسِ عَلَى قَدْرِ عَقُولِهِمْ! گفتم:

طبع تو را تا هوس نحو کرد * * * صورتِ صبر از دل ما محو کرد

ای دل عشاق به دام تو صید * * * ما به تو مشغول و تو با عمرو و زید!

بامدادان که عزم سفر مصمم شد، گفته بودندش که فلان سعدی است! دوان آمد و تلطف کرد و تأسف خورد که چندین مدت چرا نگفتی که منم، تا شکر قدوم بزرگان را میان به خدمت بیستمی؟ گفتم: با وجودت ز من آواز نیاید که منم. گفتا: چه شود گر در این خطه چندی بر آسایی تا به خدمت مستفیذ گردیم! گفتم: نتوانم، به حکم این حکایت:

بزرگی دیدم اندر کوهساری * * * قناعت کرده از دنیا به غاری

چرا گفتم به شهر اندر نیایی * * * که باری بندی از دل برگشایی

بگفت آنجا پریرویان نغزند * * * چو گُل بسیار شد پیلان بلغزند

این بگفتم و بوسه بر سر و روی یکدیگر دادیم و وداع کردیم.

بوسه دادن به روی دوست چه سود * * * هم در این لحظه کردنش بدروز

سیب گویی وداع بستان کرد * * * روی از این نیمه سرخ و زان سوززد

إن لم امت یوم الوداع تأسفاً * * * لا تحسبونی فی المودّة منصفاً.

نگاه: گلستان سعدی، باب پنجم، در عشق و جوانی حکایت ۱۷. «مرکز تدوین»

باید بدانیم، عَظْمَتِ تَمَدَّنِ غرب در نوع لباس نیست. عَظْمَتِ تَمَدَّنِ غرب در سالن‌های آرایش نه؛ بلکه در لابراتوارها و شخصیت‌های فکری و علمی و طرفداری از آزادی و حق و عدالت و دموکراسی واقعی و در توسعه اقتصادی و ملی بوده است. تَمَدَّنِ غرب را نباید در جوانان ژینگولو^۱ و هیرئیونی جست‌وجو کرد.

چنان‌که گفتم عَظْمَتِ تَمَدَّنِ غرب از لابراتوارها و از دانشمندان بزرگ و سیاست‌مداران بسیار واقع‌بین و از نظام‌هایی که واقعاً در تأمین حق و عدالت و آزادی می‌کوشند، ناشی شده است. عَظْمَتِ تَمَدَّنِ غرب از این‌جا ناشی می‌شود که جزئی‌ترین اشتباهی که از آقای نیکسون^۲ سرزد فوراً برایش اخطار داده شد که از ریاست جمهوری استعفا کند. ما زمانی که از دیگران تقلید می‌کنیم، باید از کارهای خوب‌شان تقلید کنیم؛ اما متأسفانه برخی عناصر که اصلاً نه اسلام را می‌فهمند و نه به دانش علاقه‌ای دارند، جنگ میان فرهنگ‌ها و جنگ میان شرق و غرب را به‌عنوان اساس فرهنگ زندگی خود می‌دانند که این بینش به نفع هیچ‌کس نیست.

خداوند^۱ در کشور عزیزمان صلح و امنیت را مستقر بسازد و برای همه ما توفیق عنایت بفرماید؛ تا همه با هم برادروار در ساختن افغانستان واحد، افغانستان قدرتمند، افغانستان با صلح و امنیت، همه خواهران و همه برادران ما دست‌به‌دست هم‌دیگر بدهند.

أَقُولُ قَوْلِي هَذَا، وَأَسْتَغْفِرُ اللَّهَ لِي وَلَكُمْ^۳ وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَ

برکاته.

۱. ژینگولو؛ واژه فرانسوی است، به جوانی اطلاق می‌شود که به ظاهر خود زیاد می‌رسد و اهل خوشگذرانی می‌باشد. شماری کلمه «فَرْتَكِي» را بدیل آن دانسته‌اند. «مرکز تدوین»
 ۲. ریچارد میلهاوس نیکسون (Richard Milhous Nixon)؛ در ۹ جنوری ۱۹۱۳ م، در کالفورنیا به دنیا آمد و در ۲۲ اپریل ۱۹۹۴ م، در نیویارک به‌عمر ۸۱ سالگی درگذشت. سیاست‌مدار و سی‌وهفتمین رئیس‌جمهور ایالات متحده آمریکا بود که این سمت را از سال ۱۹۶۹ الی ۱۹۷۴ م، به‌عهده داشت. «مرکز تدوین»
 ۳. گذشت.

نمایه



آیات:

﴿..أَتَذَرُ مُوسَى وَقَوْمَهُ لِيُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ..﴾ ۶۳

﴿..إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ﴾ ۱۰۱

﴿..إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ..﴾ ۷۹

﴿..كَانَتْ آمِنَةً مُطْمَئِنَّةً يَأْتِيهَا رِزْقُهَا رَغَدًا مِنْ كُلِّ مَكَانٍ فَكَفَرَتْ بِأَنْعُمِ اللَّهِ..﴾ ۶۶

﴿..هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ..﴾ ۷۹

﴿..وَإِنْ اسْتَنْصَرُوكُمْ فِي الدِّينِ فَعَلَيْكُمْ النَّصْرُ..﴾ ۳۴

﴿الَّذِينَ إِنْ مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَآمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ

وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَلِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ﴾ ۱۳۸

﴿شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَالْمَلَائِكَةُ وَأُولُو الْعِلْمِ قَائِمًا بِالْقِسْطِ..﴾ ۷۹

﴿فَاسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ..﴾ ۲۶

﴿كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ وَإِنَّمَا تُوَفَّقُونَ أُجُورَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَمَنْ زُحْزِحَ عَنِ

النَّارِ وَأُدْخِلَ الْجَنَّةَ فَقَدْ فَازَ وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَمَتَاعٌ الْعُرُورِ﴾ ۹۹

﴿لَا خَيْرَ فِي كَثِيرٍ مِّنْ نُّجُوهُمْ إِلَّا مَنْ أَمَرَ بِصَدَقَةٍ أَوْ مَعْرُوفٍ أَوْ إِصْلَاحٍ بَيْنَ

النَّاسِ..﴾ ۴۷

﴿لَا يَكْلَفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا..﴾ ۳۴

﴿لُعِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ عَلَى لِسَانِ دَاوُودَ وَعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ ذَلِكَ

بِمَا عَصَوْا وَكَانُوا يَعْتَدُونَ * كَانُوا لَا يَتَنَاهَوْنَ عَنِ مُنْكَرٍ فَعَلُوهُ لَبِئْسَ مَا كَانُوا

يَفْعَلُونَ﴾ ۵۵

﴿لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُو اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ

وَذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا﴾ ۱۴۰

﴿لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُو اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ

وَذَكَرَ اللَّهُ كَثِيرًا * وَمَا رَأَى الْمُؤْمِنُونَ الْأَحْزَابَ قَالُوا هَذَا مَا وَعَدَنَا اللَّهُ وَرَسُولُهُ
وَصَدَقَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ ٦١

﴿مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رَجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَن قَضَىٰ نَحْبَهُ
وَمِنْهُمْ مَن يَنْتَظِرُ وَمَا بَدَّلُوا تَبْدِيلًا﴾ ٦٢

﴿وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ لِأَبِيهِ وَقَوْمِهِ إِنَّنِي بَرَاءٌ مِّمَّا تَعْبُدُونَ﴾ ١١٦
﴿وَالْجِبَالِ أَوَّادًا﴾ ١٤١

﴿وَإِن طَائِفَتَانِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ اقْتَتَلُوا فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُمَا﴾ ٦٦
﴿وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا قُرْبَىٰ كَانَتْ آمِنَةً مُّطْمَئِنَّةً يَأْتِيهَا رِزْقُهَا رَغَدًا مِّن كُلِّ مَكَانٍ
فَكَفَرَتْ بِأَنْعَمِ اللَّهِ فَأَذَاقَهَا اللَّهُ لِبَاسَ الْجُوعِ وَالْخَوْفِ بِمَا كَانُوا يَصْنَعُونَ﴾

٤٧، ٦٦

﴿وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَيَكُونَ الرَّسُولُ
عَلَيْكُمْ شَهِيدًا﴾ ١٨٩

﴿وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ﴾ ١٣٥

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ﴾ ١٠٥
﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِن قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ
تَتَّقُونَ﴾ ٤٦

﴿يُمْنُونَ عَلَيْكَ أَن أَسْلَمُوا قُل لَّا تَمُنُّوا عَلَيَّ إِسْلَامَكُم بَلِ اللَّهُ يَمُنُّ عَلَيْكُمْ أَن
هَدَاكُمْ لِلْإِيمَانِ﴾ ١٤٢

احادیث:

﴿إِنَّ مِنَ الْبَيَانِ لَسِحْرًا﴾ ۹۱

﴿أَيُّهَا النَّاسُ لَقَدْ أَظْلَكُمُ شَهْرٌ عَظِيمٌ، شَهْرٌ مَبَارَكٌ، شَهْرٌ جَعَلَ اللَّهُ قِيَامَهُ

فَرِيضَةً، صِيَامَهُ فَرِيضَةً وَ قِيَامَهُ تَطَوُّعًا﴾ ۴۶

﴿خَيْرُكُمْ مَنْ تَعَلَّمَ الْقُرْآنَ وَعَلَّمَهُ﴾ ۲۴

﴿فَأَقْتُوا بِغَيْرِ عِلْمٍ فَضَلُّوا وَأَضَلُّوا﴾ ۳۲

﴿لَا تَجْتَمِعُ أُمَّتِي عَلَى ضَلَالَةٍ﴾ ۳۳

﴿مَا اجْتَمَعَ قَوْمٌ فِي بَيْتٍ مِنْ بُيُوتِ اللَّهِ يَتْلُونَ كِتَابَ اللَّهِ وَيَتَدَارَسُونَهُ بَيْنَهُمْ إِلَّا نَزَلَتْ عَلَيْهِمُ السَّكِينَةُ وَغَشِيَتْهُمْ الرَّحْمَةُ وَحَفَّتْهُمُ الْمَلَائِكَةُ وَذَكَرَهُمُ اللَّهُ فِيمَنْ

عِنْدَهُ﴾ ۲۵

﴿مَنْ صَامَ رَمَضَانَ إِيمَانًا وَاجْتِسَابًا غُفِرَ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ﴾ ۴۶

﴿مَنْ كَتَمَ عِلْمًا مِمَّا عَلَّمَهُ اللَّهُ، الْجَمْعُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ بِلِجَامٍ مِنَ النَّارِ﴾ ۵۵

﴿مَنْ يَقْرَأُ الْقُرْآنَ وَهُوَ مَاهِرٌ بِهِ مَعَ السَّفَرَةِ الْكِرَامِ الْبَرَّةِ﴾ ۲۵

﴿وَإِنَّ الْأَنْبِيَاءَ لَمْ يُوْرَثُوا دِرْهَمًا وَلَا دِينَارًا وَلَكِنْ وَرَثُوا الْعِلْمَ..﴾ ۵۷

﴿وَمَنْ يَقْرَأَ الْقُرْآنَ وَ يَتَتَعْتَعُ فِيهِ فَلَهُ اجْرَانٌ﴾ ۲۵

سخنان بزرگان:

﴿لَنْ يُصْلِحَ آخِرَ هَذِهِ الْأُمَّةِ إِلَّا مَا أَصْلَحَ أَوْلَهَا﴾ ۱۴۰

﴿مالا يدرك كله لا يترك كله﴾ ۳۱

﴿مالا يوصل الواجب الا به فهو واجب﴾ ۳۱

﴿مالا يوصل الى الواجب الا به فهو واجب﴾ ۳۴

اشعار:

د افغان په ننگ می وترله توره
ننگیالی د زمانی خوشحال ختک یم ۱۶۷
گر بینی که نابیناه و چاه است
اگر خاموش بنشیني گناه است ۳۳

اسما و اشخاص:

- ابراهیم جلیدان ۹۹،۱۰۱
احمدشاه مسعود ۶۹،۷۲،۱۰۵،۱۰۷،۱۱۳،۱۸۵
احمدولی کرزی ۵۳
اخضر ابراهیمی ۱۸۶
ارسطو ۱۷۲
اسامه ۱۹۳
استاد خلیلی ۶۷
استاد سیاف ۶۷،۱۰۷
افلاطون ۱۷۲
آقای هادی ۷۷
امام اعظم ۷۱
امام مالک ۱۴۰
امیراسماعیل خان ۱۷۱
ایمن الظواهری ۱۹۴
ایوب ۸۶
بوعلی سینا ۱۱۴
تقی‌الدین نیهانی ۲۹،۳۰،۳۵
جنرال داود ۵۳
جنرال مک کرستال ۱۲۹

چنگیز ۱۱۶
حامد کرزی ۱۱۸، ۱۸۵
حبیب اللہ ۶۴
حضرت ابراہیم ۱۱۶
حضرت داود ۵۵
حضرت عیسیٰ ۵۵
حضرت موسیٰ ۶۳
حکمتیار ۱۰۸
خان محمد ۵۳
خوشحال خان خٹک ۱۶۷
ذبیح اللہ شہید ۹، ۱۱۱، ۱۱۳، ۱۱۴، ۱۱۵، ۱۱۶، ۱۲۰، ۱۲۲
ذکریا سودا ۲۳
سردار خان ۲۳، ۳۶، ۳۹، ۴۰
سعدی ۳۳، ۱۹۴، ۱۹۵
سقراط ۶۳، ۶۴، ۱۷۲
صبغت اللہ مجددی ۱۰۸
صلاح الدین ۲۹، ۵۳
صوفی قربان ۲۹
عبدالباری راشد ۸۰
عبدالرحمن ۵۹
عبدالرحمن بن عوف ۱۳۶، ۱۳۷
عبدالرحمن سیّدخیلی ۵۳، ۶۱، ۶۲، ۶۸، ۷۰، ۷۲
عبد اللہ لغمانی ۱۰۹
عبدالواحد ۱۰۷
عبدالواسع ۳۶
عطا محمد نور ۱۱۳، ۱۱۷، ۱۲۲

- فرعون ۶۳
قاضی حسین احمد ۱۰۸
کام‌بخش ۱۱۰
گل حیدر ۱۰۷
مارشال فهیم ۱۸۷، ۱۸۸، ۱۹۲
محقق ۶۷، ۱۱۴
محمدعلم خان ۱۲۲
محمدعلم خان آزادی ۱۲۲
محمدیونس قانونی، ۷۰، ۱۸۷
ملا بورجان ۱۰۷
ملا شاه جهان ۵۳
منیره ۲۴، ۳۶
مودودی ۳۸
موسی ۶۳
مولانا ۹، ۳۷، ۵۳، ۵۹، ۶۱، ۶۲، ۷۲، ۱۱۴
مولانا عبدالرحمن ۵۳، ۶۱، ۶۲، ۷۲
مولوی ۳۶، ۴۹، ۵۳، ۷۱، ۷۸، ۱۱۳، ۱۱۴، ۱۲۸
مولوی ذاکری ۷۱
مولوی عبدالرّب قندهاری ۷۸
میرامان الله گذر ۶۱، ۷۲
ناصر خسرو ۱۱۴
نورمحمد خان ۱۲۶
نیکسون ۱۹۶
واقف حکیمی ۳۶
ولی‌الله ادیب ۴۵

اماکن:

اروپا ۱۷۲، ۷۷، ۵۲

ازبکستان ۷۰

آسیا ۷۷

افغانستان ۵، ۵۴، ۵۳، ۵۱، ۵۰، ۴۹، ۴۸، ۴۵، ۳۶، ۲۷، ۲۳، ۱۸، ۱۷، ۱۵، ۱۱، ۸، ۷

۹۲، ۹۱، ۸۹، ۸۶، ۸۵، ۸۳، ۸۱، ۸۰، ۷۹، ۷۷، ۷۵، ۷۳، ۷۲، ۶۹، ۶۵، ۶۲، ۵۷، ۶

۱۱، ۱۱۶، ۱۱۵، ۱۱۴، ۱۱۳، ۱۱۰، ۱۰۹، ۱۰۸، ۱۰۷، ۱۰۶، ۱۰۳، ۱۰۱، ۱۰۰، ۹۹، ۹۷

۱، ۱۳۳، ۱۳۱، ۱۲۹، ۱۲۸، ۱۲۷، ۱۲۶، ۱۲۵، ۱۲۳، ۱۲۲، ۱۲۱، ۱۲۰، ۱۱۹، ۱۱۸، ۷

۱۶۸، ۱۶۶، ۱۶۵، ۱۶۱، ۱۶۰، ۱۵۹، ۱۵۷، ۱۵۳، ۱۵۲، ۱۵۱، ۱۴۹، ۱۴۸، ۱۴۷، ۴۵

۱، ۱۸۹، ۱۸۸، ۱۸۶، ۱۸۵، ۱۸۳، ۱۸۰، ۱۷۹، ۱۷۵، ۱۷۴، ۱۷۳، ۱۷۱، ۱۷۰، ۱۶۹

۱۹۶، ۱۹۵، ۱۹۳، ۱۹۲، ۱۹۱، ۹۰

اکادمی علوم ۸۰

أم البلاد ۱۱۴، ۱۱۳

امارت ۶۷

امریکا ۱۹۶، ۱۹۰، ۱۴۸، ۱۴۱، ۱۰۹، ۶۵

انترکانتیننتال ۵۴

اندونیزیا ۳۹

بادغیس ۱۷۶، ۱۷۴

بدخشان ۱۶۶، ۱۱۴، ۵۶، ۵۳، ۴۵، ۴۳، ۳۶، ۲۹، ۲۶، ۲۳، ۲۱، ۹

بغلان ۱۱۳، ۵۳، ۱۰

بلخ ۱۱۰، ۱۱۱، ۱۱۳، ۱۱۴، ۱۱۶، ۱۱۷، ۱۶۶
بُن ۱۱۸، ۱۴۰
بهارک ۹، ۲۱، ۲۳، ۳۶
بهشت ۵۰، ۵۱، ۹۹، ۱۷۱
بیت‌الله ۴۱
پاکستان ۲۹، ۳۸، ۴۹، ۵۰، ۵۱، ۸۰، ۹۹، ۱۲۰
پامیر ۵۳، ۱۹۱
پشاور ۹۹، ۱۰۸
تخار ۵۳، ۵۴، ۵۶
ترکمنستان ۷۰
ترکیه ۱۳۷
ترکیه عثمانی ۱۳۷
جاپان ۸۵، ۸۷، ۱۴۸
جامعه ازهر ۱۳۷
جرم ۲۳، ۲۹
جرمنی ۴۱
جمرود ۵۰
چهار آسیاب، ۶۹، ۱۰۷
خراسان ۶۴، ۷۲
خرقه مبارکه ۱۶۷، ۱۶۶
خوارزم ۱۹۴
خوست ۱۲۸
خیبر پستون خواه ۵۰
دوزخ ۲۶
دیوبند ۳۸، ۱۹۳
روسیه ۷۷

روم ۶۳، ۱۸۶
 سرزمین شمالی ۶۱
 سنگ نوشته ۱۰۷
 شوروی ۷۷
 شیندند ۴۸
 عراق ۲۹، ۱۴۸، ۱۸۶
 عربستان ۲۹، ۴۱، ۹۹، ۱۰۱
 غزنی ۱۰۷
 فرانسه ۱۴۸، ۱۸۶، ۱۸۹
 فرخار ۵۳، ۱۲۸
 فلسطین ۱۰۰
 فیض‌آباد ۲۳، ۲۶، ۱۶۶
 قادس ۱۷۴
 قاهره ۱۳۷
 قبرستان ۱۱۶
 قصر نمبریک ۱۰۷
 قُم ۱۹۳
 قندهار ۵۳، ۱۶۵، ۱۶۶، ۱۶۷، ۱۷۰

کابل ۸، ۱۵، ۲۶، ۲۹، ۳۶، ۵۷، ۵۹، ۶۴، ۶۹، ۷۰، ۷۱، ۷۲، ۷۵، ۸۳، ۸۹، ۹۷، ۱۰
 ۱، ۱۰۳، ۱۰۷، ۱۰۸، ۱۲۳، ۱۲۵، ۱۲۶، ۱۲۹، ۱۳۳، ۱۴۵، ۱۴۹، ۱۵۳، ۱۵۷، ۱۶۵،
 ۱۶۷، ۱۸۳، ۱۸۶، ۱۹۲، ۱۹۳

کراچی ۵۰
 گران و مُنجان ۱۲۸
 کشورهای خلیج ۱۰۱
 کندز ۵۳، ۱۲۸
 کوهدامن ۶۱

کویت ۳۷
کویتہ ۵۶
لندن ۱۳۰
لوگر ۱۰۷، ۱۰۸
ماوراءالنہر ۱۷۵
مدارس ۴۹، ۵۱، ۵۲، ۷۰، ۷۱، ۸۶، ۱۲۶، ۱۳۷، ۱۷۶
مدارس دینی ۴۹، ۵۱، ۷۰، ۷۱، ۸۶
مدینہ منورہ ۱۳۵، ۱۳۶، ۱۴۰
مساجد ۴۸، ۷۰، ۱۲۶، ۱۳۷
مسجد ۳۱، ۵۰، ۱۳۷، ۱۳۸، ۱۳۹، ۱۷۱
مکہ مکرمہ ۴۱
میدانشہر ۶۹
ناروی ۵۶
نجف ۱۹۳
ہرات ۴۸، ۱۷۰، ۱۷۱، ۱۷۴، ۱۷۵
ہلمند ۱۶۹، ۱۷۰
ہند، ۲۹، ۳۷، ۱۷۵
وزیرستان ۵۶
یونان ۶۳

گروه‌ها، احزاب و قبایل:

اتحاد شوروی ۱، ۱۸۸، ۱۸۶، ۱۵۲، ۱۲۶، ۱۲۵، ۱۱۹، ۱۱۷، ۱۱۵، ۱۱۴، ۱۰۶، ۱۸،

۱۹۱، ۸۹

احزاب اسلامی ۳۱

اخوان المسلمین ۳۸

ازبیک ۱۷۹، ۱۶۰

اصحاب صفه ۱۳۹

اصحاب کهف ۱۱۶

اطفال ۸۶، ۵۰

امت اسلامی ۱۳۸، ۷۷

انبیاء ۷۹، ۶۳

انصار ۱۳۹، ۱۳۶

انگلو ساکسن ۱۹۴

انگلیس‌ها ۱۰۶، ۷۷

اهل سنت ۱۴۰

اهل کتاب ۴۶، ۲۷

ایثارگران بلخ ۱۱۶

بدخشانیان ۵۶، ۵۵

بلوچ ۱۶۰، ۱۲۸

- بناها ۱۲۶
- بنی اسرائیل ۵۵
- بنیادگرا ۱۹۰
- پشتون ۱۱۷، ۱۲۸، ۱۶۰، ۱۷۹
- پشه‌ای ۱۲۸، ۱۶۰
- پیامبران ۶۱
- پیره‌مردان ۱۲۶
- تاجران کشورهای خلیج ۱۰۱
- تاجیک ۷۱، ۱۱۷، ۱۲۸، ۱۶۰، ۱۷۹
- تحلیل‌گران ۱۷
- ترکمن ۱۲۸
- جامعه مدنی ۵۷
- جبهه متحد ملی ۱۶۵
- جرگه امن مشورتی ۹۱
- جماعت اسلامی ۳۸
- جمعیت اسلامی افغانستان ۲۷، ۳۶، ۵۳، ۷۲، ۱۱۳، ۱۴۷
- جمعیت‌العلمای اسلام ۳۷
- جمهوری خواه ۱۴۱
- جنبش مشروطه‌خواهی ۷۸
- جهادگران ۱۷۵
- جوانان ۲۸، ۲۹، ۳۶، ۴۵، ۵۰، ۵۷، ۱۱۵، ۱۱۶، ۱۲۶، ۱۳۱، ۱۵۷، ۱۵۹، ۱۷۴، ۱۹
- ۶
- حافظان قرآن کریم ۵۴
- حزب اسلامی ۳۲
- حزب التحریر ۲۸، ۲۹، ۳۴

حماسه‌سازان ۲۴، ۱۶۰

خبازان ۱۲۶

خداپرستان ۲۴

دانشگاهیان ۱۲۶

روزه‌داران ۲۶، ۴۶

روس‌ها ۵۴، ۶۹، ۱۰۷، ۱۰۸، ۱۲۵، ۱۶۷

روشنفکران ۱۵۹، ۱۶۸

زنان ۳۷، ۴۱، ۱۰۰، ۱۲۶، ۱۶۹، ۱۷۲

سلاطین ۶۵

سیاست‌مداران ۹۹، ۱۹۶

شب‌زنده‌داران ۲۴

شهادا ۱۷، ۶۲، ۱۰۰، ۱۰۵، ۱۱۰، ۱۱۳، ۱۶۶، ۱۷۹، ۱۸۷

شورای اخوت ۸۰

شورای عالی صلح ۵۴، ۶۷، ۶۸

شورای علما ۵۷

شورای علمای تشیع ۸۰

شیعه ۸۰، ۱۱۷، ۱۲۲، ۱۲۸

صدیقین ۶۲

طالبان ۴۸، ۴۹، ۵۲، ۵۳، ۵۴، ۵۵، ۵۶، ۶۷، ۶۹، ۷۰، ۸۶، ۱۰۷، ۱۰۹، ۱۱۸، ۱۱۹

، ۱۲۸، ۱۳۰، ۱۳۱، ۱۶۵، ۱۶۶، ۱۷۰، ۱۷۵، ۱۹۰، ۱۹۱

طبقات روشنفکر ۱۲۶

عرب ۲۹، ۴۱، ۱۱۴، ۱۶۰، ۱۸۶، ۱۹۴

علما ۲۳، ۲۸، ۲۹، ۵۷، ۶۷، ۷۹، ۸۰، ۸۱، ۱۱۴

علمای افغانستان ۷۹

علمای جوان ۴۸، ۵۴



- ۵۱،۵۴،۵۵،۷۰،۷۱،۷۷،۷۸،۷۹،۸۱ علمای دینی
 ۸۰ علمای سنی
 ۸۰ علمای شیعه
 ۱۸ عناصر شورشگر
 ۶۴،۷۲ عیاران
 ۳۰ عیسویان
 ۴۶،۱۳۹ غیرمسلمانان
 ۲۵،۷۹ فرشتگان
 ۲۹،۳۱ فقها
 ۱۱۹،۱۹۳ القاعده
 ۱۷،۱۸،۱۲۶ قشون سرخ
 ۴۸،۱۲۶ کارگران
 ۵۱،۵۲ کشیشان
 ۵۱ کشیش‌های مسیحی
 ۱۱۸ کنفرانس بِن
 ۹۹،۱۰۰ کودکان یتیم
 ۱۷۴ لویه جرگه اضطراری
 ۳۶،۳۹،۴۰،۵۴،۶۲،۶۵،۶۹،۹۹،۱۰۰،۱۰۱،۱۰۷،۱۰۸،۱۰۹،۱۱ مجاهدین
 ۷،۱۱۸،۱۱۹،۱۲۰،۱۲۱،۱۲۸،۱۵۱،۱۵۲،۱۵۳،۱۶۰،۱۶۵،۱۶۷،۱۶۸،۱۶۹،۱
 ۷۰،۱۸۶،۱۸۷،۱۸۸،۱۸۹،۱۹۰،۱۹۱
 ۲۳،۳۴،۳۶،۴۰،۷۲ مجلس نمایندگان
 ۱۱،۳۷،۶۲،۱۲۶،۱۳۷ مردان
 ۲۴،۱۷۰ مزدوران
 ۲۵،۲۷،۲۸،۳۰،۳۱،۳۳،۳۴،۳۷،۴۰،۴۶،۴۷،۴۸،۶۶،۷۸،۸۱، مسلمانان
 ۹۹،۱۰۰،۱۲۲،۱۳۵،۱۳۶،۱۳۷،۱۳۸،۱۳۹،۱۴۱،۱۴۲،۱۷۱،۱۷۵،۱۸۹،۱۹۰
 ۱۹۱،۱۹۴

معلولین ۱۷، ۱۰۵

مفتیان جاهل ۴۹

ملل متحد ۸۷

مهاجر ۳۶، ۵۶، ۱۱۳، ۱۳۶

مهاجرین ۹۹، ۱۰۰، ۱۳۶، ۱۳۹

مؤمنان ۲۴، ۶۱، ۶۲، ۶۶، ۱۰۵، ۱۲۶

ناتو ۱۱۹، ۱۲۸، ۱۲۹

نسل جوان ۲۴، ۲۸، ۱۱۵، ۱۲۲، ۱۳۱، ۱۶۱، ۱۷۹

نظامیان ۱۶۸، ۱۷۵

نهیضت اسلامی ۳۸، ۱۱۵

نهیضت اسلامی افغانستان ۱۱۵

نیروهای آیساف ۱۹۲

هزاره ۱۲۸، ۱۶۰، ۱۷۹

یونما ۱۱۹

مفاهیم و اصطلاحات:

آبادی ۲۴، ۱۱۳، ۱۱۷، ۱۷۵

ابتکار ۲۳، ۱۳۰، ۱۸۶

آپارتاید ۱۷۴

اپوزیسیون ۳۸، ۱۳۰

اتحاد ۷۷

اجتماع ۲۳، ۳۵، ۸۱، ۱۵۳، ۱۷۱، ۱۸۵

اجتهاد ۲۸، ۳۳

اجماع ۲۸، ۲۹، ۳۰، ۳۳، ۳۷

اجماع امت ۲۸، ۳۳

اجنبی ۱۸۹

احتیاج ۱۰۰، ۱۳۶

اخلاق ۶۵

اخوت ۸۰، ۱۳۶

ارزش‌ها ۱۸، ۱۱۵، ۱۱۷، ۱۲۰، ۱۲۷، ۱۳۱، ۱۳۸

آزادمنشی ۱۸

آزادی ۱۷، ۲۶، ۵۳، ۷۰، ۱۰۵، ۱۱۰، ۱۱۳، ۱۱۴، ۱۱۶، ۱۱۷، ۱۲۲، ۱۲۶، ۱۲۸، ۱۵

۱، ۱۵۳، ۱۵۷، ۱۵۹، ۱۶۰، ۱۶۱، ۱۶۶، ۱۶۸، ۱۷۳، ۱۷۴، ۱۷۵، ۱۷۶، ۱۷۹، ۱۹۳،

آزادی بیان ۱۱۰
 آزادی خواهی ۱۵۱
 اژدهای سرخ ۱۷، ۱۸
 استبداد ۱۱۵، ۱۲۱، ۱۲۲
 استحسان ۳۲
 استحکام ۱۶۵، ۱۶۷، ۱۷۹، ۱۸۸، ۱۹۲، ۱۹۳
 استخبارات ۴۹
 استخراج ۱۲، ۱۰۱
 استدلال ۲۶، ۳۱، ۴۶
 استعمار ۲۴، ۲۵
 استقلال ۱۷، ۱۸، ۴۵، ۷۰، ۱۰۶، ۱۱۳، ۱۱۴، ۱۱۵، ۱۲۶، ۱۲۷، ۱۲۹، ۱۵۹، ۱۶۱، ۱
 ۶۷، ۱۷۹، ۱۸۶، ۱۸۸، ۱۹۳
 استکیار ۱۱۵
 اسفناک ۱۰۸
 اسلام ۲۵، ۲۸، ۲۹، ۳۱، ۳۳، ۳۴، ۳۷، ۳۸، ۳۹، ۴۰، ۴۱، ۵۰، ۵۴، ۶۳، ۶۵، ۷۸،
 ۹۹، ۱۰۰، ۱۰۱، ۱۱۴، ۱۲۲، ۱۳۷، ۱۳۹، ۱۴۱، ۱۴۲، ۱۵۳، ۱۶۷، ۱۶۹، ۱۷۰، ۱۷۲،
 ۱۷۳، ۱۷۵، ۱۸۰، ۱۸۹، ۱۹۱، ۱۹۳، ۱۹۶
 اشغال ۱۲۵، ۱۲۶، ۱۵۳، ۱۸۸
 آشوب ۱۱۰
 آشوبگر ۵۶، ۱۱۳
 اصلاح‌گری ۶۳
 اعتقاد ۱۷، ۲۸، ۱۴۱
 اغفال ۱۸۹
 افتا ۴۸
 افراط ۱۹۰
 اقتصادی ۲۴، ۲۶، ۸۵، ۸۶، ۹۳، ۱۲۷، ۱۳۱، ۱۵۱، ۱۹۶

امانت ۳۲، ۳۷، ۴۵، ۱۰۶، ۱۶۰، ۱۷۹

امپریالیسم ۲۴

اقت ۲۸، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۴۵، ۷۷، ۸۰، ۱۳۸، ۱۳۹، ۱۴۰، ۱۹۰

امر بالمعروف ۳۲

امنیت ۱۹، ۴۷، ۴۸، ۵۳، ۵۶، ۵۷، ۶۶، ۶۹، ۷۲، ۸۰، ۸۱، ۹۳، ۱۰۹، ۱۲۰، ۱۲۱، ۱۸۰، ۱۸۱

۱۳۰، ۱۵۱، ۱۵۲، ۱۵۹، ۱۶۰، ۱۶۱، ۱۶۷، ۱۶۹، ۱۷۳، ۱۷۴، ۱۷۵، ۱۷۹، ۱۸۰، ۱۸۱

۷، ۱۸۸، ۱۹۰، ۱۹۲، ۱۹۶

امنیت ملی ۱۰۹

انارشیزم ۱۳۸

انتحاری ۵۰، ۵۳، ۸۶

انتخابات ۲۶، ۲۹، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۴، ۳۶، ۳۹، ۱۰۹، ۱۱۸، ۱۲۰

انتقال قدرت ۱۰، ۱۰۸، ۱۶۵، ۱۸۳، ۱۸۶، ۱۸۷

انحطاط ۳۲

انذار ۵۵

انسان ۲۴، ۲۷، ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۴۶، ۴۸، ۵۳، ۶۲، ۶۴، ۶۵، ۷۱، ۱۰۰، ۱۰۹، ۱۳۹، ۱۸۰، ۱۸۱

۱۷۱، ۱۷۲، ۱۷۳، ۱۸۰، ۱۸۹

انسانیت ۱۸۹

انقلاب ۱۱۳

ایجگی ۲۵

ایستادگی ۱۸

ایمان ۱۷، ۳۴، ۱۴۱، ۱۵۱، ۱۶۸

بایمان ۱۸

بازسازی ۱۹، ۵۳، ۱۱۷، ۱۶۰، ۱۶۱، ۱۶۶، ۱۶۷، ۱۶۸، ۱۷۳، ۱۷۵، ۱۷۶، ۱۷۹، ۱۸۰

۸۰

باستان ۶۳

باشکوه ۱۸

باطل ۶۴، ۶۶، ۶۷، ۶۸، ۷۲، ۱۷۲

بشريت ۲۴،۳۸،۶۳،۱۳۵،۱۳۹

بصيرت ۱۷۳

بمبارد ۵۶

بی دین ۳۱،۳۳

بیعت ۲۹،۳۰،۳۸

پاداش ۲۵،۳۸

پارلمان ۳۱،۳۲،۳۳،۳۴،۳۶،۳۷،۳۸،۳۹،۴۰،۶۱،۱۳۰

پرهیز ۴۶

تاریخ ۱۱،۱۷،۱۸،۲۵،۲۶،۶۱،۶۳،۶۵،۶۹،۷۷،۷۸،۸۶،۹۱،۱۰۶،۱۱۳،۱۱۴

،۱۱۵،۱۲۵،۱۲۶،۱۳۱،۱۳۵،۱۳۶،۱۳۷،۱۳۹،۱۴۸،۱۵۲،۱۵۹،۱۶۱،۱۶۳،۱۶۶

،۱۷۱،۱۷۲،۱۷۳،۱۷۷،۱۸۵،۱۸۶،۱۸۷،۱۹۱،۱۹۳،۱۹۴

تبلیغ ۵۲،۵۴،۵۵،۶۴،۱۱۴،۱۶۹

تجاوز ۵۵،۶۴،۶۵،۱۱۵،۱۱۶،۱۱۷،۱۲۱،۱۲۸،۱۳۸،۱۴۸،۱۶۷،۱۶۸،۱۶۹،

۱۸۶،۱۸۸،۱۸۹

تجلیل ۹،۱۸،۱۰۵،۱۰۶،۱۱۱،۱۱۵،۱۱۶،۱۱۷،۱۲۵،۱۲۷،۱۳۳

تجوید ۲۵

تحصیل ۵۰،۱۱۴،۱۷۵

تراویح ۵۱

تروریزم ۱۵۳،۱۶۰،۱۹۰،۱۹۱،۱۹۳،۱۹۴

تسلط ۲۴

تشیح ۷۸،۱۶۱

تعلیم ۴۹،۵۶،۷۱،۱۱۳،۱۵۲،۱۶۹

تعلیم و تربیه ۱۶۹

تفرقه ۱۰۹،۱۷۳،۱۷۹

تفریط ۱۹۰

تفسیر ۱۴۰

تفکر فلسفی ۶۳

تقوی ۱۹۰، ۱۰۶، ۱۰۶

تکنالوژی ۱۱۶

تمدن ۱۹۶، ۱۹۱، ۱۶۹

تمدن غرب ۱۹۶

تهاجم ۱۷۱، ۱۷۰، ۱۲۷، ۱۱۴، ۸۰، ۷۷، ۴۵، ۱۸

تهجد ۵۲

توطیه ۱۷۵، ۱۷۰، ۱۶۸، ۶۷، ۶۵، ۲۸

ثبات ۱۹۳، ۱۹۲، ۱۸۸، ۱۸۷، ۱۶۵، ۱۶۰، ۱۵۲، ۱۲۱، ۳۸

جامعه ۱۷۲، ۱۴۷، ۱۳۸، ۱۰۹، ۵۲، ۴۰، ۳۱

جنایت ۶۶، ۴۹

جنگ ۱۰۷، ۱۰۶، ۹۲، ۸۵، ۷۷، ۶۹، ۶۸، ۶۶، ۵۶، ۵۴، ۵۲، ۴۹، ۴۸، ۱۹، ۱۸

۱۸۶، ۱۷۶، ۱۷۰، ۱۶۹، ۱۶۵، ۱۵۹، ۱۴۸، ۱۳۰، ۱۲۹، ۱۲۷، ۱۲۰، ۱۱۸، ۱۰۹، ۰۸

۱۹۶، ۱۹۵، ۱۹۴، ۱۹۳، ۱۹۲، ۱۹۱، ۱۹۰، ۱۸۹، ۱۸۸، ۱۸۷

جنگ سالار ۱۶۸، ۴۰

جهاد ۶۲، ۶۱، ۵۴، ۵۳، ۵۱، ۴۹، ۴۵، ۴۰، ۳۹، ۳۸، ۳۶، ۳۴، ۲۸، ۲۳، ۱۸، ۱۷، ۷

۱۲۵، ۱۲۱، ۱۱۹، ۱۱۷، ۱۱۵، ۱۱۴، ۱۱۳، ۱۰۸، ۱۰۶، ۱۰۵، ۱۰۱، ۹۹، ۷۲، ۶۷، ۶۳

۱۶، ۱۶۷، ۱۶۶، ۱۶۰، ۱۵۹، ۱۵۷، ۱۵۳، ۱۵۲، ۱۵۱، ۱۴۸، ۱۴۷، ۱۳۱، ۱۲۸، ۱۲۶

۱۹۱، ۱۸۹، ۱۸۸، ۱۸۷، ۱۸۶، ۱۸۵، ۱۷۹، ۱۷۶، ۱۷۴، ۱۷۰، ۱۶۹، ۸

جهاد و مقاومت ۱۶۶، ۱۶۰، ۱۵۹، ۱۵۲، ۱۴۷، ۱۱۹، ۱۱۷، ۱۱۴، ۷۲، ۵۳، ۱۷، ۷

۱۹۱، ۱۸۷، ۱۸۶، ۱۸۵، ۱۷۹، ۱۷۶، ۱۷۴، ۱۷۰، ۱۶۹، ۱۶۸، ۱۶۷

جهان ۸۶، ۸۵، ۷۷، ۶۵، ۶۴، ۵۳، ۴۱، ۳۸، ۳۷، ۳۴، ۳۱، ۳۰، ۲۹، ۲۸، ۲۴، ۱۷

۱۷۲، ۱۷۱، ۱۷۰، ۱۶۰، ۱۵۹، ۱۴۸، ۱۴۰، ۱۳۷، ۱۲۵، ۱۱۵، ۱۱۴، ۱۰۱، ۱۰۰، ۹۱

۱۹۱، ۱۸۹، ۱۷۵

جهل ۱۹۱، ۱۷۵، ۱۶۰، ۷۲

حاکمیت ملی ۱۹۳، ۱۸۸

- جبل المتین ۲۴
 حج ۴۱، ۱۳۸
 حدیث ۱۹، ۲۴، ۲۵، ۳۲، ۳۳، ۴۶، ۵۵، ۵۷، ۹۱، ۱۰۰، ۱۰۶
 حرام ۲۷، ۲۸، ۲۹، ۳۱
 حرکت ۱۸، ۲۹، ۳۸، ۵۱، ۷۱، ۷۸، ۷۹، ۱۰۵، ۱۳۷، ۱۴۸، ۱۶۱، ۱۸۷
 حرمت ۲۷
 حق ۸، ۲۷، ۳۷، ۵۱، ۵۲، ۶۴، ۶۶، ۶۸، ۱۱۰، ۱۱۷، ۱۱۸، ۱۲۱، ۱۶۰، ۱۷۲، ۱۷۳،
 ۱۷۴، ۱۸۹، ۱۹۶
 حقوق بشر ۴۰، ۱۱۹، ۱۶۹
 حقوقی ۲۶
 حلال ۲۷، ۲۸، ۲۹
 حلیت ۲۷
 حماسه ساز ۱۰۶، ۱۲۵
 حیات ۳۹، ۴۷، ۴۸، ۶۳، ۱۰۵، ۱۲۶، ۱۲۸، ۱۷۳، ۱۷۹، ۱۸۵، ۱۸۸، ۱۹۳
 خشونت ۸۶، ۱۴۸، ۱۶۰
 خلافت ۲۸، ۲۹، ۳۰، ۳۱، ۳۴، ۳۵، ۳۸
 خلافت اسلامی ۲۸، ۳۰، ۳۵
 خلیفه ۲۹، ۱۳۷
 خوشباموری ۳۲
 خوف ۴۷
 خیر ۴۷، ۶۴، ۱۰۱
 دایاگ ۱۱۸
 درخشان ۱۸، ۱۷۶
 دردناک ۱۰۸
 دروغ ۴۶، ۵۰، ۵۴

دهشت‌افگنی ۱۶۰، ۱۹۱

دولت اسلامی ۲۸، ۳۸، ۶۹، ۷۰، ۱۰۷، ۱۰۸، ۱۳۶، ۱۳۹

دولت‌سازی ۱۳۵، ۱۳۹، ۱۶۶

دین ۱۱، ۱۷، ۱۸، ۳۰، ۳۱، ۳۷، ۳۸، ۳۹، ۴۷، ۴۹، ۵۰، ۵۱، ۵۲، ۵۳، ۵۵، ۵۷، ۶۳،
۶۴، ۷۰، ۷۲، ۷۷، ۷۸، ۸۰، ۱۱۴، ۱۱۵، ۱۲۶، ۱۲۷، ۱۴۲، ۱۶۱، ۱۶۸، ۱۷۱، ۱۷۳،

۱۷۵، ۱۹۱، ۱۹۲، ۱۹۴

دین‌ستیزی ۱۲۷

رستاخیز ۱۷، ۶۱، ۱۲۷

روزه ۲۴، ۴۶، ۸۵، ۱۰۷

روشنفکر ۱۲۶

زعیم ۳۴، ۵۲

ژئوپلیتیک ۹۲

ساحر ۶۳

سحرانگیز ۹۱

سد ضرایع ۳۲

سربازگیری ۱۹۳

سقوط ۲۹، ۳۰، ۳۲، ۳۵، ۶۵، ۱۰۸، ۱۱۸

سکولار ۳۰، ۳۱

سیلاح ۱۱۸، ۱۲۰، ۱۲۸، ۱۵۱، ۱۵۲، ۱۷۰، ۱۷۵، ۱۸۰، ۱۹۲

سنت ۳۱، ۳۳، ۳۸، ۳۹، ۷۸، ۱۱۰، ۱۴۰

سنتی ۸۰، ۱۱۷، ۱۲۲، ۱۲۸

سوسیالیزم ۳۵، ۳۸

سوق ۲۴، ۵۱

سیاست ۲۹، ۳۰، ۳۱، ۳۳، ۴۹، ۵۲، ۹۲، ۱۱۸، ۱۲۰، ۱۶۱، ۱۷۱، ۱۷۴

سیاسی ۸، ۱۱، ۲۴، ۲۶، ۲۸، ۳۳، ۳۷، ۵۳، ۷۷، ۸۵، ۸۶، ۹۳، ۱۰۹، ۱۱۴، ۱۲۶، ۱

رویکردها



** قرآن کریم؛

(الف) منابع عربی:

- ۱- ابن ابی دنیا، الإمام الحافظ أبی بکر عبدالله بن محمّد (۱۴۱۸). الأمر بالمعروف و النهی عن المنکر، تحقیق: صلاح بن عایض الشلاحی، الطبعة الأولى، مكتبة الغرباء الأثرية، المملكة العربية السعودية؛
- ۲- ابن کثیر، عمادالدين اسماعيل بن عمر (۲۰۰۴). طبقات الشافعية، تحقیق: عبدالحفيظ منصور، الطبعة الأولى، دارالمدار اسلامي، بيروت، لبنان؛
- ۳- الألبانی، محمّد بن ناصر (۱۴۱۵). السلسلة الأحاديث الصحيحة، الناشر: مكتبة المعارف؛
- ۴- الألبانی، محمّد بن ناصر. (۱۴۱۹). صحيح سنن أبی داود، الطبعة الأولى، مكتبة المعارف، للنشر والتوزيع، رياض؛
- ۵- الأندلسي، الإمام حافظ ابن عبدالبر (۱۴۲۹). التمهيد لما في الموطأ من المعاني والأسانيد، المحقق: أسامة بن إبراهيم، الطبعة الرابعة، الناشر: الفاروق الحديثة للطباعة والنشر؛
- ۶- البخاري، محمّد بن إسماعيل (۱۴۰۷). صحيح البخاري، دارابن كثير: بيروت - لبنان، الطبعة الثالثة؛
- ۷- التَّرْقُفِيُّ، عَبَّاسُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ (۲۰۰۴). حديث عباس الترقفي، الطبعة: الأولى، الناشر: مخطوط نُشر في برنامج جوامع الكلم المجاني التابع لموقع الشبكة الإسلامية؛
- ۸- الترمذي، محمّد بن عيسى أبو عيسى (بي تا). سنن الترمذي، الناشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت، تحقيق: أحمد محمّد شاکر وآخرون؛
- ۹- التميمي، محمّد بن حبان بن أحمد أبوحاتم (۱۴۱۴). صحيح ابن حبان

- بترتيب ابن بلبان، تحقيق: شعيب الأرنؤوط، الطبعة الثانية، الناشر: مؤسسة الرسالة - بيروت؛
- ١٠- الحاكم، أبي عبدالله (١٤٢٧). *المستدرک علی الصحیحین*، الطبعة الأولى، (بی جا)؛
- ١١- خفاجی، محمد عبدالمنعم (١٤٠٨). *الأزهر فی ألف عام*، ناشر: عالم الكتب، الطبعة الثانية، بیروت، لبنان؛
- ١٢- رضا، محمد رشد (١٤١٤). *تفسیر القرآن الحکیم الشهیر: بتفسیر المنار*، محاضر: محمد عبده، ناشر: دارالمعرفة، محل نشر: بیروت - لبنان؛
- ١٣- السجستاني، سليمان بن الأشعث أبو داود (بی تا). *سنن أبي داود - محقق وبتعليق*، الناشر: دارالكتاب العربي - بیروت؛
- ١٤- الشكعة، مصطفى (١٩٨٥). *الأئمة الأربعة*، دارالكتاب اللبناني، چاپ بیروت؛
- ١٥- الصلابی، د. علی محمد (١٤٢١). *الدولة العثمانية*، عوامل النهوض وأسباب السقوط، الطبعة الأولى، دارالتوزيع والنشر الإسلامية؛
- ١٦- الطبرانی، حافظ أبي القاسم بن سليمان بن احمد (١٤١٥). *معجم الأوسط*، الناشر: دار الحرمين، للطباعة والنشر والتوزيع، القاهرة؛
- ١٧- القرضاوی، الدكتور يوسف (١٣٨٧). *التطرف العلمانی فی مواجهة الإسلام (نموذج تركيا وتونس)*، دارالشروق، القاهرة؛
- ١٨- مجموعة من المؤلفين (١٤١٧). *الدرر السنیة فی الأجوبة النجدیة*، عبدالرحمن بن محمد بن قاسم، الطبعة: السادسة، (بی جا).

ب) منابع فارسی:

- ۱- احمدی‌قاف، اسماعیل (۱۳۹۳). دولت عثمانی از اقتدار تا انحلال، ترجمه: رسول جعفریان، چاپ سوّم، ناشر: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ایران؛
- ۲- آشوری، داریوش (۱۳۹۳). دانشنامه سیاسی، چاپ: بیست‌وسوّم، ناشر: انتشارات مروارید، محل نشر: تهران، ایران؛
- ۳- انصاری، سلطان‌محمد (۱۳۹۴). جغرافیای عمومی ولایات افغانستان، نوبت چاپ: اوّل، ناشر: انتشارات بین‌المللی سرور سعادت، محل چاپ: کابل، چهارراهی دهن باغ؛
- ۴- بارکزهی، عابد حسین (۱۳۸۰). جماعت اسلامی پاکستان، تهران، نشر احسان؛
- ۵- بنا، امام شهید حسن (۱۳۸۰). نگرش‌هایی در اسلام، مترجم: مصطفی اربابی، ناشر: سنّت تایباد، ایران؛
- ۶- بیّات، عبدالرسول و جمعی از نویسندگان (۱۳۸۷). فرهنگ واژه‌ها، نوبت چاپ: دوّم، ناشر: مؤسسه اندیشه و فرهنگ دینی؛
- ۷- جهنی، مانع بن حماد (۱۳۸۷). شناخت ادیان و مذاهب معاصر، مترجم: م. ط. عطایی، کابل: دانش خپرندویه تولنه؛
- ۸- حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۸۴). اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک، انتشارات پاپلی؛
- ۹- حسن، مهدی (۱۹۹۰). پاکستان کی سیاسی جماعتین، لاهور؛
- ۱۰- حق‌شناس، شیراحمد نصری (۱۳۸۵). تاریخ تحولات سیاسی جهاد افغانستان، ج: ۱، چاپ دوّم (با تصحیح و اضافات)، محل چاپ: مطبوعه

- نُعمانی، ناشر: انتشارات نُعمانی، کابل، افغانستان؛
- ۱۱- خالد، خالد محمّد (۱۳۹۴). مردان گرداگرد پیامبر، مترجم: کیومرث یوسفی، تهران - ایران، ناشر: نشر احسان؛
- ۱۲- خلیلی، خلیل الله (۱۳۹۴). عیاری از خراسان، نشر زریاب، کابل، افغانستان؛
- ۱۳- دانشیار، امیر اعتماد (۱۳۷۱). جنگ افغانستان و شوروی عامل فروپاشی جهانی کمونیزم، نوبت چاپ: اول، چاپ: گلینی، ناشر: مؤسسه انتشارات بهینه، تهران، ایران؛
- ۱۴- دفارژ، فیلیپ مورو (۱۳۹۲). فرهنگ ژئوپلیتیک، ترجمه: سید حامد رضیئی، انتشارات فرهنگ معاصر؛
- ۱۵- دهخدا، علی اکبر (۱۳۴۲). لغت نامه، محل نشر: تهران، ایران؛
- ۱۶- رادی فیش (۱۳۸۸). مولانا جلال الدین محمّد بلخی، مترجم: محمّدعالم دانشپور، چاپ دوّم، کابل مطبوعه اعتماد؛
- ۱۷- ربانی، برهان الدین (۱۳۹۰). خط رهبر جلد ۱، (مجموع سخنرانی های ۱۳۹۰ رهبر شهید پروفیسور برهان الدین ربانی)، چاپ نخست، ناشر: مرکز تدوین آثار رهبر شهید، چاپخانه: مطبوعه شبیر، کابل، افغانستان؛
- ۱۸- ربانی، برهان الدین (۱۳۹۰). قیام توفنده در قلب کشور، چاپ سوّم، ناشر: مرکز تدوین آثار رهبر شهید، مطبوعه شبیر، کابل، افغانستان؛
- ۱۹- ربانی، برهان الدین (۱۳۹۲). خط رهبر جلد ۲ (مجموع سخنرانی های ۱۳۸۹ رهبر شهید پروفیسور برهان الدین ربانی)، چاپ: نخست، ناشر: مرکز تدوین آثار رهبر شهید، محل نشر: کابل، افغانستان؛
- ۲۰- رزق، جابر (۱۳۸۰). اخوان المسلمین در کشتارگاه های ناصر، مترجم: مصطفی اربابی، ناشر: تایباد، ایران؛
- ۲۱- رستم پور، عاشق الله (۱۳۹۱). سپیدار آزادی ۲، ناشر: بنیاد شهید مولانا سیّد خیلی؛
- ۲۲- سباعی، د. مصطفی (۱۳۹۱). سیرت نبوی، درس ها و اندرزها، مترجم: فضل الرحمن فاضل، ناشر: بنگاه انتشارات میوند، کابل، افغانستان؛

۲۳- سعدی، مشرف‌الدین مصلح بن عبدالله شیرازی (۱۳۹۵). بوستان، تصحیح و مقدمه: محمدعلی فروغی، نوبت چاپ، اول، چاپخانه طلایه، تهران - ایران؛

۲۴- سعدی، مصلح‌الدین شیرازی (۱۳۹۰). گلستان، بر اساس نسخه محمد علی فروغی، به کوشش: کاظم عابدینی مطلق، ناشر: محراب دانش، چاپ: مهارت، تهران، ایران؛

۲۵- شارق، محمدکاظم (۱۳۶۰). ارزش خون در کمونیزم و اسلام، (مقاله)، میثاق خون، ص: ۴۴، شماره سیزدهم، ناشر: انجمن نویسندگان و سخنوران جمعیت اسلامی افغانستان؛

۲۶- عباسقلی، غفاری فرد (۱۳۹۰). تاریخ اروپا: از آغاز تا پایان قرن بیستم، تهران، چاپ سوّم، محل نشر: تهران، ایران؛

۲۷- عبدی، حسن (۱۳۸۶). «بررسی روش‌شناسی و الگوشناسی افلاطون با تأکید بر رساله تیمائوس»، معرفت فلسفی، (بی‌جا)؛

۲۸- علی بابایی، غلام‌رضا (۱۳۸۷). فرهنگ سیاسی آرش، چاپ سوّم با اضافات، ناشر: انتشارات آشیان، محل چاپ: تهران، ایران؛

۲۹- علیخانی، علی‌اکبر و همکاران (۱۳۸۴). اندیشه سیاسی در جهان اسلام از فروپاشی خلافت عثمانی، جلد دوم، پژوهشگاه علوم انسانی، فرهنگ و مطالعات اجتماعی جهاد دانشگاهی، چاپ اول؛

۳۰- قرضاوی، دکتور یوسف (۱۳۸۱). اخوان المسلمین هفتاد سال دعوت، تربیت و جهاد، مترجم: عبدالعزیز سلیمی، چاپ نخست، ناشر: نشر احسان، محل نشر: تهران، ایران؛

۳۱- کاپلستون، فردریک (۱۳۸۰). تاریخ فلسفه، مترجم: سید جلال‌الدین مجتوبی، انتشارات: علمی و فرهنگی، تهران؛

۳۲- گیلانی، سیداسعد (بی‌تا). جماعت اسلامی ۱۹۴۱ تا ۱۹۴۷، لاهور، پاکستان؛

۳۳- مبارز، عبدالحمید (۱۳۹۰). تحلیل سیاست خارجی افغانستان از احمدشاه بابا درانی تا حامد کرزی، ناشر: انتشارات سعید، نوبت چاپ: اول،

چاپخانه سباون، کابل، افغانستان؛

۳۴- مجتبیایی، فتح الله (بی تا). دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، ج: ۴، مقاله
۱۳۵۶، بی جا؛

۳۵- محمود، صفدر (۱۹۹۶). پاکستان: تاریخ و سیاست، ۸۸-۱۹۴۷،
لاهور؛

۳۶- مرادی، صاحب نظر (۱۳۸۹). بدخشان در تاریخ، ج: ۱ و ۲، ناشر:
انتشارات خیام؛

۳۷- معین، محمد (۱۳۹۱). فرهنگ فارسی معین، ناشر: مؤسسه انتشارات
امیرکبیر؛

۳۸- نبهانی، تقی الدین (۱۴۳۴). خلافة، (Pdf)، چاپ چهارم، نشرات امت،
کابل، افغانستان؛

۳۹- هفته نامه مجاهد؛ ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان، ص: ۷، دور
ششم، سال دهم، شماره نهم، ۱۴ جوزای ۱۳۹۰ هـ ش؛

۴۰- هفته نامه مجاهد؛ ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان، ص: ۲،
چهارشنبه، ۱۱ قوس ۱۳۸۲، دور ششم، سال سوم، شماره ۲۳؛

۴۱- هفته نامه مجاهد؛ ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان، ص: ۲،
شماره ۱، شنبه ۱۱ عقرب ۱۳۸۱ هـ ش، «گفت و گوی استاد با تلویزیون نور» و
هفته نامه مجاهد، ص: ۶، دور ششم، سال هفتم، شماره: ۲۹، شنبه، ۷ جدی
۱۳۸۷ هـ ش؛

۴۲- هفته نامه مجاهد؛ ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان، ص: ۳، دور
ششم، سال یازدهم، شماره ۳۴، ۱۸ قوس ۱۳۹۱ هـ ش؛

۴۳- هفته نامه مجاهد؛ ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان، شماره
بیست و چهارم، یکشنبه ۷ ثور ۱۳۸۲ هـ ش؛

۴۴- هفته نامه مجاهد؛ ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان، شماره ۲۸/
۳ / ۱۳۸۲ هـ ش؛

۴۵- روزنامه ماندگار؛ ص: ۴، سال چهارم، شماره ۸۲۴، یکشنبه، ۷ جوزای
۱۳۹۱ هـ ش؛

۴۶- وبسایت گنجور؛ ناصر خسرو، تاریخ دریافت: ۲۰۱۹/۰۷/۳۰ م،

ساعت: ۰۲:۰۵ بعد از ظهر؛

۴۷- وبسایت همشهری آنلاین؛ زندگی‌نامه اخضر ابراهیمی؛ تاریخ نشر:
جمعه ۲۰ اسد، ۱۳۹۱ - ۰۳: ۴۵: ۱۳، کود مطلب: ۱۸۰۵۴۱، details/ir///،
۱۸۰۵۴۱/hamshahrionline.ir.

ج: منابع انگلیسی:

1-M. Rafique Afzal, «Pakistan: struggle for an Islamic state, 1947-1971», in *Islam in south Asia*, ed. Waheed-uz-Zaman and M. Saleem Akhtar, Islamabad: National Institute of Historical and Cultural Research, 1993

2-Aziz Ahmad, *Islamic modernism in India and Pakistan: 1857-1964*, London 1967

3-Sayyid A.S. Pirzada, *The politics of the Jamiat Ulema-i Islam Pakistan: 1971-1977*, Karachi 2000